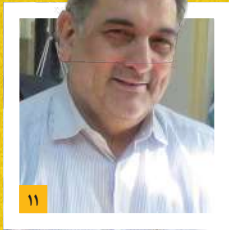




۲۰

گفت‌وگو با دکتر فرخ‌الدین
دانش‌آشتیانی با موضوع
آموزش ترکیبی
**مدارس مفید؛
پیشروبانگاه
به آینده**



۱۱

گپ و گفت خودمانی با پیروز
حناچی، شهردار سابق تهران
**مفیدی‌های شاغل
در شهرداری رابه
همکاری دعوت کردم**



۴

دیدار با حامد شکوری گنجوی
یکی از مفاخر مدرسه مفید
**خاطراتی خواندنی از
نخستین روزهای تحصیل
در «مفید» تا دوران جنگ
و روزگار پس از آن**

آموزش ترکیبی ویژگی‌ها و فرصت‌ها

پس از شیوع کرونا، آموزش در مدارس مفید به صورت ترکیبی دنبال شد و مدیریت این مدارس که پیش از شیوع همه‌گیری نیز در پی تحول دیجیتال بود، فعالیت‌های درخوری را در این عرصه‌ی جدید آغاز کرد. از این رو در مجموعه مدارس مفید، کمیته‌ای به این منظور تشکیل شد تا آموزش ترکیبی کامل‌تر شود و کمک کند مدارس مطلوبی مطابق با علم روز و البته رو به آینده شکل بگیرند. در این باره با تعدادی از استادان و صاحب‌نظران مدارس مفید گفت‌وگوهایی را انجام داده‌ایم که هر یک از زوایایی متفاوت به این نوع آموزش و چشم‌اندازهای آن پرداخته‌اند. گفت‌وگوهایی متنوع که خواندشان خالی از لطف نیست.

صابر کرباسچی، راهبر آموزشی دبستان مفید قلهک

معلمان در آموزش ترکیبی نیاز به مربی دارند

۵۳

حمید محمد پناهی‌ها، راهبر آموزشی دبیرستان دوره اول مفید

مهم‌ترین رکن آموزش ترکیبی پشتیبانی معلم است

۵۶

محمد رضا محمد هاشمی، راهبر آموزشی دبیرستان مفید قیصریه

انتقال تجربه مهم‌ترین موضوع است

۶۶



آموزش ترکیبی
=
آموزش حضوری
+
آموزش برون خط (آنلاین)
+
آموزش بیرون خط (آفلاین)





قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛
خير دنيا و آخرت با دانش است و شر دنيا و آخرت با نادانی.

(بحار الانوار، ج ٢٩، ص ١٢٠)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجموعه آموزش ترکیبی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر فخرالدین دانش آشتیانی

سر دبیر: سیدحسام‌الدین موسوی نیا

دبیر تحریریه: فرزام شیرزادی

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی، مهدی سلامی، بهروز قلی‌پور

عکس: مرتضی کیانفر، امین فتح‌الله زاده و سید فرید موسوی نیا

با تشکر از: دکتر پیروز حناچی، دکتر حامد شکوری گنجوی و محمدرضا میبیدی

همکاران تحریریه و فنی: فرشاد شیرزادی، سیدپگاه رضازاده، مرجان آقبلاغی، حسام شیرمحمدی، رضا حسینی

راد، سروش یاری، جواد رحیمی

همکاران مدارس: غلامرضا خان بابایی، هادی کریم زادگان، ندا نکوفر، صابر کرباسچی، اعظم منتظری، محمدرضا

دهقانی، حمید محمد پناهی‌ها، سید رضا میرقاسمی، محمدرضا محمد هاشمی، سید مهدی بشارت، میثم رحیمی

رتکی، حسین فاطمی مقدم، محمدرضا توانا، سهیل محبوب صابری، الهام شیبانی و امیر حسین ساران

نشانی: خیابان ولی عصر (عج)، پایین تر از میدان ونک، روبروی گاندی ۱۲، ساختمان خورشید، طبقه هفتم

تلفن: ۰۲-۸۸۶۷۹۸۸

آرای مندرج در مطالب نشریه، ضرورتاً باینگر رای و نظر مسئولان مجتمع آموزشی مفید نیست.



آیت الله العظمی موسوی اردبیلی (ره)

بنیانگذار مدارس مفید

ما روزی پنج شش ساعت بچه هایمان را به مدرسه می فرستیم و بقیه روز هم بچه ها در اختیار خودمان هستند. به روشنی پیداست که اگر اولیای دانش آموزان و مربیان آنها به طور مشترک برای تعلیم و تربیت آنها اقدام نکنند تلاش آنها بی نتیجه خواهد بود.

خطبه های نماز جمعه ۲۵ مهر ۱۳۶۵



۲۸

محمدرضا دهقانی

**ضرورت آموزش
معلمان
در دوران جدید**



۲۴

داریوش کریم زادگان

**خانواده و مدرسه
ارتباط دوسویه
آموزش ترکیبی و
دیجیتال**



۴۲

سید مهدی بشارت

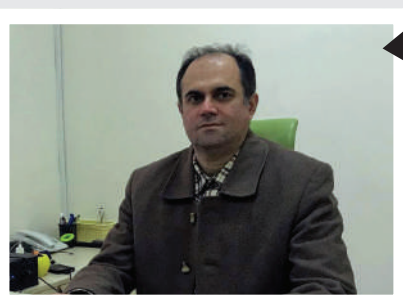
**آینده از آن معلمان
است که خودشان
را با موقعیت وفق
می دهند**



۳۲

محمدرضا میبیدی

**آموزش ترکیبی
راهی که عبور از آن
ناگزیر است**



۵۰

غلامرضا خان بابایی

**نقش مؤثر
آموزش ترکیبی در
مسئولیت پذیری
دانش آموزان**



۴۶

ندانکوفر

**ویژگی های متعدد
آموزش ترکیبی**

سلامی دوباره و آغازی نو

کشورهای توسعه یافته و پیشرفته رواج داشته، در دستور کار خود قرار داده است.

آموزش ترکیبی به عنوان موضوع این شماره از نشریه انتخاب شده و در این شماره سعی کرده‌ایم در گفت‌وگو با مدیران و دست‌اندرکاران مدارس و ستاد مرکزی مجتمع آموزشی مفید و همچنین صاحب‌نظران دانشگاهی، مجموعه‌ای از مطالب و نظرات کارشناسی را برای آشنایی بیشتر مخاطبان نشریه با موضوع آموزش ترکیبی فراهم کنیم.

و در نهایت اینکه، نشریه خانواده مفید با هدف حفظ محیط زیست و ترویج فرهنگ استفاده از فضای مجازی و دیجیتال، در دوره‌ی جدید خود، رویکرد چاپ و انتشار کاغذی نداشته و فقط به صورت الکترونیکی و از طریق سایت، کانال و صفحه رسمی شبکه‌های اجتماعی مجتمع منتشر خواهد شد.

نشانی‌های مجتمع آموزش مفید در فضای مجازی:

www.mofidsch.ir

www.instagram.com/mofid.official

https://t.me/mofid_sch

نشریه خانواده مفید پس از وقفه‌ای طولانی و در دوره جدید منتشر شده و در اختیار خانواده بزرگ مفید و مخاطبان این مجتمع آموزشی قرار گرفته است.

انتشار نشریه با توجه به شیوع ویروس

کرونا و آثار این بیماری فراگیر، بر فعالیت‌های آموزشی و حضور یا عدم حضور دانش‌آموزان در مدارس و محدودیت‌های ارتباطی ناشی از شیوع این ویروس، با سختی‌هایی همراه بود؛ امیدواریم در دوره جدید انتشار، با همکاری و همدلی تمام اعضای خانواده بزرگ مفید، نشریه‌ای تأثیرگذار در معرفی و تبیین چشم‌انداز آینده و همچنین کیفیت اجرای فعالیت‌های جدید، در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

فعالیت‌های آموزشی در سراسر دنیا، تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا تغییر و تحول زیادی را به خود دید و معلمان و دانش‌آموزانی که فضای دیجیتال و دستگاه‌های ارتباطی و اینترنت را تنها برای مصارف شخصی استفاده می‌کردند، در این مدت، به ناچار از دستگاه‌های الکترونیکی و اینترنت برای کار و فعالیت حرفه‌ای خود استفاده کردند.

فعالان حوزه آموزش، با مفاهیم و فعالیت‌های جدیدی مانند کلاس مجازی و آموزش ترکیبی آشنا شدند و مدیران و دبیران مجتمع آموزشی مفید نیز همراه با این رویکرد نو، تلاش کرده‌اند که به بهترین شکل ممکن خدمات آموزشی خود را ارائه کنند.

مجتمع آموزشی مفید با توجه به گسترش فرهنگ استفاده از فضای دیجیتال در فعالیت‌های آموزشی و با هدف استفاده از این فرصت ارزشمند، استفاده از آموزش ترکیبی را به رغم مشکلات و سختی‌های اجرای این روش نوین آموزشی، که پیش از شیوع کرونا نیز در بسیاری از مدارس



سید حسام‌الدین موسوی نیا
سرمدیر



خاطراتی خواندنی از نخستین روزهای تحصیل در «مفید» تا دوران جنگ و روزگار پس از آن

گفت‌وگو با حامد شکوری گنجوی یکی از مفاخر مدرسه مفید

▼ مسافرت جهادی دوره ۹ و ۱۰



از اینکه از انتخاب چند مدرسه از جمله نیکان و مدرس منصرف شدیم، مدرسه مفید را که تازه تاسیس بود، برای تحصیل به ما معرفی کردند که نقطه عطفی را در زندگی ما موجب شد.

■ آن زمان مفید چگونه مدرسه‌ای بود؟

آن زمان مفید در منطقه حاشیه شهر بود. آنجا هنوز خیابان‌کشی درستی نداشت و اطراف آن محل تجمع زباله بود. تپه‌های خاکی زیادی اطراف مدرسه به چشم می‌خورد. به نوعی می‌توان گفت که آن منطقه حلبی‌آباد محسوب می‌شد. در اطرافش مردم با حلبی خانه ساخته بودند و آنجا زندگی می‌کردند. من و وحید نخست که وارد آن منطقه شدیم، حیرت کردیم. اما پس از عبور از این حلبی‌آباد به ساختمانی نوساز رسیدیم، همان مدرسه مفید در همسایگی خوابگاه دانشگاه شریف. خوشبختانه در مدرسه آقای ظفرقندی را دیدیم که یادم هست در دبستان علوی معلم ورزش ما بود.

■ آشنایی با آقای ظفرقندی به چند سال پیش از سال ۱۳۵۸ بازمی‌گشت؟

شاید پنج سال پیش‌تر. آن آشنایی برای من نقطه مثبت و امیدواری به شمار می‌رفت. همچنین متانت شخصیت مدیر مدرسه، مرحوم حاج آقای شکوری، و هم نام بودن ایشان برایم جذابیت‌هایی داشت. در صدر معلمان و گردانندگان دیگر در مدرسه آن روز باید از آقایان رفیعی و دانش (حفظهم الله) نیز یاد کنم.

■ ادامه تحصیلتان در آن مقطع چه شد؟

آقای ظفرقندی همان روز صحبت کوتاهی با من و وحید داشتند و اطلاع دادند که فردا برای امتحان ورودی بیاییم. فردا دوباره با گذشتن از همان مسیر جاده نیمه خاکی و ... به مدرسه رسیدیم. امتحان ساده بود. آقای دانش همان روز اطلاع دادند که فردا، یعنی ۳۱ شهریور برای ثبت‌نام مراجعه کنیم و

حامد شکوری گنجوی، استاد دانشگاه و دارای دکتری مهندسی کنترل است. او که از اوایل انقلاب در مدرسه مفید درس خوانده، خاطراتی به یادماندنی از مدارس مفید دارد. شکوری یکی از همراهان و همکاران نخستین مدرسه راهنمایی مفید است. او می‌گوید: «بچه‌ها باید دوستان خوبی برای خودشان در طول تحصیل بیابند و پدر و مادرها هم در این امر باید آنها را یاری کنند. رجوع به گذشته پاک و معصوم آنها در ادامه زندگی و تا پایان عمر می‌تواند برای آنها چراغ راه آینده باشد.» گفت‌وگوی ما را با این چهره به عنوان یکی از مفاخر نخبه مدرسه مفید بخوانید.

■ قدری از خودتان برایمان بگویید. کجا متولد شدید، کودکی، نوجوانی و جوانی‌تان در چه شهری گذشت؟ تحصیلات ابتدایی را کجا گذراندید؟ چه موضوع و رخدادی در زندگی‌تان در طول سالیان نقطه عطف در حرفه و کارتان محسوب می‌شود؟

من سال ۱۳۴۳ خورشیدی در تبریز متولد شدم. سال‌های پیش از دبستان را در تهران بزرگ شدم و سواد را با قران و آموزش خواهرانم آموختم. گرچه در مصاحبه ورودی دبستان علوی برای کلاس دوم دبستان پذیرفته شدم، دبستان را در مدرسه «صفا» در تبریز شروع کردم. از تولد تا سوم دبستان به دلیل شرایط شغلی و اهمیت سلامتی پدرم، چندبار بین تهران و تبریز در رفت و آمد بودیم. سال‌های بعد را تا سال انقلاب در مدرسه علوی ادامه دادم. از اواخر پاییز سال ۱۳۵۷ تا اسفند مدرسه تعطیل بود. بعد از آن هم به دلیل فعالیت‌هایی که بچه‌ها در مدرسه و بیرون از آن داشتند و بعضاً با گروه‌های فعال سیاسی هم در ارتباط بودند، مدرسه گاهی بی‌نظم می‌شد. در اواخر شهریور سال ۱۳۵۸ وقتی در شیراز به نزد برادرم بودم از تهران تماس گرفته و اطلاع دادند که مدرسه گفته بیایید پرونده دانش‌آموز را بگیرید و جای دیگری ثبت‌نام کنید. مسئولان مدرسه علوی تصمیم گرفته بودند دو دوره (ما و دوره بالاتر) را منحل کنند. من و پسرخاله ام مهندس وحید صدقی زاده، دو یا سه روز مانده به پایان شهریورماه، پس

روز نخست مهر وارد کلاس مدرسه شدیم.

■ قدری فضای آن مدرسه را بیشتر وصف کنید. امکانات مدرسه و دانش‌آموزانش را چگونه یافتید؟

بیش از همه فعالیت بچه‌هایی که طی همان سه روز پیش از مهر برای تکمیل تجهیزات مدرسه نوساز کمک می‌کردند، جذب مان کرد. به ویژه شهید امیرامین را خاطر م هست که صمیمانه مشغول بودند و ما را هم به مشارکت دعوت می‌کرد. شمار دیگری از بچه‌ها هم بودند که البته خاطر شهید امین تا امروز در ذهنم باقی مانده است. از همکلاسی‌های مدرسه علوی هم آقای مهندس عباس نجفی را دوباره دیدیم که از بهترین و صمیمی‌ترین دوستانم تا به امروز هستند.

■ از چه مقطعی در مدرسه مفید درس می‌خواندید؟

از سال دوم نظری که همان سال دهم از ۱۲ سال یا سال اول از مقطع دوم دبیرستان با تعریف فعلی می‌شود، تا پایان دبیرستان در مدرسه مفید بودم. زندگی البته تابع درجه سه نیست که بگویم کجا نقطه عطف محسوب می‌شود. نقاط عطف زیادی در دوران تحصیل و پس از آن دارم. اما بی‌شک یکی از نقاط عطف زندگی‌ام همین ورود به مجموعه مفید است. یک نقطه عطف دیگر مهاجرت از تبریز به تهران بود که وارد مدرسه علوی شدم. همه این‌ها تحولات، تغییراتی در زندگی‌ام به وجود آورد. اما شیرینی ورود به مفید و فضای صمیمی و گرم همکلاسی‌ها و معلمان بهترین هدیه مفید به من بوده است. هنوز هم با دوستان هر دو مدرسه علوی و مفید ارتباط دارم و صمیمی‌ترین دوستانم به شمار می‌روند؛ به ویژه آن‌ها که در هر دو مدرسه با هم بودیم. دوستان مفیدی شاید به دلیل همان خاکی بودن (نه البته خاکی بودن فیزیکی اطراف مدرسه!) صمیمی‌تر بوده‌اند. یکی از دلایلی هم این است که از دبستان و راهنمایی به بعد، از بیشتر دوستان مدرسه علوی جدا شدم و در سنین نوجوانی و جوانی در مدرسه مفید فضای جدیدی به رویم گشوده شد. اما به هر حال نوع برخورد صمیمانه دست‌اندرکاران و دانش‌آموزان مفید از همان اول به قلب و روحم نفوذ کرد و بعد هم با همکاری ادامه یافت.

■ اگر بخواهید یک دو نمونه از خاطراتتان را از مجموعه مفید که همواره در ذهن دارید و به نوعی برایتان مطلق شده، بازگو کنید، آن یک دو خاطره کدام‌اند؟

نگرانم که بیان یکی از این خاطرات، ده‌ها و صدها خاطره دیگر را که در دوره تحصیل و تدریس در مفید داشته‌ام، تحت‌الشعاع قرار دهد و دیگر خاطراتم را کم‌اهمیت جلوه دهد. البته چنین نیست و همه آن خاطرات تأثیرگذاری خاص خودشان را دارند. از ۳ سال دوران تحصیلم اگر بخواهم نقطه جذابی را



▲ همکلاسی‌های دوره دو

بیان کنم، برگزاری مسابقات است. مسابقاتی که انواع مختلف داشت. در سال دهم از کتاب اقتصاد مرحوم گلزاده غفوری قسمت‌هایی را خلاصه و از آنها پرسش استخراج می‌کردم. مسابقات آزمون هوش برگزار می‌کردم، آن هم زمانی که به دلیل انقلاب فرهنگی نه کنکور و نه کلاس‌های کنکور مطرح بود. دکتر ظفرقندی هم این آزمون‌ها و این نوع فعالیت‌ها را تشویق می‌کرد. به همراه دوست عزیزم آقای نجفی مسابقاتی هم بر مبنای کتاب‌های شهید مطهری برگزار کردیم. اما در مجموع از همه جذاب‌تر مسابقات قرآن بود که برایم تجارب و آموزش‌های چند سویه دربرداشت و مدرسه هم از آنها حمایت می‌کرد. بازم هم همت مهندس نجفی، از بهترین دوستان در زندگی‌ام، باعث شد که این مسابقات را با اینکه در سال آخر دبیرستان درس می‌خواندیم و کنکور در پیش داشتیم، راه بیندازیم.

وقتی که به این کار اختصاص می‌دادیم، وقت پرفایده و پربرکتی برای خودم به شمار می‌رفت. مثل خیلی از کارهای مدرسه که آن سال‌ها به عهده بچه‌ها (از جمله شهیدان امین و یا مرحوم رضوی و ...) بود، بیشتر مراحل اجرای مسابقات قرآن برعهده خودمان بود (معلمان گرفتاری‌های مرتبط با انقلاب، دولت و جنگ داشتند). جزوه‌هایش را تهیه می‌کردیم.

طرح پرسش‌های آزمون، برگزاری و تصحیح و امتیازبندی و ... البته مدیریت مدرسه به ویژه آقای رفیعی هم با جدیدت پیگیر آن بودند و حمایت می‌کردند. مثل چاپ جزوه‌ها در مدرسه یا حتی بیرون از آن. هر چه قدر هم که پیش می‌رفتیم کیفیت آنها بهتر می‌شد. سال نخست البته با چالش‌هایی روبه‌رو شدیم. خودمان هم دانش‌آموز بودیم، منظورم من و آقای نجفی است. دوستان دیگر مثل شهید حسن کریمیان هم در تدوین جزوه و برگزاری مسابقات قرآن کمک‌های فراوانی می‌کردند. علاقه ایشان برای همراهی برای ما پربرکت بود. به ویژه در تدوین جزوه لغات و مفاهیم قرآنی که یادآوری آن دوران برایم سرشار از مهر و برکت است.

■ استقبال دانش‌آموزان از این مسابقات چگونه بود؟

بچه‌ها هم از این مسابقات به خوبی استقبال کردند و به شکل گسترده در این مسابقات شرکت می‌جستند. این مسابقات از روحوانی شروع می‌شد و تا قرائت و درک مفاهیم و تفسیر قرآن کریم را دربرمی‌گرفت. حتی بعدها پژوهش‌های قرآنی هم به آنها اضافه شد. من هم پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان مسئول مسابقات قرآن این مسیر را ادامه دادم. مسابقات قرآن یادآور بهترین خاطره‌هایی است که در طول تحصیل و تدریس در مفید پشت سر نهادم.

ادامه در صفحه بعد

■ مسافرت‌ها و اردوهای جهادی چه خاطرات در یادماندنی برای

شما به یادگار گذاشته است؟

به قدری خاطره دارم که نمی‌توانم از میان آنها انتخاب کنم و یکی را برایتان نقل کنم و دیگری را ناگفته بگذارم. شرکت در مسافرت‌های جهادی و تشویقی هم تک به تک خاطرات شیرین و گاهی تلخ هم داشت. اولین‌اش سال دوم نظری بود که به قروه رفتیم. به سندیج هم برای دیدار رفتیم. آن زمان هنوز گروه‌های دموکرات و کومله و گروه‌های ضد انقلاب در غرب کشور فعال بودند و گاه و بی‌گاه کمین می‌کردند و پاسدارها را می‌کشتند و به روستاها یورش می‌بردند. ناامنی زیادی وجود داشت. تمرکز کارهای جهادی ما روی قروه همدان بود؛ بافاصله اندکی از منطقه‌ای که بسیار حساس بود. آن فعالیت‌ها در روستاهای اطراف شهرستان قروه همدان انجام شد، از برداشت محصول تا خانه‌سازی و حمام دام و حمام روستایی و آبرسانی و ... با این فعالیت‌ها، اردوهای جهادی شکل گرفت و سال بعد این فعالیت‌ها در شهرهای جنگ زده و حتی خط مقدم شکل جدیدی به خود گرفت. شهریور سال ۱۳۵۹ جنگ شروع شد، در تابستان سال ۱۳۶۰ کسانی که علاقه‌مند بودند، در چند شهر جنگ‌زده تقسیم شدند؛ سرپل ذهاب و ایلام و ... فعالیت اصلی سم‌پاشی سنگرهای رزمندگان برای دفع مگس، پشه، مالاریا و موش بود. من هم توفیق داشتم که یک ماه در این فعالیت‌ها شرکت کنم که خاطره‌انگیز است. تلخ‌ترین خاطره شنیدن خبر شهادت رجبی و باهنر در سنگرهای اطراف سرپل ذهاب بود. خاطر اتمان با دوستان هم دوره‌ای و دوره بالاتر که در رأس آنها باید از شهید سعید امین یاد کنم، شنیدنی است. برخی دوستان دوره یک که دبیرستان را تمام کرده و دانشگاه هم هنوز تعطیل بود، در جبهه‌ها ماندگار شدند. از جمله شهید امین و مهندس استاد باقر (از هم‌مدسه‌ای‌های علوی و دوستان بسیار خوب) ماندند و تا رتبه فرماندهی هم رشد کردند. اما دوستان همدوره‌ای برای همراه به مدرسه بازگشتیم تا سال آخر دبیرستان را به پایان برسانیم.

■ دوره معلمی چگونه به انجام رسید؟

پس از اینکه فارغ‌التحصیل شدم، با یکسال تأخیر دانشگاه شروع می‌شد و کنکور هم نظم و نسقی نیافته بود. منتظر بودیم که هر چه سریع‌تر کنکور برگزار شود. حضور در جبهه و جنگ هم می‌توانست از جمله انتخاب‌های مهم‌مان باشد. مدرسه یک دوره کلاس کنکور ماندی را در شهریور ماه سال ۱۳۶۱ برگزار کرد. در حال و هوای انتظار و تصمیم که تا ورود به دانشگاه چه کاری انجام دهیم که معلمان عزیزمان، آقای دکتر دانش و مهندس رفیعی تعدادی از ما را به سمت مدرسه راهنمایی مفید هدایت کردند که هنوز ساختمانش ساخته



▲ مسابقات قرآن - هدایای همکاران



▲ مسافرت جهادی دوره ۱۴



▲ مسابقه فوتبال معلم‌ها با دوره ۸

شده بود اما تجهیزا‌ت‌ش کامل نبود. خاطره چسباندن موکت نمازخانه‌اش با سرپرستی جناب دانش شنیدنی است (شاید وقتی دیگر!). همراه چند تن از دوستان و هم‌کلاسی‌هایمان مانند آقای سعیدنیا، آقای آزاده و برخی دیگر ما را از دبیرستان به راهنمایی فرستادند و گفتند بروید آنجا را اداره کنید. البته با دانش‌آموزان مصاحبه کرده و آنها را انتخاب کرده و پذیرفته بودند. وارد مدرسه راهنمایی مفید شدیم. هنوز مدیران اصلی مدرسه راهنمایی، حاج آقا مظفری که خدا سلامتشان بدارد و آقای اشعری به سفر حج مشرف بودند که به همراه آقای سبحانی و چندتن از دوستان به عنوان معاون پرورشی (معروف به امور تربیتی) در مدرسه راهنمایی مفید رسماً شروع به کار کردم. هنوز تعریفی از «شغل رسمی» نداشتم و بعدها فهمیدم که باید از طرف اداره منطقه گزینش شوم و حقوقم را باید از آن جا بگیرم! و همین بی

و خطاها بیشتر فاصله بگیرد. همین موضوع برای بچه‌ها هم مصداق دارد. آنها هم وقتی بزرگ می‌شوند، اگر خاطرات آن دوره را برای خودشان یادآوری کنند و آن صفا و صمیمیت و دوستی‌های صاف و پاک بی‌آلایش را به یاد داشته باشند، لذت‌بخش بودن زندگی را در همین صاف و ساده بودن‌ها، دوست‌داشتن‌های بی‌توقع، یاری‌رساندن صادقانه بی‌انتظار مزد، خدمت بی‌منت، و رفاقت و اعتماد تجربه می‌کنند. این تجربه را می‌توانند برای خودشان حفظ کنند و به گمانم دارایی ارزشمند زندگی همین روح پاک الهی است و تا پایان عمر می‌تواند همراه آنها باشد. در حال حاضر هم که امکاناتی مانند عکس و فیلم بیش از گذشته است، بهتر می‌توان به یادآوری آن دوران شیرین پرداخت. این موضوع به خودی خود این پتانسیل را دارد که آدمی را می‌آورد از آن گرفتاری‌ها و ناملایمات زندگی و به خیال ما واقعی و جدی، دور کند، فضای ذهنی تلطیف شود و درگیری‌ها و گرفتاری‌های به ظاهر جدی نیز به شکلی گذرا و در قالب بازی قابل تحمل‌تری طی شوند و نه بیشتر!

■ اگر قرار باشد روی صحبتتان به اولیاء باشد به آنها چه خواهید گفت؟

اولیاء هم باید اجازه دهند که بچه‌ها فضای صمیمی دوستی با دوستانشان را تجربه کنند و این فضا را هرگونه که می‌توانند برای بچه‌هایشان فراهم کنند. حتی باید بگردند و برای بچه‌هایشان دوستان خوب پیدا کنند. اگر بچه‌ها خودشان هم نتوانستند در فضایی قرار بگیرند که دوستان خوبی داشته باشند، تا حد زیادی مسؤولیت پدر و مادرها محسوب می‌شود تا فضایی را ایجاد کنند که بتوانند آنها با تعدادی از دوستان صمیمی همراه شوند و با همفکرانی حشر و نشر داشته باشند و بزرگ شوند که برایشان دارایی ارزشمندی تا پایان زندگی به شمار رود. از سویی هم صرفاً خوشی آن خاطرات، تصورات و تخیلات نیست که مفید است و نباید به آن بسنده کرد. در طول زندگی این دوستان خیلی برای آدمی مفیدند. برای خودم هم دوستان مدرسه علوی و مفید حتی دوستان دانشگاهی صمیمی‌ام که هنوز هم حفظشان کرده‌ام، ارزشی بی‌بدیل دارند و ارزش و اعتبارشان در زندگی برایم قابل مقایسه با هیچ چیز نیست. نه تنها با دوستان هم‌دوره، بلکه با برخی دانش‌آموزان قدیمی ارتباط ماندگاری دارم. خوشبختانه من دوره دانشگاه هم دوستان بسیار خوبی داشتم که رفت‌وآمد خانوادگی با آنها داشته‌ام. شهید شهرباری یکی از آنها است که حضورش به خودی خود نقطه عطفی در زندگی‌ام محسوب می‌شد که باز داستانی مستقل و خاطراتی درس‌آموز دربر دارد. قصه دوران تحصیلات عالی و فعالیت‌های پس از آن را باید برای وقتی دیگر موکول کنیم....

اطلاعی موجب شد سه ماه بدون حقوق کار کنم! آنجا هم نقطه عطفی بود که معلمی را آغاز کردم. با دبیرستان هم در برگزاری مسابقات قرآن و کلاس‌های فوق برنامه همکاری می‌کردم. کلاس خط داشتم که در زمره کلاس‌های فوق برنامه بچه‌ها به آن علاقه نشان می‌دادند. بعد از دو سال تدریس هنر و تاریخ انقلاب در راهنمایی خودم را به دبیرستان منتقل کردم و تا سال ۱۳۷۷ که آخرین سال تدریسم در مدارس بود ادامه یافت. جدا از تدریس عربی هر چهار سال که بطور متناوب همه ساله داشتم، هندسه و مثلثات دوم، جبر چهارم و کمی هم فیزیک تدریس کردم. فعالیت‌های جهادی هم از بخش‌های اصلی فعالیت‌م بود که تا سالیان سال ادامه یافت.

■ تا چه زمانی ادامه داشت؟

تا سال ۱۳۶۶ که اواخر جنگ بود هر سال به همراه دیگر معلمان شرکت می‌کردم، سوسنگرد و بندرعباس و بندرلنگه و کنگان و... در تعطیلات نوروزی که زمان اردوها بود، دو سال آخر جنگ بیشتر متوجه جبهه بودم و سعی کردم بیشتر در جبهه حضور یابم. در زمره فعالیت‌های جهادی پس از جنگ بازسازی آبادان و خرمشهر مطرح بودند و دوستان مفیدی هم علاقه‌مند بودند که در آنها مشارکت کنند. پروژه جمع‌آوری آمار تخریب‌ها را بر عهده ما گذاشتند. این موضوع ابتدا برای آبادان شکل گرفت. چند تن از فارغ‌التحصیلان، آقایان استادباقر و حناچی، ابتدا این موضوع را با مسؤولان مدرسه در میان گذاشتند. ما هم سعی کردیم که با فارغ‌التحصیلانی که علاقه‌مند بودند این کار را سازماندهی کنیم. آقای رستم‌خانی (دوره ۶) از جمله فارغ‌التحصیلان بسیار فعال و علاقه‌مند بودند که همت کردند و کار فارغ‌التحصیلان را به ایشان و دوستانشان سپردیم و بازگشتیم. سنت حسنه‌ای شد که بعد هم ادامه یافت. من در ایران سفرهای جهادی به صورت گروه‌های دانشجویی پیش از آن سراغ ندارم. اما از آن رو که این فعالیت جمع‌آوری آمار تخریب بسیار گسترده بود، غیر از تعطیلات بین دو ترم که فارغ‌التحصیلان در تعطیلات بین دو ترم شروع کردند، برای بچه‌های مدرسه هم تعریف شد و دانش‌آموزان در تعطیلات نوروز ادامه دادند. پروژه آبادان که انجام شد و پیش رفت، از ما خواستند که برای خرمشهر نیز همین کار را انجام دهیم. تا دو سال چنان که خاطرمد است، مسؤولان مدرسه حتی تعطیلات نوروزی را هم تمدید کردند تا کار خرمشهر هم به پایان برسد. ضعف و بیماری من در آن سال خود خاطرمد‌های جداگانه است. با بچه‌ها در همه مسافرت‌های جهادی و غیر آن شعر می‌سرودیم و همه با هم به صورت مختلف می‌خواندیم و زمزمه یا سینه‌زنی می‌کردیم. یک سروده هم بر وزن سرود معروفی درست شده بود که عبارت «در راه بازسازی تعطیل کنیم درس را» ترجیع‌بندش شد. بدین ترتیب پس از پایان کار خرمشهر (درعین ناباوری مسؤولان بازسازی خرمشهر طبق نتایج ما بیش از ۷۰ درصد شهر تخریب شده بود) چندروز دیرتر به تهران بازگشتیم. در آن سال‌ها گاهی بیش از نیمی از دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم در مسافرت‌های جهادی شرکت می‌کردند. داستان کارهای جهادی در جزیره ابوموسی، روستاهای میناب و بشاگرد و... هم پس از آن سال‌ها، چه با فارغ‌التحصیلان و چه دانش‌آموزان، تا نیمه دوم دهه هفتاد ادامه داشت که هر یک خاطرات بسیار شنیدنی دارند اما سخن را به درازا می‌کشد و شاید از زبان دیگر دوستان، مثل آقایان استادباقر و نجفی شنیده باشید یا بعداً بشنوید.

■ با توجه به تجربه سالیان طولانی و به معنای حقیقی، «زیستن» و در کنار بچه‌ها، اگر نگویم

نصیحت چه توصیه و پیشنهاد راهگشا و سازنده‌ای به دانش‌آموزان مدارس مفید دارید؟
کنار بچه‌ها زیستن، برای من و بسیاری از معلمان که با عشق و علاقه وارد حیطه تدریس می‌شوند، یک درس همیشگی زندگی دارد که ناشی از معصومیت بچه‌هاست. بچه‌هایی که هنوز چندان آلوده پلشتی‌ها، آلایش‌ها، سختی‌ها و از منظر دیگر گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها در زندگی نشده‌اند... زندگی به هر حال انسان را جذب خودش می‌کند و آلودگی‌هایی هم خواه ناخواه با خود به همراه دارد. بچه‌ها هنوز وارد آن فضا نشده‌اند و آن صمیمیت، سادگی و معصومیت نکته‌ای است که می‌تواند به ما معلمان یادآور شود، انسان موجودی است که خداوند بر اساس فطرت پاکش آفریده و می‌تواند پاک بماند. اگر این موضوع برای آدمی تذکر همیشگی باشد، شاید بتواند به انسان کمک کند که از آلودگی‌ها، گناه‌ها، کج‌روی‌ها

کلاس درس یاد دفتر کار معلم



سیدرضا میرقاسمی

مدیر دبیرستان دوره اول مفید یادگار امام

۷ به همهی دانش‌آموزان تکالیف یکسان داده می‌شد و از آنها آزمون یکسان گرفته می‌شد. همچنین در نهایت بازخورد نهایی و نمره‌ای به دانش‌آموزان داده می‌شد که نشان‌دهنده موفقیت یا عدم موفقیت آنها بود.

۸ اگر احیاناً دانش‌آموزی به هر دلیل نمی‌توانست در کلاس حاضر شود، موظف بود به هر ترتیب که می‌تواند خودش درس‌ها را فرا بگیرد و تمرین و تکالیفش را انجام دهد تا از ادامه درس باز نماند. گرچه برای بعضی از موارد بالا با تلاش‌ها و ابتکارات و خلاقیت‌های معلمان ارجمند و مربیان، در مدارس مختلف تا حدی چاره جویی شده بود اما این موارد به صورت غالب قابل مشاهده بودند. در این مدل، تقریباً و به صورت کلی، توجه انفرادی به دانش‌آموزان جایی نداشته و این کار به صورت حداقلی و غیرسیستمی، با خلاقیت و ابتکار دبیران صورت می‌گرفت. متأسفانه در این روال، دانش‌آموز با عقب افتادن از یک سرفصل یا موضوع یا ارتباط نگرفتن با دبیر، به هر دلیل، به صورت دنباله‌دار از پیگیری ادامه کلاس محروم می‌ماند. همین نقصان هم سبب شکل‌گیری کلاس‌های تقویتی جبرانی یا حتی ارجاع دانش‌آموز به تدریس خصوصی می‌شد.

ب) کرونا با ما چه کرد؟

محدودیت‌های بیماری کووید ۱۹ سبب بروز ابتکارات و خلاقیت‌های مختلف و متعددی شد. از طرف آموزش و پرورش همهی فعالیت‌های درسی، تربیتی و پژوهشی در شبکه مجازی شاد پیگیری شد. همچنین در این پلتفرم، کلاس‌های درس مجازی با راهبری دبیران و عضویت دانش‌آموزان شکل گرفت. ضمن اینکه در مدارس مختلف، بنا بر شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها و ابتکار مدرسه، معلمان و حتی اولیا، شبکه‌ها و پلتفرم‌های مختلف مجازی و نرم‌افزارهای ارتباطی و برپایی کلاس مجازی مورد استفاده قرار گرفتند؛ به این ترتیب در آموزش از راه دور در دوران کرونا، موارد زیر تقریباً تجربه و اجرا شد:

- ۱ معلمان با استفاده از نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها درس‌ها را در قالب فایل‌های صوتی و تصویری (مثل powerpoint) ضبط کرده و در شبکه بارگذاری می‌کردند.
- ۲ دانش‌آموزان موظف بودند تکالیف یا کاربرگ‌های اعلام شده را کامل کرده و برای معلم خود ارسال کنند.
- ۳ بنابر دستورالعمل آموزش و پرورش، ساعت کلاس آنلاین به حداقل رسیده و در نتیجه دانش‌آموزان باید ساعات دیگری را در خانه صرف یادگیری و انجام تمرین‌ها می‌کردند.
- ۴ برگزاری آزمون‌ها به شیوه از راه دور که با ارسال فایل سؤالات و دریافت فایل پاسخ سؤالات همراه بود، در بعضی موارد سبب بروز خلاقیت از طرف معلمان در برگزاری آزمون به شیوه‌های مختلف از جمله (openbook) یا منبع آزاد شد. طبیعتاً ارزشیابی در این‌گونه آزمون‌ها از حیطة دانش و سنجش محفوظات فراتر می‌رفت.
- ۵ از آنجایی که تعامل در فضای مجازی محدود به ساعات کلاس درسی نبود، معلمان می‌توانستند در ساعات مختلف با تبادل پیام نسبت به فرد فرد دانش‌آموزان پیگیری روال درسی - متناسب با شرایط خود دانش‌آموز را داشته باشند.
- ۶ حضور دانش‌آموزان در خانه سبب شکل‌گیری نوعی مشارکت متفاوت از گذشته از طرف اولیا در امر یادگیری شد.

به عبارت دیگر، استفاده از قابلیت دیجیتال شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌های آموزشی سبب شد اولاً نوعی رابطه فردی بین معلمان و تک تک دانش‌آموزان برقرار شود و ثانیاً دانش‌آموزان بیش از قبل خودراهبری یادگیری درسی خود را به دست بگیرند و بتوانند با استفاده از امکانات در زمان‌های

کرونا سبب ایجاد تغییرات زیادی در سبک زندگی مشاغل و تحصیل شده است. یکی از سؤال‌های اساسی که این ایام ذهن معلمان، مدیران و حتی بسیاری از اولیا را به خود مشغول کرده، چگونگی شرایط در دوران پس از کروناست؟ آیا همه روال‌ها و روش‌های تحصیل و مدرسه‌داری به قبل از دوران کرونا باز می‌گردد یا خیر؟ همچنین، آیا کرونا سبب کسب تجربه‌هایی شده است تا بتوانیم از آن بهره‌بریم؟ برای پاسخ به این سؤال خوب است ابتدا مروری بر تحصیل در دوران قبل و بعد از شیوع کووید ۱۹ داشته باشیم.

الف) دوران قبل از کرونا

در دوران قبل از کرونا، نقطه‌ی کلیدی هر مدرسه، برنامه هفتگی بوده است؛ به طوری که ارائه آن در ابتدای سال یکی از نقاط قوت مدرسه به شمار می‌آمد. تمرکز روی برنامه هفتگی و مدل کارکرد مدارس، این پیام‌های ضمنی را با خود به همراه داشت:

- ۱ همهی دانش‌آموزان باید در ساعتی مشخص و به شیوه‌ای یکسان و منظم در مکان مشخصی به نام کلاس درس حاضر شده و به درس معلم گوش فرا دهند.
- ۲ حالات فیزیولوژیک (اعم از گرسنگی، تشنگی، خستگی، خواب‌آلودگی و...) همه دانش‌آموزان یکسان و به صورت آماده یا بدون مشکل برای یادگیری در نظر گرفته می‌شد.
- ۳ فرض بر این بود که معلومات قبلی همهی دانش‌آموزان برای ارائه درس جدید به اندازه کافی است.
- ۴ همهی دانش‌آموزان باید درس را از یک معلم که با روش مشخص و معینی ارائه می‌کرد، فرا می‌گرفتند.
- ۵ در این روال، سرعت یادگیری همه دانش‌آموزان یکسان در نظر گرفته می‌شد.
- ۶ با توجه به شکل ظاهری کلاس‌های درس و در کانون توجه بودن جایگاه معلم، آموزش معمولاً با سخنرانی صورت می‌گرفت.

متنوع و با سرعت‌های مختلف به یادگیری دروس خود بپردازند.

ج) کلاس درس در دوران پسا کرونا

تمرکز روی یادگیری انفرادی تک تک دانش‌آموزان در کلاس درس همیشه یکی از اهداف دور از دسترس معلمان مدارس و اولیا بوده است. تجربه دوران کرونا نشان داد که با استفاده از پلتفرم‌های فضای مجازی یا سامانه‌های مدیریت یادگیری (LMS) و فرهنگ دیجیتال این کار شدنی است. این مزیت در کنار فواید دیگر، دست‌اندرکاران را معتقد به ادامه استفاده از این پلتفرم‌ها و نرم‌افزارها کرده است؛ ضمن اینکه انتظار ایجاد شده برای اولیا و گسترش کاربری دانش‌آموزان که ابزار دیجیتال به ملزومات جاری آنها تبدیل شده هم مزید بر علت است. لذا به نظر می‌رسد معلمان می‌توانند با استفاده از این ابزارها، نرم‌افزارها و تجربه دوران کرونا، قدم محکمی در توسعه یادگیری انفرادی دانش‌آموزان بردارند. البته این تحول مستلزم داشتن نگاهی نو به کلاس درس است. به عنوان نمونه تصور بفرمایید معلم با استفاده از فضای مجازی یا سامانه‌های مدیریت یادگیری، برنامه درسی نیم‌سال یا کل سال خود را در همان ابتدای سال اطلاع‌رسانی کند و طی زمان، منابع درسی - که دیگر متنوع شده‌اند - را هم بارگذاری کنند. دانش‌آموزان موظفند در زمان مقرر فعالیت‌های یادگیری اعم از تکلیف، کاربرگ و ارزشیابی خود را ارسال کنند. دبیران هم بازخورد این فعالیت‌ها را با استفاده از همان سامانه‌ها به ایشان ارائه می‌کنند. در این مدل، دیگر بیشتر زمان کلاس درس به ارائه درس یا سخنرانی معلم نمی‌گذرد، بلکه بخشی از آن به مرور و ارائه کوتاه معلم، بخشی به فعالیت‌های یادگیری تعریف شده در قالب گروه‌های درسی و بخشی به گفت‌وگوی معلم با دانش‌آموزان (به صورت فردی یا گروهی) با هدف مرور و ارزیابی فعالیت‌ها، ارائه بازخورد و راهنمایی دانش‌آموزان اختصاص می‌یابد. در این شرایط جدید، نقطه تمرکز معلم از ارائه درس به یادگیری تک تک دانش‌آموزان - با توجه به ویژگی‌های فردیشان - منتقل می‌شود.

این تغییر نگاه و نقش معلم می‌تواند مزیت‌های زیر را داشته باشد:

- ۱ یادگیری و بهره‌گیری از منابع مختلف (اعم از کتاب، فایل‌های صوتی و تصویری) می‌تواند در زمان‌های مختلفی توسط دانش‌آموزان صورت پذیرد و همه محدود به استفاده در یک زمان نمی‌شوند.
- ۲ با وجود فعالیت و برنامه‌های مختلف و متنوع، کلاس برای دانش‌آموزان تبدیل به کارگاهی می‌شود که در آن منفعل نیستند و فعالیت‌های خود را پیگیری می‌کنند.
- ۳ در اختیار داشتن منابع مختلف سبب می‌شود دانش‌آموزان به دفعات مورد نیاز و با سرعت



مورد علاقه به یادگیری پرداخته و در نهایت در فرصت حضور در کلاس رفع اشکال بپردازند.

۴ معلم می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و منابع و فعالیت‌های مختلفی را برای یادگیری معرفی کند تا دانش‌آموزان با سلیقه، روش و سبک مورد علاقه خود به یادگیری بپردازند.

۵ عملاً کانون و نقطه توجه کلاس به جای میز معلم، میز دانش‌آموزان است که به صورت گروهی یا فردی به فعالیت می‌پردازند.

۶ در این فضا راهبری هر کدام از دانش‌آموزان می‌تواند متفاوت از دانش‌آموز دیگر و متناسب با توان و علاقه، سبک یادگیری و سرعت مناسب هر کدام باشد.

به این ترتیب کلاس از محل ارائه درس به دفتر کار معلم تبدیل می‌شود و نقش معلم به جای ارائه‌دهنده به تسهیلگر تغییر می‌کند. در این فضا، معلم قبلاً منابع یادگیری را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده و در زمان کلاس درس به نظارت و راهبری تک‌تک دانش‌آموزان می‌پردازد. این تغییر نگاه سبب می‌شود تا بتوانیم بر بسیاری از نقایص روال سنتی غلبه کنیم. همچنین این روال، امکان مشارکت و نظارت متفاوت اولیا را در یادگیری فرزندشان فراهم می‌کند.

نکات پایانی

- ۱ تغییر نگاه کلاس درس به دفتر کار معلم، مستلزم تغییر نگرش و بینش دانش‌آموز، معلم، مسئولان مدرسه و اولیا است؛ گرچه خوشبختانه تجربه کرونا این تغییر را آسان کرده اما ادامه مسیر مستلزم صبوری، رعایت اصل تدریج و بحث و گفت‌وگو برای توجیه همگان است.
- ۲ طبیعتاً عملیاتی‌سازی این تغییر نگرش و بینش در پایه‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف معنای ویژه خود را دارد و یکسان نیست. همچنین موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مدارس هم باید در نظر گرفته شوند.
- ۳ این تجربه عملاً سبب می‌شود مسئولان مدارس با هدف سهولت در اجرا و فراهم‌سازی امکانات آموزشی مورد نیاز هر دبیر، به سمت استقرار معلم در یک کلاس مشخص و در نهایت تشکیل کلاس‌های موضوعی با محوریت معلم حرکت کنند. برای مثال، مکان درس ریاضی علوم یا ادبیات در مدرسه مشخص است و دانش‌آموزان در ساعت مشخص در دفتر کار معلم خودشان حاضر می‌شوند. لازم به ذکر است که کلاس موضوعی سال‌ها قبل به عنوان شعار مطرح شد و در بعضی مدارس به صورت ظاهری شکل گرفت. در واقع این تجربه می‌تواند سبب به کارگیری عملی و واقعی کلاس موضوعی با محوریت معلم در راستای یادگیری انفرادی کیفی دانش‌آموزان شود.

آموزش ترکیبی؛ مزیت‌ها و چالش‌ها



اعظم منتظری

مدیر دبیرستان دوره یک دخترانه مفید

آموزش ترکیبی به معنی ترکیب کردن روش‌های آموزش حضوری و غیرحضوری برای استفاده از مزایای هر دو و بالا بردن کیفیت آموزش است.

این روش آموزشی به جهت انعطاف‌هایی که در زمان و مکان و شیوه یادگیری دارد، مزایایی هم نسبت به آموزش سنتی برای دانش‌آموزان دارد. در حالت آموزش صرفاً حضوری، همه دانش‌آموزان مجبورند شیوه یادگیری، سرعت یادگیری و ... را با دیگران تنظیم کنند، اما آموزش ترکیبی به دانش‌آموز این امکان را می‌دهد که در برخی موارد از این انعطاف استفاده کند و تغییراتی را که نیاز دارد اعمال کند. از طرفی در آموزش کاملاً غیرحضوری، مسئله تعامل بچه‌ها با هم و نقش‌های تربیتی مدرسه تا حد زیادی حذف می‌شود. آموزش ترکیبی این امکان را به مدرسه می‌دهد که در عین حال که از مزایای آموزش غیرحضوری استفاده می‌کند، نقش‌های تربیتی و برنامه‌های متنوع خود و نقش‌آفرینی خود را در زمینه‌های دیگر هم داشته باشد.

مزیت اصلی آموزش ترکیبی برای معلمان این است که امکاناتی را که آن‌ها برای آموزش دارند به شدت گسترش می‌دهد. این امکانات شامل ابزارها، روش‌ها و مسیرهای متفاوتی است که معلمان می‌توانند در طراحی آموزشی خود از آن‌ها کمک بگیرند. امکاناتی که قبل از آموزش غیرحضوری اصلاً فراهم نبود. از طرفی مزیت آموزش حضوری بر آموزش غیرحضوری برای معلمان این است که مسئله شناختن دانش‌آموزان و ارتباط نگرفتن با آنان برایشان پیش نخواهد آمد.

اما آموزش ترکیبی چالش‌هایی هم دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

۱ جدی گرفتن بخش آموزش‌های غیرحضوری برای دانش‌آموزان و اولیا نیازمند فرهنگ‌سازی است و اکنون بچه‌ها به قدر کافی فعالیت‌های غیرحضوری را جدی نمی‌گیرند.

۲ با وجود برنامه‌ریزی‌های پیگیرانه‌ی معلم و نکاتی که سعی می‌کند در طراحی فعالیت‌های غیرحضوری در نظر بگیرد، باز هم ممکن است مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای

برای بچه‌ها هنگام انجام فعالیت پیش بیاید که برای حل آن‌ها به کمک معلم نیاز داشته باشند.

۳ مشکلاتی که در فعالیت‌های غیرحضوری به وجود می‌آید، روی فعالیت‌های حضوری هم اثر می‌گذارند و می‌توانند برنامه کلاس را تحت تاثیر قرار دهند.

۴ اجرای با کیفیت آموزش ترکیبی نیازمند افزایش مهارت معلم و همچنین دانش‌آموزان در این زمینه است؛ بنابراین تا رسیدن به نقطه‌ای که کیفیت مناسبی در آموزش ترکیبی داشته باشیم، هنوز راه زیادی داریم.

اگر آموزش ترکیبی بتواند به سطوح بالاتری دست پیدا کند و طراحی‌های معلمان در این زمینه به سطوح حرفه‌ای برسد، می‌توان گفت که شاهد تغییر جدی در زمینه کنترل یادگیری توسط یادگیرنده خواهیم بود. اما تا قبل از آن به نظرم بیش از زمان یادگیری و سرعت آن، کنترل دیگری را به دست یادگیرنده ندادیم و معلم همچنان نقش محوری در هدایت قدم به قدم مسیر یادگیری خواهد داشت.



مفیدی‌های شاغل در شهرداری را به همکاری دعوت کردم

گپ و گفت خودمانی با پیروز حناچی، شهردار سابق تهران

و خاطره‌انگیزی بود. سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه راهنمایی مفید در خیابان ادوارد براون شدم. پیش از ما نیز دانش‌آموزانی دو دوره در همین مدرسه حضور داشتند و درس می‌خواندند. البته تشکیل دبیرستان به آنها نرسید و به اصطلاح ما دوره سومی مفید تلقی می‌شویم. یادم هست که آقای سعید موسوی مدیرعامل مکتب، سال بالاتر از ما بود ولی دبیرستان برای آنها شکل نگرفت و بالاخره برای ادامه تحصیل به مدارس دیگری رفتند. ما نخستین دوره ورودی دبیرستان مفید را تجربه می‌کردیم. همان‌طور که گفتم، دوران خاطره‌انگیزی بود؛ از این حیث که مدرسه در خیابان «ادوارد براون» و نزدیک دانشگاه تهران بود و هر وقت دانشگاه مانند ۱۶ آذر شلوغ می‌شد، می‌فهمیدیم. خیلی وقت‌ها هم دانشجویان از دست مأموران حکومت شاه فرار می‌کردند و می‌آمدند داخل حیاط مدرسه. البته مدرسه آن موقع

ادامه در صفحه بعد

پیروز حناچی، شهردار سابق تهران یکی از فارغ‌التحصیلان شاخص مدرسه مفید است. اومتولد سال ۱۳۴۲ و دانش‌آموخته نخستین دوره دبیرستان مفید در تهران است. حناچی سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در ۱۳۷۸ موفق به دریافت مدرک دکترای تخصصی معماری با گرایش مرمت شهری و باززنده‌سازی شهرهای تاریخی شد. او می‌گوید: «نخستین پایگاه و دوره‌های بسیج را در دوران تحصیل، سال ۱۳۵۹ در مدرسه برگزار کرده است.» با او که خاطرات متعددی از مدرسه مفید دارد گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ قدری از خودتان برایمان بگویید. از تجربه درس خواندن در مدرسه مفید و اینکه چه تجربه‌هایی را در این مدرسه پشت سر گذاشته‌اید؟

درست است که نام کاملم در شناسنامه پیروز حناچی است اما در خانه و بین دوستان به علی حناچی معروفم. زمانی که دانش‌آموز بودیم در زمان جنگ به من می‌گفتند علی بسیجی. دلیلش هم این بود که نخستین دوره بسیج و آموزش نظامی را در سال ۵۹ در مدرسه خیابان زنجان برگزار کردم؛ جایی که الان در مدرسه، طبقه همکف است و فضای دفتر، سالنی زیر پیلوتی قرار داشت. آن زمان بچه‌ها موتورسیکلت و دوچرخه‌هاشان را آنجا پارک می‌کردند. سال‌های جالب و به یادماندنی

تأثیر و تحصیل نسل دوم و سوم همین آموزش‌ها قرار گرفتند.

■ دوران شما در بحبوحه جنگ و انقلاب بود. آن دوران چگونه گذشت؟

دوران ما ویژه و همزمان با انقلاب و جنگ تحمیلی بود. خاطرم هست، شهریور سال ۱۳۵۶ سر کلاس حاضر شدیم و هنوز سال تحصیلی جدید آغاز نشده بود. آن موقع کلاس‌های تقویتی داشتیم. آقای دانش قرار بود درس جبر بدهند. بعد از ۱۷ شهریور بود. آخر کلاس عکس‌هایی از جیبش درآورد که مربوط به واقعه شهدای ۱۷ شهریور بود. عکس افرادی که گلوله خورده و به شهادت رسیده بودند. تا آن موقع چنین صحنه‌هایی را ندیده بودیم. این سلسله تصاویر، نخستین صحنه‌های درگیری ذهنی ما با واقعیت‌های انقلاب بود و روی ذهن و وجودمان به حدی تأثیر گذاشت که هنوز جزئیات آن را در خاطر دارم.

■ اگر بخواهید به ویژگی‌های مدرسه مفید در زمان تحصیلتان اشاره کنید، کدام ویژگی‌ها اهمیت بیشتری داشتند؟

مفید مدرسه تأثیرگذاری بود و بنیان آن را با نیت خالص و خیر بنا نهاده بودند. دلیل این صدقات جاری هم همان نیت خیر بنیانگذاران بود. یکی از ویژگی‌های مدرسه مفید این بود که کمیت را بر کیفیت ارجحیت نداد. قبلاً مدرسه مفید به دو مدرسه تبدیل شده بود. مفید ۲ در شمال تهران تأسیس شد. ما همیشه به شوخی می‌گفتیم مفید دوی‌ها مفیدی نیستند. ولی به هر صورت این ارجحیت کیفیت بر کمیت یکی از شاخصه‌هایی است که اگر بشود آن را همچنان مدیریت کرد و همان کیفیت حفظ شود، خیلی مفید است. این نکته‌ای است که در حین کار و تدریس و آموزش، این نگرانی باید همیشه وجود داشته باشد. دومین ویژگی مدرسه مفید، بی‌توجهی معلمان به مادیات و تجملات دنیوی بود که ما این مهم را به چشم خود می‌دیدیم. البته واقعیت‌های بعد از انقلاب به گونه‌ای شکل گرفت که نمی‌شود مسائل واقعی زندگی را نادیده گرفت و به هر صورت آن موقع شرایط زندگی هم راحت تر بود و هم فضای بعد از انقلاب و جنگ هم به شکل‌گیری این خصیصه کمک می‌کرد. آن چیزی که در خاطراتم باقی مانده این است که مدرسه مفید برای من مصداق این شعر بود: «حرف معلم را بود ز مزه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را».

در فضایی که شور انقلابی و اتفاقاتی بیرون مدرسه رخ می‌داد، فضای محبت و دوستی و رفاقت بین معلمان و بچه‌ها و همچنین بین خود بچه‌ها به وجود آمده بود. این هم به گمانم یکی از خصایص مدرسه مفید به شمار می‌رود که در خاطر من مانده. فضا به گونه‌ای بود که حتی روزهای تعطیل در واقع شبانه‌روزی ما را به مدرسه می‌کشاند. یادم هست که سال ۱۳۵۹ کل تابستان در مدرسه بودیم و ظهرها سعید امین که خدا رحمتش کند، از جایی که قبلاً بوفه بود در سینی روحی بزرگ برای ناهار، املت درست می‌کرد و دسته‌جمعی با آقای رفیعی و خیلی از بچه‌هایی که الان از دنیا رفته‌اند یا شهید شدند، ناهار ساده‌ای می‌خوردیم. یکی از شاخصه‌ها هم این بود که جلوی رشد و جهش بچه‌ها را نمی‌گرفت. البته آن موقع فضای رشد و تعالی به مراتب محدودتر از حالا بود. به‌عنوان مثال، در حوزه هنر و برخی عرصه‌های دیگر، قرار داشتن در وضعیت جنگ و بحبوحه انقلاب، به خودی خود به نوعی مانع تبدیل شده بود اما در عین حال این موانع غیرمستقیم به شمار می‌رفتند. اولیاء مدرسه هیچ‌گاه جلو بچه‌ها را نمی‌گرفتند. تعاونی‌ای در مدرسه راه انداختیم که آن زمان ۲۰ هزار تومان گردش مالی داشت و سود خوبی به دست آورده بود و همه کارهای آن به‌عهده بچه‌ها بود. هر یک از بچه‌ها مسئولیتی داشتند. مثلاً سعید امین صبح‌ها که می‌آمد یک دوچرخه ۲۸ داشت، یک سبد شیرشیشه‌ای می‌گرفت و می‌آورد یا هادی رضوی که خدا رحمتش کند و از هم دوره‌ای‌های ما بود، از سمت خیابان هاشمی یک پیراشکی‌پزی پیدا کرده بود. یک سینی پیراشکی می‌خرید و با موتور گازی می‌آورد. خلاصه همه بچه‌ها به هم کمک می‌کردند. مدرسه هم به هیچ‌عنوان جلو ما را نمی‌گرفت. سنتی در مدرسه بود که پنجشنبه بعد از ظهرها کلاس‌ها را می‌شستند. نمی‌دانم هنوز این سنت زیبا باقی مانده یا نه. این سنت در دوره ما پایه‌گذاری شد. یک‌بار دیدیم بنده‌ی خدا آقای

جمعیت زیادی نداشت. شاید حداکثر ۱۲۰ نفر بودیم. خانه و حیاط بزرگی که معلوم بود خانه‌های اشرافی است که تبدیل به مدرسه شده است. بخشی از آنجا کارگاه بود و چند درخت خرما هم داشت که در پاییز به وفور بار می‌داد. یکی از ویژگی‌های مدرسه این بود که معلمان با تجربه و با صفایی داشتیم. آن موقع مرحوم «پیش‌بین» را داشتیم. همچنین مرحوم نجفی، آقای مظفری‌نژاد، سنایی که بعدها سفیر ایران در اسپانیا شد از معلمان مدرسه مفید بودند. آقای گروکان و آقای رضا تنها هم نقش مؤثر و فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری شخصیت بچه‌های مفید داشتند. ایشان معلم خط ما بود و بسیار خوش خط و هنرمند بود. معلم با اطلاعی بود و در کنار هنر، درس زندگی را هم به ما می‌آموخت. هر جلسه رسم الخط می‌داد که مطلعش این بود: «طی شد این عمر تو دانی به چه سان بوچ وبس تند چنان باد دمان!» این شعر را به ما سرمشق می‌داد و در هر جلسه در عین حال که این شعر را می‌نوشتیم، به واسطه صمیمیتی که بین بچه‌ها و ایشان به وجود آمده بود، یک جورهایی مطالب آموزنده دیگری را نیز که عنوان می‌کردند، ملکه ذهنمان می‌شد.

■ ویژگی بارز بچه‌های مدرسه مفید در آن سال‌ها چه بود؟

یکی از خصیصه‌های بچه‌های مفید این بود که به‌واسطه همین آموزش، همه خوش خط هستند. قبلاً در دوره‌های ما این‌طور بود. خوش خطی یکی از ویژگی‌های بچه‌های مفید بود و ریشه و دلیل آن هم تشویق‌ها و زحمات آقای تنها بود. در کلاس‌های ایشان بچه‌هایی تربیت شدند که خود آنها در مدرسه معلم شدند و همین کار را ادامه دادند؛ مثل آقای دکتر شکوری و دکتر عمرانی‌پور که الان استادان دانشگاه هستند. و آن موقع، بسیاری از دانش‌آموزان، تحت

”

مدرسه مفید نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در خصوص من داشت. ما نقل مکان کرده بودیم به کرج و آمدیم پیش آقای شکوری برای گرفتن پرونده که برویم کرج ثبت‌نام کنیم. آقای شکوری اهل زنجان و با پدرم دوست بودند. ایشان گفتند: «اکبر آقا من صلاح نمی‌دانم. هر روز برود و بیاید.» پدرم هم به توصیه ایشان گوش کرد و من در مدرسه مفید ماندگار شدم



آقای روزبه بوده‌اند. با جزئیات از شرح حال این معلم ساده که از زنجان تجربه معلمی خود را در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ آغاز می‌کند و بعدها پایه‌گذار مدرسه علوی می‌شود و خدمات زیادی را انجام می‌دهند، سخن به میان آمده است.

■ از تأثیر تحصیل در مفید و جهت‌گیری شغلی بگویید.

در خصوص من، مدرسه مفید نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشت. ما نقل مکان کرده بودیم به کرج و آمدیم پیش آقای شکوری برای گرفتن پرونده که برویم کرج ثبت‌نام کنیم. آقای شکوری اهل زنجان و با پدرم دوست بودند. ایشان گفتند: «اکبر آقا من صلاح نمی‌دانم. هر روز برود و بیاید.» پدرم هم به توصیه ایشان گوش کرد و من در مدرسه مفید ماندگار شدم. نمی‌دانم اگر آن زمان می‌رفتم مدرسه دولتی و در کرج درس می‌خواندم چه اتفاقی می‌افتاد اما به‌طور قطع چیزی که الان هستم، نبودم و نمی‌شدم. آن موقع مدرسه در ساختمان قدیمی ۳ طبقه کناری مسجد امیرالمؤمنین^(ع) بود که به تازگی آن را بازسازی کرده‌اند. یادم است آن موقع می‌گفتند آیت‌الله مشکینی که حکومت دنبالشان بودند در طبقه سوم این ساختمان مستقر است. به گمانم تحصیل در مفید در زندگی من و همه هم‌دوره‌ای‌هایم تأثیر بسزایی داشت. ما دیپلم که گرفتیم دانشگاه تعطیل و دوران انقلاب فرهنگی بود. جنگ

ادامه در صفحه بعد

عموزاده که سرایدار مدرسه بود و بعدها پسرش شهید شد و کوچه مدرسه هم به نام او نامگذاری شد، کارش خیلی زیاد است. پیشنهاد دادیم که بیاییم و کلاس را خودمان نظافت کنیم. پنجشنبه بعداز ظهر بود که سطل و طی را برداشتیم و به‌صورت خودجوش کلاس را شستیم و تمیز کردیم و این کار در مدرسه مفید جا افتاد و ماندگار شد و فکر می‌کنم هنوز هم این اتفاق جریان دارد.

■ سفر دانش‌آموزی هم می‌رفتید؟

آن زمان و در سال ۵۸ و ۵۹ سفرهای دانش‌آموزی را خودمان برنامه‌ریزی می‌کردیم. حتی اتوبوس را خودمان کرایه می‌کردیم. برای سفرها و بازدید از اماکن مختلف، مثل کاخ شمس و جاهای دیگر، خودمان اتوبوس یا مینی‌بوس کرایه می‌کردیم و معلم‌ها هم همراهان می‌آمدند. عکس‌هایی هم هست که نشان می‌دهد در سفر به کاخ شمس، مرحوم آقای شکوری، رئیس مدرسه و آقای اسدی لاری که آن موقع معلم ادبیات بود، در کنار بچه‌ها حضور دارند و به‌طور کلی مدرسه در مقابل مسائلی که ظرفیت و همچنین استعداد بالقوه بچه‌ها را شکوفا می‌کرد، به هیچ‌وجه ایستادگی نمی‌کرد. حتی یادم است یکبار پیشنهاد دادیم که شب در مدرسه بمانیم. من راهم خیلی دور بود و از آن سوی کرج می‌آمدم. همه مسیرشان دور نبود اما علاقه به فضای مدرسه بین بچه‌ها بسیار پررنگ بود. دوست داشتیم در مدرسه بمانیم. من راهم دور بود و انگیزه داشتم اما بقیه بچه‌ها هم انگیزه‌های دیگری داشتند و علاقه داشتند در مدرسه بمانند. یکی دو هفته را شب‌ها در طبقه سوم مدرسه، در اتاقی در ضلع جنوب‌شرقی ماندیم. اتاق را مفروش کردیم و پتو هم تهیه کردیم و شب‌ها همانجا می‌ماندیم. اما در مجموع باید بگوییم که تجربه خوبی نبود. چون این قدر شلوغ می‌کردیم و شب‌ها دیر می‌خوابیدیم که صبح‌ها به سختی سر کلاس حاضر می‌شدیم. اجازه دهید همین جا رجعتی کنم به پیشتر و عقب‌تر و به مدرسه علوی برگردم. معلم‌های نسل ما عمدتاً فارغ‌التحصیل مدرسه علوی بودند و از شاگردان مرحوم روزبه و مرحوم علامه به شمار می‌رفتند. مرحوم روزبه را به واسطه اینکه زنجانی بود قدری بیشتر از دیگران میشناختم. یکبار دیدم استاد خدابخش کتابی درباره ایشان نوشته که توصیه می‌کنم حتماً این کتاب برای بچه‌های مدرسه مفید تکثیر و توزیع شود. در آن کتاب مشخص می‌شود که آقای خدابخش خودش هم شاگرد



ادامه از صفحه قبل

بود و همه علاقه زیادی به خدمت به کشور داشتند. پیش از آن در سال ۵۸ اردوهای جهادی با معلمان داشتیم. به قروه کردستان سفر کردیم. در حال حاضر عکس‌های آن سفر هم هست و آقای ظفرقندی در تصویری در حال درو گندم مربوط به همان سفر است. سال ۶۰ تصمیم گرفتیم به جبهه برویم. رفتیم سمت گیلانغرب و سرپل ذهاب و این باعث شد که خیلی از بچه‌ها آنجا ماندند و کارشان ادامه پیدا کرد. ما آنجا با بچه‌های ده مسگرآباد و جنوب تهران آشنا شدیم. شهید ابراهیم هادی، حسین‌الله کرم که فرمانده سپاه گیلانغرب بود. بسیاری از بچه‌هایی که بعدها شهید شدند و بچه‌هایی هم هستند که هنوز با آنها دوستیم. بچه‌های آذربایجان شرقی که جهاد آن خطه را در دست داشتند و همچنین مرحوم مهندس پورشریف از فارغ‌التحصیلان دانشگاه تبریز جزو کسانی بودند که بعدها در طراحی مهندسی جنگ و طراحی پل خیبر و بعثت و خیلی از عملیات‌های مهندسی جنگ نقش داشتند و بخشی از دوستان بعد از این کار سمپاشی سنگرها ماندند و ادامه دادند. به‌عنوان مثال، سعید امین ماند و بعدها شد فرمانده جبهه راست سر پل ذهاب، یا مهندس احمد استاد باقر با همین بچه‌ها ادامه داد. در عملیات‌های بعدی و بعدی هم با خیلی از اینها دوست شدیم و هنوز هم دوست هستیم و این ارتباط ادامه دارد. بعدها که دانشگاه‌ها باز شد، من ابتدا به واسطه حضورم در جهاد علاقه به مهندسی را در خود کشف کردم و همین‌طور به سبب فعالیت‌های مهندسی که در جنگ تجربه‌شان را داشتیم. در کنکور بهمن ۶۲ حتی در دانشگاه‌های

شهرستان، رشته عمران را انتخاب کرده بودم. سال ۶۳ مجدد شرکت کردم و در رشته معماری دانشگاه تهران قبول شدم. سال ۶۴ دفتری را در قرارگاه مهندسی خاتم با هم دوره‌ای‌هایمان شکل دادیم که کارهای مهندسی انجام دهیم. طراحی‌های مختلف مانند بیمارستان‌های صحرایی و زنجیره‌ای، از بیمارستان‌های بتنی از جنوب آبادان تا شمال پیرانشهر شکل گرفت که ما هم در طراحی و نظارت آن نقش داشتیم و گروهی از بچه‌های دانشگاه تهران، دفتری به نام دفتر مهندسی سلمان، شکل دادند. علت نامگذاری سلمان هم این بود که نقش سلمان فارسی در جنگ‌های صدر اسلام و جنگ خندق مؤثر بود و می‌گفتند پیشنهاد جنگ خندق را سلمان داده بود. این باعث شد تا در مسیری افتادیم که هنوز هم ادامه دارد و الان که استاد تمام دانشگاه تهران هستم کلاس‌های مهر ماه را با یاد هفته دفاع مقدس و نقش مهندسی در جنگ شروع می‌کنم. برای دانشجویان هم جالب است، چون ما هیچ‌وقت این مسائل و مباحث را درست و دقیق به آنها انتقال ندادیم و تصویری از جنگ در ذهن برخی جوانان هست که مثلاً کسانی که در جبهه‌ها حضور داشتند خیلی احساسی بوده‌اند و عقلانی نمی‌اندیشیدند و برنامه‌ریزی نداشتند. در حالی که به هیچ‌وجه چنین نبود.

دکتر دانش، مسئول بخشی بود که با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها برای پشتیبانی و مهندسی جنگ افتتاح شد. ستاد پشتیبانی جنگ دانشگاه‌ها که ایشان مدتی هم متولی آن بود، ابتدا مدیر کل بود و بعداً این اداره کل به معاونت تبدیل شد. معاونت عمرانی و دفاعی در زمان جنگ که توسط آقای دانش شکل گرفت و وظیفه‌اش این بود که از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها استفاده کند. این موضوع ادامه داشت تا اینکه جنگ تمام شد. البته من سال ۶۰ وارد جنگ و سپاه شدم و سال ۶۸ که در دانشگاه بودیم خیلی از فرماندهان جنگ هم دوره‌ای‌های ما بودند؛ بچه‌هایی که سال بالایی ما بودند به جبهه جنگ رفته بودند و البته از درس هم عقب افتاده بودند. کسانی مثل عزیز جعفری یا آقای عندلیب که فرمانده مهندسی جنگ در دوره ما بود. یک روز در تلویزیون دیدم که این دوستان دارند درجه می‌گیرند. فکر می‌کنم سال ۶۸ اولین دوره اعطای درجه‌های سپاه بود. فردای آن روز تقاضای انتقال به وزارت علوم را دادم. یادم هست رفتم پیش آقای دانش و گفتم می‌خواهم منتقل شوم و ایشان نامه‌ای از دکتر معین گرفتند خطاب به محسن رضایی و موافقت شد. آخرین روزهایی که می‌خواستیم سپاه را ترک کنم دوستان اعتراض کردند که چرا این کار را می‌کنی و به ما نگفتی و بالاخره باید می‌ایستادی تا خیلی از پروژه‌ها را با هم انجام می‌دادیم. من

خیلی از این بچه‌ها فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شریف، تهران و دانشگاه‌های درجه یک کشور بوده‌اند و روزی که تهدید جدی برای کشور به وجود آمد، رفتند و جبهه را انتخاب کردند. مثلاً حسن کریمیان را که خوب به خاطر دارم و حتی استادان دانشگاه صنعتی شریف هم نسبت به او دل بستگی پیدا کرده بودند. یا حسین جلالی‌پور که نماد اخلاق و انسانیت بود.

■ خاطره برجسته‌ای از دوران تحصیلتان در ذهن دارید؟

۱۳ آبان به راهپیمایی جلو سفارت آمریکا رفتیم. سال اول بعد از تسخیر لانه جاسوسی بود. سوار موتور یکی از هم دوره‌ای‌هایم به نام عباس قائمی شدیم و راه افتادیم. دقیقاً اول خیابان زنجان یک ماشین از کنار زد به ما و پای من شکست. پس از تصادف، اصرار داشتم که فقط معلم خودمان آقای ظفرقندی باید بیاید و معاینه کند و اگر لازم است پام را گچ بگیرد. البته ایشان هنوز دکتر نشده بود و فکر کنم دوره انترنی یا سال‌های اولیه پزشکی را می‌گذراند. به هر حال ایشان آمد و پای مرا گچ گرفت. دوران دبیرستان برای همه ما دوران پرخطرهای بود. مخصوصاً سفرهای جهادی که البته در آن زمان کسی چندان سفر جهادی نمی‌رفت. سفرهای جهادی امروز که به یک جریان در کشور تبدیل شده که به مناطق محروم سفر می‌کنند، همان صدقات جاریه آن روزها است. سال ۵۸ به قروه کردستان رفتیم. آقای رفیعی و ظفرقندی هم بودند. نیمه شعبان بود که ما به آنجا رسیدیم. شب نیمه شعبان در خوابگاه، بچه‌ها تا صبح نمی‌خوابیدند و شیطنت می‌کردند. آن موقع همراه ما گروهی از بچه‌ها بودند که شب‌ها خیلی شلوغ می‌کردند. اسمشان را گذاشته بودیم گروه «رعنا». رضوی، عقابی، نجفی و امین. بقیه هم در حواشی این گروه شلوغ می‌کردند. هادی رضوی یک ضبط صوت داشت که البته ضبط صوت متوسطی بود. صدای

خروپف مرا ضبط کرده بودند که ادامه در صفحه بعد

در جوابشان گفتم نیامده بودم که نظامی شوم. ما برای جنگ و دفاع آمده بودیم و نظامی شدن در روحیه من نبود. آمدم وزارت علوم و بعد دانشگاه تهران. ما تیپ بچه‌های فعال دانشکده بودیم. یادم هست که به واسطه همان تجربیاتی که در مدرسه مفید اندوختم همه سفرهای دانشجویی دانشکده را با همکاری هم دوره‌ای‌ها برنامه‌ریزی می‌کردیم و در زمان دانشجویی به اقصی نقاط ایران سفر داشتیم. سال ۶۸ هم یک سفر ۱۲ روزه با اتوبوس برنامه‌ریزی کردیم که به سمت یزد، کرمان و بندرعباس برویم. از آنجا با کشتی به جزایر هرمز و قشم و از جاده کناره رفتیم بوشهر و جزیره خارک، شیراز و نهایتاً تهران. رسم بود که بسیاری از کارهای دانشگاهی را خودمان اداره می‌کردیم. خیلی از فعالیت‌های فوق برنامه توسط خودمان تدوین می‌شد. فضای جنگ و انقلاب هم به این اعتماد به نفس کمک می‌کرد. امروز که به بچه‌های نسل جدید نگاه می‌کنم، از نظر تجربه‌اندوزی تقریباً هفت هشت سال حداقل از هم دوره‌ای‌های هم‌سن آن زمان ما عقب‌ترند. ضمن اینکه خیلی از مسائلی که آن نسل درگیرش بودند، این جوانان با آن مواجه نیستند. همه این اتفاقات و حوادث شاید تأثیر انقلاب و جنگ بود که اعتماد به نفس عجیب و خاصی به هم‌نسلی‌های ما می‌داد. تجربیاتی داشتیم که منحصربه‌فرد بود. مطمئناً آموزه‌های ما در مدرسه مفید هم بسیار تأثیرگذار بود. در آینده حرفه‌ای و کاری‌مان هم تأثیر مستقیم داشت. مثلاً زمانی که در شهرداری بودیم می‌گفتند مفیدی‌ها خودشان یک پا آخوند هستند و البته راست هم می‌گفتند. اکنون را نمی‌دانم اما آن زمان معلم‌های ما چون سواد مذهبی‌شان بالا بود، ناخودآگاه این سواد را به ما هم منتقل می‌کردند. مثلاً بسیاری از آیات قرآن به زبان ما می‌آمد و به خاطر تفسیرهای معلمان بیشتر از بقیه با این موارد آشنایی داشتیم. کوه رفتن و ورزش بخش جدا نشدنی از زندگی‌مان بود. شنا یکی از خصیصه‌های مفیدی‌ها بود. البته من خودم در مفید شنا را یاد نگرفتم اما در تابستان می‌آمدم و کمک می‌کردم به معلمان برای آموزش به دانش‌آموزان سال‌های پایین‌تر. در اوضاعی که همه آدم‌ها هم تراز هستند، این جور قابلیت‌ها افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند. مثلاً احاطه داشتن به هنر و دانش عمومی و حتی اطلاعات مذهبی افراد را متمایز می‌کند و شاید این یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد دانش‌آموزان مفید باشد. حالا ممکن است هر کدام از اینها به مرور زمان ضعیف شده باشد. نمی‌دانم، اما اصول و اساس‌اش وجود دارد. رفتار معلمان هم بالطبع همین‌طور بود. ناخودآگاه رفتارهای معلمان بدون اینکه کسی امر و نهی کند در شیوه رفتار و اخلاقشان، لباس پوشیدن و چهره‌ظاهری بچه‌ها تأثیر داشت. در شهرداری تهران دستم باز بود برای به کارگیری نیروها و از بچه‌های مفید زیاد استفاده کردم. آقای جوادی، معاون اجتماعی، مفیدی بود. شاید اگر مفیدی نبود عوضش می‌کردم ولی به واسطه عقبه‌ای که ما را به هم پیوند می‌داد، سعی می‌کردیم با صحبت مشکلاتمان را حل کنیم. آقای محمددوست، شهردار منطقه چهار، آقای صفات، شهردار منطقه دو، آقای غمخوار، رئیس سازمان عمران و مناطق، معاون عمرانی و رئیس دفتر مفیدی بودند و خیلی از بچه‌های مفید استفاده کردم و بهره‌اش را هم بردیم. یادم هست یکی از مدیران شهرداری را داشتیم عوض می‌کردیم که مفیدی بود. شورای شهر ایراد می‌گرفت که هرچی مدیر می‌خواهی منصوب کنی یا باید دانشگاه تهرانی باشد یا مفیدی و گر نه منصوب نمی‌کنی. در زمان تعویض آن دوستان گفتیم ایشان هم دانشگاه تهرانی هستند و هم مفیدی.

■ بنابراین این درس خواندن شما در مدرسه مفید، در آینده‌تان بسیار تأثیر داشته است. مطمئناً تجربیات حضور در مدرسه مفید که با نیت خیر بنا شده بود و مصاحبت با معلمانی که هنوز خودمان را مدیون آنها می‌دانیم، در زندگی آینده حرفه‌ای‌ام بسیار تأثیرگذار بود. هنوز هم با آنها دوستم و رفت‌وآمد داریم و از محضرشان درس می‌گیرم. و از همه مهم‌تر بچه‌هایی که همه‌شان به نوبه خود گوهرهایی به شمار می‌رفتند و اگر می‌ماندند، تأثیر فوق‌العاده‌ای در آینده کشور داشتند اما بسیاری از آنها شهید شدند و گویی شخصیتی نیز به مدرسه مفید دادند. این مهم امروز بخش جدانشدنی از شخصیت مدرسه مفید است و چه بهتر که تمام و کمال این موضوع و پیام آن عزیزان به نسل‌های جدید منتقل شود؛ آن هم به نحوی که باورمند و قابل پذیرش و عقلانی باشد.



کسانی بودند که مصداق دعایی بودند که می‌گوید: «لا تجعل الدنيا اكبر همنا» و پول و دنیا هدف زندگی‌شان نبود. آدم‌های متفاوتی بودند. نسلی بودند که این روزها جایشان در جامعه خیلی خالی است.

■ با توجه به فعالیت‌های شما در شهرداری، نقش شهرداری‌های ما در مقایسه با دیگر کشورهای توسعه یافته را چطور ارزیابی می‌کنید؟

کارهای خوبی مانند شهردار مدرسه را شروع کردیم که متأسفانه به کرونا رسید و مدارس تعطیل شد. اما کمک کردن به مدارس، بخشی از وظایف ما بود. ما به خیلی از مدارس تهران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مثلاً برای آسفالت مدرسه، فضای سبز، رنگ‌آمیزی، به‌ویژه در مناطق جنوب شهر از محل اعتبار حوزه اجتماعی کمک می‌کردیم. اما جزو وظایف قانونی ما نبود، ولی اجتناب‌ناپذیر بود. بالاخره ما هر جایی که مردم با تعداد بالا حضور داشتند، سعی می‌کردیم حضور داشته باشیم و خدمت‌رسانی کنیم. البته در کشور ما این مسائل به صورت قانونی وظایف شهرداری نیست. در بسیاری از کشورها نظام یکپارچه مدیریت شهری جزو وظایف و اختیارات شهرداری است و اختیاراتی که در کشور ما به استاندار می‌دهند، در عمل در اختیار شهردار است و شهردارها مستقیم یا غیرمستقیم منتخب مردم‌اند. در بسیاری از کشورها، پلیس و بخش بهداشت هم زیر نظر شهرداری است و در بسیاری دیگر، شهردار با همین دایره اختیارات، به‌طور مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود.

■ سه‌شنبه‌های بدون خودرو را شما در دوران شهرداری بنا نهادید و به آن هم پایبند بودید. کمی از این حرکت و ابتکار خودانگیخته برایمان بگویید.

سه‌شنبه‌های بدون خودرو ایده من نبود و ایده یکی از شهرداران استان مرکزی بود که قبل از من شهرداران دیگر، مثل شهردار اصفهان هم این موضوع را مطرح کرده بودند. ولی من تلاش کردم به‌عنوان شهردار و عضو دولت این کار را انجام بدهم که در این مقیاس قبلاً اتفاق نیفتاده بود. حتی حرکت به سوی ترویج دوچرخه‌سواری در دوره‌های قبلی شهرداری مانند دوران آقایان الویری، ملک مدنی و قالیباف هم شروع شده بود اما این شهرداران خودشان دوچرخه‌سوار نشده بودند. من سعی کردم مصداق این صحبت رسول اکرم (ص) باشم که فرموده بودند رطب خورده منع رطب کی کند. من گفتم اگر قرار است این موضوع راه بیفتد، خودم باید پیشقدم شوم و این ایده را مطرح کردم. روزهایی که امکانش بود با دوچرخه و روزهایی که امکان دوچرخه‌سواری نبود با مترو تردد می‌کردم و برخی از اعضای کابینه هم همراهی کردند. مثلاً آقای جهرمی یک جلسه همراهی

ادامه از صفحه قبل

الحق صدای بلندی بود. من خودم نمی‌دانستم شب‌ها صدای خروپفم بلند است. صبح‌ها معمولاً برنامه‌ای داشتیم که دیشب چه اتفاقی افتاده و آن را پخش می‌کردند. یکبار هم لباس بچه‌ها را با نخ و سوزن به تشک‌ها دوختند و بعضی‌های دیگر هم با دواگلی چهره‌شان رنگی شده بود. تجربیات این دوران در دوره‌های بعدی زندگی ما هم بسیار مؤثر بود.

■ چه توصیه‌ای برای معلمان دارید که بتوانند این فضاها و بسترهای مناسب همراه با آزادی را حفظ کنند؟

یک اصطلاحی هست که می‌گویند بچه تابع محیط غالب است. ما محیط غالبمان آن محیط بود. آن موقع طوری نبود که بیرون از مدرسه تهدیدی وجود نداشته باشد. البته مثل الان هم نبود. آن موقع فعالیت گروهک‌ها و خیلی از اتفاقات بیرون مدرسه تأثیرگذار بود. حتی در فضای مدرسه هم بچه‌هایی داشتیم که تک و توک هوادار گروهک‌ها بودند اما در فضای مدرسه حضور داشتند. و این هم شاید به‌خاطر همان فضای مدرسه بود. اما به گمانم باید برگردم به همان شعر که می‌گوید: «حرف معلم ار بود زمزمه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را». امروز هم اگر معلمان آن باب محبت و ارتباط دوستانه و بدون غل و غش را نسبت به بچه‌ها داشته باشند و بتوانند در قلب بچه‌ها نفوذ کنند، بزرگ‌ترین کارها را می‌توان انجام داد. بچه‌ها وقتی معلم‌شان را باور کنند، نتیجه همان می‌شود که در گذشته مفید بوده. بچه‌ها به‌طور طبیعی این خصیصه را دارند و باور می‌کنند، اما این باور باید مستمر باشد و خدشه‌ای در آن رخ ندهد. البته نیت خیر است که به این قضیه برکت می‌دهد. یادم است که همیشه پای صحبت آقای موسوی اردبیلی رحمت‌الله‌علیه که می‌نشستیم ماجرای گرفتن سرتیر آهن برای ساختن مدرسه زنجان را تعریف می‌کرد، یا افرادی مثل مرحوم رحیمی‌فر که معمار سازنده مدرسه بود... آنها

”

مطمئناً تجربیات حضور در مدرسه مفید که با نیت خیر بنا شده بود و مصاحبت با معلمان که هنوز خودمان را مدیون آنها می‌دانیم، در زندگی آینده حرفه‌ای‌ام بسیار تأثیرگذار بود. هنوز هم با آنها دوستم و رفت‌وآمد داریم و از محضرشان درس می‌گیرم

محدود به ایستگاه‌های دوچرخه بود و مردم باید خودشان را تنظیم می‌کردند. این موضوع باعث شد میزان استفاده مردم از دوچرخه بالاتر برود. اما دولت نسبت به این قضیه خنثی عمل کرد. به گمانم علتش هم ناشی از این است که ذکاوت لازم برای حمایت از این طرح‌ها در سیستم دولتی وجود ندارد و مدیران ما نسبت به این موضوعات خنثی عمل می‌کنند و کمتر به این موضوعات با نگاهی که توضیح دادم توجه دارند. به اعتقاد من، استفاده از دوچرخه، اجتناب‌ناپذیر است و دیر یا زود این اتفاق خواهد افتاد. این مسیری که الان در آن هستیم یک گردونه باطل است که باعث کاهش کیفیت زندگی می‌شود. و در نتیجه الان فقط ماه‌های آذر و دی نمی‌توانیم نفس بکشیم و روزی که در این شهر در تمام سال نتوانیم نفس بکشیم به این فکر می‌افتند که دوچرخه‌سواری فراگیر شود.

■ ظرفیت فارغ‌التحصیلان مفید را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم استفاده بهینه از این ظرفیت کار بسیار سنجیده‌ای است و باید با ظرافت سراغش رفت. لزوماً دوستان خوب، شرکای اقتصادی خوبی برای یکدیگر نیستند و این دو موضوع نباید با هم خلط شود. کار در فضای اقتصادی یا اجتماعی با رفاقت و دوستی روزمره متفاوت است. ممکن است دو نفر با هم رفیق باشند اما نتوانند با هم کار کنند. به این نکات و ظرافت‌ها باید توجه شود و اگر توجه نشود تجربیات منفی به وجود خواهد آورد. اگر چارچوب‌ها رعایت و از ابتدا کار بر اساس یک بنیان آغاز شود، نتایج خوبی در بر خواهد داشت. در مدرسه مفید تجربیات خوبی داشتیم و همین پروژه برج‌های مسکونی مهر، جزو معدود پروژه‌های تعاونی مسکن موفق است. بعد از انقلاب تعاونی‌های مسکن یکی از بدترین تجربیات بوده است و خیلی از اینها به سوءاستفاده‌های بزرگ یا با سوءمدیریت به ضررهای هنگفت برای اعضایشان منجر شد. حتی در اینجا هم داشت این اتفاق می‌افتاد و اواسط کار دوستانی بودند که ادعای انجام کار را داشتند و کار داشت از مسیر خودش منحرف می‌شد که خوشبختانه این پروژه به پایان رسید. یادم است روزی که در دفترخانه سند می‌دادند مسئول دفترخانه برای من تعریف می‌کرد که دفترم شلوغ بود چون باید صاحب صد واحد سند می‌گرفتند. مشتریان می‌پرسیدند که چه خبر است. می‌گفتم یک تعاونی به اعضایش سند می‌دهد. می‌گفتند از کی تا حالا تعاونی‌ها سند می‌دهند و معمولاً به سند نمی‌رسند و این جزو تجربیات خوب بود و تعداد زیادی از دوستان

ادامه در صفحه بعد

کردند و خانم ابتکار هم یک جلسه، روز سه‌شنبه را با مترو به محل کار رفتند. حتی آقای رئیسی نیز در ابتدای مسئولیت قضایی یک روز سه‌شنبه با مترو سرکار رفتند. البته سفرای خارجی خیلی بیشتر از مسئولان داخلی از این طرح استقبال کردند. سفرای کشورهای آلمان، سوئیس و اتریش و ایتالیا بارها آمدند. عمدتاً سفرای کشورهای اروپایی بودند و البته غیراروپایی‌ها هم می‌آمدند. هدف دیگری هم داشتم و آن این بود که احساس می‌کردم مسئولان از مردم خیلی فاصله گرفته‌اند و بودن بین مردم و شبیه مردم بودن و در دسترس بودن یکی از اهداف این پویش است. ضمن اینکه طبق نظرسنجی‌ای که در سال ۱۳۹۷ از مردم تهران شده بود، آلودگی هوا و ترافیک، اصلی‌ترین مشکلات عنوان شده از سوی آنها به شمار می‌رفت. در حالی که مردم مشکلات بزرگ دیگری دارند و زیر فشار اقتصادی هم هستند، اما این دو موضوع را به عنوان مشکلات اصلی مطرح کردند. آلودگی و ترافیک هیچ راهی ندارد جز کنترل آلاینده‌ها و کم شدن وسایل نقلیه موتوری که سوخت فسیلی مصرف می‌کنند و کم هزینه‌ترین کار، استفاده از دوچرخه است. اگر استفاده از دوچرخه تبدیل به یک جریان عمومی شود، هر کس که از دوچرخه استفاده می‌کند، یک خودرو و یک آلاینده از خیابان‌های شهر کم می‌شود. ضمن اینکه دلایل دیگری هم داشت. شما تا قبل از کرونا و در اوضاع عادی تهران، در کلانشهر تهران بیش از ۷ هزار نفر بر اثر آلودگی ناشی از ذرات معلق با منشأ سوخت فسیلی، در پی ایست قبلی فوت می‌کنند. این مسأله لحظه‌ای که فوت می‌کنند مشخص نمی‌شود و دلیل فوت ایست قبلی ثبت می‌شود. اما با استفاده از روش‌های آماری این موضوع قابل احصاء است. این رقم، رقم کمی نیست. این را بگذارید کنار دیگر آمارهای مرگ ناشی از اضافه وزن، فشار خون، دیابت و چاقی بچه‌ها و وضعیت جسمی و سلامتی خانم‌ها که در جامعه ما وضع بدتر و امکان تحرک کمتری دارند. با توجه به همه این آمارها، پویش دوچرخه‌سواری یک کار عقلانی بود و کار عجیبی نبود. یک کار عقلانی کم هزینه که به اعتقاد من در دنیا کشورها در این قضیه با هم مسابقه دارند. اخیراً «شیخ محمد» حاکم دومی برای بازدید از نمایشگاه جهانی اکسیو، از محل زندگی‌اش تا نمایشگاه که خارج شهر بود، با دوچرخه رفت و حدود ۲۵۰ کیلومتر برنامه توسعه مسیر دوچرخه دارد. اگر این حرکت‌ها تبدیل به یک جریان عمومی شود بر روی مواردی مانند گرم شدن زمین، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و کاهش گازهای گلخانه‌ای تأثیرگذار خواهد بود و با توجه به همه این فواید و نتایج باید پویش و جریان عمومی استفاده از دوچرخه مورد توجه قرار بگیرد. در دوره شهرداری یک کار دیگر هم انجام شد و آن هم راه‌اندازی دوچرخه‌های اشتراکی با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی بود. البته قبلاً بخش خصوصی و شهرداری وارد این موضوع شده بودند اما این دفعه به دلیل استفاده از فناوری کیوارکد و اپلیکیشن موبایلی، مردم می‌توانند هر جایی دوچرخه‌ها را استفاده کنند و در هر نقطه‌ای رها کنند. در حالی که پیش از این





ادامه از صفحه قبل

آنجا صاحب خانه شدند. بسیاری از معلمان بنیانگذارش بودند و حمایت کردند و از تجربیاتشان استفاده شد. در واقع مجموعه‌ای بنیان گذاشته شد که الان هم جزو مجتمع‌های خوبی است که خیلی راحت و ایمن، خدمات خوبی به ساکنانش ارائه می‌دهد.

■ چه توصیه‌ای برای تأثیرگذار بودن مدارس و خانواده‌ها در توسعه فرهنگ توجه و حفظ محیط‌زیست دارید؟
اکنون همه به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات بنیادی معمولاً از نظام آموزش و پرورش آغاز می‌شود. به یاد دارم که در رقابت رفتن به فضا، روس‌ها یک سال زودتر

از آمریکایی‌ها به فضا دست یافتند. امریکاییها وقتی این موضوع را ریشه‌یابی کردند، نقصان را در مدارسشان یافتند و تغییراتی در نظام مدارسشان ایجاد کردند. بالاخره توجه به محیط‌زیست، طبیعت و استفاده درست از ذخایر خدادادی، ریشه‌اش در آموزش است. حتی بچه‌ها می‌توانند خانواده‌هایشان را دنبال خودشان بکشانند.

مثلاً در بحث قوانین راهنمایی و رانندگی و پلیس مدرسه یا در تجربیات مشابه، گاهی اوقات، نقش بچه‌ها در تربیت خانواده هم تأثیرگذار است. به اعتقاد من در این بحث‌ها شیوه درست و منطقی مطرح شدن موضوع و نه صرفاً تقلیدی و شکلی شدن صرف آن، بسیار مهم است. اگر بچه‌ها اعتقاد پیدا کنند و دریابند که موضوع از چه قرار است، این مهم در زندگی مردم جاری و ساری می‌شود. وقتی زباله‌ای تولید می‌کنند به راحتی بیرون نیندازند و امساک در تولید زباله یا مثلاً روش‌های ابتکاری در مدارس برای بازیافت زباله و استفاده مجدد از آن و ارائه در قالب برنامه‌های هنری و ترکیبی به بچه‌ها منتقل شود، می‌توان نسل متفاوتی را به وجود آورد. نسل متفاوت، حکومت متفاوت و خواسته‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد.

■ مفید میدع مسافرت‌های جهادی بود و این امر سال‌هاست در کشورمان رواج یافته. فکر می‌کنید مفیدی‌ها در چه زمینه‌ای می‌توانند دوباره جریان‌سازی کنند؟
کارهای خیریه! به‌ویژه برای ما فارغ‌التحصیلانی که به آستانه سالمندی رسیده‌ایم و از میان‌سالی عبور می‌کنیم.

بنا نهادن کارهای خیر که مفید همواره در آنها پیشقدم بوده و مکتب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در اصل یک بنگاه خیریه و مؤسسه‌ای بوده که با امر خیر آغاز شده و می‌تواند الگو باشد. معمولاً افراد بعد از میان‌سالی و زمانی که نیازهای دنیوی‌شان برطرف شده باشد به این موضوعات فکر می‌کنند. هم به آن طرف فکر می‌کنند و هم اینکه خوشحالی خودشان دیگر راضی‌شان نمی‌کند و خوشحالی دیگران هم می‌تواند باعث خوشحالی آنها شود و حالشان را خوب کند. به نظرم حرکت منطقی به سمت اقدامات خیر می‌تواند تأثیرگذار باشد.

”

سه‌شنبه‌های بدون خودرو ایده من نبود
و ایده یکی از شهرداران استان مرکزی
بود که قبل از من شهرداران دیگر، مثل
شهردار اصفهان هم این موضوع را مطرح
کرده بودند. ولی من تلاش کردم به عنوان
شهردار و عضو دولت این کار را انجام بدهم
که در این مقیاس قبلاً اتفاق نیفتاده بود

● گفت‌وگو

● آموزش ترکیبی ویژگی‌ها و فرصت‌ها

پس از شیوع کرونا، آموزش در مدارس مفید به صورت ترکیبی دنبال شد و مدیریت این مدارس که پیش از شیوع همه‌گیری نیز در پی تحول دیجیتال بود، فعالیت‌های درخوری را در این عرصه‌ی جدید آغاز کرد. از این رو در مجموعه مدارس مفید، کمیته‌ای به این منظور تشکیل شد تا آموزش ترکیبی کامل‌تر شود و کمک کند مدارس مطلوبی مطابق با علم روز و البته رو به آینده شکل بگیرند. در این باره با تعدادی از استادان و صاحب‌نظران مدارس مفید گفت‌وگوهایی را انجام داده‌ایم که هر یک از زوایای متفاوت به این نوع آموزش و چشم‌اندازهای آن پرداخته‌اند. گفت‌وگوهایی متنوع که خواندشان خالی از لطف نیست.



مدارس مفید؛ پیشرو بانگه‌به‌آینده

گفت‌وگو با دکتر فخرالدین دانش‌آشتیانی با موضوع آموزش ترکیبی

از آموزش فیزیکی و مجازی است که در این باره باید کمی تفکیک قائل شویم. در آموزش ترکیبی، باید ترکیب آموزش‌های حضوری و حتی در قسمت‌هایی که حضوری امکان‌پذیر نیست، برخط وجود داشته باشد و یکسری آموزش‌های آفلاین، که بیشتر تأکید ما بر آموزش آفلاین است که البته مزایا و معایبی هم دارد.

■ به تجربه‌ای که طی یک سال و نیم گذشته در فعالیت آموزشی و در فضای کرونایی داشتید اشاره کنید و اینکه تمایل به حفظ کدام وجه این تجربه وجود دارد؟

در بحث یادگیری، برخی پارامترها تأثیر زیادی دارند؛ مسأله اول این است که در امر یادگیری، دانش آموز باید خودش درگیر یادگیری شود. مسأله دوم زمان یادگیری است. ما در روال معمول آموزش در مدارس، یک زمانبندی مشخص را تعیین می‌کنیم. در کلاس که حضور پیدا می‌کنم، در بعضی مواقع احساس می‌شود دانش‌آموزانی در آن زمان آمادگی یادگیری ندارند، لذا این مسأله بسیار مهم است؛ یک مسأله دیگر اینکه امکان دارد مطلبی را معلم مطرح کند و دانش‌آموز خوب متوجه نشود یا تمرکز کافی نداشته باشد. در آمار و مقالات علمی ارائه شده اثبات شده است که یک دانش‌آموز در سطح خوب، در یک ساعت تدریس بیشتر از ۳۰ تا ۳۵ دقیقه نمی‌تواند تمرکز پیدا کند و در خیلی از موارد تمرکز ندارد و بخشی از مطالب را خوب متوجه نمی‌شود. این پارامترها در آموزش‌های حضوری و مجازی و برخط نیز وجود دارد. اما در آموزش ترکیبی، با استفاده از امکانات موجود و محتوای آفلاین می‌توانیم بستر این پارامترها را برای دانش‌آموز فراهم کنیم. در واقع در آموزش ترکیبی و محتوای آفلاین دانش‌آموزان می‌توانند هر زمانی که تمایل دارد از آن استفاده کنند و اگر یک‌بار متوجه نشد، دوباره از مبحث درسی استفاده و سعی کند یاد بگیرد. آموزش ترکیبی و محتوای آفلاین می‌تواند حالت‌های تعاملی هم داشته باشد و دانش‌آموز در بخش‌هایی فعال باشد. برای مثال در کلاس مطلبی عنوان می‌شود که خود دانش‌آموز می‌تواند یادگیرنده باشد. در گذشته روی این مسأله تأکید زیادی داشتیم و شعارش را می‌دادیم که دانش‌آموز باید یادگیرنده باشد ولی

دکتر فخرالدین آشتیانی معتقد است پس از همه‌گیری کرونا، مدیریت مدارس باید بر مبنای تحول دیجیتال باشد. او می‌گوید در مجموعه مدارس مفید، کمیته‌ای برای این موضوع تشکیل شده تا آموزش ترکیبی کامل‌تر شود و کمک کند مدارس مطلوبی مطابق با علم روز و البته روبه‌آینده شکل بگیرند تا این مدارس بتوانند مانند گذشته در بحث تعلیم و تربیت پیشرو باشند. با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

■ به‌عنوان سؤال نخست، چرا مجتمع آموزشی مفید به سمت آموزش ترکیبی رفته است؟

استفاده از شیوه‌های مختلف در آموزش از مدت‌ها قبل مد نظر ما بوده، اما فرهنگسازی برای این مسأله زمان‌بر بود. بیماری کرونا باعث شد این حرکت شتاب بگیرد و خوشبختانه فرهنگسازی خوبی برای معلمان و دانش‌آموزان و اولیاء به وجود آمد و نشان داد که استفاده از این روش‌ها و تکنولوژی‌ها می‌تواند آموزش را بهبود ببخشد. البته بحث ما بر این است که پس از کرونا نیز این فرهنگسازی و تجربه را تکمیل کرده و ادامه دهیم و این موضوع مطرح شده که مدارس ما با استفاده از این روش آموزشی، کیفیت یادگیری را بالا ببرند. فقط در برخی موارد اشتباهی در خصوص معنای آموزش ترکیبی رخ می‌دهد که تصور می‌شود ترکیبی

”

در برخی موارد اشتباهی در خصوص معنای آموزش ترکیبی رخ می‌دهد که تصور می‌شود ترکیبی از آموزش فیزیکی و مجازی هست که باید کمی تفکیک قائل بشویم. آموزش ترکیبی، ترکیب آموزش‌های حضوری و برخط و یک سری آموزش‌های آفلاین، که بیشتر تأکید ما بر آموزش آفلاین است



تجربه این مدت نشان داد که با چنین روشی، حتی وقت و فرصت بیشتری فراهم خواهد شد. محتوای آفلاین، فرصت بیشتری فراهم می‌کند تا مسائلی را که دانش‌آموز خوب متوجه نشده، بیشتر مطرح شود و حتی دانش‌آموزان از یکدیگر یاد بگیرند و یادگیری عمیق‌تر شود. در گذشته به دلیل حجم بالای مطالب، امکان مشارکت دانش‌آموزان در فرایند آموزش فراهم نبود، اما در این روش فرصت برای یادگیری عمیق بیشتر است و در نتیجه در دوره دوم دبیرستان که حجم مطالب زیاد است، اتفاقاً می‌توان از این سیستم بهتر استفاده کرد و دانش‌آموزان بیشتر درگیر آموزش شوند و مشارکت فعال ایجاد کرد. گرچه در برخی موارد نگرانی از بهره نبردن دانش‌آموزان از مطالب درسی وجود دارد، اما در این روش و با استفاده از فناوری‌های جدید، بهتر امکان ارزیابی فعالیت دانش‌آموزان وجود دارد. به‌ویژه در این روش و در محتوای تعاملی، طرح مسائل چالشی و امکان مطالعه بیشتر سؤالات و پرسش و پاسخ فراهم شده و مشارکت بیشتر می‌شود. در کل باید گفت در این شیوه، معلم می‌تواند بازخوردهای مناسب و قابل اعتنایی از دانش‌آموزان دریافت کند.

■ در دو سال گذشته، فضای جدیدی در دیگر فضاهای آموزشی مانند دانشگاه هم ایجاد شده است. تجربه شخصی شما در دانشگاه با فضای جدید آموزش چگونه است؟

در سنین دانشجویان، این سیستم خیلی بهتر جواب داده است. در طول این دو سال، تمام محتواهای مدنظر تدریس شد، در حالی که قبل از این نمی‌توانستم تمام محتوا را ارائه بدهم یا در انتهای ترم مطالب به‌صورت فشرده ارائه می‌شد. اما در این دوره توانستم محتوای مد نظر در هر ترم را به دانشجویان ارائه کنم و علاوه بر این، حالت‌های تعاملی و فرصت طرح کردن مسائل چالشی زیادی فراهم شد که قبل از این فرصت این کارها فراهم نمی‌شد. با توجه به اینکه محتواها به‌صورت آفلاین است و دانشجویان مطالعه می‌کنند، در کلاس انتقال‌دهنده موضوع نیستیم بلکه بیشتر چالش‌ها

ادامه در صفحه بعد



معلمان باید آموزش‌های لازم را ببینند و توانمندی‌های لازم را به دست بیاورند و کارگردانی کنند. وظیفه آنها این نیست که همه چیز را آماده کنند و در اختیار دانش‌آموز قرار دهند. همچنین، علاوه بر کارگردانی، موضوع ارزیابی دانش‌آموزان هم مهم است

نمی‌توانستیم پیاده کنیم. اگر این شیوه به درستی اجرا شود، در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر زیادی خواهد داشت و منجر به ارتقاء کیفیت آموزش خواهد شد. دانش‌آموزان، معلمان و اولیا تجربه این نمونه کارها را در عرض این دو سال داشته‌اند. در واقع شاهد بوده‌ایم که معلمان ابتدا مشکل داشتند ولی بعد مجبور شدند یاد بگیرند و تنوع در مدل آموزش و یادگیری ایجاد شد. برخی معلمان هم در این دوره خلاقیت بسیار بالایی را از خودشان نشان دادند. در مدرسه زندگی و تأکید بر کسب مهارت‌ها در این دوره نمود خوبی داشته است و دانش‌آموزان درگیر موضوع آموزش شده‌اند و در این روش سعی کرده‌اند مهارت‌های درخوری را کسب کنند و تولیدات خوبی در زمینه تولید فیلم و محتوای آموزشی و ارزش آفرینی داشته‌اند.

همچنین اولیا در گذشته ارتباطی با داخل کلاس نداشتند و در برخی موارد مطالب از طریق خود دانش‌آموزان منتقل می‌شد یا به مدرسه مراجعه می‌کردند. اما در این دو سال، کلاس به فضای خانه برده شده و اولیا شناخت بیشتری نسبت به توانمندی‌های فرزند و تلاش‌های معلم داشته‌اند. در گذشته می‌گفتیم باید کلاس شیشه‌ای داشته باشیم، اما تجربه جدید فراتر از کلاس شیشه‌ای است و هر لحظه ولی دانش‌آموز می‌تواند نگاه کند که چه برنامه‌ای در حال اجراست. این تجربیات بسیار گرانسنگ است و باید از آنها برای بهبود سیستم آموزشی‌مان استفاده کنیم.

■ در چنین وضعیتی بستر برای آموزش دانش‌آموز محوری فراهم است و انطباق‌پذیری برنامه درسی با دانش‌آموزان متفاوت هم بیشتر است. در این مدل یادگیری می‌توان تنوع بیشتری ایجاد کرد. کلاس‌ها وارد خانه شده و قابلیت مشاهده و پایش دانش‌آموز و معلم برای اولیا فراهم شده است. اینها آرزوهای دیرینه آموزش و پرورش در دنیا بود که در اوضاع جدید تحقق پیدا کرده است. حال اگر بخواهیم به محدودیت‌های چنین آموزشی اشاره کنیم چه مواردی را باید نام برد؟

در این روش محدودیت و ایرادی وجود ندارد بلکه در اجرای عملیاتی آن مشکل داریم. ما نقش معلم را تاکنون به گونه‌ای می‌دیدیم که معلم قوی، معلمی است که بتواند مطالب را به خوبی تفهیم کند و دانش را به خوبی به دانش‌آموزان منتقل کند. اما در فرایندهای یادگیری، نقش معلم این نیست که مطالب را به‌طور کامل بیان کند و بیان خوبی داشته باشد، بلکه معلم می‌بایست در جایگاه تسهیل‌گر باشد و بتواند مطالب مناسبی را تهیه کند و در اختیار دانش‌آموز قرار بدهد. باید توجه داشته باشیم که معلم، علاوه بر تسهیل‌گری، یادگیری و آموزش را هم مدیریت می‌کند. در گذشته اگر می‌خواستیم دانش‌آموزان از یک کارخانه بازدید کنند یک روز کامل را باید به این برنامه اختصاص می‌دادیم، اما در شیوه جدید، معلم می‌تواند با هماهنگی قبلی کارخانه را بیاورد به فضای کلاس یا فرد متخصص در یک موضوع در کلاس حضور پیدا کند. در این مدل، حصار دیوارهای کلاس را برداشتم و با کمترین وقت و بیشترین اثر بخشی، آموزش به فراتر از مرزهای کلاس رفته است. این نگرش باید در معلم، دانش‌آموز و اولیا ایجاد شود که معلم تسهیل‌گر است و کلاس را کارگردانی می‌کند و نباید انتظار داشته باشیم که همه چیز را معلم آماده و عنوان کند. در این مدل، اثربخشی بیشتری هم خواهیم داشت؛ امکان دارد معلمی تبحر لازم را در بیان موضوعات نداشته باشد و از یک نفر دیگر که قدرت بیان بیشتری دارد استفاده کند. اما محدودیت اصلی فرهنگسازی این مسأله برای اولیا، دانش‌آموز و معلم است. معلمان باید آموزش‌های لازم را ببینند و توانمندی‌های لازم را به دست بیاورند و بدانند که باید کارگردانی کنند و وظیفه آنها این نیست که همه چیز را آماده کنند و در اختیار دانش‌آموز قرار دهند. همچنین، علاوه بر کارگردانی، موضوع ارزیابی دانش‌آموزان هم مهم است. در واقع باید بیشتر وقت معلم به ارزیابی دانش‌آموزان اختصاص پیدا کند که ببیند در این مدل چقدر دانش‌آموزان فعال هستند. حسن دیگر این روش، توجه به تفاوت‌های فردی است. معلم می‌تواند برای دانش‌آموزی که نیاز دارد، محتوای بیشتر و مختص او را منتشر کند و اینها هنر معلم در این سیستم است.

■ با نظام آموزش و پرورش فعلی ما و کنکور و حجم بالای دروس چقدر می‌توانیم این روش را اجرا کنیم؟



ادامه از صفحه قبل

وسؤالات را مطرح می‌کنم و در عین حال سعی می‌کنم تمام دانشجویان درگیر پاسخگویی به سؤالات شوند. این فرصت‌ها در گذشته وجود نداشت و احساس خیلی بهتری نسبت به زمان آموزش‌های حضوری دارم. تنها ضعف، نبود ارتباط چهره به چهره است که در این‌گونه ارتباط، تعاملات درسی بهتر خواهد بود. به همین دلیل است که در آموزش ترکیبی امکان برقراری ارتباط چهره به چهره در حد امکان، در کنار آموزش مجازی فراهم است.

■ در کلاس چطور متوجه می‌شدید که دانشجویان محتوای ارائه شده را دیده‌اند و مورد استفاده قرار گرفته است؟ بسیار مطرح می‌شود که در این شیوه دانش‌آموزان کم‌کاری یا تقلب می‌کنند.

در کلاس سؤالات مطرح می‌شود و به هر حال آزادانه پاسخ می‌دهند، اما به این اکتفا نمی‌شود. سعی من بر این است که باقی دانشجویان را به اسم صدا بزنم و می‌خواهم جواب بدهند. باید این فضا به وجود بیاید که در تمام زمان حضور داشته باشند و زمان زیادی از کلاس را به طرح سؤالات اختصاص می‌دهم. همچنین در این روش امکان برگزاری تعداد بیشتر آزمون با توجه به امکانات نرم‌افزاری بیشتر و بدون هماهنگی قبلی از دانش‌آموزان و دانشجویان فراهم است و به همین دلیل دانش‌آموز و دانشجو باید از تسلط بیشتری برخوردار باشند. در این روش، شب امتحان به آزمون مستمر تبدیل شده است؛ به این صورت که در این آزمون‌ها با توجه به امکانات نرم‌افزاری، امکان ارزیابی برای استاد فراهم است که چقدر دانشجویان مطلب را فرا گرفته‌اند و تعداد پاسخ‌دهندگان به هر یک از سؤالات و اینکه به چه سؤالی بیشتر پاسخ نداده‌اند مشخص می‌شود که بسیار ارزشمند است. همچنین امکان تقلب در امتحانات مطرح می‌شود. اما به‌طور کلی به دلیل تنوع و یکسان نبودن سؤالات و مدت زمان کم، مشکل عمده‌ای در خصوص امکان تقلب ندیدم، هر چند موارد جزئی وجود دارد.

در عین حال سطح نمرات دانشجویان من نسبت به گذشته تفاوت زیادی ندارد. در عین حال، پروژه‌های گوناگونی هم برای دانشجویان تعریف می‌شود و در این سیستم ارزیابی‌ها دقیق‌تر است.

■ در این روش قدرت مانور و خلاقیت معلم بیشتر بروز پیدا می‌کند؟

اگر کسی شغل معلمی را دوست داشته و عاشق تدریس باشد، به‌طور خودکار خلاقیت‌اش بروز پیدا می‌کند و نخستین مسأله رضایت خودش است. اما برای معلمانی که این شغل را به‌عنوان یک کارِ کارمندی انتخاب کرده‌اند سخت است و ترجیح می‌دهند حضوری باشد. البته در این دو سال شاهد بودیم که معلمانی خلاق بودند و وقت گذاشتند.

■ برخی از اولیا تصور می‌کنند با آموزش ترکیبی و مجازی کار مدرسه کم می‌شود و همان مطالبی که در فضای مجازی در دسترس است ارائه می‌شود و از این رو باید شهریه‌ها و هزینه‌ها کم شود؟

اگر آموزش ترکیبی به شکل مطلوب و با هدف ارتقاء کیفیت باشد، فرایند کار معلم و مدرسه به مراتب سخت‌تر است و معلم علاوه بر زمان پاسخگویی به دانش‌آموزان، برای تولید محتوای آفلاین ۲ تا ۳ برابر بیشتر از روش حضوری وقت می‌گذارد. در عین حال تولید محتوا باید تغییرات داشته باشد و معلم عاشق تدریس، هر سال و به‌صورت مستمر در محتوای تولیدی خود تغییر ایجاد می‌کند. علاوه بر این، شخصی‌سازی آموزش و ارزیابی تک‌تک دانش‌آموزان بیشتر تحقق پیدا می‌کند و وقت زیادی از معلم می‌گیرد. همچنین امکان دارد میزان ساعت حضور دانش‌آموزان در کلاس کاهش

”

سعی می‌کنم تمام دانشجویان درگیر پاسخگویی به سؤالات شوند. این فرصت‌ها در گذشته وجود نداشت و احساس خیلی بهتری نسبت به زمان آموزش‌های حضوری دارم. تنها ضعف، نبود ارتباط چهره به چهره است که در این‌گونه ارتباط، تعاملات درسی بهتر خواهد بود

در این فضا روی معلمان فشار مضاعفی وجود دارد و پیگیری و ارزیابی تک تک دانش آموزان وقت و انرژی بیشتری را می‌گیرد. برای این موضوع و دیده شدن این تفاوت چه راهکاری باید پیش‌بینی شود؟ واقعیت این است که موضوع افزایش حجم کار معلمان هنوز به‌طور کامل دیده نشده و فشار زیادی روی همکاران ما وجود دارد و در حال طراحی ساختاری هستیم که بتوانیم محتوای تولیدی با کیفیت و غنی‌تر معلمان را خریداری و با رعایت مالکیت معنوی محتوا، حق الزحمه‌ای را پرداخت کنیم. در آینده نیز بستری فراهم می‌شود که از فروش محتواهای تولیدی، سهمی به معلمان داده شود. همچنین سعی می‌کنیم با استفاده از فناوری‌های جدید و پیشرفته، فرایندها تا حد امکان ماشینی و رایانه‌ای شود. علاوه بر این‌ها در تلاش هستیم اگر در حال حاضر معلم برای شخصی سازی آموزش وقت زیادی را صرف می‌کند، با استفاده از سیستم‌های هوشمند نرم‌افزاری، بخشی از کار معلمان توسط سیستم و به‌صورت مکانیزه انجام شود. در این مدل سعی می‌شود با استفاده از فناوری‌ها، ساعت اشتغال نیروی انسانی در مجموعه را کاهش داده و حق الزحمه کارکنان را افزایش دهیم. اگر معلمی کار خوبی ارائه می‌دهد ارزش کارش باید بیشتر دیده شود.

البته دسترسی به این اهداف در گروهی فرهنگسازی و همکاری معلمان، دانش‌آموزان و اولیا است. در واقع این مسأله جدید و تغییر خود به خود زمان بر است؛ هرچند در ابتدا این شیوه با سختی‌هایی همراه است اما با همکاری و همدلی نتیجه‌بخش خواهد بود. بحث بعدی ما هم تحول دیجیتال است که مدیریت مدارس باید بر مبنای این تحول دیجیتال باشند. کمیته‌ای برای این مهم تشکیل شده و این موضوع باعث می‌شود آموزش ترکیبی کامل‌تر شود و کمک کند مدرسه مطلوبی را مطابق با وضعیت و علم روز داشته باشیم و در این زمینه بتوانیم مانند گذشته در بحث تعلیم و تربیت پیشرو باشیم.



واقعیت این است که موضوع افزایش حجم کار معلمان هنوز به‌طور کامل دیده نشده و فشار زیادی روی همکاران ما وجود دارد و در حال طراحی ساختاری هستیم که بتوانیم محتوای تولیدی با کیفیت و غنی‌تر معلمان را خریداری و با رعایت مالکیت معنوی محتوا، حق الزحمه‌ای را پرداخت کنیم



پیدا کند اما از طرف دیگر، در این روش و با استفاده از محتواهای آفلاین، خود یادگیرنده و فعال شدن دانش آموز بیشتر اتفاق می‌افتد.

■ در سیستم سنتی، دانش آموز حدود ۳۰ یا ۴۰ ساعت در مدرسه حضور دارد اما در آموزش ترکیبی، حضور در مدرسه ممکن است به ۲۰ ساعت کاهش یابد. اما باید بدانیم که در این روش دانش آموز بیشتر از زمان قبل درگیر آموزش است و خود دانش آموز فعال‌تر از سابق است و صرف حضور فیزیکی دلیل برای کیفیت بالای آموزش نیست.

در سیستم اداری هم همین‌طور است و برخی کارمندان فقط کارت حضور می‌زنند، ولی حضور فیزیکی کل ماجرا نیست و کارایی و بهره‌وری مرتبط با حضور فیزیکی نیست. در آموزش هم حضور فیزیکی دانش آموز تنها عامل تعیین‌کننده نیست و فرآیند همدلی دانش آموز با مسأله یادگیری بسیار مهم است. در این فرایند، انگیزه یادگیری دانش آموز بالاتر می‌رود. به علت اینکه دانش‌آموزان در عصر دیجیتال هستند و فرایند یادگیری اگر در این محیط باشد انگیزه بالاتر می‌رود. همچنین اولیاء دانش‌آموزان هم باید ببینند که آیا دانش‌آموز فعال است یا خیر. این را هم عرض کنیم که در گذشته، معلم پس از تعطیل شدن مدرسه هیچ ارتباطی با دانش‌آموز نداشت، اما اکنون معلم تا پاسی از شب پاسخگوی دانش‌آموزان است. در واقع این موضوع فعالیت دانش‌آموز و تعهد معلم را نشان می‌دهد. البته این مسئله باید همراه با نظم و انتظارات هم معقول باشد و اعتدال رعایت شود. به هر حال در این شیوه، معلم بیشتر در اختیار دانش‌آموزان است. فرصت تعامل دانش‌آموزان با معلم در محدوده زمانی و مکانی مدرسه نیست و مکان مدرسه به فضای آموزشی تبدیل می‌شود.



خانواده و مدرسه، ارتباط دوسویه آموزش ترکیبی و دیجیتال

گفت و گو با داریوش کریم زادگان، دبیر کمیته تحول دیجیتال مجتمع آموزشی مفید

دو سال اخیر داشته است؟

با آغاز همه‌گیری کرونا و مواجهه جامعه جهانی با این پدیده و بیماری گسترده‌ای که گریبان‌گر همه‌مان شد، نظام آموزشی دنیا هم از این ماجرا بی‌نصیب نماند. شیوع کرونا باعث شد همه مدارس به صورت غافلگیرانه وارد یک فضای جدید شوند. این غافلگیری همچنین شامل نظام آموزشی، معلم، دانش‌آموز و والدین هم بود و در صورتی که آن را با سال گذشته در همین مدت زمانی مقایسه کنیم، ما با دو پدیده جدید مواجه می‌شدیم. ظاهر موضوع از این فراراست که فعالیت‌هایی که در سال‌های تحصیلی گذشته انجام دادیم، اکنون باید از پشت مانیتورها شکل بگیرد.

■ از لحاظ ساختار آموزشی، آموزش چه تغییراتی به خود دید؟

اگر به زیرساخت آموزش بنگریم، به نظر می‌رسد با دگرگونی‌های اساسی و انقلابی در آموزش روبه‌رو بوده‌ایم. در دنیایی زندگی می‌کنیم که سرعت تحولات و تغییرات بسیار بالاست و این تغییرات به سرعت زندگی ما را دست‌خوش دگرگونی می‌کند. این سلسله تغییرات اگر با دهه‌های گذشته مقایسه شود، می‌توان گفت که به راحتی، تغییرات قابل مشاهده و ملموسی است. با گذر زمان این تغییرات به پنج سال، سه سال، دو سال و حتی اخیراً به یک سال رسید! اما در حوزه آموزش سنتی، تقریباً هنوز تغییرات عمده‌ای را ندیده‌ایم. بچه‌های ما کم و بیش در همان فضایی درس خوانده‌اند که ما در گذشته

داریوش کریم زادگان، دبیر کمیته تحول دیجیتال مجتمع آموزشی مفید معتقد است آموزش آنلاین، به رغم اینکه گام برداشتن به سوی این نوع آموزش در آینده ناگزیر است، آفت‌هایی دارد. مانند احساس تنهایی دانش‌آموز. او می‌گوید در کلاس‌های حضوری، دانش‌آموزان می‌توانند زنگ‌های تفریح یکدیگر را ببینند یا در حیاط مدرسه هواخوری کنند و با هم شوخی کنند که به بالا رفتن نشاط جمعی آنها کمک می‌کند اما باید برای این عناصر نشاط‌آفرین، جایگزینی در آموزش ترکیبی و مجازی در نظر گرفت. او خانواده و دست‌اندرکاران مدرسه را در آموزش دیجیتال، لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند. گفت‌وگوی کوتاه ما را با او بخوانید.

■ همه‌گیری کرونا چه تأثیری بر نظام آموزشی طی

ابزار ارتباطی معلمان که همان ارتباط چهره به چهره را که با دانش آموزان بوده، کاهش پیدا کرده است. این شیوه ما را ناچار کرده تا از تکنولوژی برای جایگزین کردن این نقصان استفاده کنیم. در واقع این تکنولوژی ما را با یک تغییر فراوان مواجهه کرده است. مهم ترین نکته‌ای که به نظر می‌رسد، این است که همه ما اعم از دانش آموز، والدین، معلمان و مدیران مدرسه باید برای آن آماده باشیم و این آمادگی مستلزم دگرگونی و جابه‌جایی است. آمادگی برای اینکه بتوانیم جابه‌جایی را با برنامه‌ریزی‌ای که از پیش به آن اندیشیده‌ایم، تمام و کمال انجام دهیم. تلاش‌هایی انجام شده تا برنامه‌ریزی‌مان به درستی و بی‌نقص انجام شود. اما کماکان نوسان‌هایی در اتصال به شبکه‌های اینترنت و مسائل تکنولوژیک وجود داشته و دارد که راهکارهای مختلف و متفاوتی را پیش روی ما قرار می‌دهد. این پیش‌فرض و آمادگی به ما کمک می‌کند که بتوانیم به شکل انعطاف‌پذیر از این موقعیت که به‌عنوان شرایط «تحدید» (به معنای محدود شدن و نه تهدید) به حساب می‌آید، به نوعی فرصت تغییر دست یابیم و از مجموع این فرصت، نهایت بهره‌را ببریم. آنچه به‌عنوان آموزش مدرن در دنیا مطرح است و روی آن تأکید می‌کنم، رکن اساسی‌اش یادگیرندگی یا یادگیری محوری است. بعضاً به تعبیری از آن با عنوان دانش آموز محوری یا دانش آموز مداری یاد می‌شود. در واقع این اتفاقی است که در فضای مدرسه دیجیتال رخ داده و آغاز این سلسله تغییرات را به ما نشان می‌دهد. باید گفت وضعیتی برایمان ایجاد شده که به‌عنوان مدرسه یا مرکزی که متولی فرایند یادگیری برای فرزندان است، بتوانیم رویکرد دانش آموز محوری یا یادگیرنده محوری را دنبال کنیم.

■ قبلاً دانش آموز محوری به‌طور کلی مغفول بود؟
پیش‌تر کافی بود بچه‌ها صبح ساعت ۷:۳۰ در مدرسه حضور داشته باشند و ساعت سه و نیم بعد از ظهر به خانه برگردند. خیالمان راحت بود که سر کلاس‌های مدرسه‌اند و زنگ‌های مختلف مدرسه زنگ یک، دو، سه و الی آخر را در مدرسه

ادامه در صفحه بعد

”

اگر به زیرساخت آموزش بنگریم، به نظر می‌رسد با دگرگونی‌های اساسی و انقلابی در آموزش روبه‌رو بوده‌ایم. در دنیایی زندگی می‌کنیم که سرعت تحولات و تغییرات بسیار بالاست و این تغییرات به سرعت زندگی ما را دست‌خوش دگرگونی می‌کند



درس می‌خواندیم. ما نیز بیش و کم در همان فضایی درس خوانده‌ایم که پدر و مادرهایمان در آن درس خوانده‌اند و پرورش یافته‌اند. به گمانم در حوزه آموزش، تحولات جدیدی را شاهد نبوده‌ایم. به گمانم این موضوع مختص کشورمان ایران نیست و حتی سراسر دنیا هم از این قاعده مستثنی نبوده است.

■ پس ما هیچ‌گونه تغییری در نظام آموزشی مدرن به خود ندیده‌ایم؟ می‌شود بیشتر توضیح دهید؟

البته با نگاه دقیق‌تر و ظریف‌تر باید عنوان کرد که حدود دو سه دهه است که به‌صورت جدی نظام آموزشی مدرن به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی پر رنگ شده است و این مهم در کل دنیا جاری و ساری است. از جمله در ایران هم از آغاز قرن ۱۴ خورشیدی و شروع سال ۱۳۰۰ این نظام کلاسیک، پس از مکتبخانه‌ها به کار گرفته شده است و دیگر در آن تغییری ندیده‌ایم. اما تقریباً در دو سه دهه گذشته نقدهای جدی، حتی در خود ایران به این نظام آموزشی وجود داشته است و انتقادهایی اساسی از این شیوه عنوان کرده‌اند. با شیوع کرونا و متوقف شدن فرایند متعارف مدرسه‌داری و همچنین انتقال آن به فضای جدید که حالا به اسم مدرسه دیجیتال یا فضای آموزشی دیجیتالی از آن نام می‌برم، این تحول اندک را شاهدیم. همچنین ایرادها و انتقادهای نگرانی‌هایی که در نظام گذشته وجود داشته، رفته رفته به چالش جدی کشیده می‌شود. اما وضعی را شاهدیم که می‌توانیم به آن امید ببندیم و از نقاط ضعف نظام متعارف فاصله بگیریم.

■ فضای جدید و مدرسه دیجیتال چگونه تحولی و با چه کیفیاتی بود؟

از این فضای جدید صحبت می‌کنم و می‌خواهم بدانیم مدرسه دیجیتالی در واقع چه تفاوتی با مدرسه متعارف گذشته دارد. باید بررسی کرد که در فضای جدید آموزشی، نقش بچه‌ها، معلمان و والدین چه تغییری به خود دیده. این اتفاق به هر حال برای ما رخ داده است؛ گرچه اتفاق مهمی است اما نکته مهم‌تر آن است که به رغم چندین دهه نقد و نظر، توقع داشته‌ایم و داریم که دست کم، امروز همه برای این اتفاق و تحول آماده باشند. همه جهان با وضعی دست‌پاچه به این سمت و سو حرکت کرده‌ایم و می‌کنند. این اتفاق، تغییری است که در ظاهر چنین است که همان آموزش از وضعیت حضوری به وضعیت نیمه‌حضوری و مجازی صرفاً انتقال یافته. اما در باطن به شکلی است که شاید مهم‌ترین

می‌گذارند و فرایند درس را طی می‌کنند. اما واقعاً یادگیری هم رخ می‌داد یا نه؟! این خود موضوعی بود که نه قابل کنترل به نظر می‌رسید و نه قابل تضمین. اما با موقعیتی که اکنون در آن قرار داریم، چنین امیدهایی زنده شده است.

تکنولوژی و بهره‌بردن از ابزارهای مدرن در این بین چقدر شتاب‌دهنده است؟

تکنولوژی این فرصت را به ما داده تا بتوانیم یادگیرنده را محور فعالیت‌های خودمان قرار دهیم. به همین دلیل در مجتمع مفید استراتژی آموزش ترکیبی را در این راستا و زیر چتر یادگیرنده محوری اتخاذ کرده‌ایم و دنبال می‌کنیم. در همین راستا، نقش دانش آموز، معلم و توقعی را که فی‌الواقع خانواده می‌تواند از مدرسه داشته باشد، به خوبی تعریف می‌کند. اجمالاً اگر بخواهم به همه این موضوعات اشاره کنم محور اصلی ما در این فضا دانش آموز است. اگر دانش آموز بخواهد مطلبی را یاد بگیرد، همه امکاناتی که وجود دارد به او کمک خواهد کرد. هر دانش آموزی با توجه به پیشینه‌اش، قابلیت‌هایش و سبک یادگیری‌ای که دارد، می‌تواند بهترین بازدهی را داشته باشد. لذا در این قسمت، دانش آموز به‌عنوان بازیگر اصلی، نقش اساسی و بنیادی این فرایند است و باید احساس کند تمام پروسه آموزش به او ختم می‌شود و رو به سوی اوست. آموزش از او و برای او آغاز می‌شود و با او هم به پایان می‌رسد. در سال‌های گذشته وقتی کلاس شروع می‌شد، همه در کنار هم می‌نشستند، اما در حال حاضر دانش آموز خودش را تنها می‌بیند که پشت مانیتور نشسته است. حداقل تا زمانی که آموزش به‌صورت مجازی است، چنین شیوه‌ای ادامه دارد. می‌داند که اگر جا بماند کلاس جلو می‌رود و برایش آن حالت تنهایی، به لحاظ روان‌شناختی نمود و ظهور بیرونی بیشتری دارد. اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که دانش آموزها با محتواهای متنوعی مواجه‌اند.



هر دانش آموزی با توجه به پیشینه‌اش، قابلیت‌هایش و سبک یادگیری‌ای که دارد، می‌تواند بهترین بازدهی را داشته باشد. لذا در این قسمت، دانش آموز به‌عنوان بازیگر اصلی، نقش اساسی و بنیادی این فرایند است و باید احساس کند تمام پروسه آموزش به او ختم می‌شود و رو به سوی اوست

نقش دقیق معلم در این بین چیست؟

در آموزش ترکیبی تأکید می‌شود که با استفاده از فضای دیجیتال، معلمان محتوای آموزش‌شان را به اشکال متنوع از منابع و روش‌های مختلف آماده کنند و ارائه دهند. در اینجا نقش معلم توصیف می‌شود. شاید معلم پیش خود تصور کند و بگوید زمانی که فقط در پشت مانیتور باشم دیگر چه روشی را می‌توانم ارائه دهم! یا اینکه به خود بگوید که از پشت مانیتور، صرفاً می‌توانم درس را بدهم. اما واقعیت این است که اگر فضای مجازی را فقط به صفحه مانیتور تفسیر کنیم، این می‌تواند حداقل برداشت از موقعیت دیجیتال باشد. به نظرم یکی از خطاهایی که نظام‌های آموزشی ما ممکن است مرتکب شوند این است که تمام آموزش را به اتفاقی که پشت دوربین معلم و به طبع، صفحه نمایش دانش آموز می‌افتد، محدود کرد. در حالی که یکی از امکانات جدی ما در فضای دیجیتال استفاده از نرم‌افزارهای مدیریت یادگیری است؛ یعنی آنچه امروز به‌عنوان «وبینار» یا کلاس‌ها و آموزش‌های همزمان است. نکته‌ای که می‌خواستم در اینجا اشاره کنم آن است که این روش نباید تمام زمان یا ۹۰ درصد برنامه درسی ما را در بر بگیرد. نخست اگر دانش آموز بخواهد از ساعت ۷ و نیم صبح تا سه و نیم عصر مانند برنامه گذشته، پشت مانیتور بنشیند، واقعاً خسته‌کننده است. چون بچه‌ها معمولاً در مدرسه با دوستانشان حضور دارند و فرصت این را دارند تا با یکدیگر شوخی کنند. فضاهای نشاط‌آور در مدرسه برای بچه‌ها زیاد است. همچنین بچه‌ها در مدرسه تحرک بیشتری دارند. زنگ‌های تفریح، ورزش و هواخوری دارند که می‌توانند به نوبت بازی کنند اما همه این‌ها در موقعیت مجازی حذف می‌شود.

یعنی این‌ها را جملگی به‌عنوان آفت کلاس‌های مجازی برمی‌شمردید؟

بله! به نوعی کسالت‌باری کلاس‌های مستمر و کلاس‌های آنلاین باعث فرسودگی دانش آموز و معلم می‌شود. به همین دلیل این مهم یکی از خطرهای عمده‌ای است که مدرسه، والدین و بچه‌ها را تهدید می‌کند. هر دانش آموز و والد و معلمی که بخواهد بدین شیوه عمل کند، طبعاً چنین توقعی را هم باید از این آموزش داشته باشند. باید نسبتی را در این نوع آموزش در نظر گرفت. طبق مطالعاتی که انجام شده، زمانی که مدارس بخواهند به شکل دیجیتالی فعالیت‌شان را ادامه دهند، معمولاً چند سطح را باید بگذرانند. در مهم‌ترین سطحش، باید عیناً شرایط یا روش‌های سنتی را با ابزارها و روش‌های جدید جایگزین کنند و جا بیندازند. مثال بارز آن روش به این شکل است که کلاس‌ها صد در صد آنلاین شود. اما باید ابزارهای متنوع در آموزش را به کار ببریم و فقط از یک ابزار استفاده نکنیم. مانند محتواهایی که به‌صورت فیلم می‌توان در اختیار بچه‌ها گذاشت. همچنین می‌توان متون متنوعی به آنها معرفی کرد و از فضاهای تعاملی و گفت‌وگویی، مشارکتی، کارهای گروهی و پژوهش‌هایی که بچه‌ها می‌توانند انجام دهند بهره برد. به هر حال منحصر به فرد بودن توسط نرم‌افزار مدیریت یادگیری قابل بررسی و پیگیری است. از این حیث، دیجیتالی شدن، مدرسه را ارتقاء می‌دهد. اگر بخواهم جمع‌بندی کنم، دانش آموز و والدین از مدرسه توقع دارند که محتواهای آموزشی با منابع و روش‌های متنوع در اختیارشان قرار بگیرد. به‌عنوان دانش آموز نسبت به سبکی که بهتر یاد می‌گیرد، چه تصویری، صوتی، متنی یا عملی و اجرایی باید بتواند با محتواهای موجود، اهداف آموزشی‌اش را دنبال کند و تا زمانی که به آن تسلط مورد نظر نرسیده، باید بتواند به‌طور مستمر و مکرر باز هم از آن محتواها بهره‌برد و استفاده کند. این توقعی است که ما از مدرسه داریم و از سوی دیگر نقش دانش آموز در متن آموزش بسیار حایز اهمیت است. بنابراین در اینجا مدرسه و معلم مهم‌ترین نقش‌شان تسهیل‌گری و فراهم کردن محتواهای آموزشی و ایجاد انگیزه است. دانش آموز برای دنبال کردن موضوع و به کار گرفتن این امکانات انگیزه پیدا می‌کند تا آموزش را در سطح تسلط مورد نظر دنبال کند. از دیگر سو، مدرسه هم توسط نرم‌افزار

نظر است، برای فرزندش تأمین کند. بعضاً مورد پرسش قرار گرفته‌ایم که چه نرم‌افزارهایی مورد نیاز است؟ شاید از حداقل مورد نیاز صحبت کردن برایم سخت باشد اما می‌توانم بگویم از چه وسایلی ارتباط جمعی استفاده نشود. معتقدم بچه‌ها با استفاده از گوشی‌های لمسی همراه، آموزش نبینند. هر ابزاری را اگر به کار می‌برید، دستکم از گوشی لمسی استفاده نکنند. گوشی همراه برای یاد گرفتن و آموزش مدرسه‌ای به نظرم ابزار مناسبی نیست. می‌توان با توجه به امکانات خیلی ساده تر از تبلت، رایانه یا لپ‌تاپ استفاده کرد. یعنی از هر وسیله‌ای که استفاده می‌کنند، حداقل امکانات میکروفن، دوربین و اینترنت پایدار را داشته باشد. تأمین این زیرساخت‌ها وظیفه خانواده است. همچنین خانواده‌ها باید ارتباطشان را با مدارس حفظ کنند. مدرسه هم معمولاً برای این نوع ارتباط، کانال‌های ارتباطی از جمله سمیم یا شبکه‌های اجتماعی دارد که هر مدرسه‌ای معمولاً خودش انتخاب می‌کند. علاوه بر این باید مراقب باشیم بچه‌ها ارتباطشان با برنامه مدرسه قطع نشود. مدرسه از طریق پیگیری‌های مستمر از سمیم یا گزارش‌هایی که از کلاس‌ها می‌گیرد باید این ارتباط را حفظ کند. ضمناً خانواده‌ها باید به نوعی در خانه زمام امور را دست بگیرند تا مثلاً زمانی فرانسند که دانش‌آموز یک ماه ارتباط با کلاس و مدرسه نداشته باشد و تازه پس از یک ماه بخواهند متوجه شوند که مشکلیش چه بوده است. البته این اتفاق حتی ممکن است در مدرسه حضوری هم بیفتد اما بچه‌ها معمولاً در آنجا حضور فیزیکی دارند و اگر غیبت حضوری داشته باشند، سریع متوجه می‌شویم. اما در آموزش آنلاین چون ارتباط، ارتباط دیجیتال است، این موضوع خیلی حساس تر می‌شود و ممکن است از طرف خانواده گاهی مسکوت بماند. این نکته را هم عرض کنم که به نظرم والدین توقع پیگیری دارند و معلمان و مدیران مدرسه هم این وظیفه را دارند که به صورت مستمر و هنگام هر گونه قطع ارتباط دانش‌آموز با کلاس یا انجام ندادن تکالیفشان را به آنها اطلاع دهند. پس در آموزش ترکیبی و دیجیتال توقع به جایی است که از مدرسه دارند تا خانواده را مطلع کند و سپس در یک تعامل دو سویه، خانواده پیگیری کند که چه مانعی وجود داشته که فرزندشان نتوانسته سر کلاس حاضر باشد و فعالیت‌هایش را انجام ندهد است. و نکته پایانی اینکه با توجه به مشغولیت قابل توجهی که بچه‌ها در دنیای مجازی یافته‌اند احتمال وابستگی و اعتیاد به کامپیوتر و موبایل شدیداً جدی است. فعالیت‌هایی در قالب چت و تبادل پیام با دوستان، بازی‌های کامپیوتری خصوصاً آنلاین، وبگردی و چرخ زدن در اینستاگرام و تماشای کلیپ و فیلم‌ها و سریال‌ها، ضرورت قانون داشتن در استفاده از فضای دیجیتال در منزل جدی است. مثلاً چار چوبی برای استفاده تا ساعت ۸ شب یا مدت محدود استفاده از ابزار دیجیتال در روز.

مدیریت یادگیری، این فرایند را پیگیری، دنبال و تسریع می‌کند. در عین حال مدیران مدارس باید به گونه‌ای فعالیت بچه‌ها را پی بگیرند که اگر استثنائاً در مواردی آموزش ارتباط قطع شد، بتواند با باز خورد به هنگام، پیش از آنکه دیر شود با دانش‌آموز ارتباط بگیرد و موانع محتمل را شناسایی کند و به کمک خانواده دانش‌آموز را به مسیر یادگیری مستمر بازگرداند. این تحول و تغییر که در زمانی کوتاه رخ می‌دهد، نیازمند آن است تا همه‌مان آماده آن باشیم. همان‌طور که اشاره‌ای گذرا کردم، انعطاف‌پذیری بسیار اهمیت دارد. اگر بخواهیم در فضاهای سنتی‌مان به صورت ایستا بمانیم، مواجه شدن با این تغییرات دانش‌آموز، معلم و والدین را شکننده می‌کند. بنابراین، انعطاف‌پذیری و آمادگی برای تغییر و مواجهه خلاقانه با موقعیت‌هایی که با آن روبه‌رو می‌شویم ناگزیر است.

■ بستری‌های دیجیتال چقدر قابل اعتنا و اتکا هستند؟

قطع و وصل شدن اینترنت واقعیتی است که ما نمی‌توانیم از آن بگریزیم. هدف مراکز، مدرسه و آموزش و پرورش یکی است و آن هم یادگیری دانش‌آموزان است. ما باید تمامی تلاش‌هایمان را در این راستا به کار ببندیم. باید از ابزارهای تکنولوژی و دیجیتال که بسیار ابزارهای توانمندی‌اند برای یادگیری بهره‌گیری. وضعیت جدید امکانی ایجاد کرده است که بتوانیم محتواهای آموزشی را با منابع و روش‌های متنوع در اختیار دانش‌آموزان بگذاریم. می‌توانیم تئوری‌های یادگیری را که بچه‌ها با روش‌هایی یاد گرفته‌اند، با سبک‌های مختلف یادگیری پوشش و ارائه دهیم. این توفیقی است که می‌شود از معلم و مدرسه داشت. مضاف بر اینکه باید سرعت مختلفی را برای ما پدید بیاورند. اگر همه آموزش‌هایمان را برای آموزش همزمان یا آنلاین بگذاریم، عملاً سرعت‌های متفاوت دانش‌آموزان برای تمرین، دشوار و سخت می‌شود. اما اگر محتواها متنوع شوند و فیلم و متون مختلفی در دسترس‌مان باشد، دانش‌آموزانی که سرعت متفاوتی دارند هم می‌توانند در این برنامه در حد نیازشان تمرین کنند. پیگیری دانش‌آموزان می‌تواند توسط نرم‌افزارهای مدیریت یادگیری مدارس به نام سمیم که برای مدرسه ما سمیم مفید است، به مدارس کمک شایان توجهی کند.

■ خانواده‌ها در این بین می‌توانند چه نقش مؤثری بازی کنند؟

نقش کلیدی خانواده این است که نخست زیرساخت‌ها را، از اینترنت گرفته تا نرم‌افزارهایی که مد



ضرورت آموزش معلمان در دوران جدید

در گفت و گو با محمدرضا دهقانی، مدیر فناوری اطلاعات مجتمع آموزشی مفید عنوان شد

و همه روش‌های نوین آموزشی تغییر کرد. از این شیوه با عنوان آموزش حضوری یاد می‌کردند. در واقع کرونا این فرصت را به ما داد تا آموزش هم وارد شاخه‌ها، حوزه‌ها و حاشیه‌های دیگری شود. خوشبختانه به طور مشخص امکانات دیجیتالی و آموزش غیر حضوری و مجازی کمک کرد تا ابزارها، امکانات و شیوه‌های مختلف که در آن فضای گذشته قابل استفاده نبود، وارد حیطه آموزش شود.

■ کدام‌یک از این دو شیوه (آموزش حضوری و غیر حضوری) را امروز ارجح می‌دانید؟
البته آموزش حضوری و غیر حضوری هر یک به تنهایی دارای مزایایی هستند، اما در عین حال قطعاً هر دو شیوه هم ایرادهایی داشته و دارند. این در حالی است که به نظر می‌رسد ترکیب این دو آموزش می‌تواند دوران جدیدی در آموزش و پرورش به وجود آورد. در واقع تلفیق این دو روش در کنار آموزش آنلاین به عنوان آموزش ترکیبی، شاید بتواند ایرادهای یکدیگر را رفع کند. یکی از مباحث آموزش ترکیبی که در این رهگذار پر رنگ شد، تغییر الگوی آموزش جمعی به آموزش فردی است. همچنین استفاده از شیوه‌های متفاوت برای اینکه دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های یادگیری و وضعیت موجود، در زمان‌های مختلف با مقاصد مختلف این آموزش را فرا بگیرند، مهیا شد. به گمانم شخصی‌سازی و یادگیری فردی، فرصتی است که در این برهه از زمان ایجاد شده است و ما از آن ناگزیریم.

محمدرضا دهقانی، معاون مقطع متوسطه دوم و مدیر فناوری اطلاعات مجتمع آموزشی مفید است. وی معتقد است که در دوران پسا کرونا، تجربه‌های آموزشی کرونا باقی خواهد ماند و به شکل جدی‌تر نیز دنبال خواهد شد. دهقانی در مجموع، آموزش دوران کرونا و پس از آن را آموزشی موثرتر، راحت‌تر و با سهولت بیشتر و تخصصی‌تر ارزیابی می‌کند.

■ شیوع کرونا چه تأثیری بر روند آموزش داشت؟
کرونا و اتفاقاتی که در این روزها با آن روبه‌رو بودیم، تغییراتی در همه زمینه‌ها ایجاد کرد. یکی از تغییراتی که شاهدش بودیم، در آموزش و پرورش اتفاق افتاد و دگرگونی‌هایی را ایجاد کرد. با این تغییرات، البته شاید بتوانیم فرصت‌هایی را هم در این راستا ارزیابی کنیم. الگوی آموزش و پرورش شیوه قدیم که سنتی هم بود دگرگون شد



در وهله اول، دانش آموز مسئول است که مطمئن شود درس را یاد گرفته و به اهدافش رسیده است. در واقع خود دانش آموز باید ثابت کند چقدر پیگیر است و دغدغه دارد. او باید بداند که چگونه از این ابزارها و شیوه‌های مختلف کمک بگیرد تا به اهداف آموزشی‌اش دست یابد. اولیا هم به همین شکل باید نظارت‌های متفاوتی داشته باشند. دیگر چنین نیست که اولیاء با مسئولان آموزشی گفت‌گو کنند و مثلاً در یک جلسه از وضع درسی بچه‌شان با خبر شوند. از دیگر سو، البته شاید این امکان در حال حاضر برقرار نباشد اما در فضاهای مجازی هم بستری وجود دارد که با دسترسی و نگاه کردن سریع به نظام اطلاعات آموزشی، صدر و ذیل فعالیت‌های دانش‌آموز را در اختیارشان می‌گذارد و آنها می‌توانند به نحو احسن در جریان فعالیت‌های دانش‌آموز قرار بگیرند. اینکه آیا تکالیف‌شان را به درستی انجام داده‌اند یا خیر و... خوشبختانه همه این موضوعات قابل دسترسی است.

■ این ارتباط دو سویه و چند سویه می‌تواند به آفتی هم در زمینه آموزش تبدیل شود؟
بله! اتفاقاً این اطلاعات انبوه می‌تواند یک تهدید هم به حساب آید. فرض کنید ولی دانش‌آموز از یک تمرین نوشتن فرزندش مطلع است اما طبعاً به مراتب پیگیری‌هایش جزئی‌نگران‌تر است.

■ راه چاره در این بین چیست؟
باید بتوانیم کنترل جامع و کلی داشته باشیم. البته اطلاعات می‌تواند به ما کمک کند که مسیر به چه شکلی دنبال شود. فضای دیجیتال و فضای آموزش ترکیبی به نظر فضای کاملاً متفاوتی است و لاجرم باید ساختارها در این شیوه تغییر کند. موضوع

ادامه در صفحه بعد

”

یکی از چالش‌هایی که با آن روبه‌رویم این است که چه درس‌هایی را نمی‌توانیم غیر حضوری برگزار کنیم و حتماً باید حضوری برگزار شود و طبعاً ببینیم چه درس‌هایی را می‌توانیم در فضای مجازی آموزش دهیم. این‌ها همگی پرسش‌هایی است که دست‌اندرکاران آموزش و مدارس روی آن‌ها تمرکز دارند و می‌اندیشند و البته پاسخ‌های متعددی هم دارد

■ چه چالش‌های عمده‌ای را در این بین ارزیابی می‌کنید؟

یکی از چالش‌های بزرگ این است که این دو نوع آموزش را به چه شکل می‌توان با یکدیگر ترکیب کرد. به نظر من نوع ترکیب این دو روش، چالش عمده‌ای است که باید به آن پاسخ داد. یکی از چالش‌هایی که با آن روبه‌رویم این است که چه درس‌هایی را نمی‌توانیم غیر حضوری برگزار کنیم و حتماً باید حضوری برگزار شود و طبعاً ببینیم چه درس‌هایی را می‌توانیم در فضای مجازی آموزش دهیم. این‌ها همگی پرسش‌هایی است که دست‌اندرکاران آموزش و مدارس روی آن‌ها تمرکز دارند و می‌اندیشند و البته پاسخ‌های متعددی هم دارد. فکر می‌کنم امروزه در دنیا هم موضوع آموزش مجازی، بحث مهمی تلقی شود. حتی شنیده‌ام بعضی از کشورها هنوز مسئولیت آموزش غیر حضوری را نپذیرفته‌اند و همچنان روی آموزش حضوری تاکید دارند. به گمانم ترکیب این دو آموزش فرصت درخشانی را فراهم می‌کند. البته در حوزه آموزش غیر حضوری دو بحث وجود دارد؛ نخست بحث آموزش آنلاین و دوم آموزش آفلاین. شاید ساده‌ترین کاری که می‌شود انجام داد این است که ما نحوه آموزش حضوری را که در گذشته انجام می‌گرفت، به فضای دیجیتال و آنلاین انتقال دهیم و کلاس‌ها را در همان بستری که وجود داشت، ادامه دهیم. به نظر من این ساده‌ترین پاسخی است که می‌شود به آموزش‌های ترکیبی داد.

■ آموزش آنلاین چه سختی‌ها و مشکلاتی دارد؟

آموزش آنلاین به مراتب سخت‌تر و غیر واقعی‌تر از آموزش حضوری است. در آموزش حضوری ارتباط فیزیکی و ارتباط چهره به چهره که معلم با شاگرد دانش دارد، در یادگیری تاثیر دارد. اما این نوع آموزش در فضای آنلاین شکل نمی‌گیرد. ضمن اینکه در این رهگذار، ممکن است دانش‌آموزان راحت‌تر هم حواس‌شان پرت شود. اگر در آموزش غیر حضوری، از آموزش، ابزارها، روش‌ها و امکاناتی که در متن این فضا به وفور وجود دارد، استفاده شود، آن وقت این نوع آموزش مهم‌تر می‌شود و معنا می‌یابد. در این شیوه، به طور مثال می‌شود از بازی‌های مختلف در آموزش استفاده کرد. ما در مدرسه امکانات این را نداشته‌ایم که بیشتر مواقع از آزمایشگاه‌ها استفاده کنیم و این عمل محدود بود. اما در فضای جدید بسترهای آزمایشگاه‌های مجازی وجود دارد.

■ وضع آموزش ترکیبی در نقاط دور دست کشور به چه شکل دنبال می‌شود؟

در مکان‌های دور دست به شکل غیر فیزیکی هم می‌توانیم حضور داشته باشیم. ما به سادگی می‌توانیم دانش‌آموزان را در اتاقی داشته باشیم و از خانه آنها را به کشورهای مختلفی ببریم که بتوانند از موزه‌ها بازدید کنند. با امکانات VR (شبیه‌سازی محیط آموزشی) وارد حوزه‌های مختلف شوند که تا میزان قابل توجهی، غیر قابل تصور است. فرض کنید دانش‌آموزی در زمینه درس زیست شناسی، می‌تواند بدن انسان را ببیند؛ قلب و تمام کارکردهایش را از نزدیک درک کند و همه اتفاقاتی را که داخل بدن می‌افتد، با چشم سر ببیند. این حرکت در فضای آنلاین قابل انجام است. در واقع این فرصت شگفت‌انگیز و عجیبی است که به نظر من تاثیر بسزایی در آموزش بچه‌ها دارد.

■ مسئولیت یادگیری، اینجا چقدر نقش خود را به درستی یا با مشکلات مختلف ایفا می‌کند؟

یکی از نکات خیلی مهمی که در این حوزه آموزش به چشم می‌خورد، مسئولیت یادگیری است و به گمانم چالش بزرگی به شمار می‌رود. امکان کنترل فضای آموزشی که در گذشته وجود داشت، مانند ارتباط و پیگیری بین معلم و دانش‌آموز، به شکل فیزیکی وجود ندارد. در خلال این تجربه جدید، این پیگیری دیگر به شکل سابق دیده نمی‌شود. بنابراین مهم است که در این راستا، بچه‌ها و پس از آن اولیا به این موضوع مهم توجه کنند.

■ چقدر می‌توان دانش‌آموز را ترغیب کرد تا مسئولیت یادگیری را بر عهده بگیرد و اهداف دست‌یافتنی شود؟

نسل هم سازگاری دارد، قابل دستیابی است. اما باید محیط آموزش جدید را به درستی درک کرد و جوانب آن را سنجید و همه جوانب را کنار هم در نظر آورد.

■ به نظر تان این شیوه در پسا کرونا چگونه دنبال خواهد شد؟

ان شالله به زودی شیوه کرونا فروکش کند، اما بعید می‌دانم که به دوران پیش از کرونا بازگردیم. اگر بخواهیم به دوران گذشته بازگردیم، به گمانم در این عرصه شکست می‌خوریم. باید از همین امروز بپذیریم که پسا کرونا، دوران کاملاً جدیدی است. آموزش باید کاملاً متفاوت باشد و این اتفاق‌ها را نمی‌شود به یکباره حذف کرد. اکنون و پس از این دوره، شاید دیگر دانش‌آموزان به راحتی نپذیرند که به آنها بگوییم زمانی که درس داده شد، اگر شما سر کلاس نبودید، آن مبحث درسی را به طور کامل از دست داده‌اید. در دوران جدید بچه‌ها یاد گرفته‌اند که می‌شود به منابع مختلف دسترسی داشت و معلم می‌تواند محتواهایی تولید کند و در اختیارشان بگذارد که در هر لحظه و هر زمان و هر مکانی که دانش‌آموز حضور داشت، می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد. اگر مبحثی را یک بار دیدند و آن را فراموش کردند، به سادگی می‌توانند با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف جدید، آن را برای خود تکرار کنند. فکر می‌کنم امروز دیگر بازگشت به آموزش سنتی و گذشته را دانش‌آموز با سادگی از ما نمی‌پذیرد.

■ اگر دست‌اندرکاران مدرسه‌ای در این اوضاع، خود را با موقعیت جدید تطبیق ندهند چه؟

اگر دست‌اندرکاران مدرسه‌ای خودشان را با وضعیت جدید تطبیق ندهند، به گمانم به مرور زمان از گردونه آموزش حذف خواهند شد و دیگر مشتری آموزشی هم نخواهند داشت. در این حوزه و برهه، باید مدارس در این تغییر و دگرگونی پیشرو و فعال و ساعی باشند و خودشان را برای دوران جدید در زمینه‌های مختلف کاملاً مجهز و آماده کنند. مثلاً برای تأمین منابع انسانی باید به هر حال معلمی وجود داشته باشد که ابزارها، شیوه‌ها و اپلیکیشن‌های جدید را به خوبی بشناسد و اتفاقات روز دنیا را درک کند و در آموزش، به همه این شیوه‌ها آشنا باشد. حتی باید بداند که چگونه می‌تواند آن روش‌ها را یاد بگیرد. به گمانم معلمان باید لاجرم مهارت‌های دنیای دیجیتال را درک کنند. جست‌وجو به نظر کار ساده‌ای است که مادر گوگل می‌توانیم آن را انجام دهیم، اما جست‌وجو با اشرف و آگاهی کامل با این موضوع یکسره متفاوت است. جست‌وجو با آگاهی می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری را به شما بدهد. بنابراین معلمان و کسانی که با بچه‌ها سر و کار دارند باید خودشان را به این نوع سواد مجهز کنند و اگر این سواد در میان نباشد، شاید بتوان گفت که صلاحیت معلمی در این دوران تغییرات، کاملاً پرسش‌برانگیز به نظر می‌رسد. علاوه بر آن مهارت تدریس و مهارت‌های دانش‌افزایی معلم هم باید در حوزه تدریس به درستی جریان داشته باشد. سواد دیجیتال و نحوه استفاده صحیح از ابزارها به نظرم ضروری است و با فقدان این مهم از سوی معلم، عقب خواهیم ماند. در کنار همه این‌ها باید بدانیم چگونه می‌توانیم محتوای تعاملی و الکترونیکی تولید کنیم و در اختیار بچه‌ها بگذاریم که به یادگیری آنها کمک کند. زمانی برای تولید محتوا باید ویدئویی ساخت و در اختیار بچه‌ها گذاشت، اما اینکه ما بدانیم دیدن این ویدئو می‌تواند در جهت رسیدن به اهداف و یادگیری‌شان حرکت رو به جلو داشته باشد، و چقدر دانش‌آموز با آن درگیر می‌شود یا اصطلاحاً با آن ویدئو فعالیت، رابطه و تعامل دو سویه برقرار می‌کند، به خودی خود مهارتی است که باید طی آموزش آن را فرا گرفت. با چنین چاره‌اندیشی‌هایی قطعاً در این دوره و دوره‌های بعد، آموزشی غنی خواهیم داشت. در کنار آموزش حضوری و غیر حضوری، در آینده‌ای نزدیک باید شناخت کامل از هوش متفاوت تک تک بچه‌ها داشت و آنها را به طور کافی و وافی درگیر مقوله آموزش کرد. معلم باید توانایی یادگیری بچه‌ها را درک کند. آموزش در این دوره دیگر یک آموزش عمومی نیست که هر کس به تناسب و فراخور هوش‌اش آن را بیاموزد. اگر دانش‌آموزی از آموزش جاماند، در این دوران دیگر نمی‌توانیم به سادگی از این موضوع بگذریم و بگوییم خب دیگر جا ماند! در حال حاضر باید برای

آموزش ترکیبی، زنجیره‌ای جدید و سبک و جهان دیگری است. در واقع بیشتر حرف‌های که در آموزش قدیم گفته می‌شد در حال حاضر باید به شیوه دیگری بیان شود.

■ اهداف هم در این بین تغییر می‌کنند؟ هدف غایی آموزش که قابل تغییر نیست!

البته که اهداف عوض نمی‌شود. اهداف ما در یادگیری و تربیت تغییر نخواهد کرد. اما به گمانم اگر هم با سهولت انگاری بیندیشیم که همه اهداف با همان شیوه‌های گذشته قابل دستیابی است، به خطا و اشتباه رفته‌ایم و نتیجه نهایی احصاء نخواهد شد. باید روش‌ها و شیوه‌ها تغییر کند و متناسب با اتفاقات جدید پیش برویم. در این زمینه هم باید وقت برای یادگیری و آموزش مدرن ترکیبی صرف کرد. شاید نکاتی به میان بیاید و مطرح شود که دغدغه‌های گذشتگان نبوده اما در حال حاضر به آن نیاز داریم و برایش هم عجلتاً پاسخ مشخصی نداریم. مثلاً مسائل پداگوژی (هنر و علم وجودی یک معلم) به واقع امروزه یک دغدغه محسوب می‌شود که در حال حاضر جزو مهم موضوع آموزش است. ما در گذشته در مدرسه‌ها امکان این را داشتیم که بچه‌ها را به اردو ببریم. بسیاری از اهداف یادگیری در این اردو شکل می‌گرفت و به نتیجه می‌رسید. اگر فضا، کاملاً غیر حضوری باشد، پس نمی‌توان انتظار رفتن به اردو را داشت. بدین شکل هم نیست که ما بخواهیم اهداف اصلی‌مان را فراموش کنیم و به ضرس قاطع عنوان کنیم که متأسفانه هیچ برنامه‌ای هم برای پر کردن چنین خلأ‌هایی نداریم. باید اندیشید که با شیوه‌های مختلف و ابزارهای جدیدی که در دسترس داریم، بتوانیم به اهدافمان برسیم.

■ چقدر در راه رسیدن به این اهداف با توجه به وضعیت جدید امیدوارید؟

اطمینان دارم که همه اهداف با سبک جدید که با این



باید مدارس در این تغییر و دگرگونی پیشرو و فعال و ساعی باشند و خودشان را برای دوران جدید در زمینه‌های مختلف کاملاً مجهز و آماده کنند. مثلاً برای تأمین منابع انسانی باید به هر حال معلمی وجود داشته باشد که ابزارها، شیوه‌ها و اپلیکیشن‌های جدید را به خوبی بشناسد و اتفاقات روز دنیا را درک کند و در آموزش، به همه این شیوه‌ها آشنا باشد

آن را درک کنند. در واقع با این شیوه می‌توان بدون هیچ آسیب یا حتی هزینه‌ای پیش رفت و نتیجه گرفت. حتی نرم افزارهای که در ریاضیات است، می‌تواند برای آموزش رسم نمودار به سادگی استفاده شود. آنچه در آموزش رسم نمودار همیشه برای ما دشوار به نظر می‌رسید، چگونگی رسم نمودار بود. زمانی که اشکال سه بعدی می‌خواهد در آموزش حضوری تدریس شود، کار آسانی در پیش نداریم. حتی هر قدر هم که رسم دقیق باشد، دانش‌آموزان نمی‌توانند آن را ببینند. اما در حال حاضر شما توسط نرم‌افزارها و ویدیو می‌توانید ابعاد رسم را تغییر دهید و این تغییرات را هم دانش‌آموزان به طور دقیق‌تر می‌بینند؛ حتی دانش‌آموز امکان این را دارد که خودش این کار را انجام دهد و درک کند که این تغییرات چگونه رخ می‌دهد. همه این اتفاقات در این حوزه انجام می‌شود. AR یا ارزش افزوده یکی از فضاهای جدیدی است که دنیای متفاوتی را ایجاد می‌کند. بحث کتاب‌های تعاملی، نرم‌افزارهای مختلف و حتی در اختیار دادن کلاس‌ها و تدریس معلم به عنوان یک ویدئو برای بچه‌ها فراهم است. دانش‌آموز می‌تواند ویدئو را ۱۰ بار ببیند و موضوع درس را به طور مجموع درک کند و فیلم را عقب و جلو ببرد و چندین بار واکاوی کند یا فایل صوتی را دوباره گوش کند تا دقیقاً و عمیقاً آن را درک کند. همچنین، ارتباط یا تعامل بین دانش‌آموز و معلم، مانند ارسال و دریافت فایل‌ها، تمرین و تکالیف در این فضا و بستر انجام و باعث می‌شود دیگر نظارت‌ها، نظارت‌های فردی باشد. می‌توان دریافت که دانش‌آموز از کجا آغاز کرده و دارد به کجا می‌رسد. به طور مثال برای یک دانش‌آموز خاص، با هوش و استعداد خاص در زمینه‌های مختلف، چه نوع محتوایی در اختیارش بگذاریم. در آموزش‌های گذشته مسیر برای همه یکسان بود. اما اکنون برای دانش‌آموزان با هر مهارت خاص و توانایی‌های مختلف مسیری متفاوتی را ایجاد کرده‌اند که همه به اهدافشان برسند. اما در عین حال از روشی که خودشان بهتر می‌توانند انجام دهند و آن را برای خودشان تشخیص می‌دهند.



کارهای گروهی شاید به بسترهای جدیدتری وارد شود و کارهای مشارکتی به گونه‌های تازه‌تری انجام شود. تمام این مسائل تغییراتی است که باید به آن فکر کرد و برایش برنامه‌ریزی دقیق و مسنجم داشت. اما در مجموع باید به مرور زمان و گام به گام سراغ آن برویم و ایجادش کنیم

همه نیازهای مختلف شیوه‌ها و مهارت‌های متفاوت یادگیری، راه‌حل‌های مختلف و متفاوت داشته باشیم. باید بتوانیم همه آنها را پوشش دهیم تا آن آموزش دقیق و بهتر انجام گیرد و طیف بیشتری از بچه‌ها به اهداف آموزشی‌شان برسند.

■ اگر تغییرات را نپذیریم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟

تکرار می‌کنم که به گمانم اگر این تغییرات صورت نگیرد، قطعاً در این موضع حذف خواهیم شد. اگر نپذیریم که تغییرات را ایجاد کنیم، باید آمادگی این را هم داشته باشیم که به مرور زمان، احتمالاً در آموزش‌مان مشتری‌های مان را از دست بدهیم. زیرا مطابق تغییرات پیش نرفته‌ایم. به نظرم باید همه ساختارها در این ارتباط جدید و چندسویه بازتعریف شود. ارتباط اولیا با مدرسه و دانش‌آموز و... و همه پیگیری‌ها و نوع تعامل بچه‌ها با خودشان و معلمان و مدرسه، همه باید چاره‌اندیشی شود و برای‌شان یک محیط تازه تعریف شود. همه ابزارها و شیوه‌ها هم بر همین اساس تغییر خواهد کرد. مثال ساده‌ای می‌زنم که در گذشته حضور و غیاب به صورت کاغذی انجام می‌شد اما در محیط جدید، حتی این حضور و غیاب هم به شکل دیگری است. شاید اصلاً حضور و غیابی نباید باشد و همین که دانش‌آموز در فعالیت‌های مختلفی شرکت می‌کند، سیستم آن را ثبت می‌کند و این خودش سبک جدیدی از حضور و غیاب محسوب می‌شود. مثلاً در گذشته بچه‌ها کنار هم می‌نشستند و کار گروهی انجام می‌دادند، اما در حال حاضر دیگر به آن شکل گذشته نیاز نیست. کارهای گروهی شاید به بسترهای جدیدتری وارد شود و کارهای مشارکتی به گونه‌های تازه‌تری انجام شود. تمام این مسائل تغییراتی است که باید به آن فکر کرد و برایش برنامه‌ریزی دقیق و مسنجم داشت. اما در مجموع باید به مرور زمان و گام به گام سراغ آن برویم و ایجادش کنیم.

■ تغییرات آموزشی را به ویژه در چند سال اخیر مجموعاً چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اتفاقی که در آموزش افتاد، اتفاقی مثبت است و می‌توان به بهترین شکل از آن بهره گرفت. تغییرات در این فضا در مقاطع مختلف فرصت‌های مختلفی هم ایجاد کرد. به عنوان مثال در دبستان آموزش به روش بازی انجام می‌شد که در مدارس هم استفاده زیادی از این روش می‌کردند و بر آن تاکید داشتند. همچنین کارهای دست ورزی مورد استقبال قرار می‌گرفت. اما فضای دیجیتال هم این شیوه را در دبستان ایجاد کرد. درباره سامانه LMS (نظام مدیریت یادگیری) می‌دانم که با روش‌هایی می‌شود بازی‌های تعاملی را با ابزارهای که وجود دارد، ساخت. روش‌های متنوع و جذابی وجود دارد که فقط کافی است یک سناریو یا طراحی‌های هنری هم به آن اضافه شود. خیلی از کارهایی که در آموزش فیزیکی وقت‌گیر بوده‌اند و شاید می‌شد در یک کلاس یک بار آن را اجرا کرد و یادگیری صرفاً یک بار انجام شود، در وضعیت جدید، با تولید انواع محتواها، می‌توان آن بازی‌ها را به وفور در اختیار بچه‌ها گذاشت. با سناریوهایی جدید فعالیت‌ها و بازی‌های متفاوت شکل می‌گیرد که تعاملی است و دانش‌آموز خودش بیش از پیش با آن درگیر می‌شود. حتی دانش‌آموزی که سواد خواندن و نوشتن ندارد، می‌شود به کمک همین ابزارها به او سوادآموزی یاد داد و یادگیری‌اش مدیریت شود. در واقع تا حد قابل اطمینانی می‌توانم بگویم که نسل جدید چندان نیازی ندارد که همه امکانات و استفاده از ابزارها را بیاموزند. معتقدم آنها خودشان در این نوع تکنولوژی بسیار جلوتر از نسل گذشته‌اند و راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کنند. در مجموع این امکان، امکان مفیدی است. البته به نظرم در مقطع دبستان استفاده از این روش قدری متفاوت باشد اما باز هم قابل استفاده است. روش‌ها در اول دبستان بسیار کاربردی و کمک‌کننده است. در مقاطع بالاتر هم مثل مقطع متوسطه اول که دانش‌آموزان از لحاظ علمی باید عمیق‌تر شوند و مثلاً در درس علوم، آزمایش‌هایی انجام دهند، جملگی ابزارها و امکانات مدرسان است. منابع غنی‌ای وجود دارد که دانش‌آموزان بتوانند آموزش موضوع‌های متفاوت را در قالب ویدئوهای متفاوت که در دنیا وجود دارد، ببینند. معلمان به سادگی می‌توانند به آنها دسترسی یابند و آنها را به شکل آماده در اختیار بچه‌ها قرار دهند. حتی آزمایشگاه‌های مجازی وجود دارد که بچه‌ها می‌توانند آن آزمایش را انجام دهند و ماده را کم یا زیاد و کنش‌ها و واکنش‌ها را ببینند و راحت‌تر



آموزش ترکیبی راهی که عبور از آن ناگزیر است

در گفت و گو با محمد رضا میبیدی، عضو شورای عالی آموزش مجتمع علامه طباطبایی مطرح شد

گذر از تجربه‌های مختلف و درک دموکراسی، دیگر شیوه‌های قدیم پاسخگو نیست و حتی از نحوه قرار گرفتن نیمکت‌های مدارس از گذشته تا به امروز می‌توان درک کرد که چنین شیوه‌های پرورش دیکتاتوری آموزش بوده است. اینکه معلم بگوید من همه چیز می‌دانم و شما در دانش و علم با من متفاوتید به پایان رسیده است. «گفت و گوی ما را با او که از جنبه‌های مختلف به نحوه آموزش از دیرباز تا به امروز پرداخته، تا پایان بخوانید.

■ مزایای آموزش ترکیبی چیست؟ دینفعان مختلف این نوع آموزش چه کسانی‌اند؟ نخستین موضوعی که در این بین وجود دارد و قابل بحث است، اینکه آموزش ترکیبی به صورت مجازی انجام می‌شود یا حضوری. این موضوع برای افراد مختلف منافع گوناگون دارد و یک سوی موضوع هم دانش‌آموزان را دربرمی‌گیرد. بسیاری از سخنانی که در تئوری راجع به یادگیری عنوان می‌شد، عملاً با آن شیوه سنتی که بچه‌ها سر کلاس درس باشند و یک معلم با ۲۰ دانش‌آموز سر و کله بزنند، قابل اجرا نیست. این آرمان‌ها در قالب شعار باقی ماند و در عمل به جایی نرسید. به‌طور مثال ما در حوزه آموزش، صحبت‌های متعددی می‌کنیم که دانش‌آموز دقیقاً آن مطلب را یاد بگیرد و پس از آن وارد مبحث جدید می‌شویم. اما این شیوه، عملاً هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتاد. به فرض دانش‌آموزانی با نمره

محمد رضا میبیدی، استاد سابق دانشگاه فرهنگیان، در حال حاضر عضو شورای عالی آموزش مجتمع علامه طباطبایی است. در گفت و گویی با وی، درباره آموزش ترکیبی، تجربه‌هایش در این زمینه و استفاده نسل فعلی و آیندگان از تکنولوژی و فضای مجازی برای آموزش به بحث و تبادل نظر پرداختیم. او معتقد است که لاجرم باید وضعیت موجود را پذیرفت. میبیدی می‌گوید شیوه سنتی آموزش به پایان رسیده است و در درجه نخست آموزش باید جذاب باشد و دانش‌آموز را سر ذوق و شوق بیاورد. او نقش معلم را در بازتعریف امروزی، به مانند کارگردانی می‌داند که باید بچه‌ها را در فیلمش بازی دهد و خود دیگر متکلم وحده و فعال مایشاء نیست. او شیوه تدریس از ۳۰۰ سال پیش تا امروز را شیوه‌ای منسوخ شده می‌داند و می‌گوید: «با

نبیند، به سادگی از آن عبور می‌کنند. اما استفاده از فیلم‌های آزمایشگاهی یا بهتر از آن، شبیه‌سازهای آزمایشگاهی، در این موقعیت جدی شد. یعنی آنچه را دانش‌آموزان آموخته‌اند، خودشان می‌سازند. این مزایایی است که حین آموزش به دانش‌آموزان به ذهنمان رسید. درباره معلمان نیز همین امر بارز است. برای معلمان اتفاق خجسته، تنوع روش بود؛ یعنی دستشان باز شد و می‌توانستند از انواع روش‌ها راحت‌تر برای آموزش بهره‌برند. در مجموع اتفاق مبارکی بود که در حیطه معلمی افتاد یا همان ماجرای فردی‌سازی آموزش.

■ ممنون می‌شوم قدری درباره فردی‌سازی آموزش توضیح دهید تا موضوع روشن شود.

فردی‌سازی آموزش هیچ‌گاه نمی‌تواند اتفاق بیفتد و معلم باید ابزارهای کمیکی مانند رایانه در اختیار داشته باشد. معمولاً ۲۰ دانش‌آموز با ۲۰ پروفایل یادگیری مختلف و ۲۰ سبک مختلف سر کلاس حضور دارند اما معلمان هم برای نخستین بار در این محیط آموزش ترکیبی توانستند در این راستا حرکت کنند. معلمان می‌توانستند اتاق‌هایی برای کار گروهی ایجاد کنند. یک گروه ممکن است کندتر و گروه دیگر تندتر فعالیت کند. معلمان امکان سر زدن به اتاق‌های مختلف را داشتند یا امکان پاسخگویی برای دانش‌آموزان در زمان‌های مختلف برایشان پیش می‌آمد. در این راستا، امکان برگزاری کلاس‌های رفع اشکال به مراتب راحت‌تر بود. هماهنگی چنین کارهایی هم تسهیل شد. شما تا تصمیم می‌گرفتید امکان تشکیل کلاس فراهم می‌بود. درباره مسئولان مدارس هم اگر بخواهیم صحبت کنیم، آنها نیز برای نخستین بار امکان ارزیابی و کنترل اتفاقات داخل کلاس درس را پیدا کردند. معمولاً مدیران وقتی کلاس شروع می‌شد، از اینکه در داخل کلاس چه اتفاقی می‌افتد، چندان خبری نداشتند. اما به بهانه آموزش مجازی و ترکیبی اتفاق مبارک آن بود که کلاس‌شیشه‌ای داشتیم. خوب به خاطر دارم که در

مدرسه مفید هم ویژه‌نامه‌هایی برایش

ادامه در صفحه بعد

”

فردی‌سازی آموزش هیچ‌گاه نمی‌تواند اتفاق بیفتد و معلم باید ابزارهای کمیکی مانند رایانه در اختیار داشته باشد. معمولاً ۲۰ دانش‌آموز با ۲۰ پروفایل یادگیری مختلف و ۲۰ سبک مختلف سر کلاس حضور دارند اما معلمان هم برای نخستین بار در این محیط آموزش ترکیبی توانستند در این راستا حرکت کنند

۱۵ و ۱۶ و بعضی‌ها هم با تک ماده درس را پاس می‌کنند. این موضوع مشخص می‌کند که دانش‌آموز درس را به درستی نیاموخته. معلم از این روی که هر هفته باید سر کلاس حضور یابد و درس جدید را ارائه دهد، نمی‌تواند برای هر دانش‌آموز وقت جداگانه بگذارد. اما در آموزش مجازی عملاً این نوع شیوه قابل اجراست. به فرض با در اختیار گذاشتن فیلم تدریس در دست دانش‌آموزان و قرار دادن فرصت آزمون‌های مکرر به دانش‌آموز، او می‌تواند مبحث درسی را به درستی درک کند. دانش‌آموزانی سال‌های گذشته حضوری درس می‌خواندند و دانش‌آموزانی هم مجازی تحصیل می‌کردند. آنها می‌گفتند چقدر خوب است که ما می‌توانیم شما را ببینیم و صحبت‌های شما را متوقف و سخنانتان را تحلیل کنیم و این فرصت را داریم که با تأمل وارد مبحث جدید شویم. من در قالب آزمون‌ها، هر جلسه آزمونی از تکالیف بچه‌ها می‌گرفتم. اما با دانش‌آموزی که اصلاً درس را بلد نیست چه کار می‌شود کرد؟ من نمی‌توانم در این وضعیت کلاس را متوقف کنم و لاجرم باید وارد مرحله بعدی شوم. در آموزش حضوری برای امتحان بچه‌ها مجبوریم یک روز را انتخاب کنیم و با همان یک امتحان باید متوجه شد که چند تن درس را یاد گرفته‌اند. نمی‌توانستیم کلاس را برای آن چند دانش‌آموز معذور متوقف کنم و لاجرم باید وارد مبحث جدید درسی شدیم. در فضای جدید اتفاق مطلوبی که افتاد، این بود که می‌توانستیم یک گروه QUIZ (امتحان) تعریف کنیم و ساعتش را هم آزاد بگذاریم تا هر ساعت شبانه‌روز وقتی که دانش‌آموز احساس آمادگی کرد، وارد فضای امتحان شود. یکی ساعت ۴ عصر آمادگی داشت! امتحان می‌داد و نمره‌اش را می‌گرفت. یکی دیگر که فیلم‌ها را باید با تأمل بیشتری می‌دید و سرعت یادگیری‌اش به نسبت کندتر بود، ۷ عصر به امتحان می‌رسید. پرسش‌های او نیز با دانش‌آموز قبلی متفاوت بود و اگر فکر می‌کرد هنوز به نتیجه نرسیده، فرصت داشت که یک دو ساعت دیگر مطالعه کند و ساعت ۹ شب آزمون مجدد دهد. کاری که عملاً در قالب آموزش حضوری امکان‌ش به هیچ‌عنوان وجود نداشت. فرصت دیگری که در این بین برای دانش‌آموزان فراهم آمد، امکان یادگیری آنها توسط مدیاهای (رسانه‌ها) مختلف بود. تجربه ثابت کرده که معمولاً معلمان در کلاس‌ها متکلم و وحده‌اند و نهایتاً از یک فایل چندرسانه‌ای بهره‌می‌برند اما آن هم یکبار استفاده می‌شود و اگر دانش‌آموز خوب آن موقعیت را درک نکند و درست نبیند، آن موقعیت و زمان هم می‌گذرد و از دست دانش‌آموز می‌رود. اما در آموزش ترکیبی اتفاق خجسته‌ای که رخ می‌دهد، این است که شما انواع و اقسام اتفاق‌های خوب و بهتر بگوییم، فرصت‌ها را، به سادگی در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارید. بارها پیش آمده که در حین تدریس، وارد گوگل کروم می‌شوم و به بچه‌ها می‌گویم آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنم، نشانی‌اش اینجاست و مصداقش همین‌جا وجود دارد یا وب‌سایتی هست که بعداً می‌توانید به آن مراجعه کنید. در درس آمار یا ریاضی و هندسه بارها پیش آمده که با بچه‌ها به سایت‌ها و محتواهای مختلف رجوع کرده‌ایم و گاه دست‌کم یک‌بار، آنها را سر کلاس به بچه‌ها نشان می‌دادم. در هر حال فایلی که انتخاب شده، در دسترس دانش‌آموزان است؛ یعنی در مبحث درسی، به آنچه شک می‌کنند، دو ساعت بعد هم فرصت دارند، بازگردند و آن را مرور کنند. در مجتمع علامه طباطبایی که کار می‌کردم، در یادگیری زبان انگلیسی - که استانداردهایش از عربی و فارسی پیشرفته‌تر است، اما در عین حال باید بدانیم که آموختن زبان چهار مهارت شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن است - تمرکز ما بیشتر روی خواندن و نوشتن بچه‌ها بود؛ یعنی صحبت کردن دانش‌آموز تقویت نمی‌شد و نمی‌توانستیم روی این موضوع وقت گذاریم. در زبان انگلیسی، دو سه سالی است که بخشی از کتاب‌های آموزشی جدید، قسمت شنیداری هم دارد؛ اما در عربی و زبان‌های دیگر این‌خلاف وجود دارد. در عین حال با مجازی شدن و استفاده از آموزش ترکیبی، در این درس‌ها، شنیدن و صحبت کردن نیز وارد آموزش شد. اتفاقی که ممکن بود تا سال‌ها رخ ندهد. فرض بفرمایید، فلان تصنیفی که خواننده‌ای آن را خوانده بود، در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گرفت. می‌شنیدند و شعر را پیاده می‌کردند و از همان واژگانی که یاد می‌گرفتند، بیشتر استفاده می‌کردند و در آزمون‌ها و تکالیف هم سعی می‌کردیم به همین سمت و سو برویم. یا آزمایش‌های مختلفی که می‌توانست در فیزیک و شیمی رخ دهد. طبعاً آزمایش در بهترین حالت یک‌بار سر کلاس رخ می‌دهد. می‌دانید که بسیاری از مدارس آزمایشگاه ندارند و آنهایی هم که آزمایشگاه دارند، آزمایش را یک‌بار انجام می‌دهند و دانش‌آموز چه به درستی ببینند و چه

نوشتند و به مراتب، راحت‌تر این مهم رخ داد. مثال‌هایی که معلم می‌آورد و اینکه درس را از کجا شروع می‌کند و چه نقاط قوت و ضعفی دارد، راحت‌تر به چشم می‌آید. هم مسئولان مدرسه و هم اولیا، عملاً با فرایندی که در مدرسه چه اتفاقی می‌افتد، راحت‌تر می‌توانستند مواجه شوند. در حقیقت امکان تجزیه این موضوع وجود داشت. یعنی شما می‌توانستید سر فرصت، مسائل را بررسی کنید و افراد مختلف هم نظر بدهند و اگر نیتتان کمک کردن و پیشرفت آموزشی بود، این وضعیت اتفاق خوبی به شمار می‌رفت. اینکه سر جزئیات با افراد مختلف صحبت کنیم یا فلان زمان سر کلاس درس؛ خودش به موضعی تبدیل شد. در واقع اتاق شیشه‌ای باعث شد که معلمان مختلف، فیلم کلاس خودشان را ببینند. اتاق شیشه‌ای در حقیقت دنیای جدیدی را رو به سوی آنها گشود. معمولاً معلمان درس می‌دادند و می‌رفتند اما همین امر باعث شد فیلم کلاس خودشان را ببینند و عنوان کردند که کار چقدر خسته‌کننده و عذاب‌آور است. برخی معلمان نیز می‌توانستند فیلم دیگر همکاران را مشاهده کنند و اینکه کار فلان معلم که از او تعریف می‌کنند، برایشان ملموس‌تر باشد. اتفاقی که شاید در آموزش‌های سنتی و عادی اصلاً رخ نمی‌داد. در طرح‌های بازدید از کلاس و نظارت و ارزیابی‌هایی که تا پیش از این به شکل سنتی وجود داشت، آن جلسه خاص که بازدید و نظارت رخ می‌داد، بسیار مصنوعی بود. حتی زمانی که خودمان به کلاس‌ها سر می‌زدیم، دانش‌آموزان به ما کنایه می‌زدند که باز هم به کلاسمان بیایید یا امروز اخلاق معلم‌مان خیلی خوب است! اما این اتفاق - کلاس شیشه‌ای - بدون اینکه مداخله‌ای ایجاد شود و کلاس مصنوعی باشد، اتفاق افتاد و خوشایند بود.

■ آیا در تدریس دانشگاه هم تجربه کلاس شیشه‌ای مفید را داشته‌اید؟ به‌ویژه در دوران شیوع کرونا؟

”

معلمانی داشته‌ایم که در فضای حضوری رتبه مطلوبی کسب کرده‌اند اما در فضای مجازی چون نتوانسته‌اند خودشان را به روز کنند، کنار نهاده شده‌اند. اگر این عده را به عنوان سرمایه انسانی در نظر بگیریم، باید به نوعی آنها را با آموزش احیا کنیم و آموزش هم باید به گونه‌ای نتیجه‌بخش باشد؛ یعنی معلم بتواند در فضای جدید کار کند و با فرهنگ جدید کنار بیاید و خودش را با موقعیت موجود وفق دهد

دانشگاه به واقع عقب‌تر از چنین تجربیاتی است. دانشگاه‌ها اصلاً چنین شیوه‌هایی را به رسمیت نمی‌شناسند.

■ از منظر آکادمیک هم می‌خواهم این موضوع را ارزیابی کنید.

علوم تربیتی‌ها به واقع در این زمینه توسعه نیافته‌اند! حتی طرف به‌عنوان دانشجو که دوربینش را روشن می‌کند، همان شیوه سابق را ادامه می‌دهند و گویی هیچ‌گونه تغییر ایزاری انجام نگرفته است.

■ چالش‌های آموزش ترکیبی و معایب چیست؟

سه‌گونه چالش به ذهنم می‌رسد که می‌تواند به معایب این نوع آموزش هم تبدیل شود و در عین حال این امکان وجود دارد که با مدیریت باعث ایجاد اتفاق خوب شود. نخستین مسأله، چالش‌های فرهنگی ماجراست. به هر حال این اتفاق، اتفاق جدیدی است و هر اتفاق جدید نیاز به فرهنگسازی دارد و البته باید اذعان کنیم که در این راستا متأسفانه هنوز فرهنگسازی نشده است. نخستین موضوعی که در فرهنگسازی رخ می‌دهد، موضوع شفافیت است. وقتی کلاس درس تا بدین حد شفاف می‌شود، شما باید تحمل شفافیت را هم بالا ببرید. وقتی از این منظر به موضوع بنگرید، اتفاقاتی رخ می‌دهد که شاید برایتان خوشایند نباشد. باید زمان بگذرد تا اندک اندک این تغییرات جا بیفتد. خوب به خاطر دارم، رستورانی را که برای نخستین بار آشپزخانه‌اش را می‌دیدم! پس از آن موقع دیگر پا به آن رستوران نگذاشتم. به نوعی موضوع را پس زدم. هر جا هم که چنین اتفاقی می‌افتد باید تحمل این موضوع را داشت و دانست که قبلاً هم این مهم رخ می‌داده و در حال حاضر که امکان دیده شدن وجود دارد به سمت بهتر شدن پیش می‌رویم. باید دانست که در حال حاضر زمان مناسبی برای به اصطلاح پس زدن و نقد نیست. اگر می‌خواستید مستقیماً نقد کنید، باید پیش‌تر این کار را می‌کردید. وقتی کلاس‌ها شفاف می‌شود، تک‌تک حرکات و سکنات معلم و دانش‌آموز زیر نگاه مسئولان مدرسه و اولیاء قرار می‌گیرد. بسیاری موارد پیش می‌آید که معلم در راستای یک کار فرهنگی، یک کار حاشیه‌ای جالب انجام داده، اما اکنون همه آن را می‌بینند. در همین موقعیت پنج نفر با هم تماس می‌گیرند و اعلام می‌کنند که وقت کلاس با این موضوع حاشیه‌ای گرفته می‌شود! در حالی که معلم با هدفی به فرض این داستان را نقل کرده است. یا فرض کنید، دانش‌آموزی فعال نیست و کم‌کاری می‌کند. اولیایش آن را می‌بینند و حساس می‌شوند. باید این فرض را هم در نظر گرفت که شاید دانش‌آموز دارای شخصیتی درون‌گراست. شاید این دانش‌آموز قبلاً هم سر کلاس متوجه بوده اما ظاهراً فعال نیست اما نمره‌اش را می‌گیرد. البته اکنون که دیده می‌شود قدری باعث ایجاد استرس خواهد شد و اولیاء را نگران می‌کند. و حالا تک‌تک اتفاقاتی که رخ می‌دهد، باید فعالیت ما حرفه‌ای‌تر شده باشد. این از نظر من اتفاق مبارکی است که نیاز به تحمل بالا و سعه صدر دارد. این اتفاق در عین حال می‌توانست رخ دهد و همچنان پوشیده بماند و کسی هم از آن مطلع نشود. حالا که می‌بینیم فرصت چاره کردن برای آنها را داریم اما اگر بی‌قرار باشیم و تحمل نکنیم، به خودی خود می‌تواند تبدیل به عیب و آسیب دیگری شود. دبیرانی را می‌شناسم که اجازه ضبط کلاس‌شان را نمی‌دهند. بعضی دبیران اجازه تصویربرداری هم به کسی نمی‌دهند. به فرض می‌گویند یک‌بار که کتابخانه‌ای پشت سرم قرار داشته، دقیق شده‌اند و بعداً عنوان کرده‌اند که چرا فلان کتاب در کتابخانه است! شما که قرار نیست جزء به جزء زندگی مرا قضاوت کنید.

پس این مهم نیاز به فرهنگسازی دارد. دومین مسأله فرهنگی‌ای که وجود دارد، موضوع مسئولیت‌پذیری، به‌ویژه برای دانش‌آموزان است. متأسفانه آموزش و پرورش مان طی سال‌های اخیر رفتارگرا بوده و این موضوع که دانش‌آموز مسئولیت‌یادگیری‌اش را به دوش بکشد و خودش شروع به انتخاب کند، اصلاً دیده و لحاظ نشده. بچه‌ها معمولاً یا برای نمره درس می‌خواندند یا به زور معلم... اینکه این‌گونه یادگیری باعث ارتقاء دانش‌آموز می‌شود و دانش‌آموز را به قابلیت می‌رساند، در سنت آموزش و پرورش ما به شکلی کمرنگ نمود و ظهور یافته. در این فضای مجازی ما به این فرهنگ نیاز داریم. چون اهرم‌های زور و تهدید و حتی تشویق و از این قبیل موارد در فضای مجازی، قدری کمرنگ‌تر و دارای تأثیرگذاری کمتری است. دانش‌آموز دیگر در دسترس معلم



از حدود سال ۱۳۹۰ وارد آموزش و پرورش شد. منظورم کارهایی مانند هوشمندسازی مدارس و... است اما آنجا و در آن مقطع هم مسأله مسدود ماند.

■ دلیل این انسداد چه بود؟

ضعف‌های ساختاری وجود داشت. مدارس حتی رایانه نداشتند و باید تهیه می‌شد. یا تخته هوشمند را باید وارد می‌کردند. از آن شدیدتر، محتوای الکترونیک است. جملگی این‌ها را با خریداری می‌توان فراهم کرد اما کسی که محتوای الکترونیک تولید می‌کند و به کالایی که تولید می‌کند، نیاز باشد و در بستر آموزش مجازی کار کرد حقیقی خود را بیابد و پیدا کند، اندک بود. محتوای الکترونیک به سایت‌هایی مانند تبیان محدود می‌شد که آنها هم به اشکال مختلف به نهادهای دولتی وابسته بودند. این موضوع به خوبی پیش رفت. اکنون هم همین موضوع ادامه دارد. یعنی ما، هم از حیث سخت افزار و آنچه بتوانیم با آنها کار کنیم، از لپ‌تاپ گرفته تا دوربین‌هایی که تصویرها را ضبط کند، تا موضوعات دیگر نظیر اینترنت و سرعت اینترنتی که بتواند کلاس‌ها را پوشش دهد و در عمل باید فراتر از وضع موجود باشد، کاستی‌ها و نقایص عدیده داریم. به همین دلیل عملاً در اغلب مدارس غیر از چند مدرسه تراز اول، موضوعی تحت عنوان کلاس آنلاین به معنای واقعی شکل نگرفته است. بیشتر حالت‌های آنلاین دارند که در بستر شاد بتوانند صدایشان را منتقل کنند که با آنچه ما نامش را کلاس آنلاین می‌گذاریم، تفاوت عمده دارد.

ادامه در صفحه بعد

نیست که اگر گوش نمی‌کند، گوش او را بپیچاند! این امکان با فاصله وجود دارد یا معلم در مجموع آگاه نیست و نمی‌بیند. دوربین کاملاً روی معلم قرار دارد و دانش‌آموزان کمتر دیده می‌شوند. اینکه دانش‌آموزان احساس نیاز نمی‌کنند و تلاشی هم از خودشان نشان نمی‌دهند، آسیب‌های مختلفی را می‌تواند به آموزش و یادگیری آنها بزند؛ کما اینکه در دوره‌ای که کلاس‌ها مجازی برگزار شد و پس از آن دوباره به کلاس‌های حضوری بازگشتیم، معلم‌ها متحیر شدند. خوب به خاطر دارم که تصمیم گرفتیم درباره ادامه توان منفی صحبت کنیم. به سادگی دریافتیم که دانش‌آموز مفهوم توان را از سال گذشته درک نکرده است. به همین سادگی که شما می‌گویید دو به توان سه چند می‌شود، او پاسخ می‌دهد: مگر شش نمی‌شود!؟

ما با این وضع پیش رفتیم و به دانش‌آموز توان صفر و توان منفی را آموختیم. ارزیابی هم کرده‌ایم اما چون این ارزیابی با فاصله انجام پذیرفته، دریافته‌ایم که دانش‌آموز به اصطلاح ناپلئونی از پس آن ارزیابی برآمده است. مهم است که دانش‌آموزان دریابند که فلسفه درس خواندن چیست و چرا درس می‌خوانند و به زبان راسخ تکلیفشان با خودشان معلوم باشد. دانش‌آموزانی که برای کسان دیگری درس می‌خوانند یا به زور و ضرب دیگران در درس پیش می‌روند، آموزش مجازی لطمات جدی به آنها وارد می‌کند و برعکس دانش‌آموزان قوی که به شکل خودانگیزه کار خودشان را انجام می‌دادند، از فضای مجازی و درس خواندن در این فضا، نهایت لذت را می‌برند. چون دیگر بسیاری از رفت و آمدها و اتلاف وقت در میان نیست و همزمان اگر آهنگ کلاس کند شود، می‌توانند کار دیگری انجام دهند و کسی نیست که به آنها گوشزد کند چرا کار دیگری انجام می‌دهی و در یک کلام، می‌توانند از نهایت پتانسیل و قابلیت‌هایشان بهره‌برند. اما مشکل ما با آن دسته از دانش‌آموزان ضعیفی است که چرایی درس خواندن هنوز برایشان حل نشده و چون از لحاظ فرهنگی این دست مشکلات در آموزش کشور مان وجود دارد، کیفیت آموزش میانگین تا حد قابل ملاحظه‌ای به دلیل وجود آنها، پایین می‌آید.

■ آیا چالش جدی دیگری در این بین وجود ندارد؟

چالش دیگری که در این بین داریم، چالش زیرساخت‌هاست. این داستان زیرساخت‌ها البته انواع مختلف دارد. از زیرساخت‌های نرم‌افزاری گرفته تا زیرساخت‌های اینترنتی و محتواهای الکترونیکی که باید وجود داشته باشد. همین موضوع آموزش الکترونیک خیلی قدیمی است و اگر اشتباه نکنم



ادامه از صفحه قبل

جدی ترین چالش کلاس آنلاین از نگاه و نظر شما چیست؟

جدی ترین چالش کلاس آنلاین از نظر من اینترنت است. اینترنت کشور باید بیش از این ها ارتقاء یابد تا چنین فعالیت هایی قابل اجرا باشد. تولید محتوا هم البته بیش و کم راه افتاده. اتفاق خوبی که رخ داد، این بود که معلمان آموختند که در این وضعیت کار را بیاموزند و به فعالیتشان ادامه دهند. معمولاً تا پیش از شیوع کرونا، معلمان سراغ چنین آموزش هایی نمی رفتند و به نوعی برایشان بار اضافه محسوب می شود! اما در حال حاضر اگر به این وضعیت تن ندهند مشخص می شود که حرفی برای گفتن ندارند و به سادگی از قافله جا می مانند. به همین دلیل، شیوع کرونا نعمتی برای آموزش و پرورش شد که این لختی بالایی که معلمان در فضای مجازی داشتند، شکسته شد و رو به جلو حرکت کردیم اما هنوز در این عرصه کار داریم و استانداردهایی باید رعایت شود. فرض کنید هنوز همان تجربه روش های سنتی را در فضای مجازی و محتوای آنلاین تکرار می کنند. طرف یک نفس صحبت می کند و به هیچ عنوان پیام فضای مجازی، یعنی سپردن حق انتخاب به طرف مقابل و در یک کلام قابلیت ابزارهای مدرن را در نیافته است. برخی معلمان با همان نظام سنتی سخن می گویند و درس می دهند. مثال دانشگاه ها را که زدید، باید بگویم که در دانشگاه ها ما به وفور شاهدیم که طرف یک بند صحبت می کند و متوجه نیست که در فضای مجازی یک بند صحبت کردن به هیچ عنوان جایز نیست. سر کلاس ناچار بودیم این گونه تدریس را تحمل کنیم. البته به شما قول می دهم و به جرأت می گویم که سر کلاس هایی این چنین هم، وقتی آنها داشتند یک بند صحبت می کردند، بچه ها در جامیز شان مشغول کارهای دیگر بودند. یکی گوشی همراهش را دست می گرفت و دیگری روی میز نقاشی و کنده کاری می کرد و به نوعی هر فرد کار خودش را انجام می داد. در فضای آموزش مجازی معلم باید بچه ها را به معنای واقعی کلمه درگیر کند و فرهنگ درگیر کردن و دانش آموز محوری و اینکه دانش آموز باید در مرکز یادگیری قرار بگیرد و اکتشاف کند، فرهنگی جدی به شمار می رود. این موضوع هم یک شبه انجام نمی گیرد و مستلزم صبر و انتظار است.

آموزش معلمان و والدین را در این بین چگونه تجزیه و تحلیل می کنید؟

آموزش معلمان و والدین هم به نوعی چالش محسوب می شود. به خودی خود اتفاق بدی نیستند اما اگر آن را به درستی تعبیر نکنید، تبدیل به آفت آموزشی می شود. اکنون در تغییراتی که رخ داده و اتفاقاتی که شاهدش هستیم، شما نیاز به آموزش دارید. اما این آموزش ها وجود ندارد یا با سیستم هایی که به خودی خود ایرادهای فنی دارند، پیش می رود. مثلاً می گویند جزوه آموزش آنلاین را بخوانید و امتحان دهید. این یعنی شما هنوز طرف را درگیر موضوع آموزش جدید نکرده اید و آموزش جدید تشریفاتی است! یعنی آنچه در صورت اتفاق می افتد، عملاً به آن کیفیت لازم نخواهد رسید. هم معلمان به وفور نیاز به آموزش هایی دارند که بتوانند در این فضا دوام بیاورند و کارایی داشته باشند و هم والدین. معلمانی داشته ایم که در فضای حضوری رتبه مطلوبی کسب کرده اند اما در فضای مجازی چون نتوانسته اند خودشان را به روز کنند، کنار نهاده شده اند. اگر این عده را به عنوان سرمایه انسانی در نظر بگیریم، باید به نوعی آنها را با آموزش احیا کنیم و آموزش هم باید به گونه ای نتیجه بخش باشد؛ یعنی معلم بتواند در فضای جدید کار کند و با فرهنگ جدید کنار بیاید و خودش را با موقعیت موجود وفق دهد، نه اینکه صرفاً مطلبی بخواند و امتحان بدهد. معلم باید بتواند در عمل از ابزارها و موقعیت جدید بهره برد. از سوی دیگر مدیران هم چنین اند. یعنی باید درباره انواع و اقسام چالش هایی که وجود دارد، صحبت کرد. مدیران باید دست کم هم فکری های بیشتری با یکدیگر داشته باشند یا دانشگاه های علوم تربیتی ما باید بتوانند راه حل های مناسب تری برای این مشکلات اولیه بیابند؛ مشکلاتی که همچنان جای کار و اندیشیدن دارد. متأسفانه فاصله ها در این بین زیاد است. از سوی دیگر آموزش اولیاء هم در فضای جدید موضوعی جدی است که به آن کم توجهی شده. باید ببینیم که اولیاء هم نتوانسته اند نقش خود را در این فضای جدید به درستی ایفا کنند. موضوع تازه ای اتفاق افتاده. آنها عملاً با یادگیری بچه ها درگیر شده اند. به ویژه در مدارس ابتدایی نمی توان از خود دانش آموز انتظار داشت که کار خودش را



است. این موضوع آفت آموزش و اتفاقی منفی در تسلسل و ادامه یافتن آموزش محسوب می‌شود. با پیشرفت تکنولوژی عملاً ادامه آموزش‌ها به سمت و سوی دیگری خواهد رفت. خودتان هم امروز به عینۀ این تغییر را می‌بینید. درست مانند اتفاقی که در تلویزیون افتاده و می‌افتد. یعنی شما فرصتی دارید که ایجاد جذابیت و طرف را جذب کنید. اگر این کار را به هر دلیلی نکردید یا نتوانستید انجام دهید، طرف به سادگی می‌تواند کانال تلویزیون را عوض کند. این اقتدار و زورگویی، امروز عملاً از نظام مدرسه گرفته شده است. اگر از این زاویه به موضوع بنگریم، به گمانم این اتفاق مطلوب است؛ یعنی برای اینکه طرف را جذب کنیم، باید به فکر بالا بردن کیفیت باشیم. دانش‌آموز باید حس کند که از تو نکته جالب و بارز می‌آموزد. این موضوع موضوعی جدی و جدیدی است. از دیگر سو ما باید آموزش مجازی را همچنان حفظ کنیم، چون آینده آموزش، آموزش مجازی است. این روزها زیاد این اصطلاح را شنیده‌ایم که «تئوری مرگ مدرسه» روبه‌رویم؛ یعنی نظام مدرسه بدین شکل تا ۵ الی ۱۰ سال دیگر جمع خواهد شد. اصلاً چرا دانش‌آموزان باید راه به این دوری را بروند و بیایند؟! خدمات آموزشی البته همچنان مورد نیاز است، چون آموزش نیازی اساسی است که پاسخ داده خواهد شد. اما شیوه آموزشی که در مدرسه اتفاق بیفتد و همه دانش‌آموزان در فلان ساعت فلان درس را بخوانند و هیچ حق انتخابی هم در میان نباشد و با روشی پیش بروند که ما برایشان تعیین می‌کنیم، قطعاً قابل دوام نیست. یعنی من معلم نوعی اگر کلاس کلاس خوبی نباشد و دانش‌آموز از آن نکته مفیدی نیاموزد، ۵، ۶ منبع دیگر در اختیار دارد و دست کم می‌تواند وارد فضای مجازی و اینترنت شود و پاسخ خود را بیابد و چه بسا بهتر از من پاسخش را بدهند و با این شیوه خودش را به هدفی که دلخواهش است، می‌رساند. دانش‌آموز در این محیط و موقعیت دیگر وابسته به من نیست.

موضوع تکنولوژی و آینده، موضوعی جدی است. اگر با برچیده شدن

ادامه در صفحه بعد



جدی‌ترین چالش کلاس آنلاین از نظر من اینترنت است. اینترنت کشور باید پیش از این‌ها ارتقاء یابد تا چنین فعالیت‌هایی قابل اجرا باشد. تولید محتوا هم البته پیش و کم راه افتاده. اتفاق خوبی که رخ داد، این بود که معلمان آموختند که در این وضعیت کار را بیاموزند و به فعالیتشان ادامه دهند

انجام دهد و او نیاز به همیار معلمی دارد که به او کمک کند تا دانش‌آموز به قول قدیمی‌ها از آن آب و گل درآید. اما این همیار معلم کجا آموزش دیده است؟ کلیپ‌هایی که در فضای مجازی وجود داشت و پدر و مادرها از دست بچه‌هایشان عصبانی می‌شوند و کتاب را به سر بچه می‌کوبند ناشی از فقدان همین آموزش است. معلمان البته از منظر خود به موضوع می‌نگرند و برخی‌شان می‌گویند خدا را شکر که اولیاء در یافته‌اند که ما با چه سختی‌ها، زحمات و مصائبی روبه‌رویم. این سویه مثبت موضوع است. اما آموزش دانش‌آموز به این شیوه از بین خواهد رفت. این موضوع صد در صد نیاز به آموزش همه سویه‌نگر دارد. آنچه نامش را اصول آموزش و پرورش می‌نویسند، وقتی از اولیا در این بین کمک می‌گیریم، طبعاً باید آن اصول برای او هم لحاظ شود و او را هم در برگیرد و در یک کلام به ولی دانش‌آموز هم آموزش داده شود. گاهی ساده‌ترین نکته‌ای که وجود دارد و ما به آن می‌خندیم این است که مثلاً ولی در امتحان به دانش‌آموزش تقلب می‌رساند! باز هم در این زمینه کلیپ‌ها و فیلم‌هایی را شاهدیم که ولی جایی قایم شده و نکته‌ای را به بچه می‌رساند. یا ولی‌ای داریم که وقتی می‌بیند دانش‌آموز، تکلیفش را انجام نداده، به جای او آن را انجام می‌دهد. او به جای اینکه موضوع را درمان کند، دست به حرکت اشتباه دیگری می‌زند. ولی‌ای داریم که در این فضا به شدت با معلم درگیر می‌شود که به خودی خود نیاز به آموزش و صحبت دارد. اگر هم ایرادی وجود دارد باید در این بین اندیشید که چگونه آن را حل کنیم تا روند آموزشی دانش‌آموز مختل نشود. ما راجع به این موارد، چاره‌جویی اندکی انجام داده‌ایم. این پروسه خیلی جای کار دارد. اینکه آموزش خانواده جدی گرفته شود، چالش مطلوبی است اما آیا به آن پاسخ درستی داده شده یا خیر؟ این موضوع در مدارس مختلف متفاوت است. مدارسی داریم که آن را به چشم یک فرصت می‌بینند و اتفاقاً چون اولیاء هم احساس نیاز می‌کنند، توانسته‌اند از فرصت نهایت بهره‌را ببرند تا اولیاء هم در زمینه آموزش نقش آفرینی کنند. مدارسی هم داریم که این موضوع را به امان خدا رها کرده‌اند و با سهل‌انگاری به دنبال مقصر می‌گردند و موضوع را به موضوعی لاینحل تبدیل کرده‌اند.

■ با همه این مصائب و سختی‌ها، باید آموزش مجازی را ادامه داد یا خیر؟

بنابر شغل، وظیفه و آماری که در اختیارم است، با مدارس تهران سر و کار دارم. حال چه به‌عنوان معلم، مشاور یا حتی در تولید پادکست با مهمان‌هایی که از مدارس مختلف دعوت می‌کردیم، باید عنوان کنم که تقریباً همه مدارس تراز اول و آنهایی که آموزش را به شکل حرفه‌ای دنبال می‌کنند و عملاً آموزش را کاری جدی و نه پر کردن وقت و صرفاً برای دریافت حقوق قلمداد می‌کنند، و به دیده صنعت به آموزش می‌نگرند، این مدارس تراز اول، آموزش مجازی را به شکل جدی حفظ کرده‌اند و دنبال می‌کنند؛ یعنی متوجه شده‌اند آن به اصطلاح حلقه مفقوده در بطن آموزش را یافته‌اند و حال اگر کرونا هم از بین برود و مدارس جملگی حضوری برگزار شوند، از این ابزار دست کم به‌عنوان سطح دوم آموزش استفاده خواهند کرد؛ یعنی استفاده از قابلیت‌هایی مانند کلاس آنلاین را عینی و ذهنی دنبال می‌کنند. آنها استفاده از «LMS» (نظام مدیریت یادگیری) و هرآنچه یک سازمان برای آموزش در بستر اینترنت نیاز دارد) مانند «MOODLE» (پرکاربردترین پلتفرم آموزش مجازی) و همچنین استفاده از بانک پرسش‌ها و محتوا را به جد دنبال می‌کنند و حفظ کرده‌اند. به گمانم این اتفاق مثبتی است که در متن آموزش رخ داده است. نکته‌ای که برای آنها جدی است، این است که چرا آنها باید آموزش مجازی را دنبال کنند و پی بگیرند. موضوع نخست، موضوع آینده و تکنولوژی است. بی‌تعارف باید بگویم که آموزش ما حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال ذره‌ای تکان نخورده بود. بسیاری از صاحب‌نظران عنوان می‌کنند که تصاویر کلاس‌های درسی که نقاشان کشیده بودند، از سال ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ میلادی تا به امروز درست شبیه به کلاس‌های امروزی بوده است. این آموزش نه تنها حدود ۲۰۰ سال تغییری نکرد، حتی روحیات و رویکردی که وجود داشت به همان شکل ادامه یافت. آنها معتقدند کلاس‌هایی که نیمکت‌ها را رو به معلم می‌چینند، نشان از پرورش فرهنگی دیکتاتوری در امر آموزش دارد؛ یعنی من معلم هر چه گفتم تو باید گوش کنی و تو هیچ نقشی در شکل‌گیری دانش نداری و لاغیر. همچنان که دموکراسی را تجربه کرده‌ایم و اتفاقات مختلف را پشت سر نهاده‌ایم، کماکان آموزش و پرورش به همان روش معلم محوری ادامه یافته است. هر چه معلم تصمیم گرفته ادامه یافته و سرلوحه کار قرار گرفته

ادامه از صفحه قبل

نتیجه رسیده بودیم که المپیاد پولی می‌شود؛ یعنی خدمات معلم المپیاد کم بود و باید هزینه می‌دادند و مناطق محروم و شهرهای دور افتاده تقریباً از این دایره خارج می‌شدند و اصلاً نمی‌شد برای این موضوع چاره‌اندیشی کرد. چگونه من دانش‌آموز در فلان روستا و فلان نقطه دور افتاده معلم المپیاد بیابم و اصلاً هزینه‌اش را داشته باشم! این شیوه ادامه داشت تا آموزش مجازی رخ داد. امروز خود ما با کسانی که دست‌اندر کار المپیاد بوده‌اند، قرارداد بسته‌ایم تا محتواهای آفلاین قابل قبولی فراهم کنیم و آن را در اختیار مناطق محروم بگذاریم تا آنها هم در این محیط حضور و بتوانند در این مهم نقش داشته باشند یا دسترسی به منابع برای آنها هم بسیار راحت‌تر شود. آموزش مجازی حسن دیگری هم دارد و می‌تواند همچنان نقش پررنگی را ایفا کند. مثال ساده‌ای را نقل می‌کنم. امسال از معلمی بهره‌می‌برید و سال بعد آن معلم را ندارید. معلم مهاجرت کرده یا اتفاق دیگری برایش رخ می‌دهد اما آموزش‌ها و یادگیری‌هایی را که آن معلم داده، می‌توانید داشته باشید و حفظ کنید. این موضوع می‌تواند دانش‌سازمانی را هم ارتقاء دهد و کارهای مطلوب دیگری را شامل شود که مورد استفاده قرار گیرد.

■ در این بین دغدغه معلمان از آینده شغلی و حقوق و دریافتی‌شان چه می‌شود؟

اگر بخواهیم با آسودگی خاطر در این باره سخن بگوییم، باید عنوان کنیم که هر تغییری که رخ دهد، لاجرم توأم با استرس است. اگر آدمی بخواهد در یک کلام هیچ‌گونه تغییری نداشته باشد و تغییری در زندگی خود نبیند، می‌تواند بگوید که اصلاً استرسی هم ندارد و به همان شیوه سابق کار و امور را انجام دهد. اما دنیا، دنیای تغییر است و استرس و تغییر صرفاً به شغل معلمی هم محدود نمی‌شود. رانندگان آژانس هم در این بین استرس داشتند. پدیده‌ای مانند رزرو خودروها با استفاده از فضای مجازی را شاهد بودیم که انواع و اقسام مختلف داشت. بسیاری از آژانس‌های تاکسی تعطیل شدند. اگر نیک بنگریم، در مجموع تغییر و بازنگری‌ای رخ می‌دهد و البته خدمات‌رسانی راحت‌تر انجام می‌پذیرد. بازدهی و کارایی بالا می‌رود و در این بین بسیاری از شغل‌ها تغییر می‌کنند و این اتفاق خواه و ناخواه رخ خواهد داد. شغل معلمی هم از این قاعده مستثنا نیست. به هر حال در دنیای متغیر، شغل معلمی هم مانند دیگر شغل‌ها با تغییر و تحولاتی روبه‌رو است و تغییر و تحولات هم استرس‌ها و چالش‌های خاص خودش را دارد. به چند نمونه از این موارد اگر بخواهیم اشاره کنیم، یکی از عمده‌ترین نقش معلمی است. به طرز مشهودی، نقشی که معلم ایفا می‌کند، تغییر یافته. معلم سریع باید خودش را با وضعیت جدید وفق دهد. در غیر این صورت از قافله عقب خواهد ماند. معلم‌هایی داشتیم که در این

بیماری کرونا عنوان کنیم که آموزش مجازی را کنار می‌نهیم، عملاً آینده را از دست خواهیم داد و باید تلاش کنیم تا در آینده کارها و فعالیت‌های آموزشی‌مان را بازتعریف کنیم. باید بازتعریف کنیم که معنای یادگیری در این فضا و محیط چیست؟ معنی انتخاب، تشویق و غیره یعنی چه؟ این‌ها نیازمند سلسله‌ای بازنگری‌های جدی و لازم‌اش این است که ما خودمان را با آموزش مجازی همچنان در پیوند ببینیم و این مهم را بدانیم. دومین موضوعی که درباره چرایی ادامه آموزش مجازی وجود دارد، موضوع هزینه‌ها و عدالت آموزشی است؛ به این معنا که نظام جدید، نظامی است که می‌تواند کارایی بالایی داشته باشد. همان مثال ساده‌ای که زدیم، مبین موضوع است. معلم درسی را یک‌بار می‌دهد و از آن مبحث عبور می‌کند اما اگر شما فیلم آن تدریس را داشته باشید، می‌توانید چندین بار از این فیلم استفاده کنید. در صورتی که اگر بخواهید چندین بار وقت معلم را بگیرید، هزینه‌تان خیلی بالا خواهد رفت. این تکنولوژی و نظام جدید، عملاً زمان را آزاد کرده است؛ یعنی شما در حالت عادی از ساعت ۷ صبح تا ۴ بعد از ظهر که کلاس‌ها حضوری برگزار می‌شد، فعالیت‌هایی را در محیطی انجام می‌دادید اما پس از آن ساعت، دیگر دسترسی به خدمات آموزشی وجود نداشت. در حال حاضر شما به این خدمات آموزشی دسترسی دارید و می‌توانید با استفاده از آن، کارایی آموزش را بالا ببرید. مثال‌های شیوا و روشن در این مصداق، استفاده‌هایی است که به‌ویژه مناطق محروم از این روش می‌کنند یا کسانی که در شهرستان‌های دور و نزدیک بوده‌اند. حتی عکس این موضوع نیز صادق است. منظورم دسترسی‌هایی است که ما به منابع خارج از کشور پیدا کرده‌ایم. این اتفاق اگر قرار بود با رفتن و جابه‌جایی رخ دهد، هزینه‌های بالایی دربرداشت. در برخی از پادکست‌ها خوب به خاطر دارم که دکتر نقشینه که رئیس باشگاه دانش‌پژوهان جوان هستند، حضور داشتند. ایشان عنوان کردند به این

”

ما باید آموزش مجازی را همچنان حفظ کنیم، چون آینده آموزش، آموزش مجازی است. این روزها زیاد این اصطلاح را شنیده‌ایم که با «تئوری مرگ مدرسه» روبه‌رویم؛ یعنی نظام مدرسه بدین شکل تا ۱۰ سال دیگر جمع خواهد شد. اصلاً چرا دانش‌آموزان باید راه به این دوری را بروند و بیایند



که سه رقمی در دو رقمی را ضرب می‌کند، دست آخر باید بگوییم خسته نباشید؛ وسیله‌ای هست که این کار را خیلی بهتر از شما انجام می‌دهد! چه نیازی به داشتن چنین مهارت و قابلیت است؟! موضوع نقش معلمی هم امروز کاملاً تغییر کرده است. معلم به طرز مشخص باید در دو سه کار خاص جدی باشد و در آنها مهارت به خرج دهد تا کیفیت کارش را ارتقاء دهد. یک موضوع، تسهیل‌گری است. یعنی معلم مانند یک فیلمنامه‌نویس باید سناریویی بنویسد که دیگران را وارد بازی خود کند و دیگر قرار نیست خودش همه کارها را انجام دهد یا فیلمنامه را اجرا کند. چنین مهارتی به تازگی به میزان قابل ملاحظه‌ای جدی گرفته شده است. این تفاوت را با مدیا هم می‌توان مقایسه کرد. در دوره‌ای، رسانه‌ی غالب فیلم بود. فیلم در آموزش چنین معنا می‌شود که ای معلم بیا و کاری خارق‌العاده انجام بده و من هم بینم و لذت ببرم. غالب نسل جدید رسانه در این مقایسه دیگر فیلم نیست، بلکه بازی است. بدین معنا که دانش‌آموز می‌گوید من را هم باید بازی دهید. این تغییر به گمانم یکی از جدی‌ترین تغییرهای آموزشی است. معلم باید در این نقش حواسش باشد و بداند که قرار نیست خودش نقش قهرمان را بازی کند، بلکه باید یک کارگردان ماهر باشد و موقعیت‌یادگیری را فراهم کند. بچه‌ها وارد صحنه او می‌شوند، بازی‌شان را به منصفه ظهور می‌گذارند و در این میان لذت می‌برند. یا نقش الهام‌بخشی معلم به تازگی جدی و پررنگ شده است. در قدیم معلمی بود که مثلاً جزوه خوبی داشت یا پرسش خوبی مطرح می‌کرد. دوره این مقاطع گذشته و امروز معلم باید کاری کند که بچه‌ها به هیجان بیایند. آنها را سر ذوق و شوق بیاورد. این شوق یادگیری امروز به مراتب اهمیت بیشتری دارد. در غیر این صورت دنیای معلومات و اطلاعات و صدها نمونه جزوه و ویدئو آموزشی وجود دارد. اما آن شوق و این انگیزه و آن انرژی پررنگ‌تر شده و جزو نقش‌های جدی معلم است.

ادامه در صفحه بعد

”

باید عنوان کنیم که هر تغییری که رخ دهد، لاجرم توأم با استرس است. اگر آدمی بخواهد در یک کلام هیچ‌گونه تغییری نداشته باشد و تغییری در زندگی خود نبیند، می‌تواند بگوید که اصلاً استرسی هم ندارد و به همان شیوه سابق کار و امور را انجام دهد. اما دنیا، دنیای تغییر است و استرس و تغییر صرفاً به شغل معلمی هم محدود نمی‌شود



موقعیت شغلمان را تغییر دادند و عنوان کردند که نمی‌توانند کلاس مجازی تشکیل دهند و اصلاً سواد چنین تغییری را ندارند. دایره این تغییر و تحولات زیاد و این اتفاق‌ها هم رخ داده‌ایی طبیعی است. در واقع آستانه تحمل هر فرد متفاوت است. یکی تا جایی تحمل می‌کند و دیگری بیشتر و یکی هم از این تغییرات بهره‌می‌برد. نقش معلمی هم تا پیش از شیوع ویروس کرونا متفاوت بود؛ معلمانی داشتیم که طرح درس‌های خوبی می‌نوشتند. یعنی طراحان برجسته‌ای بودند یا محتواهای خوبی تولید می‌کردند. به زبان ساده و کلاس و مدرسه‌ای بگوییم، آنها کتاب‌نویسان خوبی بودند. یعنی کتابشان در انتشارات عالی بود اما به محض اینکه او را وارد فضای مدرسه می‌کردید، دانش‌آموزان از وجود آنها ابراز ناراضی می‌کردند. چنین معلمانی این مهارت را داشتند که کتابشان جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های درسی باشد. معلمی داشتیم که اجرای خوبی داشت. درسش را باهیجان اجرا می‌کرد. از سوی دیگر معلمی را سراغ داشتیم که ارزشیاب و ارزش‌یاب برجسته‌ای بود. در حالت‌های عادی در قالب آزمون‌های آزمایشی، پرسش‌هایی مطرح می‌کرد. تا پیش از شیوع کرونا از معلمانی انتظار می‌رفت که جملگی این مهارت را به‌طور مجموع داشته باشند. اما امروز که به سمت حرفه‌ای شدن گام برمی‌داریم، عملاً این تخصص‌ها نیز از هم جدا شده‌اند. در حال حاضر معلمی داریم که کتاب می‌نویسد، محتوای آموزشی تولید می‌کند اما دیگر در کلاس تدریس نمی‌کند. از سوی دیگر معلمی هست که از کتاب‌ها و پرسش‌هایی که آنها تولید کرده‌اند به سادگی بهره‌می‌برد و هنرش را که اداره کلاس است، به خوبی انجام می‌دهد. چنین معلمی دیگر انرژی و وقت برای طرح پرسش از دانش‌آموزان صرف نمی‌کند. معلمی داریم که به شکل دقیق آزمون را برعهده دارد و پرسش طرح می‌کند و تخصص‌اش معطوف به این حوزه شده است. در واقع نقش معلم امروز تغییر کرده. همان معلم سر کلاس را اگر بخواهیم در نظر آوریم، یعنی معلمی که اجرا می‌کند، نقش‌اش در قدیم دانای کل بود. یعنی کسی که آن وسط به اصطلاح SAGE ON THE STAGE بود. یعنی خردمند و دانشمندی روی صحنه. او در بدو امر در کانون توجه قرار داشت و دوم اینکه انتظاری که از او می‌رفت، این بود که معلومات و دانش بالایی داشته باشد و همه چیز را بداند و برای هر نکته پاسخی داشته باشد. امروز اما با وجود ابزارهای مانند موتور جست‌وجوی گوگل انتظاری چنین از معلم داشتن بی‌جاست. انتظار محاسبات ذهنی‌ای که بچه‌ها دارند و می‌گویند فلانی سه رقمی در دو رقمی را ضرب می‌کند امروز دیگر فایده‌ای ندارد و کاری از پیش نمی‌برد! به چنین کسی



ادامه از صفحه قبل
 ■ ابزارهای معلم در این بین چقدر تغییر کرده است؟

ابزارهای معلم هم تغییر کرده. در چالش شغلی ای که به آن اشاره کردید، ما باید ابزارهای فضای جدید را بشناسیم. معلمان فراوانی داریم که ابزار را نمی‌شناسد و از موضوع آموزش جا می‌ماند. معلمی که نتواند از ابزار تکنولوژی استفاده کند، کلاسش عذاب‌آور می‌شود. او باید ابزارهای جدید را شناخته باشد تا روش‌هایی که می‌تواند انجام دهد، به سادگی صورت گیرد؛ امکان‌هایی مانند ادوبی کانکت یا اسکای روم یا نرم‌افزاری که از آن استفاده می‌کند. اینکه به چه شکل و با چه تسلط بر آنها، از دانش‌آموزان بازی بگیرد مهم است. نرم‌افزار ممکن است قابلیت‌هایی داشته باشد که معلم آنها را نشناسد، حتی اندیشه‌ای که چگونه از این امکانات استفاده کند، مهم است. مثال ساده و دم‌دستی‌اش را اگر بخواهیم بزنیم، این می‌شود که مثلاً عنوان می‌کند پرسشی دارم که می‌خواهم بچه‌ها پاسخ دهند. آیا در قسمت چت پاسخ دهند یا در قسمت کیوان‌ای. هر دو این قابلیت‌ها وجود دارد اما شما که پرسش را مطرح می‌کنید باید حواستان باشد که چه پرسشی را در چت طرح می‌کنید. به‌طور مثال پرسشی که هم‌افزایی دارد باید در چت قرار گیرد؛ یعنی طرف اول که پاسخ می‌دهد، طرف دوم پاسخ او را بخواند و بتواند ایده جدیدی ارائه دهد. آنها چیدمان‌های مختلف دارند. شما زمانی می‌خواهید موضوعی را مطرح کنید و چیدمان کلاس باید به شکل دیگری باشد و تشخیص بهتر بودن آن با شمای معلم است. زمانی هم مطلبی که عنوان می‌کنید، می‌خواهید حالت کار گروهی داشته باشد که چیدمان کلاس باید به گونه‌ای دیگر رقم بخورد. یک‌بار تصویر در مرکز کار قرار دارد و چیدمان متفاوت است. این هنر استفاده از ابزارهایی است که وجود دارد. به همین دلیل اینجا هم اتفاقی که می‌افتد، آموزش بسیار جدی می‌شود. انواع و اقسام آموزش‌های «ویبنار» را به همین دلیل شاهدیم. معلم نیاز به آموزش و موضوع جدید و تازه دارد تا بتواند از این ابزارها به خوبی بهره‌برد و نمونه کارهای درخشان را ببیند.

این لاجرم باید اتفاق بیفتد. اما از سوی دیگر در حال حاضر قدری فضا به هم خورده است. در فضای به هم ریخته، عده‌ای سود می‌برند و عده‌ای ضرر می‌کنند. فرض بفرمایید معلمی داریم که نگران دریافتی‌اش است. می‌گوید من وقت بیشتری می‌گذارم و کار بیشتری می‌کنم. هنوز فعالیتش را ساعتی ارزیابی می‌کند و چنین تلقی‌ای دارد که اگر دو ساعت تدریس‌اش به چهار ساعت افزایش یافته، باید به‌گونه دیگری به موضوع بنگرد. اما در این بین به همان میزان فرصت هم وجود دارد. یعنی یک‌بار اگر این موارد را تولید کنید و به چشم سرمایه‌گذاری آنها را بنگرید، یک‌بار تولید شما باعث می‌شود که بازارهای جدیدی بیاید. حتی امکان چند برابر شدن درآمدها در میان است. اما پیش از هر نکته‌ای باید هنر استفاده کردن داشته باشید؛ یعنی اگر شیوه تفکر تان دولتی باشد که یکی بیاید و به من حقوق دهد، در این دایره و در این بازی می‌بازید اما اگر شیوه کارتان کارآفرینی و کسب و کار باشد، می‌توانید در این بازی برنده شوید. دو سه مثال ساده می‌زنم تا موضوع روشن‌تر شود. من به شخصه تا پیش از این به چه کسانی درس می‌دادم؟ به مدرسه می‌رفتم و به همین دانش‌آموزان درس می‌دادم. الان شما نمی‌توانید تصور کنید که چه دانش‌آموزانی دارم. از نقاط دور افتاده گرفته تا نزدیک؛ دانش‌آموزی که در شهرستانی است که هزاران کیلومتر با تهران فاصله دارد و حس می‌کند به آموزش نیاز دارد و ما هم به راحتی می‌توانیم به او آموزش دهیم. این مهم حتی به کشورهای دیگر هم رسیده است. فرض بفرمایید شاگردی در انگلستان، سوئد یا کانادا است و به چنین آموزشی نیاز دارد. آموزش خصوصی آن کشور برایش هزینه زیادی در بر دارد. هزینه آموزش عادی آنها هم به مراتب بالاست، چه رسد به هزینه آموزش خصوصی. اما او می‌تواند از این بازار به راحتی استفاده کند و جنس یادگیری و آموزش هم جنس مشخصی است. یا در تهران خودمان اگر بخواهیم مثال بزنیم، یکی از جدی‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که دبیران حرفه‌ای کنکور داشتند، سالن‌های بزرگ بود. مثلاً می‌خواستند همایشی ۴۰۰ نفری راه بیندازند و باید سالنی با این امکانات دست و پا می‌کردند و نصف هزینه آموزش هم سر تهیه سالن خرج می‌شد. اکنون اما این فضا تغییر کرده و شما می‌توانید همایشی دو هزار نفری تشکیل دهید، آن هم بدون اینکه سالنی اجاره کنید! آن هم با یک دوربین و امکانات محدود. زمانی که بیشتر صرف می‌شود یا حقوقی که باید گرفته شود، باز من نامش را چالش می‌گذارم؛ یعنی می‌تواند دست و پاگیر و اذیت‌کننده باشد و عیب محسوب شود و از سویی هم می‌تواند فرصت باشد. معلمی که فکر کند دریافتی‌اش چرا کم شده، اگر بسته آموزشی با ارزش‌تری تولید کند، چه بسا درآمدش بیشتر هم شود. نمونه کوچک و مصغر این تولید را شاید معلمان در محتوای آفلاین دیده باشند. شما به‌عنوان معلم، محتوایی آفلاین تولید می‌کنید که در چهار مدرسه تدریس می‌شود؛ یعنی با صرف دو ساعت وقت، ۴

”

معلم مانند یک فیلمنامه‌نویس باید سناریویی بنویسد که دیگران را وارد بازی خود کند و دیگر قرار نیست خودش همه کارها را انجام دهد یا فیلمنامه را اجرا کند. چنین مهارتی به تازگی به میزان قابل ملاحظه‌ای جدی گرفته شده است. این تفاوت را با مدیا هم می‌توان مقایسه کرد

ندارد و یک موتور می‌خواهد و یک R&D که پیش برود. نکته دوم بازی گرفتن از وضعیت است؛ سلسله‌ای مزایا در کسب و کارهای قدیم وجود داشت. مثل اینکه من نخستین کسی هستم که چنین کاری کردم. یا اینکه من تکنولوژی بزرگی را راه می‌اندازم و سرمایه‌گذاری بالایی را صرف کرده‌ام تا شخص دیگری نتواند وارد این فضا شود. کسی که می‌خواهد این کار را شروع کند باید سرمایه‌گذاری هنگفتی کند، مثل سرمایه‌گذاری در مدرسه غیردولتی. مدرسه غیردولتی چرا پانمی‌گیرد و قدیمی‌ها مانده‌اند و آنهاپی که به تازگی وارد این عرصه می‌شوند، اغلب به اصطلاح زمین می‌خورند؟ چون سرمایه اولیه قابل توجهی می‌خواهد تا وارد عرصه رقابت شوید. در کسب و کارهای مجازی یا باید تکنولوژی جدیدی را به اصطلاح رو کنید که آن R&D مهم است یا مزیت جدیدی داشته باشید. ساده‌ترین هایش صرفه به تعداد است. به‌طور مثال، مدرسه مفید اگر می‌خواهد در این زمینه رشد کند، نباید روی سه چهار مدرسه محدود متمرکز شود. باید خدماتش را به شکلی گسترش دهد تا به گونه‌ای این بازی و عرصه برایش باز شود. باید فرهنگ کار کردنش هم متفاوت باشد؛ چون به زبان کسب و کاری صحبت کردید، باید بگوییم آن طرح کسب و کار جدی‌تر از همیشه به نظر می‌رسد و تعیین‌کننده است؛ یعنی هر کاری که می‌خواهید در فضای آموزش شروع کنید، باید دقیقاً بدانید چه کاری است. چه چیزی در دست دارید و برگ برنده در این فضا چیست و سپس وارد فضای آموزشی شوید. بسیاری از جاهایی که در زمینه آموزش ترکیبی کار می‌کنند، طبعاً محتوایی که تولید می‌کنند خرج دارد و هزینه‌اش بالاست. بنابراین باید به درآمدش هم‌اندیشید. اگر فقط برای سه مدرسه تولید محتوای آموزشی می‌کنید، شاید نباید وارد این عرصه می‌شدید، اما اگر می‌خواهید وارد رقابت شوید دیگر نباید صرفاً به سه مدرسه بیندیشید. حال اینکه چه فکری می‌کنید و آن را چگونه اجرا می‌کنید، باقی ماجراست.



خیلی‌ها شاید نام مدرسه را مدرسه زندگی بگذارند اما این نام ربطی به بطن موضوع تأسیس‌شان نداشته باشد. باید از آنها پرسید شما چه کار زندگی را انجام داده‌اید؟ برعکس‌اش هم وجود دارد. شما شعاری انتخاب می‌کنید که در تک‌تک فعالیت و کارهایی که انجام می‌دهید، دیده می‌شود



ساعت آموزشی را پر می‌کنید. فرهنگ و فضای جدیدی پیش روی معلمان است. اما به شرطی که معلم بتواند خودش را با اوضاع تطبیق دهد و از پس فضای جدید برآید.

■ در موضوع برندسازی و ورود به بازار آموزش، بازار کار و ورود به موضوع رقابتی می‌توانیم مدرسه مفید را مثال بزنیم. مدرسه مفید وقتی کار مدرسه زندگی را آغاز کرد، دیگران هم دیدند و از این تجربه استفاده کردند. خوشبختانه یا متأسفانه بحث ثبت برند هم در کار نیست! برخی‌های دیگر هم وارد عرصه شدند و عنوان کردند که ما هم مدرسه زندگی هستیم و... در بازار رقابت، مدارسی که می‌خواهند بدین شکل به فعالیت‌هایشان ادامه دهند با چه چالش‌هایی روبرو خواهند بود؟ چه چالش‌هایی پیش رو دارند تا خودشان را در این بازار رقابتی حفظ کنند؟

سلسله‌ای از عناصر کلی وجود دارد که متعلق به کسی نیست؛ به فرض مدرسه زندگی. ۱۰ مدرسه دیگر در خارج از کشور هم می‌توان یافت که پیش‌ترها همین نام را انتخاب کرده‌اند. یا شاید مدرسه جدیدی تأسیس شود که نامش را بگذارد مدرسه زندگی. اما آن اتفاقی که پس از آن می‌افتد قابل توجه است. خیلی‌ها شاید نام مدرسه را بگذارند اما این نام ربطی به بطن موضوع تأسیس‌شان نداشته باشد. باید از آنها پرسید شما چه کار زندگی را انجام داده‌اید؟ برعکس‌اش هم وجود دارد. شما شعاری انتخاب می‌کنید که در تک‌تک فعالیت و کارهایی که انجام می‌دهید، دیده می‌شود. همین آموزش ترکیبی یا تلفیقی یک اصطلاح دانشگاهی است که خیلی‌ها دنبالش رفته‌اند و با آن کار می‌کنند. اما با چه شیوه‌ای؟ اینکه شما آن را چگونه تعریف کنید به اصطلاح برگ برنده را در دست دارید. در این راستا می‌توان راجع به دو پدیده صحبت کرد. نخست اینکه چنین کسب و کارهایی باید R&D (تحقیق و توسعه) قوی داشته باشند؛ یعنی اگر بخواهید موفق باشید باید همه اتفاقات به روز دنیا را رصد کنید. همین یادگیری تلفیقی که به آن اشاره کردیم، امکان‌های مثبتی دارد که باید در نظر گرفت و آن ایده‌ها را در مدرسه‌تان عملیاتی کنید تا به این نام شناخته شوید؛ یعنی بگویند تکنولوژی مدرسه مفید نسبت به بقیه مدارس یک سر و گردن بالاتر است. نمونه‌های دم دستی را برای مثال می‌توانم از نمونه‌های «VR» و «AR» (بررسی نقش واقعیت مجازی در آموزش که در واقعی‌تر و ملموس‌تر شدن آموزش نقش دارد) نام ببرم تا نمونه‌ای که «مارک زاکربرگ» به نهایت رساند؛ مثلاً «متاورس» (فراجهان)؛ یعنی مدرسه‌ای مجازی در جایی وجود داشته باشد و بچه‌ها بتوانند در فضای مجازی مدرسه را تجربه کنند. بنابراین چنین مقوله‌ای پایان



آینده از آن معلمانی است که خودشان را با موقعیت وفق می دهند

گفت و گو با سید مهدی بشارت، راهبر آموزشی دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام (ره)

مزایایی برای مدارس دارد؟

آموزش ترکیبی اگر به این معنا باشد که یک بخشی از کلاس حضوری و مجازی و بخشی از آن نیز آفلاین باشد و همچنین برای بخش آفلاین برنامه داشته باشیم، مناسب است. به عنوان مثال فیلمی در اختیار دانش آموزان قرار می دهیم یا یک فایل صوتی در میان است یا کارهای متنوع دیگر در این بستر انجام می گیرد. مزایای آن این است که دست معلم نسبت به داخل کلاس بازتر است. مثلاً معلم می تواند فیلم آزمایشی را در محیط آموزش ترکیبی ارائه دهد که سر کلاس این امکان وجود ندارد یا مثلاً فیلم هایی از منابع مختلف جمع آوری و با هم ترکیب و ارائه کند تا آموزش غنای بیشتری بیابد. در عین حال، دانش آموز می تواند چند بار آنها را ببیند و استفاده کند. و علاوه بر این سوالاتی را مطرح کند که خود پاسخ دادن به پرسش ها برای دانش آموز موثر است و او را به تفکر وامی دارد. یکی دیگر از مزایای این شیوه برای دانش آموز این است که هر وقت خواست در هر زمان و هر مکان، می تواند ببیند که این مهم چندان وابسته به زمان و مکان نیست؛ چون به هر حال ترکیبی است و بالاخره دانش آموز چه به شکل مجازی و چه حضوری می تواند از فرصت بین دو جلسه نهایت استفاده را ببرد اما باز یک درجه آزادی بیشتر برای بچه ها فراهم می شود.

از مزایای دیگر آموزش ترکیبی این است که اگر خانواده ها می خواهند به سفر بروند و آنجا هم اگر

سید مهدی بشارت، راهبر آموزشی مقطع دبیرستان دوره دوم یادگار امام (ره) معتقد است اگر معلمان نتوانند خودشان را با موقعیت جدید تطبیق دهند و استفاده از وسائل ارتباط جمعی را یاد بگیرند و همگام با بچه ها از دانش تکنولوژیک و کاربردی بهره ببرند نخواهند توانست در عرصه معلمی و دبیری باقی بمانند. این در حالی است که آن دسته از کسانی که در جای خود و به شکل سنتی درجا می زنند، به سادگی باید گفت که به مرور زمان از گردونه خارج می شوند. گفت گوی ما را با وی درباره نقش و تأثیر معلمان در آینده و آموزش ترکیبی بخوانید.

■ شکل برگزاری کلاس ها با شیوع ویروس کرونا تغییر کرد. فکر می کنید استفاده از شیوه آموزش ترکیبی چه

■ **ذینفعان آموزش ترکیبی چه کسانی هستند و چه مزایای دیگری دارد؟**

درست است که آموزش ترکیبی برای معلمان زحمت فراوان دارد اما تجربه خوبی است. علاوه بر این‌ها، فکر کردن به تدریس و سعی در ارائه یک مجموعه خوب، همراه با خلاقیت، ارزشمند و قابل اعتنا و انکاست. معلم در این راستا خلاقیت به خرج می‌دهد و درسی که سر کلاس ممکن است یک ساعت وقت بگیرد، در آموزش ترکیبی در کمتر از نیم ساعت ارائه می‌شود. اینها منافع برای معلم است اما زحمت هم دارد. این در حالی است که در خصوص آموزش ترکیبی از طرف والدین باز خوردی جدی نداشته‌ایم که این آموزش تاثیر داشته است. از سوی اولیا در این زمینه که کسی از جریان مطلع باشد، به ندرت به چشم می‌خورد و در مجموع به این موضوع اشاره‌ای نداشته‌ایم. البته بچه‌ها نقاط منفی دارند ولی از اولیا به شیوه مشاوران نکته‌ای را مستقیماً دریافت نکرده‌ایم.

■ **یعنی چه مثبت و چه منفی باز خوردی نداشته‌اید؟ از اولیا باز خورد قابل اعتنا نداشته‌ایم اما از بچه‌ها داشته‌ایم.**

در حقیقت هم معلمان و هم دانش آموزان به این روش‌ها عادت نداشتند و به آن خو نگرفته بودند. در آموزش حضوری ارتباط چهره به چهره قوی و در آموزش آنلاین تعاملی است اما در آموزش آفلاین دیگر این تعامل وجود ندارد.

■ **آموزش ترکیبی مکملی از آموزش حضوری است که ممکن است حضوری هم باشد. پس از کرونا در این زمینه فرصت مناسبی به دست آمد و به نظر می‌رسد که باید فرهنگسازی کرد تا آموزش ترکیبی حفظ شود. نظر شما درباره این نوع آموزش چیست؟ فارغ از معایب و مزایایش. در کشورهای توسعه یافته این نوع آموزش هم رواج یافته؟**

به عنوان آموزش مکمل خیلی

ادامه در صفحه بعد

”

فکر کردن به تدریس و سعی در ارائه یک مجموعه خوب، همراه با خلاقیت، ارزشمند و قابل اعتنا و انکاست. معلم در این راستا خلاقیت به خرج می‌دهد و درسی که سر کلاس ممکن است یک ساعت وقت بگیرد، در آموزش ترکیبی در کمتر از نیم ساعت ارائه می‌شود. اینها منافع برای معلم است اما زحمت هم دارد



اینترنت مناسب وجود داشته باشد، می‌تواند از این مزایا و از این امکانات به نحو احسن بهره ببرند. از مزایای دیگر این است که دانش آموزان می‌توانند درس‌ها و موارد درسی را بیشتر و بهتر در زمان امتحان مرور کنند. در واقع این مهم به عنوان مزایای آموزش ترکیبی، عمده‌ترین مزایای چنین آموزش به حساب می‌آید.

■ **پیش از شیوع کرونا تجربه آموزش ترکیبی و غیر حضوری را هم داشته‌اید. این نوع آموزش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

البته از قبل، درس خواندن و پیش‌خوانی قبل کلاس هم داشته‌ایم و مزایای زیادی داشته است.

■ **آموزش ترکیبی قبلاً به چه شکل بود؟**

حال من پرسشی از شما دارم. به نظر تان پیش فرض آموزش ترکیبی چیست؟

■ **اگر بخواهم دقیق بگویم، می‌گویم آموزش حضوری و مجازی و آموزش آفلاین. یعنی صرف آموزش مجازی و حضوری ترکیبی نیست. یعنی آموزشی است که ترکیب مجازی و حضوری در آن وجود دارد اما محتوای آفلاین را در آموزش ترکیبی داشته‌ایم و محوری است. تا پیش از شیوع کرونا در مدارس پیشرو جهان هم این آموزش وجود داشته. آن هم به عنوان یک آموزش ترکیبی که مقابل آموزش سنتی قرار دارد. در مدارس مفید تا پیش از این، دانش آموزان تابلت داشتند و با این تجربه پیش و کم بیگانه نبودند و آشنایی داشته‌اند.**

اتفاقاً معتقدم که تجربه‌ی به این شکل را نداشتیم. در مدارس مفید اما به دلیل اینکه در بستر دیجیتال رخ نداده، اکنون اولیا و مدارس ناگزیر از این پذیرش‌اند. اما قبلاً چنین بود که بچه‌ها سراغ این آموزش نمی‌رفتند. هر چه هم به کنکور نزدیک می‌شدیم این تأکید بیشتر می‌شد؛ اینکه آموزش ترکیب و حاصل شود. البته هنوز هم این موضوع وجود دارد و قبلاً هم بوده که خیلی از بچه‌ها سر وقت ابزار و فضای دیجیتال نروند و الان هم به اجبار این اتفاق افتاده است.

ادامه از صفحه قبل

بررسی کرد که فلان فیلم را چه کسی دیده و چه کسی درست ندیده و درک نکرده است. گاهی معلم سر کلاس متوجه می‌شود که برخی از بچه‌ها فیلم و محتوا را درست ندیده‌اند و آموزشی را به نحو احسن درک نکرده‌اند. گاهی بچه‌ها دیده‌اند کار معلم در کلاس سرعت گرفته و معلم اشاره مختصری خواهد داشت اما اگر بچه‌ها ندیده باشند و ما هم ابزار کنترلی نداشته باشیم، به نظرم این رخداد، خوب نیست.

■ به عنوان راهکار چه پیشنهادی دارید؟

باید در کنار فعالیت‌های تعاملی، سلسله پرسش‌هایی برای پاسخ دادن در سامانه قرار دهیم. البته همیشه نمی‌توان این کار را انجام داد. از سوی دیگر پرسش کردن هم وقت جداگانه‌ای از معلم می‌گیرد.

■ به نظر شما تجربه شیوه استفاده از آموزش ترکیبی در دوران پسا کرونا باید تداوم داشته باشد یا خیر؟

آموزش ترکیبی را اگر به عنوان یک گزینه انتخابی بینیم خیلی خوب است. معلم خیلی از کارهایی را که سر کلاس نمی‌تواند انجام بدهد اینجا انجام می‌دهد؛ یعنی گزینه انتخابی برای معلم‌ها وجود دارد. حداقل تا زمان محدودیت در کنکور که تا امروز جزو دغدغه‌ها محسوب می‌شود، حالا در مقاطع پایین‌تر این محدودیت کمتر است و راحت‌تر می‌توان از آموزش ترکیبی استفاده کرد اما در پایه دوازدهم اصلاً سراغ آموزش ترکیبی نرفته‌ایم. در پایه دهم و یازدهم باید بتوانیم طوری برنامه‌ریزی کنیم که معلم به اصل درس سر کلاس برسد و از مزایای آموزشی آفلاین نهایت استفاده را ببرد. در واقع این موضوع را می‌توان مفید ارزیابی کرد. اما اگر این طور نباشد، معلم‌ها احساس می‌کنند که هزینه و فایده و خروجی آن به صرفه نیست.

■ استفاده از روش ترکیبی می‌تواند چه تأثیری بر هزینه‌های آموزش و شهریه داشته باشد؟ گفتید سعی شده که تدریس با همان هزینه‌ها ادامه یابد. از خلال صحبت‌های شما به نظر می‌رسد که باید آموزش حضوری را ادامه دهیم اما آموزش ترکیبی و آفلاین را به شکل مکمل داشته باشیم. به نظر شما این مهم هزینه و شهریه را بالاتر نمی‌برد؟

اگر آموزش ترکیبی به الگوی تبدیل شود و به عنوان یک برند بتوان روی آن حساب کرد، می‌توان بر این اساس به شهریه هم اضافه کرد. و البته دوباره هزینه‌ها بالا می‌رود. از سوی دیگر اگر آموزش به این سبک ادامه یابد، لذت بیشتری در یادگیری ایجاد می‌شود که می‌توان از آن به عنوان یک برند

خوب است و ما از ساعت معلم کم کردیم. این کم کردن وقت، برای آموزش ترکیبی نیاز است و بسیار موثر بوده. در واقع معلمانی که دو ساعت زمان داشتند، امروز، یک ساعت یا کمتر وقت دارند و با روش‌های آفلاین تحصیل را پی می‌گیرند. معلم ۲ ساعت برای شروع می‌باید نیاز داشت. اما اگر معلم زمان کامل خودش را داشته باشد و در کنارش آموزش آفلاین باشد، مناسب خواهد بود. معمولاً هم بسیاری از معلمان در سراسر کلاس حضوری یا مجازی فعال‌اند و آنجا بیشتر به رفع اشکال و حل تمرین می‌پردازند. اما همین فرصتی که سر کلاس داشتند، امروز و در فضای مجازی هنوز بخشی از آن برای حل تمرین که بخشی از آفلاین است سپری می‌شود.

■ شما فکر می‌کنید، زمان آموزش حضوری سر جای خودش باشد و اضافه بر آن موضوع آموزش آفلاین و ارائه محتوای دیجیتال هم داشته باشیم؟ به نظر شما این شیوه قابل اجراست؟

باید زمان آموزش حضوری سر جای خودش باقی بماند و اضافه بر آن، باید بخشی از فعالیت‌ها به آموزش ترکیبی هم اختصاص یابد. در حقیقت ما رسیدن به کنکور را داریم و نکاتی که باید برای بچه‌ها جا بفتند. از این رو فرصت از دست می‌رود و باید جای دیگری و به شکل دیگری جایگزین شود. تحقق این امر آن است که هم معلم وقت بیشتری بگذارد، هم مدرسه هزینه بیشتری بپردازد. مدرسه سعی کرده است هزینه‌اش را بالا نبرد و مجموعه هزینه‌های تدریس حضوری و آفلاین و آفلاین مساوی با هزینه قبل برآورد می‌شود. مجموع همه اینهاست که یک مقدار دست و پای ما را می‌بندد. بحث کندی سامانه که امروز هم به چشم می‌خورد، یکی از مباحث جدی است. موضوعی که طی یک دو سال اخیر به وفور اتفاق افتاده، این بوده که یکسری تعاملاتی که درست شده بود و برایشان برنامه‌ریزی دقیق انجام گرفت، از بین رفت و دوباره تلاش و بازیابی شد. در واقع بارها سامانه از دسترس بیرون رفت و معلمان هم سعی کردند آنچه را از دست رفته، بازیابی کنند.

■ اشکال زیرساختی سراسری است. در ابتدای سال تحصیلی هم به دلیل تعدد استفاده از شبکه‌ها این مشکلات به وجود آمد.

مزایای آموزش ترکیبی بیشتر مربوط به کشورهایی است که اینترنت و پهنای باند خوبی دارند. بچه‌های ما برخی اوقات گلایه دارند و گاهی وقت‌ها با توجه به بارگذاری نادرست فیلم‌ها به نقاط مورد نظرشان در فیلم مستقیم مراجعه می‌کنند و صد البته دیده شده که از محتوای کامل هم استفاده نمی‌کنند. سامانه LMS هم چندان حضور و غیاب پذیر نیست و نمی‌توان



از (فیلم‌های اینترنتی) دور شده‌ایم و برای بسیاری از فعالیت‌های دیگر که به شکل تعاملی تعریف می‌شود، به بچه‌ها نمره نمی‌دهند. گاهی وقت‌ها نمره تعلق می‌گیرد و گاهی وقت‌ها هم تعلق نمی‌گیرد. در واقع بستگی به نوع تنظیمات است و چون این نمره دادن را نداریم و حضور و غیاب انجام نمی‌شود، تأثیرش اندک است. حتی خود ویدیوهای تعاملی یک سلسله نقطه دارد و بچه‌ها یاد گرفته‌اند که سر آن نقطه سوال را می‌بینند یا پاسخ می‌دهند یا نمی‌دهند و پیش می‌روند. این باعث شده انتظارات و تصورات قبلی ما که این می‌تواند عامل غنا بخشی و تأثیرگذاری در راستای آموزش باشد کم‌رنگ شود.

■ برای ایجاد انگیزه در بچه‌ها چه کار می‌توان کرد. تا چه حد برای بچه‌ها می‌تواند مهم باشد که آموزش‌شان ترکیبی است؟ یعنی آنچه در مدارس دیگر وجود ندارد و پس از کرونا هم شاید در نظام آموزشی مدارس ادامه نیابد؟ در بحث فرهنگسازی و ایجاد انگیزه، و برندسازی چه کار باید کرد؟ باید از هنر بهره گرفت و هر قدر هم می‌شود، کار آموزشی از حیث هنری جذاب باشد. اگر آنچه شما توضیح می‌دهید با یک انیمیشن یا فیلم اتفاق بیفتد خیلی خوب است اما این کار یک تخصص کارشناسی است و مثلاً شاید صدا و سیما بتواند چنین کاری را انجام دهد یا همین‌طور سازمان‌هایی برای این کار تشکیل شود، چراکه نمی‌توان از معلم این توقع را داشت و اساساً این موضوع معقول هم نیست. اما برخی از فارغ‌التحصیلان ما کارهای خوبی در این راستا انجام داده‌اند.

استفاده کرد و بر این اساس می‌شود شهریه را اضافه کرد. گرچه تا وقتی این اتفاق نیفتاده نمی‌شود شهریه را افزایش داد.

■ در این فاصله باید آن اتفاق بیفتد تا شهریه اضافه شود یا اینکه اول به آموزش ترکیبی رسید و بعد شهریه را به خانواده‌ها اطلاع داد؟
انبوهی از فارغ‌التحصیلان باهوش داریم که اینها برای مدرسه کار می‌کنند. اگر بشود به کمک معلم‌هایمان از آنها استفاده کنیم، هزینه‌ها هم به مراتب کمتر خواهد شد.

■ یعنی فارغ‌التحصیلانی که با هزینه کمتری بتوان از آنها بهره برد؟
بله، دقیقاً الان این مهم شدنی است. آنها در بدو امر باید بتوانند خلاقیت‌هایی داشته باشند و بروز دهند. شاید قدری روی هزینه‌ها تأثیرگذار باشد اما شیوه‌ای ایجاد می‌شود که در راستای افزایش شهریه قابل تعمیم است.

■ ارزیابی شما از دغدغه و آینده شغلی معلمان برای دریافت حقوق با وقت بیشتری که صرف می‌کنند، چیست؟
اتفاقاً تجربه کرونا و آموزش غیرحضوری نشان داد که تأثیر آموزش حضوری را ندارد؛ به خاطر همین است که تأکید می‌کنند که مدارس باز شود و از زمانی که مدرسه باز شده، تأثیرش بسیار بیشتر از زمانی بوده که بچه‌ها آنلاین بوده‌اند؛ دلیلش هم به خاطر ارتباط بچه‌ها با دست‌اندرکاران و مدیران مدرسه و معلمان و مشاوران است. به نظرم نمی‌شود به راحتی مزیت آموزش ترکیبی را در مدرسه از دست بدهیم. این نگرانی خیلی جدی نیست اما معلمان هم هستند که اگر بتوانند خودشان را با موقعیت جدید وفق بدهند، آینده از آن آنهاست. گرچه آن دغدغه نخست هم که معلم‌ها وقت بیشتری می‌گذارند وجود دارد. معلمان ما در مدرسه مفید، به خاطر عشق به شغل معلمی و همچنین مدرسه، کمتر باعث می‌شود که به این موضوع فکر کنند. اما بعضاً هستند معلمان که گلايه‌هایی هم داشته‌اند.
ابتدا خیلی به آنچه از آن با عنوان (حالت عالی) یاد می‌شود، دلخوش کرده بودیم. اما هنوز نتوانسته‌ایم مزایایی را که مد نظر است، به دست بیاوریم. شاید یکی از دلایل این باشد که



ویژگی‌های متعدد آموزش ترکیبی

در گفت‌وگو با نانا کوفر، مدیر دبستان دخترانه مفید مطرح شد

ارتباطات و روابط اجتماعی و تعاملات و حل تعارض‌های کودکان با یکدیگر است. در نتیجه حضور در مدرسه یک ارزش است؛ گرچه اکنون از آموزش ترکیبی بهره می‌بریم ولی جایگزین بسیاری از نیازهای ما نیست. در چند ماه گذشته، روزهای محدودی را بچه‌ها به مدرسه می‌آمدند. همین چند روز اندک که بچه‌ها در پایه‌های مختلف به مدرسه می‌آیند، وضعیت خیلی تغییر کرده و ارزشمند است. و اینکه آموزش ترکیبی چه مزایایی می‌تواند داشته باشد، باید عنوان کرد که حسن‌های فراوان دارد. یکی از آنها این است که شخصی سازی شده است؛ یعنی من به اندازه نیاز خودم از این ظرف برداشت می‌کنم. راه رشد و یادگیری هم برای بچه‌ها بازتر شده است. نمی‌خواهم بگویم که تا به امروز راه رشد کودک بسته بوده اما در اینجا راه رشد و یادگیری کودک بازتر است، چون یادگیری به تعبیری انتها ندارد. این موضوع مانند کودک نوپایی است که می‌خواهد برای سخن گفتن و زبان آموزی تمرین کند. در واقع رشد و یادگیری کودکان یادگیرنده فرصتش در آموزش ترکیبی بیشتر است. بچه‌هایی که در عالم دیجیتال به شکل فعال بزرگ شده‌اند و حتی دانش آموزی که کلاس اول است و صفحه کلید رایانه را می‌بیند، گاه صفحه کلید، فارسی هم نیست و حروفی که می‌بیند نمی‌داند فارسی‌اش کجاست، قدری سواد پیدا می‌کند و می‌تواند دست کم نام خودش را تایپ کند و به خود می‌گوید الان در یافته‌ام که حرف میم L است و به فرض وقتی نام خانوادگی‌اش محمدی است، میم را باید اینجا تایپ کنم. این مهم فقط این گونه و با این شیوه آموزش اتفاق می‌افتد. در واقع این اتفاق باعث شده که بچه‌ها به مرور زمان تند تند تایپ کنند. بچه کلاس چهارم و پنجم به سرعت تایپ و ویرایش می‌کند و با نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های مختلف آشنا می‌شود؛ یعنی بچه‌ها ترازوی چند پله‌ای را طی کرده‌اند. به منابع مختلف اتصال دارند، آن هم بدون اینکه مرجعشان ما باشیم. این‌ها می‌شود محاسن و مزایای آموزش ترکیبی.



نانا کوفر، مدیر دبستان دخترانه مفید معتقد است آموزش ترکیبی ویژگی‌های متعددی دارد. یکی از آنها این است که این نوع آموزش، شخصی سازی شده و راه رشد و یادگیری هم برای دانش‌آموزان نسبت به پیش از شیوع کرونا بازتر شده است. در واقع فرصت رشد و یادگیری کودکان یادگیرنده در آموزش ترکیبی بیشتر است. با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

■ آموزش ترکیبی برای کودکان دبستانی چه مزایایی دارد؟

از منظر کودک دبستانی که به موضوع می‌نگرم، باید بگویم یکی از ویژگی‌های کودکان دبستانی آن است که می‌خواهند وارد زندگی اجتماعی شوند. یعنی اولویت فعالیت‌های ما

”

برای والدین آموزش ترکیبی خیلی نوپاست و به گمانم هنوز لذتش را نچشیده‌اند. آنچه می‌بینند سلسله‌ای واهمه و ترس است؛ نادانسته‌ها و ناشناخته‌هایی را که اضطراب‌آور و وقت‌گیر و سرشار از ایهام است، تجربه می‌کنند. این دنیا هنوز برای والدین دوست‌داشتنی نشده؛ چرا که تا دو سال پیش اینکه کودک تا ۱۲ ساله، ابزاری که در اختیارش باشد و ابزار شخصی باشد، تعریف نشده بود

■ قبل از شیوع ویروس کرونا مدارس مفید شیوه آموزش ترکیبی را در دستور کار خود داشتند؟

دقیقاً این شیوه را داشتیم و خیلی هم آن را دوست داشتیم. در مدارس مفید که بحثی جداگانه است اما برای خودمان بخواهم بگویم، دو سال پیش از شیوع کرونا یعنی سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ پروژه پژوهشی پایلوت (آزمایشی) آموزش ترکیبی را در کلاس پنجم اجرا کردیم. طرحمان E LEARN-ING بود و از آن به عنوان داشتن کار الکترونیکی یاد می‌کردیم. بچه‌ها در طول سال با یک اپلیکیشن به نام سیسا کار می‌کردند. سیسا محیط تعاملی بین دانش‌آموزان را ارائه می‌داد. بچه‌ها با هم و با معلمان می‌توانستند به راحتی ارتباط بگیرند. بچه‌ها در پروژه‌های خودشان مانند درس علوم، روند کارشان را گزارش می‌دادند و عکس می‌گرفتند و کلیپ تهیه می‌کردند که البته آن زمان برای بچه‌ها جدید بود. ما به آنها اطلاعات داده بودیم که بهترین کارهایشان را آنجا قرار دهند؛ یعنی کارهایی که دوست دارند بقیه ببینند. همکلاسی‌ها و معلمان هم به طبع می‌توانستند کاری را که خودشان دوست داشتند آنجا ارائه دهند و فضایی بود که باز خورد داشت. ما نخستین سال را با سیسا پیش رفتیم. و این مهم را دوست داشتیم و معتقد بودیم در دنیایی قرار داریم که باید وارد عرصه مجازی، الکترونیک و دیجیتالی شویم و دانش آموز باید خودیادگیرنده باشد و بتواند کارهای خود را آنجا جمع و آرشو کند و ارائه دهد و نظر دیگران را ببیند و بشنود. این به خودی خود نوعی ارزیابی فعالیت محسوب می‌شد. خود این امر هم یک دنیا یادگیری در خود داشت. بنابراین هدف ما پیش‌تر این بود که از فضای آموزش ترکیبی، یعنی رفتن در فضای مدیا بهره‌مند شویم.

■ آیا مزایای آموزش ترکیبی برای همه دینفعان آموزش از جمله معلمان، دانش آموزان و والدین وجود دارد؟

اجازه دهید از والدین شروع کنیم. برای والدین آموزش ترکیبی خیلی نوباست و به گمانم هنوز لذتش را نچشیده‌اند. آنچه می‌بینند سلسله‌ای واهمه و ترس است؛ نادانسته‌ها و ناشناخته‌هایی را که اضطراب‌آور و وقت‌گیر و سرشار از ابهام است، تجربه می‌کنند. این دنیا هنوز برای والدین دوست‌داشتنی نشده؛ چرا که تا دو سال پیش اینکه کودک ۵ تا ۱۲ ساله، ابزاری که در اختیارش باشد و ابزار شخصی باشد، تعریف نشده بود. ابزار شخصی معنایی نداشت. داشتن گوشی خط قرمز بزرگی بود. اما اکنون فضا کاملاً تغییر کرده است. والدین نگرانی جدی داشتند. حتی اینکه گوشی بچه را واری کنند تا ببینند آن بچه چه کار کرده است. برخی از والدین هنوز هم می‌گویند باید با وجود اینکه نگاه بچه متفاوت شده به او آگاهی بدهم. در عین حال کودک باید شرایط اختصاصی خودش را داشته باشد و در اتاق خودش درس بخواند و به این شرایط هنوز عادت نکرده‌اند و به نظر من هنوز طعم شیرین آموزش ترکیبی را نچشیده‌اند اما امروز که رشد بچه‌هایشان را می‌بینند، و به عینه می‌بینند که بچه‌ها با چه سرعتی پیش رفته‌اند و از خود والدین هم پیشی گرفته‌اند، برایشان شیرین شده اما هنوز با یک دنیا نگرانی همراه است! هنوز آن استقلال لازم را برای بچه‌ها قائل نیستند و زیرساخت اینترنت هم چنانچه باید و شاید و نیازمند بچه‌هاست، برای ما وجود ندارد. اینترنت امن کودکان در کشور ما فراهم نیست. زیرساخت‌های کشور ما طرحتی برای ایمنی کودکان ما و حتی برای بزرگسالان ما هم ندارد و به صرف یک فیلتر، جاهایی به محتوا به اصطلاح گیر می‌دهند. خانواده‌ها درگیر اینترنت و در عین حال مشکلات قطعی اینترنت‌اند و این وضع برایشان خسته کننده هم شده است. این حالا مدرسه ماست که چنین است و در کل جامعه، دسترسی آنها زیر خط فقر است و گاهی هیچ گونه دسترسی به اینترنت نداشته‌اند. درباره معلم‌ها پله‌ها و رشد زیادی را شاهد بودیم. معلم‌ها انگار با منجیق به آینده پرتاب شده‌اند و به سمت جلو پیش رفته‌اند و یک گام بزرگ در این زمینه برداشته‌اند. بسیاری معلمان از محتوای آماده استفاده می‌کردند یا سیستم برایشان غریب بود. کارهای رایانه‌ای را دوست نداشتند اما اکنون به اجبار در این موضوع حرفه‌ای شده‌اند. معلم امروز باید یاد بگیرد که فایل و فیلم تهیه کند. حجمش را کم کند و بداند که حالا چگونه صداگذاری و ارسال و لوگو طراحی کند. این‌ها

اصلاً قبلاً قرار نبود تخصص معلمان باشد. باید ببیندند که محتوا را چگونه در فضای مجازی ارائه دهند و با بچه‌ها از پشت سیستم ارتباط بگیرند. در واقع هر روز نسبت به دیروز معلمان توانمندتر شده‌اند. مسئولیت معلمان در این بین اصطلاحاً سلف سرویس است؛ یعنی اصلاً چنین نیست که مسئول IT مثل قبل نیاز باشد کاری انجام دهد. همه، کارهای خودشان را انجام می‌دهند و می‌دانند محتوا را چگونه پخش کنند و حرفه معلمی کاملاً متفاوت شده است. یک جاهای دیگر که مزیت‌هایی برای مربیان ایجاد کرد، فرصت‌هایی است که غیر از کار در مدرسه برایشان فراهم شد و فرصت‌های رشد بیشتری را برای خود آماده دیده‌اند. نه الزاماً فرصت‌های شغلی بلکه فرصت‌های رشد دیگری داشتند که در بسترهای غیر حضوری اتفاق افتاده است. اگر تا پیش از این دوره قرار بود آموزشی داشته باشیم باید برنامه ریزی می‌کردیم و زمان مان تنظیم می‌شد، اما اکنون دوره‌های غیر حضوری و آنلاین را، فوق‌العاده قوی، پشت سر می‌گذارند و برای توسعه فردی خودمان از آنها بهره می‌بریم. دوره‌های فوق‌العاده قوی داخلی و دوره‌های خارجی که خوابش را هم نمی‌دیدم و هر آنچه بخواهیم یاد بگیریم امکانش وجود دارد. معلمان تا پیش از این دوره نمی‌دانستند محتوا را چطور ارائه دهند یا از پشت سیستم چطور با بچه‌ها ارتباط برقرار کنند. در حال حاضر دیگر از کسی سوال نمی‌کنیم. در گوگل به سادگی جست‌وجو می‌کنیم تا راه چاره بیابیم.

ادامه در صفحه بعد

این برای مربی یک مزیت است. اما





می‌شدند که معلم محور بودند. البته معلمان مفید در این زمینه جلوتر از بقیه هستند و این راه را می‌روند که بچه‌ها بیشتر در محور باشند. اما آموزش ترکیبی یا صددرصد مجازی خیلی به سمت دانش آموز محوری رفت. حتی در مواردی معلم اختیاری ندارد و نمی‌تواند کنترلی روی موضوع داشته باشد. این مهم آموزش را خوش‌رنگ و لعاب‌تر می‌کند. برای اینکه سخنش را می‌گوید، پیشنهاد می‌دهد و راه‌های مختلف را عنوان می‌کند و سپس بچه‌ها سخنان و نظراتشان را ارائه می‌دهند. همه این‌ها در فضایی اتفاق می‌افتد که معلم تا پیش از این در دستور کار قرار می‌داد. در واقع نقش معلم در تسهیل‌گری بسیار پررنگ‌تر شده است.

■ در کنار مزایای آموزش ترکیبی ممکن است این روش چه معایبی برای موقعیت آموزشی داشته باشد؟

دنیا را خطرات دهکده جهانی تهدید می‌کند و اینکه شما تفاوت‌های فرهنگی دارید. تا دیروز می‌شد خودتان را به دهکده جهانی متصل نیندید اما اکنون دیگر نمی‌شود. باید آمادگی این کار را قبلاً پیدا می‌کردیم. این یک خطر است که آموزش را تهدید می‌کند و معایبش را هم نمی‌دانیم. باید نگاه‌مان در این فضا تغییر کند تا به خودآگاهی برسیم و آگاهی‌بخشی انجام شود و این روند را خودمان کنترل کنیم. دانش آموز و همه باید نه گفتن را بلد باشند و نرفتن به فضاهایی را بدانند و پاسخ ندادن و پاسخ منفی دادن را به درستی یاد بگیرند. اما هنوز با این موضوع فاصله داریم. بچه‌ها و دانش‌آموزان در این ورطه افتاده‌اند و ما بزرگ‌ترها از آن غافلیم. اما هر چه بیشتر آنها را آگاه کنیم و این در فرهنگ غنی و قوی‌تر شود، فرهنگمان را بالاتر می‌برد. محتواهای ما هم هنوز محتواهایی نیست که به آنها افتخار کنیم. هنوز هم در ابتدای راه هستیم و به بسیاری از معلمان نمی‌توانیم خرده بگیریم. بسیاری از معلمان و مربیان خوبمان حتی در مقاطع بالاتر همان تدریس سنتی را در فضای مجازی انجام می‌دهند؛ یعنی آموزش غیر حضوری باید به گونه‌ای دیگر و خوراک دیگری داشته باشد. و اینکه کلاس کاملاً متفاوتی تشکیل شود که این به خودی خود ارزشمند است. همچنین برای بچه‌ها، فضای مجازی جذاب و برخی اوقات پرمخاطره است؛ از طرفی فضای مجازی وقت بچه‌ها را می‌گیرد و در عین حال بزرگ‌ترها هم بعضاً نمی‌توانند جلو اتلاف وقت‌شان در فضای مجازی را بگیرند و باید زمان استفاده از فضای مجازی کنترل شده باشد. بنابراین در این عرصه با آنچه باید باشد خیلی فاصله داریم. از سوی دیگر فضای مجازی همان‌طور که گفتیم به دلیل اینکه انتها ندارد، وقت بچه‌ها را می‌گیرد. اگر ما هم حواسمان نباشد می‌بینیم سه ساعت است که در فضای اینستاگرام غرق شده‌ایم. چه رسد به کودکی که همه چیز می‌تواند برایش جذاب، خطرناک و وقت‌گیر باشد. امیدوارم برای جامعه مدارس مفید که هم خانواده‌ها و معلمان را دربرمی‌گیرد، این دغدغه‌ها مهم باشد و خطرات را از آنها دور کند.

ادامه از صفحه قبل

در کنارش بسیار خسته کننده هم هست. معلم به یک‌باره با انبوهی از خواسته‌های جدید روبرو شده که مدرسه، دانش‌آموز و والدین از او انتظار دارند. معلم خودش را ارتقاء می‌دهد و البته تعدادی هم در این بین جا می‌مانند. عده دیگری هم ممکن است جا بمانند و دنیای جدید نیاز به جست‌وجوگر و طراح برنامه جدید دارد. نمی‌توان هیچ برگشتی را به سمت سنت قبل متصور شد. بازگشت به گذشته به نظرم دیگر غیر ممکن است. البته نمی‌خواهم بگویم آموزش امروز خیلی بهتر از آموزش حضوری است، چراکه آموزش حضوری به هیچ عنوان جایش با آموزش غیرحضوری پر نمی‌شود. اما اینکه بگویم ۱۰ تا ۲۰ درصد از زمان در دبستان حضوری باشد، آموزش را تکمیل می‌کند. در واقع جای هیچ چیز به گونه‌ای دیگر گرفته نمی‌شود. اما ترکیب آن با مجازی و غیر حضوری خیلی می‌تواند در رشد پداگوژی آموزش موثر باشد. دانش‌آموزان هم می‌توانند فرصت‌های چند منظوره داشته باشند. همچنین من مربی باید بتوانم محتوا ایجاد کنم و تسهیل‌گر باشم تا برای دانش‌آموزان فرصت ایجاد شود. البته بچه‌های دبیرستانی از عهده کارهای خودشان برمی‌آیند. شاید منصفانه نباشد اما گویی خودشان نقش معلم را ایفا می‌کنند. این با آن نگاه که معلم را مرجع بینیم و فقط بگویم از او می‌توانیم یاد بگیریم کاملاً متفاوت است.

■ افزایش کنترل یادگیری توسط یادگیرنده و تقویت دانش‌آموز محوری به جای معلم محوری چقدر در آموزش ترکیبی محقق می‌شود؟

یکی از اهداف ما از ابتدا این بود که معلم محور نباشیم. تا حد قابل توجهی هم در این زمینه موفق بوده‌ایم. در گذشته اما بالاخره کار در دست معلم بود و هر چه می‌خواستیم وابستگی کم شود امکان‌پذیر نبود. معلم‌ها در فضایی تربیت



■ به نظر شما تجربه شیوه آموزش ترکیبی در دوران پسا کرونا باید تداوم داشته باشد؟
 معتقدم باید ادامه یابد اما نه آنچه اکنون اتفاق افتاده است. آنچه می تواند تداوم داشته باشد اینکه کلاس ها ۵۰ درصد حضوری و ۵۰ درصد غیر حضوری است. به نظرم آموزش حضوری هم ارزش هایی دارد. مهارت های بدین شکل برای بچه ها خیلی مهم است. ناهار خوردن و نماز خواندن با هم، و بازی کردن با هم و همه اتفاقاتی که در طول روز رخ می دهد، متأسفانه در فضای مجازی امکان انجام آنها وجود ندارد. رسیدن به این مقطع البته سخت و امروز آموزش حضوری مان کم است و از آن جهت هم دقیقاً اگر مانند قبل آموزش را دنبال کنیم، برگشت به قبل اصلاً امکان پذیر نیست. ولی باید در حد تعادل باشد. باید تکالیفی خود انگیزه و مجازی برای بچه ها تعریف کنیم. به طور مثال در مهارت زبان انگلیسی، الزام به حضور فیزیکی می تواند صد در صد نباشد. گرچه در محیط و در کنار یکدیگر بودن هم موثر است.

■ استفاده از روش ترکیبی چه تأثیری در شهریه ها دارد؟

می توانم بگویم تأثیری ندارد. اگر هزینه های آموزش را بیشتر نکرده باشد کمتر نکرده. تولید محتوا برای مربیانی که در این زمینه حرفه ای اند و این کار را پیش می برند، زمان بر است. اینکه دو سال دیگر تولید محتوا به حدی ارتقاء یابد که وقت معلمان کمتر گرفته شود شاید هزینه در برداشته باشد. البته در حال حاضر هم معلمان می گویند ۱۵ ماه پیش برای یک محتوای ۱۰ دقیقه ای پنج شش ساعت وقت می گذاشتیم اما الان به ۲ ساعت تبدیل شده است. همچنین در موقعیت فعلی می خواستیم نمونه هایی را در فضای مجازی جست و جو کنیم که باید از فیلتر شکن استفاده می کردیم. طی این مدت، مسیر صعب العبوری پیش روی معلم بود. یا اگر برخی موارد را جست و جو می کردیم اصلاً وجود نداشت. حتی عکس خوب از وضو گرفتن یک دختر نداشتیم. پس ناچار می شدیم انیمیشن درست کنیم و باید نقاشی می کشیدیم که زمان بر و وقت گیر بود. در آینده باید زمان کار معلم تقلیل یابد و در حاضر هیچ گونه تقلیلی در ساعت کاری معلم لحاظ نشده. همچنین به واسطه ارتباطات مجازی که خانواده ها هم به آن نیاز دارند، تقریباً می شود گفت معلمان اگر نگویم تمام وقت، بلکه در مجموع در ساعات آزاد خود هم درگیرند. امیدوارم این مهم در آینده ساعات کاری معلمان را در صدی کاهش دهد.

■ ارزیابی شما از آینده شغلی معلمان و نگرانی آنها از این بابت و دریافتی مناسب با صرف وقت بیشترشان چیست؟

خیلی نگرانی آینده را ندارند، بلکه نگران امروزند. معلمی جز عاشقانه کار کردن نیست و هر چه بیشتر جلو برویم سخت تر خواهد شد. معلمان به فکر راه های دیگریند و باید زمان بندی هایشان را تقسیم کنند و راه هایی برای کسب درآمد بیابند که از محیط مدرسه متفاوت است. ممکن است این راه حل ها باشد و این زنگ خطری برای مدیران مدارس است که امنیت شغلی آنهاست. در این حجم کار جدید، معلم باید تغییر دهنده باشد و فضای موجود را زنده نگه دارند و وقتی هم برای توسعه فردی خودشان در نظر بگیرند. در واقع فقط مدرسه در این عرصه نمی تواند آنها را پشتیبانی کند. اگر درآمد متناسب نباشد، خطرناک است و دچار آسیب خواهیم شد. برخی ها هم غریب می شوند که اگر نیک بنگریم، در همه جای جهان، حرفه ای ها در دنیای آینده حضور دارند؛ کسانی که بتوانند در این زمینه رشد کنند. البته آموزش و مربی گری شان هم باید قوی بماند و امکان انتخاب های دیگر هم وجود داشته باشد.

■ در موضوع آخری که مطرح کردید راهکار پیشنهادی تان چیست؟

نیت من این است که همکارانی که به خدمت هم گرفته نشدند حفظ شوند و مانند دُر و گوهر آنها را حفظ کنیم و جایگاهشان در مدرسه محفوظ بماند. البته بستر حقوقی مان زیر خط انتظار است و باید راهکارهای اساسی برای آن پیدا کرد که یک نگرانی برای آینده است.



نقش مؤثر آموزش ترکیبی در مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

گفت‌وگو با غلامرضا خان بابایی، مدیر دبستان و دبیرستان دوره دوم مفید قم

مزایای برای فعالیت‌های آموزشی دارد؟

مزایای زیادی را می‌توان برای آموزش ترکیبی بر شمرده؛ از اثرگذارترین مزیت‌های آموزش ترکیبی می‌توان شخصی‌سازی آموزش و پوشش هوش‌های متنوع دانش‌آموزان در یادگیری را عنوان کرد. همیشه یکی از آرزوی‌های مادر سیستم آموزش شخصی‌سازی آموزش بوده است که در کلاس‌های حضوری به دلیل حضور همزمان دانش‌آموزان در کلاس درس و محدودیت‌های زمانی و ابزارها امکان تحقق این مهم کمتر بوده است. هرچند که اتفاقات خوبی در کلاس‌های حضوری مدارس مفید در این مورد رخ داده است، گرچه آن‌طور که باید باشد نبوده است. اما بستر آموزش آفلاین این امکان را برای مدارس و مربی‌ها فراهم کرد که محتوای آموزشی متنوعی، متناسب با علاقه‌مندی، هوش و سطح شاگردان را در فضای مجازی سمیم (سامانه مدیریت یادگیری مدارس مفید) بارگذاری کرده و این امکان را برای ایشان فراهم کنند. به‌طور یقین محتوای آموزشی شخصی‌سازی شده می‌تواند انگیزه و شوق و اشتیاق بچه‌ها را برای یادگیری چندین برابر کند و ایشان را در مسیر رشد کمک کند. همه می‌دانیم که یکی از اصلی‌ترین موانع یادگیری نداشتن اختیار دانش‌آموزان در انتخاب محتوای یادگیری است که آموزش آفلاین با قدرت می‌تواند این مانع مهم را از سر راه بردارد. از دیگر مزایای آموزش آفلاین، انتخاب زمان یادگیری توسط

غلامرضا خان بابایی، مدیر دبستان و دبیرستان دوره دوم مفید قم است. او تجربه‌های متعددی در خصوص آموزش ترکیبی دارد؛ آموزشی که پس از همه‌گیری کرونا در جهان و ایران متولد شد. خان بابایی معتقد است آموزش ترکیبی در مسئولیت‌پذیری فرزندان و فرایند یادگیری نقش مؤثری دارد و اگر این مسئولیت‌پذیری، توسط دانش‌آموزان محقق شود برای خانواده‌ها بسیار لذتبخش خواهد بود. با او گفت‌وگویی انجام داده ایم که در ادامه می‌آید.

■ شکل برگزاری کلاس درس و فعالیت‌های آموزشی تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا تغییر کرده و با استفاده از فضای مجازی، شیوه آموزش ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این شیوه آموزش چه

برداشته و بر دوش یادگیرندگان می‌گذارد. این مهم برای خانواده‌ها در تحقق نقش والد بودن در مقابل نقش معلم بودن کمک ارزشمندی محسوب می‌شود.

■ **افزایش کنترل یادگیری توسط یادگیرنده و تقویت دانش آموز محوری به جای معلم محوری چقدر با استفاده از روش آموزش ترکیبی محقق می‌شود؟**

همان‌طور که همه‌مان تجربه کرده‌ایم، در آموزش سنتی، کنترل یادگیری به‌طور کامل در اختیار معلم بود و دانش‌آموزان نقشی در فرایند یادگیری، غیر از یادگیرنده نداشتند. در آموزش ترکیبی تلاش می‌شود با کمک ابزارهای دیجیتال و نرم‌افزارهای تولید محتوا و مدیریت فرایند یادگیری نقش یادگیرنده در این فرایند بالا برود و رضایتمندی یادگیرنده افزایش یابد. در واقع هرچه یادگیرندگان در فرایند یادگیری نقش بیشتری داشته باشند، رضایتمندی و انگیزه بالاتری خواهند داشت. همان‌طور که اشاره کردم، در آموزش ترکیبی از آن جایی که یادگیرنده در انتخاب زمان، مکان و سبک یادگیری دارای اختیار انتخاب است، بستر مناسبی برای تغییر از معلم محوری به دانش آموز محوی خواهد بود. دانش‌آموزان در آموزش ترکیبی به واسطه قدرت اختیار، نقش اثرگذاری برای خودشان حس می‌کنند، در حالی که در آموزش سنتی مجبور به یادگیری یک محتوا و شیوه ثابت بودند.

■ **در کنار مزایای آموزش ترکیبی، این روش ممکن است چه معایبی برای فعالیت آموزشی داشته باشد؟ مهم‌ترین نگرانی‌ای که از آموزش ترکیبی برای مربیان وجود دارد،**

ادامه در صفحه بعد



ما در دبیرستان تلاش می‌کردیم از شیوه‌های نوین یادگیری در کلاس‌ها بهره ببریم. از جمله شیوه‌هایی که برخی از دبیران استفاده می‌کردند، روش یادگیری معکوس بوده است. همان‌طور که می‌دانید، در این شیوه دبیر ویدئو یا منابع یادگیری را پیش از کلاس در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و دانش‌آموزان پیش از زمان کلاس این محتواها را می‌بینند و هنگام کلاس، دانش‌آموزان همراه دبیر به حل مسائل درس مربوطه می‌پردازند

دانش‌آموزان است. آنها می‌توانند زمان یادگیری را متناسب با حال و هوای خودشان انتخاب کنند، موضوعی که در کلاس‌های حضوری به سختی امکان‌پذیر می‌شد.

■ **مدارس مفید قبل از شیوع ویروس کرونا هم شیوه آموزش ترکیبی را در دستور کار خود داشته‌اند؟**

بله، ما در دبیرستان تلاش می‌کردیم از شیوه‌های نوین یادگیری در کلاس‌ها بهره ببریم. از جمله شیوه‌هایی که برخی از دبیران استفاده می‌کردند، روش یادگیری معکوس بوده است. همان‌طور که می‌دانید، در این شیوه دبیر ویدئو یا منابع یادگیری را پیش از کلاس در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و دانش‌آموزان پیش از زمان کلاس این محتواها را می‌بینند و هنگام کلاس، دانش‌آموزان همراه دبیر به حل مسائل درس مربوطه می‌پردازند؛ به عبارت دیگر موقعیت درس دادن و تکلیف انجام دادن جابه‌جا می‌شود. درس را دانش‌آموزان در منزل از طریق محتواهای آفلاین فرا می‌گیرند و تکالیف را در مدرسه انجام می‌دهند. این شیوه از شیوه‌های نو و بسیار اثرگذار بوده که نتایج چشمگیری در پی داشته است. مزیت مهم دیگری که می‌توان عنوان کرد، اهمیت به تفاوت یادگیرندگان در سرعت یادگیری است؛ در واقع پر واضح است که بچه‌ها سرعت یادگیری‌شان متفاوت است. در کلاس‌های حضوری یکی از عوامل مخرب یادگیری ایجاد استرس و اضطراب ناشی از سرعت پایین برخی بچه‌ها در یادگیری است. اما در آموزش آفلاین، دانش‌آموزان این امکان را دارند که یک محتوا را چندین مرتبه مشاهده تا به‌طور کامل درک کنند. این امکان اضطراب بچه‌ها را کاهش داده و می‌تواند نقش مهمی در توان و شوق یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد.

■ **مزایای آموزش ترکیبی برای تمامی ذینفعان آموزش از جمله معلمان، دانش‌آموزان یا حتی والدین نیز وجود دارد؟**

به‌طور یقین این مزایا برای همه ذینفعان قابل درک است. جالب است بدانید در ابتدای ورود شیوه یادگیری معکوس، دبیران نگران این بودند که دچار کمبود وقت شوند. همیشه وقتی شیوه‌های نوین را به دبیران توصیه می‌کنیم این پاسخ را می‌گیریم که ما زمان کافی برای استفاده از این شیوه‌ها نداریم. ایشان تصور می‌کنند روش آموزش مستقیم بالاترین سرعت را دارد و اگر بخواهند از شیوه‌های دیگر استفاده کنند، دچار کمبود وقت می‌شوند؛ در حالی که تجربه نشان می‌دهد در دروسی که دبیران از روش‌های یادگیری فعال، مانند روش یادگیری معکوس استفاده می‌کنند برخلاف باور دبیران فرصت اضافی هم به وجود می‌آید. تجربه شده است که خود دبیرانی که به دلیل نگرانی از کمبود وقت در مقابل استفاده از روش‌های یادگیری فعال مقاومت داشتند پس از استفاده از این شیوه‌ها از مدافعان سرسخت و جدی این روش‌ها شده‌اند. ارتباط روش‌های یادگیری فعال و آموزش ترکیبی در این است که در آموزش ترکیبی شما به راحتی می‌توانید با استعانت از محتواهای آفلاین نقش و مسئولیت یادگیرنده را در فرایند یادگیری بالا برده و از فرصت‌های بیرون کلاس برای سرعت بخشیدن به فرایند یادگیری بهره ببرید. لذا پیش‌بینی می‌شود اگر مربیان و دبیران با آثار و نتایج آموزش ترکیبی آشنا شوند می‌توانند اثربخشی و کارایی کلاس‌های خود را افزایش داده و در به کارگیری، توسعه و گسترش این شیوه‌ها تلاش خواهند کرد. همچنین وقتی دانش‌آموزان خودشان را در انتخاب زمان و مکان و نوع محتوای یادگیری دارای اختیار ببینند، در مسیر رشد و یادگیری بسیار مشتاق و با انگیزه پیش خواهند رفت و هیچ‌گاه دچار خستگی و بی‌انگیزگی نخواهند شد. البته والدین نیز از برکات این رویه بی‌نصیب نخواهند بود. همه والدین مهم‌ترین دغدغه‌شان در دوران تحصیل فرزندانشان، حال خوب ایشان و اشتیاق و انگیزه‌شان برای یادگیری است. در نتیجه هر فرایند یا روشی که به حال خوب فرزندان کمک کند برای خانواده‌ها هم ارزشمند خواهند بود. ضمن اینکه آموزش ترکیبی در مسئولیت‌پذیری فرزندان در فرایند یادگیری نقش مؤثری دارد و این مسئولیت‌پذیری، توسط دانش‌آموزان اگر محقق شود برای خانواده‌ها بسیار لذتبخش و خوشحال‌کننده خواهد بود؛ به عبارت دیگر آموزش ترکیبی مسئولیت یادگیری را از دوش خانواده

یادگیری در آینده نزدیک نیاز مبرم به مهارت یادگیری در فضاهای مجازی خواهند داشت. نسلی را که نمی‌توانند گوشی‌های هوشمندشان را حتی برای چندین دقیقه از خودشان دور کنند نمی‌شود بدون توجه به این ابزار در نظر گرفت.

گوشی‌های هوشمند، بخش غیرقابل تفکیکی از زندگی دانش‌آموزان به حساب می‌آید؛ اگر نظام آموزشی و مدارس بخواهند این ابزار قدرتمند را نادیده بگیرند، به‌طور یقین با شکست مواجه خواهند شد و چه خوب که ما بتوانیم از این ابزار قدرتمند برای رسیدن به اهداف یادگیری بهره‌بریم. مطمئن باشید ما نمی‌توانیم برنامه درسی آینده را بدون در نظر گرفتن فضای مجازی طراحی کنیم؛ پس لازم است دانش‌آموزان برای استفاده مناسب از این امکان آموزش ببینند و این مهارت از جمله مهارت‌های ضروری در مدرسه زندگی به شمار می‌رود. در واقع از این پس مهارت یادگیری در فضای مجازی باید از جمله مهارت‌های مدارس زندگی باشد. به نظر می‌رسد مدارس این سؤال اساسی را باید از خودشان بپرسند که: «آیا دانش‌آموزانی که این سبک از یادگیری (یادگیری در منزل) را تجربه کرده‌اند، حاضرند دوباره به یادگیری سنتی تن دهند؟» دانش‌آموزی که استفاده از توانمندی‌های معلمان گوناگون را از سراسر دنیا در منزل تجربه کرده است، آیا حاضر است دوباره به کلاس درس برگردد و از روی اجبار، شیوه یادگیری سنتی و سخنران محور معلم خودش را بپذیرد؟ به نظر می‌رسد در حال حاضر شاهد خروج دانش‌آموزان از مدارس و رفتن به سمت مدارس مجازی بین‌المللی هستیم؛ که به‌طور یقین این رویداد در آینده نزدیک، سرعت بیشتری خواهد گرفت. به نظر می‌رسد تحول دیجیتال و استفاده از شیوه‌های یادگیری مبتنی بر ابزارهای دیجیتال و فضای مجازی اگر تا چندی پیش به‌عنوان فرصت برای مراکز آموزشی محسوب می‌شد، در حال حاضر نه تنها الزام بلکه عامل بقا مدارس است و دور از ذهن نیست اگر بگوییم در آینده‌ای نزدیک مدارس به شکل امروز ممکن است وجود نداشته باشند.

■ استفاده از روش ترکیبی چه تأثیری بر هزینه‌های آموزش و شهریه دارد؟

شواهد در حال حاضر این‌طور نشان می‌دهد که در ابتدای امر ممکن است روش ترکیبی تا حدودی نه چندان زیاد موجب افزایش هزینه‌ها شود، اما مطمئن هستیم با گذشت یک تا دو سال از شروع این روش، نه تنها هزینه‌ها زیاد نخواهد شد، بلکه کاهش می‌یابد.

■ ارزیابی شما از دغدغه و نگرانی معلمان از آینده شغلی و حقوق دریافتی متناسب با وقت بیشتر صرف شده چیست؟

به نظر می‌رسد معلمان باید نگاهشان را به مقوله آموزش و یادگیری تغییر دهند. اگر بخواهیم تولید محتوا برای یادگیری آنلاین را به‌عنوان یک کار اضافه و حاشیه‌ای ببینیم و احساس کنیم که وقت زیادی را برای یک کار حاشیه‌ای صرف می‌کنیم دچار خطا شده‌ایم. همان‌طور که اشاره کردم، حرکت به سمت شیوه ترکیبی در حال حاضر فرصت و یک مزیت محسوب نمی‌شود، حتی از الزام هم گذشته و به عامل بقا تبدیل شده است.

به عبارت دیگر، معلمان باید این‌طور نگاه کنند که اگر به سراغ شیوه‌های نوین آموزش در فضای مجازی و تولید محتواهای آنلاین نروند به راحتی از گردونه آموزش و شغل خود حذف خواهند شد؛ لذا با این نگاه دیگر نباید نگران صرف وقت زیاد و حقوق دریافتی متناسب باشند. باید آگاه باشند که این وقت‌گذاری بخشی از مسیر رشد و توسعه مهارت‌های فردی برای باقی ماندن در عرصه شغلی‌شان محسوب می‌شود. هر چند که بدیهی است در ابتدای کار سختی‌هایی نیز وجود خواهد داشت و لازم است وقت بیشتری برای یادگیری مهارت‌های لازم برای آموزش ترکیبی و تولید محتوا صرف شود. اما این وقت‌گذاری همراه با آورده‌های ارزشمندی برای معلمان خواهد بود. به‌طور مثال، معلمی که چندین ساعت برای تولید یک محتوای یادگیری آنلاین صرف می‌کند، می‌تواند این محتوا را در موقعیت‌های مختلف استفاده کند و در نگاه سیستمی هم به نفع خودشان هم خواهد بود.

کم شدن تعاملات چهره در چهره و ارتباطات عاطفی بین تسهیلگر و یادگیرنده است. می‌خواهم مجدداً به تجربیات دوران تحصیلی خودمان اشاره کنم که در خیلی از موارد ما دروس سخت را به واسطه علاقه‌مندی به معلم دوست داشتیم و می‌خواندیم. نقش الگو بودن معلمان در آموزش ترکیبی ممکن است مورد مخاطره قرار بگیرد که باید تلاش کرد با رعایت هماهنگی، آموزش‌های آنلاین و حضوری این نگرانی را برطرف کرد. مادر دوران تحصیلی ۱۲ ساله مخالف آموزش کامل آنلاین هستیم و اعتقاد داریم آموزش‌های آنلاین در کنار آموزش‌های حضوری می‌تواند اثرگذار باشد و اگر قرار باشد به‌طور کامل به سمت آموزش‌های مجازی برویم، ممکن است دچار آسیب‌های غیرقابل جبران شویم. خصوصاً این نگرانی در دوران دبستان شدت بیشتری دارد. معلمان نیاز دارند برای تسهیلگری در یادگیری، ارتباط رودررو با دانش‌آموزان داشته باشند و در حین یادگیری احوال و احساسات دانش‌آموزان را مشاهده و دریافت کنند و متناسب با حالات روانی دانش‌آموزان در کلاس، فرایند تسهیلگری را پیش ببرند. لذا مجدداً تأکید می‌کنم که آموزش‌های مجازی و خصوصاً آنلاین، باید در کنار آموزش‌های حضوری باشد. در این‌صورت است که ما می‌توانیم از اثرات مثبت هر دو شیوه بهره‌بریم.

■ به نظر شما تجربه استفاده از شیوه آموزش ترکیبی باید در دوران پساکرونا هم تداوم داشته باشد؟

باور داریم این نسل از فرزندان ما نیاز جدی به آموختن مهارت یادگیری در فضای مجازی دارند. آنچه تصور می‌شد که نظام‌های آموزشی طی ۱۰ سال آینده با تحول دیجیتال مواجه شوند، با شیوع اپیدمی کرونا این زمان به کمتر از یک سال رسید. لذا دور از ذهن نیست که این نسل برای



نسلی را که نمی‌توانند گوشی‌های هوشمندشان را حتی برای چندین دقیقه از خودشان دور کنند نمی‌شود بدون توجه به این ابزار در نظر گرفت. گوشی‌های هوشمند، بخش غیرقابل تفکیکی از زندگی دانش‌آموزان به حساب می‌آید؛ اگر نظام آموزشی و مدارس بخواهند این ابزار قدرتمند را نادیده بگیرند، به‌طور یقین با شکست مواجه خواهند شد



معلمان در آموزش ترکیبی نیاز به مربی دارند

صابر کرباسچی، راهبر آموزشی دبستان مفید قلعهک

تغییر کرده و شیوه آموزش ترکیبی مورد استقبال قرار گرفته است. این شیوه آموزش ترکیبی از منظر شما چه مزایایی داشته است؟

در سال‌های اخیر فضای استفاده از تکنولوژی برای مادر مجموع پررنگ شد. در زندگی روزمره هم استفاده از رایانه و گوشی‌های هوشمند رونق گرفت. در واقع، خواه و ناخواه نسل آینده هم با این ابزار آشنا شد و از آن استفاده کرد. شاید بتوان گفت یکی از مزایای پررنگ شدن شیوه آموزش ترکیبی، بعد از شیوع کرونا در حوزه یادگیری و آموزش این بود که خیلی سریع خودمان را وارد حیطه‌ی استفاده از تکنولوژی کردیم. حتی کلاس‌های برخط (آنلاین) خودمان را سریع تر راه انداختیم و این کلاس‌ها خیلی زود برگزار شد؛ هم کلاس‌های برخط و هم تولیدات مرتبط با فعالیت‌های برون خط. و شاید بتوان گفت با سرعت فزاینده هم پیشرفت

ادامه در صفحه بعد

صابر کرباسچی، راهبر آموزشی دبستان مفید قلعهک معتقد است در آموزش ترکیبی، معلمان هم نیاز به پشتیبان و مربی دارند. کرباسچی می‌گوید: «کسی که شغلش را دوست دارد برای پیشرفت کارش خلاقیت به خرج می‌دهد و طی یک دو سال اخیر نمونه چنین معلمانی را به وفور دیده‌ام.» کرباسچی در مجموع درباره آموزش ترکیبی امیدوارکننده صحبت می‌کند و معتقد است که این شیوه آموزش، یعنی آموزش ترکیبی را در دوران پسا کرونا هم باید حفظ کنیم و گسترش دهیم؛ چراکه مزایای ویژه‌ای برای دانش‌آموزان دارد و در یک کلام، برنامه‌ریزی مطلق آموزشی توسط معلم به محوریت برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری توسط دانش‌آموز تغییر خواهد کرد.

■ ابتدا می‌خواهم به سوابق آموزشی تان چه در مدرسه مفید و چه در مدارس دیگر اشاره کنید و مجموعه‌ای از تجربیاتتان را در اختیارمان بگذارید؟
معاون آموزشی دوره اول دبستان مفید در منطقه ۳ هستم و از سال ۱۳۸۸ با این مجموعه همکاری داشته‌ام.

■ با توجه به گسترش کرونا، شکل برگزاری کلاس‌های درس و فعالیت‌های آموزشی، کاملاً

محدود می‌شد. در دبستان نیازمند ارتباط چهره به چهره با بچه‌ها هستیم که این‌ها محدود شده و پیدا کردن تعادل بسیار مهم است. گرچه در آموزش ترکیبی چون هر دو این‌ها را شامل می‌شود، تا حدی این موضوع جبران می‌شود.

■ افزایش کنترل یادگیری توسط یادگیرنده و تقویت دانش آموز محوری به جای معلم محوری سنتی، با استفاده از روش آموزش ترکیبی، چقدر محقق شده است؟

آنچه وجود دارد که می‌تواند به ما کمک کند و باید وجود داشته باشد تا به تحقق اش اطمینان بیابیم، نحوه مواجهه ما با این موضوع است؛ یعنی ما محصولات و تولیداتی ارائه می‌دهیم که بچه‌ها در وقت‌های آزادشان یا هر زمانی که دوست داشتند، به آن بپردازند. تدریس در فضای آموزش ترکیبی باید ویژگی‌های مؤثر و جذابیت‌های لازم را داشته باشد. حتی باید درگیر کنندگی خوبی برای بچه‌ها در میان باشد که به آن بپردازند و مثل انواع محصولاتی که در فضای مجازی در این زمینه وجود دارد، سر ذوق و نشاط بیابند؛ یعنی بازی‌ها و مدیاهای تولیدی ما با سایر محصولاتی که در بازار وجود دارد قابل رقابت باشد.

بنابراین ما خودمان باید سطح کارهایمان را بالا بیاوریم. نکته دوم نحوه پیگیری ماست. قبلاً با بچه‌ها در کلاس حضوری نوع دیگری از آموزش را تجربه می‌کردیم و یادگیری رخ می‌داد و همین‌جا رصد و پیگیری انجام می‌شد و سؤال می‌کردیم و با بچه‌ها گپ می‌زدیم. اما اکنون که بچه خودش فرایند یادگیری را طی می‌کند، لاجرم ما باید با روش‌هایی پیگیری داشته باشیم تا یقین حاصل کنیم که این اتفاق به درستی رخ داده است. اگر فرضمان این باشد که محتوای یادگیری را به دانش آموز می‌سپاریم و بچه خودش یاد می‌گیرد، باید با ابزارهایی آنها را رصد کنیم و اگر چنین اقدامی را انجام ندهیم، این اتفاق مبارک کامل نمی‌شود.

■ با تمام تجربه‌تان در حوزه آموزش ترکیبی، این نوع آموزش در دوران پسا کرونا هم باید تداوم داشته باشد؟

حتماً! باید از این تجربه بهره‌بریم و با توجه به معایبی که اشاره کردم، نمی‌توانیم حضور را به صفر برسانیم که این کار و شیوه مطلوب نیست. ارتباط باید حفظ شود، اما با تعادل می‌توانیم از آن بهره‌بریم. حتی می‌توان ساعت‌های حضور بچه‌ها را نسبت به دوره‌ای که ما تحصیل می‌کردیم، کاهش داد و تعدیل کرد تا بخشی از یادگیری برعهده خود بچه‌ها قرار گیرد یا در منزل به صورت برخط فرایند آموزش را دنبال کنند. فکر می‌کنم در یک سطح عادی بین یک تا دو روز از پنج روز آموزشی، می‌تواند به فضای آموزشی برخط و مجازی بازگردد.

■ به نظر شما این روش ترکیبی چه تأثیری بر هزینه‌های آموزش و شهریه دارد؟ قطعاً پشتیبانی از این فضا خودش هزینه‌هایی دارد. شاید به‌زعم ما چنین باشد که هزینه‌ها را کاهش می‌دهد اما فکر می‌کنم دست‌کم تا یک مقطع هزینه‌ها، کاهش زیادی نداشته باشد. چون طبعاً ما باید هزینه‌هایی برای ارتقاء و پشتیبانی نظام آموزشی مدارس و بالا بردن توانایی فردی معلمان و خانواده‌ها داشته باشیم. نمی‌توانیم بگوییم مریدان همه تجهیزات را باید خودشان داشته باشند. بنابراین تجهیز سیستم‌های مدرسه و حتی درست کردن اتاق‌های سمعی بصری که امکان تدوین و صداگذاری داشته باشد، باید انجام شود.

سیستم‌های مریدان به خودی خود نیاز به پشتیبانی دارد یا در واقع پشتیبانی از سیستم‌های فضای مجازی که نیاز است در محیط کار و مدرسه انجام شود، هزینه‌هایی را در بر خواهد داشت تا به نوعی به وضعیت استوار و ثابت برسیم. البته تا به آن مرحله برسیم هزینه‌هایی در بردارد و تا آن زمان شاید به این نتیجه برسیم که هزینه‌های رفت‌وآمد و خوراک بچه‌ها و سرمایش و گرمایش انرژی که ما برای متعادل نگه داشتن فضا باید صرف کنیم، به خودی خود کاهش‌هایی داشته که در گام نخست شاید چندان به چشم نیاید اما در طولانی مدت به گمانم قابل بررسی است.

کرد. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، شاید همچنان صحبتش را می‌کردیم که باید از تکنولوژی بهره‌بریم و باید کارهایی را انجام بدهیم اما شیوع کرونا ما را با تکنولوژی روز عجین کرد و این فرایندها را با سرعت بیشتری دنبال کردیم. اما خب، این فعالیت‌ها، جذابیت خاصی هم برای بچه‌ها داشت؛ یعنی طرح‌ها و موضوعات یادگیری با کیفیت جذاب‌تری تولید و ارائه می‌شد که می‌تواند جزو مزایای این الگو به شمار آید. در واقع انجام فعالیت آموزشی به شکل برخط، کار را پیش برد و الگویی بود که به شکل برون خط هم این اثربخشی را دارد. همچنین برای بچه‌ها هم فرصت بیشتری فراهم شد تا برای انجام فعالیت‌ها و یادگیری دروس از آن بهره‌برند و این بستر فراهم است. در واقع دیگر فرایند یادگیری صرفاً به زمان حضور در کلاس محدود نمی‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند هر زمان که اراده‌اش را دارند و در موقعیت‌هایی که خودشان صلاح می‌دانند، به یادگیری بپردازند و روی آموزش متمرکز باشند.

■ آیا مدارس مفید پیش از این آموزش ترکیبی را در دستور کارشان قرار داده بودند؟ این در حالی است که آموزش ترکیبی، مزایایی داشته که برای همه ذینفعان از جمله معلمان و دانش‌آموزان و حتی والدین، می‌توان جزء به جزء‌اش را بررسی کرد. این مزایا امروز برای همه صدق می‌کند یا خیر؟

این بحث وجود داشت که باید از فضای آموزشی مجازی و بیشتر برون خط هم بهره‌بریم. اما هیچ‌گاه عملیاتی نمی‌شد؛ یعنی همیشه منتظر بودیم وارد این فضا شویم. بنابراین بعد از کرونا عملاً مدرسه مفید به‌طور جدی وارد حوزه آموزش ترکیبی شد.

برخی از مزایای آن ممکن است به دانش‌آموزان و خانواده‌ها هم تسری یافته باشد. به واسطه اینکه در آموزش ترکیبی، ساعت شروع کلاس‌هایمان دیرتر شروع می‌شود و بچه‌ها استراحت معقول‌تری دارند. مثلاً ساعت شروع آموزش مطلوبش حدود ۹ و ۱۰ است اما ما مجبور بودیم به خاطر وضعیت حضوری‌مان و نوع برگزاری کلاس‌ها و شرایط مدرسه‌داری، ساعت ۷ و نیم تا هشت فرایند آموزش حضوری را شروع کنیم. بچه‌ها در این فاصله باید پا به مدرسه می‌گذاشتند که این موارد را آموزش ترکیبی تسهیل کرده است. رفت و آمدها هم کم شده و زمانی که بچه‌ها باید در ترافیک و مسیر بمانند از بین رفته است. در واقع این‌ها مزیت‌هایی است که بچه‌ها و خانواده‌ها از آنها بهره‌مند شده‌اند. البته برای خانواده‌ها حتماً در کنار مزایا، معایبی هم وجود داشته است. مثلاً در مواردی ارتباط

■ به عنوان معاون آموزشی دوره اول دبستان، ارزیابی شما از دغدغه معلمان در خصوص آینده شغلی شان و حقوق متناسب آنها با توجه به وقت بیشتری که صرف می کنند، چیست؟

یک بخش از کار معلمی - البته هر کاری - این است که آدمها چقدر شغل شان را دوست دارند و چقدر از کارشان لذت می برند و اگر در آن فضا باشد، برای یادگیری خودش هم گامهایی برمی دارد و البته هزینه هم می کنند. این قاعده برای معلمان هم مستثنی نیست. معلمان هم اگر علاقه مند به کار معلمی باشند، آموزش ترکیبی جزو دغدغه های شان می شود و کار برایشان توام با نشاط و لذت بخش خواهد بود.

■ کار با دانش آموزان در این وضعیت چه کیفیتی دارد؟ دانش آموزان در این سن و سال چنین پیش می روند که اگر با بچه ها ارتباط بگیرد و وارد گفتمان آنها شوید، باید همه جوانب را بسنجید. معلمی که این طور پیشرفت می کند، این مشکلات را حل و فصل می کند و پشت سر می گذارد. معلم حتی اگر لازم باشد، برای یادگیری خودش هم هزینه می کند. مدارس و مجتمع و نظام های آموزشی مشخص، اگر آموزش متمرکز و مطلوبی به مریبان ارائه دهند تا با هزینه های خوب و کیفیت متعادل بتوانند این هزینه ها را بپردازند، به معلمان کمک کرده اند. اما در نهایت وقتی معلمی دغدغه مند و علاقه مند باشد، وقت بیشتری برای کار خودش می گذارد و پیش از شیوع کرونا هم چنین بود. معلمان حقیقی که کارشان را دوست دارند، تلاش می کنند که خلاقیت به خرج دهند و این مهم در وضعیت فعلی هم ادامه خواهد داشت. اما شاید در حوزه پشتیبانی، ما به برنامه هایی برای مریبان هم در این بین نیاز داشته باشیم.

”

سیستم های مریبان به خودی خود نیاز به پشتیبانی دارد یا در واقع پشتیبانی از سیستم های فضای مجازی که نیاز است در محیط کار و مدرسه انجام شود، هزینه هایی را در بر خواهد داشت تا به نوعی به وضعیت استوار و ثابت برسیم. البته تا به آن مرحله برسیم هزینه هایی در بردارد و تا آن زمان شاید به این نتیجه برسیم که هزینه های رفت و آمد و خوراک بچه ها و سرمایش و گرمایش انرژی که ما برای متعادل نگه داشتن فضا باید صرف کنیم، به خودی خود کاهش هایی داشته که در گام نخست شاید چندان به چشم نیاید اما در طولانی مدت به گمانم قابل بررسی است





مهم ترین رکن آموزش ترکیبی پشتیبانی معلم است

حمید محمد پناهی ها، راهبر آموزشی دبیرستان دوره اول مفید

شده‌ای وجود نداشت و نمی‌دانستند که در مواجهه با آن چه کار کنند. اما در حوزه آموزش از شیوه‌ای به نام آموزش ترکیبی استفاده کردند. از سال ۱۳۹۸ تاکنون از این شیوه هم به صورت مجازی و این اواخر، حضوری هم بهره بردیم. مجموعه مدارس مفید هم از این نوع آموزش استفاده کرد. فعالیت‌های شما در این مدرسه تحت تاثیر این نوع آموزش ترکیبی چه مشکلاتی پیش رو داشت و همچنین چه مزایا و چه معایبی در آینده چگونه می‌شود این آموزش را پیش برد؟ و پس از پایان دوره کرونا این آموزش ترکیبی ادامه خواهد یافت؟

اوایل سال ۱۳۹۸ پیش از کرونا معاون آموزشی بودم. اما با شیوع کرونا پستم در چهار مدرسه‌ای که حضور داشتم، تغییر کرد. اکنون راهبر آموزشی مدرسه‌ام، وظیفه راهبر آموزشی ارتقاء معلمان و کلاس‌هاست. این کار با مسئول معاون آموزشی متفاوت است. معاون آموزش به عنوان برنامه‌ریز کار می‌کند. برنامه ریزی مدرسه و ساعت بندی‌ها و اجرای آموزش را انجام می‌دهد. به همین دلیل به واسطه این اتفاق به راهبر آموزشی تغییر مسئولیت دادم. زیرا حس می‌کردم برنامه‌ریزی و کیفیت و ارتقاء در درجه نخست اهمیت دارد. اما در هر حال به گمانم بار مسئولیتی زیادی نیز بر عهده مدیر مدرسه است. اما خودم هم مسئولیت فراوانی را متحمل شدم. شاید در آن سال هیچ مدرسه‌ای از نظر کیفیت به آموزش ترکیبی نگاهی نداشت. در اسفند سال ۱۳۹۸ نخستین فکر این بود که آموزش را از سر بگیریم. بچه‌ها در خانه حضور داشتند و ما از موضوع آموزش عقب می‌افتادیم. به این مهم اندیشیدیم که به هر شکل

حمید محمد پناهی ها، راهبر آموزشی دبیرستان دوره اول مفید یادگار امام است. او در بحث آموزش ترکیبی، پشتیبانی عاطفی و روانی معلم از دانش آموزان را یکی از مهم ترین ارکان آموزشی می‌داند و در عین حال معتقد است برای فعالیت‌های فوق برنامه، در فضای آموزش ترکیبی باید چاره‌اندیشی و کنکاش کرد. با او گفت و گویی در این باره انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

■ به دلیل شیوع ویروس کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ که پیش‌بینی هم نشده بود، جهان به سوی انجام دور کاری رفت. فضای کاری تغییر کرد و از این رو حوزه آموزش هم باید تغییر می‌کرد. در این تغییر ناگزیر، بیشتر مدارس و همچنین معلم‌ها و دانش آموزان دچار آسیب شدند. زیرا برای این تغییر برنامه ریزی از پیش تعیین

زندگی درسی است که در آموزش نظام جدید از متوسطه اول تا کلاس های هشتم تدریس می شود اما در کلاس نهم آمادگی دفاعی را به جای این درس داریم. این درس از سال سوم الگوی آموزشی وارد بخشنامه شد؛ یعنی جزو درس هایی مانند علوم اجتماعی، مطالعات یا حتی علوم، ریاضی و ادبیات قلمداد می شود. دروس تفکر در فضای الگوی آموزشی در درس های دینی و مطالعات، فراگیر بود و با شیوه های نوین و جدید رو به جلو می رفتیم. آن سال تقریباً وظیفه مان در زمان کرونا این بود که روی این موضوع متمرکز شویم که از راه دور چه کاری را می توانیم انجام دهیم. اتفاق بزرگ و نقطه عطف برای مجتمع ایجاد و گسترش بسترهای LMS (نظام مدیریت یادگیری) بود. بستر LMS را مجتمع خریداری کرد. با این شیوه به گمانم کار برای ما به مراتب ساده تر شد چون LMS یک بستر قدرتمند و سرشار از معلومات است که هنوز هم می توانیم، پس از یک سال و نیم از آن اطلاعات جدیدی را بیابیم. مجتمع با شرکت هایی قرارداد دارد و این بستر همیشه در حال به روز رسانی است. وجود این بستر برای ما نقطه پیشرفت به حساب می آید. زیرا زمانی که وارد آن شدیم، بلافاصله مرکز آموزش، در آن، آموزش هایی قرار داد. به گمانم از زمانی که آموزش آنلاین اتفاق افتاد، مرکز آموزش را برای معلمان آموزش «سمیم» به صورت آنلاین برگزار کرد. این آموزش ها در قالب مهارت های دیجیتال عنوان می شد. سمیم می آموزد که اگر بخواهد، معلم فضای مجازی خوبی باشد، چه مهارت های لازم دارد و باید چه دوره های آموزشی را بگذراند. این آموزش چهار دوره داشت. دوره اول آموزش سامانه بود. در یک دوره تهیه نرم افزارهای ویدئویی یاد می گیرند. دوره های اینترنتی برای مهارت وب و ایمیل هم هست. حتی در دوره ای معلمی که کار با ویندوز را هم بلد نیست، حتی می تواند مهارت های ویندوز را بیاموزد. این آموزش ها در بستر سامانه مفید وجود داشت و صرفاً در اختیار معلمان مفید قرار می گرفت. مگر اینکه خودشان تمایل می داشتند شخص

ادامه در صفحه بعد



نخستین مدرسه ای که در مجموعه این کار را انجام داد مدرسه آقای بابایی در شعبه مفید نیایش بود. پس از آن به خریدن بستر برای آموزش اقدام کردیم. زیرا سرورهایش دست ما نبود و سلسله ای مشکلات داشتیم. اما برنامه ریزی را انجام دادیم و بلافاصله از هفتم اسفندماه سال ۱۳۹۸ که تعطیلی ها آغاز شد، ما در ۱۱ اسفند کلاس های آنلاین را شروع کردیم

ممکن آموزش را ادامه دهیم. در واقعیت پیش از کرونا هم به آموزش ترکیبی می اندیشیدیم. هر سال از طرف ستاد مجتمع جلساتی برگزار می کردیم و عنوان می شد این نوع آموزش را در مدرسه داشته باشیم. به دلیل آلودگی هوا و برف و یخبندان و تعطیلی های مداومی که شاید حتی یک یا دو هفته می شد، به این فکر افتادیم. به این اندیشیدیم که اگر بچه ها غایب اند، بتوانند از کلاس ها استفاده کنند. این فکر به ذهنمان خطور کرد که زمانی اگر مدرسه یک هفته تعطیل شد، ما اتاق استودیو داشته باشیم و کلاس ها را آنلاین برگزار کنیم. معلمی که درس ریاضی را برای چهار زنگ از دست داده است، این چهار زنگ را پای دوربین و تخته تدریس کند و برای بچه ها ارسال شود. بسترهای ارسال پیام رسان هایی مانند واتس اپ و تلگرام بود. آن موقع بسترهایی وجود داشت که قابلیت آپلود و بارگزاری فایل های حجیم را نداشت. قبل از اینکه کرونا شیوع یابد در تعطیلی هایی مانند آبان آن سال که به دلیل آلودگی هوا رخ داد، برای بچه ها ویدیو ضبط می کردیم. اما خوب، این اتفاق در بستر ضعیفی انجام می گرفت. حتی به خاطر دارم که برای معلم این فضا یک فضای اختیاری بود؛ یعنی مانند اکنون فضای اصطلاح اجباری برای معلم ها نبود و دغدغه ای نداشتند. اما برای بعضی معلم ها این فضا متفاوت بود. اما از اسفند سال ۱۳۹۸ به ناچار باید به سمت این نوع آموزش حرکت می کردیم. فعالیتیمان نخست از اسکای روم شروع شد. نخستین مدرسه ای که در مجموعه این کار را انجام داد مدرسه آقای بابایی در شعبه مفید نیایش بود. پس از آن به خریدن بستر برای آموزش اقدام کردیم. زیرا سرورهایش دست ما نبود و سلسله ای مشکلات داشتیم. اما برنامه ریزی را انجام دادیم و بلافاصله از هفتم اسفندماه سال ۱۳۹۸ که تعطیلی ها آغاز شد، ما در ۱۱ اسفند کلاس های آنلاین را شروع کردیم. در دو یا سه کلاس که معلم هایشان آمادگی داشتند، کلاس آنلاین برگزار کردیم. اما بدون برنامه ریزی قبلی این کار را انجام شد. مثلاً از شب قبل هماهنگ می کردیم که علوم ریاضی و ادبیات را به صورت آنلاین برگزار کنیم. تا اواخر اسفند تقریباً ما این گونه پیش رفتیم با این تفاوت که کلاس ها روز به روز بیشتر و بیشتر می شد. مثلاً در ۲۰ اسفند، بچه ها از صبح کلاسشان شروع می شد و تا هفت یا هشت شب کلاس داشتند. در نوروز ۱۳۹۹ به این فکر افتادیم که باید یک برنامه ریزی کامل انجام دهیم. از آن موقع برنامه درسی را برای اوضاع کرونا نوشتیم. با همان اسکای روم اکانت هایمان (پیام ها) را زیادتر کردیم تا به مشکل سرور برخوردیم. همان طور کلاس ها را کوچک کردیم. مثلاً در یک پایه، کلاس ها را برایشان پایه ای برگزار و تقسیم کردیم. در آن سال ۱۳ کلاس داشتیم و الان ۱۲ کلاس. با این تفاوت که آن ۱۳ کلاس هم به طور هم زمان برگزار می شد. اگر مشکلی برای سرورهای اسکای روم پیش نمی آمد، کار بهتر پیش می رفت اما به هر حال به هر شیوه و ترند، کلاس ها را برگزار می کردیم. اگر خاطرتان باشد بسیاری مواقع سرورها دچار مشکل می شد. شاید بتوان گفت که این مشکل در کل دنیا هم پیش می آمد. اما هنوز به کیفیت کار فکر نکرده بودیم. تا خرداد ۱۳۹۹ هنوز به طور کافی فضای کیفی مان پیشرفت چشمگیری نداشت. به عنوان مسئول آموزش، کلاس ها را رصد می کردم و می دیدم که هنوز برای بهتر شدن کیفیت، خیلی جای کار داریم. هنوز معلمان به طور کامل با فضای جدید آشنا نبودند. بگذریم که بعضی معلم ها با نرم افزارهای مجازی هم آشنا نبودند و باید شخصی را مسئول این امر می کردیم که کار رایانه را برایشان آماده کند. از روز نخست، یعنی شروع آموزش، این چالش را داشتیم و با معلم هایی روبه رو بودیم که تازه از فضای پای تخته ایستادن به پشت رایانه نقل مکان کرده بودند! همچنین از فضای کار با رایانه دور بودند. زیرا هیچ وقت نیازی به آن نداشتند. تنها نیازشان وارد کردن تعدادی نمره بود که حتی برای آن هم مسئولی داشتیم و می گفتیم که اگر نمی توانید نمره را وارد کنید به او بگویید تا برایتان انجام دهد. منظور و مرادم این است که معلمان مان حتی ممکن بود این کار را هم نتوانند انجام دهند. اکنون این نوع معلم باید به پای رایانه می آمد و با اسکای روم درس می داد و می فهمید که اگر بچه ها میکروفن را باز کردند چه زمان آن را ببندند. از تابستان ۱۳۹۹ الگوی آموزشی مان را در این مسیر بنا نهادیم. همچنین در دبستان چند سال است که ستاد مجتمع، دست اندر کاران، این نوع آموزش را شروع کرده اند و در متوسطه اول هم چهارمین سال است که انجام گرفته است. اکنون هم معلم ها در تابستان گرد هم می آیند و طراحی درس نویسی برای سال تحصیلی را انجام می دهند. اما در کنار آن، فضای آموزش و یادگیری هم برایشان ایجاد کرده ایم. در حال حاضر اجماع حرفه ای و عمومی در درس علوم، ریاضی، زبان انگلیسی، ادبیات و تفکر وجود دارد. تفکر سبک

دیگری را عضو کنند اما در کل این فضا و سامانه فقط مختص معلم‌های مفید بوده است.

■ چالش‌های دیگری در این بین وجود داشته که خودتان به عینۀ آن را لمس کرده باشید؟

بله! چالش‌هایی هم در این بین وجود دارد؛ زیرا معلم‌ها انگیزه و سرعت یادگیری‌شان متفاوت است. می‌توانم این را هم اضافه کنم که اوضاع مالی جامعه اقتصادی عوض شده و می‌تواند بر کار معلم تأثیر بگذارد؛ معلمانی که تا به اینجای کار و تا امروز قرار است کارشان دستخوش تغییراتی شود. و از قضا کار معلمان هم سخت‌تر شده است. اینکه مدرسه به عنوان نهاد نظارتی چقدر می‌تواند روی معلم اثر بگذارد و به او بگوید باید این کارها را انجام بدهد، شاید الزاما همیشه نتواند این کار را به شکل مداوم انجام دهد و تا حدی با آموزش جدید کنار بیاید. با این شیوه ممکن است مدارس به سادگی معلمان را از دست بدهند. از سوی دیگر با نو شدن نوع آموزش، معلم، استرس‌هایی را متحمل می‌شود و شاید این احساس به او دست دهد که ممکن است شغلش را از دست بدهد. معلمی که شاید توانمندی‌هایش پایین است و سنی از او گذشته باشد، توانمندی‌اش به اندازه معلمی که جوان است و پشت رایانه می‌نشیند، متفاوت است و شاید او طی مدتی کوتاه و شاید هم بعدها، نتواند قابلیت‌هایش را تغییر و گسترش دهد. اما تابستان فرصت خوبی بود تا بتوانیم این نوع مهارت‌ها را به معلمان بیاموزیم. اما در مجموع، این تابستان، تابستان سختی به شمار می‌رفت. در اوضاع اقتصادی ویژه‌ای هم قرار داشتیم. به همین دلیل به گمانم خستگی حاصل از اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۸ افتاد، در تابستان ۱۳۹۹ بخشی از انگیزه برخی معلمان را گرفت. برخی از آنها حتی انگیزه‌ای برای شروع سال تحصیلی جدید نداشتند. اما همین که سال تحصیلی آغاز شد، با فضای «سمیم» مدارس مفید، آموزش جدیدی را شاهد بودیم و معلم‌ها به هر روی گام پیش نهادند و پیشرفت کردند.

■ پس امسال تقریباً چالش آموزشی کمتری را تجربه کردید؟

سال گذشته یک سال تحصیلی مجازی بدون چالش و تغییرات خاص را تجربه کردیم. تا اینکه از سال ۱۴۰۰ آغاز تغییرات جدی شد و سرعت گرفت. آن هم به این دلیل که وارد آموزش ترکیبی شدیم.

■ آموزش ترکیبی چه تغییراتی از حیث آموزشی به خود دید؟

باید بگویم که آموزش ترکیبی چه بسا از امسال خوب شروع

شد. آموزش آفلاین هم در سال گذشته داشتیم. اما امسال دانش آموز خودش درگیر یادگیری است؛ به این معنا گاهی اوقات به خودی خود پشت رایانه می‌نشیند و حتی بدون حضور معلم، آموزش خود را دنبال می‌کند. همچنین گاهی باید حضوری برای آموزش بیاید و گاهی باید آنلاین در خانه باشد. اکنون شاید حضور در مدرسه به صورت اختیاری باشد و دانش‌آموز خودش تشخیص می‌دهد که چه روزی را در مدرسه حضور داشته باشد. اما در آینده باید برای بچه‌ها تعیین شود که چه روز خاصی برای آموزش حضوری در مدرسه حضور داشته باشند. به طور مثال بگوییم امروز روز حضور شماس است و باید سر کلاس حاضر باشید و فردا جلسات به شکل غیر حضوری برگزار می‌شود. شاید تعیین کنیم که فلان زنگ و ساعت آموزشی را امروز باید به صورت آفلاین برپا کنید. نکته اصلی‌ای که وجود دارد این است که بچه‌ها هم عوض شده‌اند. دانش‌آموزان جدید، متولدهای سال ۱۳۸۶ به بعد، که اکنون دانش‌آموزهای سال هشتم‌اند، حداقل برای اتفاقات دو سال اخیر، دیگر بچه‌هایی نیستند که رأس ساعت ۷ و نیم صبح به اصطلاح زنگشان بخورد و سر کلاس حاضر باشند و مرتب و منظم، بنشینند تا کلاس شروع شود. در وضعیت فعلی این بچه‌ها، بچه‌هایی‌اند که پدر و مادرهایشان صبح زنگ می‌زنند بچه سرفه کرده و نمی‌تواند یک هفته به مدرسه بیاید و مشکوک به کروناست. از طرف دیگر اولیا هم می‌گویند حداقل در این وضعیت هراس داریم که بچه‌ها به شکل حضوری سر کلاس حاضر شوند، حتی اگر واکسن زده باشند. اگر تمام این مسائل را هم کنار بگذاریم بچه‌ها نوع نگرشان به آموزش با این دنیای اطلاعات نه فقط در ایران بلکه در جهان هم تغییر کرده است. اگر پرسشی از آنها کنید سریع با جست‌جو پاسخی به شما می‌دهند که ظاهراً هم پاسخی معقول و منطقی به نظر بیاید. در واقعیت بچه‌های دیگر آن بچه‌هایی نیستند که بگویند فرضاً این آقای معلم یا خانم معلم می‌آید و ما را با علم آشنا می‌کند. این بچه‌ها با اتفاقاتی که پشت سر گذاشته‌اند، امروز تغییر کرده‌اند.

■ اصطلاحاً آموزش به سمت دانش‌آموز محوری رفته است. درست است؟

بله! می‌شود این را عنوان کرد. دیگر بچه‌ها نیاز ندارند که معلم بالای سرشان بیاید و مسیر یادگیری را به آنها بیاموزد یا بهتر است بگوییم این نوع نگرش به مراتب کم و کم‌رنگ‌تر شده است. دانش‌آموز دیگر این نیاز را در خود نمی‌بیند. اما چگونه می‌توانیم این حس نیاز را برایشان تقویت کنیم؟ باید به او بفهمانیم که مسیرها و ابزارهای مختلف و تازه‌تری را برای یادگیری و آموختن آماده کرده‌ایم و شما از هر زمانی که در اختیار دارید می‌توانید استفاده کنید تا از بستر مدرسه بهره ببرید و ما به عنوان معلم، پشتیبان تو خواهیم بود. این نقش با توجه به تغییرات، دیگر نقش به عنوان آموزگار نیست. اگر این روش را دانش‌آموز، اولیا و معلم متوجه شوند، می‌توانیم به عنوان آموزش ترکیبی از آن یاد کنیم و نام ببریم.

■ به طور دقیق آموزش ترکیبی را برای مخاطبان ما توضیح دهید؟

آموزش ترکیبی، ترکیبی از آنلاین و آفلاین نیست. به این معنی است که یعنی من و تو باهم، معلم و دانش‌آموز باهم مسیری را طراحی می‌کنند. معلم به عنوان پشتیبان حضور دارد و بسترهای یادگیری را برای دانش‌آموز مهیا می‌کند. حال حتی اگر حضوری باشد و در کلاس بنشیند، تفاوتی در اصل موضوع پیش نمی‌آید. مثلاً به کلاس برود و بگوید بچه‌ها این ویدئویی که برایتان آماده کرده‌ام یا این مسیری را که طراحی کرده‌ام، تا کجا پیش رفته‌اید. یا این مساله را به اتفاق یکدیگر حل کنیم. پس از آن باید تلکیف را انجام دهید و فردا (که من معلم) در مدرسه حضور دارم، هر پرسشی دارید، مطرح کنید. مسیر اصلی و صحیح پشتیبانی آموزش ترکیبی این گونه است. به نظر مهم‌ترین اصل در فضای آموزش ترکیبی پشتیبانی معلم است و اگر آن پشتیبانی تقویت شود آموزش ترکیبی هم تقویت می‌شود. آینده هم به همین سمت حرکت می‌کند. در سال‌های ۱۴۰۵ یا ۱۴۱۰ به گمانم بچه‌ها از نظر مکانیستی و آموزش در کل جهان به این سمت و سو گام برمی‌دارند؛ یعنی سه روز به مدرسه بروند و دو روزش را در خانه بمانند و درس بخوانند. شاید آن دو یا سه روز، معلم‌ها از قبل آماده‌نشسته‌اند، درس‌ها را روی تخته آماده کرده‌اند و بچه‌ها هم با حضورشان موضوع و مبحث درسی را یاد می‌گیرند. یا معلم بچه‌ها را تک به تک صدا می‌زند و می‌گوید شما تا اینجا پیش رفته‌اید و از پلتفرم‌ها مشخص است که مثلاً فلان دانش‌آموز ۲۰

درصد پیشرفت کرده، آن یکی ۷۰ درصد و ... در واقع مسیر آموزش در پنج یا ۱۰ سال آینده به اینجا خواهد رسید، اما به این شکل هم نیست که بگوییم باید همه مطالب را این گونه آموزش داد. معلم قرار می‌گذارد مثلاً شما ۳۰ نفر، پنجشنبه از یک ساعت مشخص بیايید تا پای تخته این مطلب را درس بدهم و باید کار گروهی انجام دهید.

■ نقش معلم در این بین تقلیل خواهد یافت؟

خیر. معلم در واقع مسیر یادگیری را طراحی می‌کند. طراحی درس و طراحی یادگیری را برای معلم همچنان محفوظ می‌داریم. حتی به این معناست که یک دو درجه رشد داشته و نقش‌اش مهم‌تر شده و بالا رفته است. معلم چند جلسه را طراحی می‌کند که این دانش‌آموز چگونه در بهترین حالت ممکن مطلب را یاد بگیرد. معلم در طراحی یادگیری می‌تواند مسیر درست را شکل دهد؛ مثلاً می‌گوید این دانش‌آموز بهترین مسیر برایش چیست. به عنوان نمونه سه مسیر برایش طراحی می‌شود و می‌گوید هر کدام از آنها را که دوست داشتید می‌توانید انجام دهید. این کلیتی است که از تابستان روی آن تمرکز داریم و درباره‌اش به شکل منسجم و برنامه‌ریزی شده فکر کرده و می‌کنیم. مدرسه ما بالاخره در این نوع روش نوپاست. در نخستین گام در مدرسه‌ها و در مدرسه یادگار با دوستانمان به این فکر کردیم که یک کارگاه داشته باشیم که معلمان را توجیه کند. گفتیم اگر می‌خواهیم از این موضوعات صحبت کنیم، مسیری را طراحی کنیم. بررسی کنیم که آیا اصلاً بلدیم این کار را انجام دهیم و توانایی‌اش را داریم؟ در تیر و مرداد امسال روی این موضوع به شکل سنجیده فعالیت مستمر داشتیم و در شهریور ماه کارگاه آماده شد. یک کارگاه شش ساعته آفلاین برگزار کردیم و در اختیار معلمان قرار دادیم. این کارگاه در سه بُعد قرار داشت. بُعد اول فلسفه کلاس: یعنی آموزش چه آنلاین و چه حضوری باشد، باید با کیفیت تمام و کمال برگزار شود.

کلا توضیح می‌دادیم که یک کلاس

ادامه در صفحه بعد



در آینده باید برای بچه‌ها تعیین شود که چه روز خاصی برای آموزش حضوری در مدرسه حضور داشته باشند. به طور مثال بگوییم امروز روز حضور شماست و باید سر کلاس حاضر باشید و فردا جلسات به شکل غیر حضوری برگزار می‌شود. شاید تعیین کنیم که فلان رنگ و ساعت آموزشی را امروز باید به صورت آفلاین برپا کنید



ادامه از صفحه قبل

خوب و با کیفیت چه ویژگی‌های دارد. پس از گذر از این موضوع، بُعدهای روانشناختی، تربیتی و عاطفی کلاس را به معلمان آموزش می‌دایم. به معلمان یاد دادیم که اگر می‌خواهید کلاس‌تان رونق بگیرد، باید این سه بُعد را با سلسله‌ای از پرسش‌ها برای خودتان پاسخ دهید و برای این ابعاد راه حل داشته باشید. به طور مثال می‌گفتیم در بُعد شناختی باید ببینید این طرح درسی را که انجام داده‌اید، پاسخگوی پرسش‌های بچه‌ها هست یا احتمال می‌دهید مسیری را که انتخاب کرده‌اید دانش‌آموز از آن سر در نمی‌آورد. چقدر احتمال دارد به هدف تدریس‌تان برسید. در بُعد تربیتی عنوان کردیم، کلاسی را که طراحی کرده‌اید چقدر به بچه‌ها کمک می‌کند که بتواند قابلیت‌های بالقوه دیگر بچه‌ها را پرورش دهد و بالفعل کند. آیا دانش‌آموز صرفاً در درس مورد نظر پیشرفت می‌کند یا در مسایل دیگر. اینکه آیا به توانمندی‌های دیگر دانش‌آموز هم فکر کرده‌اید یا خیر. یا در بُعد عاطفی چقدر دانش‌آموز را پشتیبانی می‌کنید. مثلاً فقط به او می‌گویید این ویدئو را ببین یا فلان تکلیف را انجام بده و دست‌آخر، من هم در خانه حضور دارم. اگر بچه‌ها به پرسشی می‌رسیدند و پاسخی برایش نیافتند، ما باید برای این مسیر طراحی جدیدی انجام می‌دادیم. پس پشتیبانی معلم از دانش‌آموز، در بعد عاطفی بسیار حایز اهمیت است. اگر حواسمان به این موضوع نباشد بچه‌ها بی‌پناه‌ترین فرد در این مورد به حساب می‌آیند و به طبع در پی آنها هم اولیا! بخش نخستین آموزش‌مان این بود که معلمان با ابعاد روبه‌رو شوند و برایشان راه حل‌هایی بیابند. پس از آن سراغ تهیه ابزار آموزشی برای معلمان رفتیم. معلمان باید کار با ابزار آموزشی را یاد می‌گرفتند. از سامانه «سمیم» هم کمک گرفتیم که آنها بتوانند با ابزار نوین آموزشی کار کنند. چند عامل از ابزارهای مهم آموزشی را که معلمان باید در آموزش آفلاین، کار کردن با آنها را می‌دانستند، مفصل درس دادیم. مانند مبحث درسی بانک اطلاعاتی که دارای ابزارهای مازول‌اند (مدیریت محتوا) که در سامانه‌اند و اتفاقاً بسیار هم به درد تهیه مسیر آموزشی می‌خورد. در مرحله بعدی هم معلمان با رشد و بازخورد روبه‌رو بودند. و به طور کامل راجع به موضوع پشتیبانی صحبت کردیم که در مجموع، بسیار مهم بود. گفتیم که در چه فضایی خوب است رشد کنید و حتی به معلمان می‌آموختیم که چگونه لوگوهای ورودی‌های دانش‌آموز را بررسی کنید و بر اساس آن، بازخورد موثر به دانش‌آموز و اولیایش بدهند. تقریباً معلمان این کارگاه را در شهریور ماه به مدت شش ساعت که دو هفته طول کشید، گذراندند. در صد قابل توجهی از معلم‌ها به خصوص آنها که امسال کلاس آفلاین داشته‌اند این کار را انجام داده‌اند و اثراش تا حد مطلوبی قابل مشاهده است. و ما به عنوان دبیران آن نظام پشتیبانی، تلاش

را انجام بدهید برای ت گوشه سمت تیک یادگیری می‌زنم. اما در کلاس آفلاین موضوع متفاوت است؛ اگر دانش‌آموز مسیر آفلاین را انجام ندهد، عملاً می‌بینید که او بخشی از درس را کاملاً از دست داده است. فرض کنید در هندسه می‌خواهیم یاد بدهیم که جمع زاویه‌های مثلث مثلاً ۱۸۰ درجه است. این مبحث را معلم در کلاس و فضای آفلاین و غیر حضوری درس داده است و بچه‌ها باید این مسیر را در خانه طی کنند. اگر بچه‌ای این مبحث از درس را نبیند، در کلاس جدید به سادگی درمی‌یابد که بچه‌های دیگر یاد گرفته‌اند اما او نه و معلم می‌خواهد مبحث جدید را از پایه‌ی داخلی مثلث را درس بدهد و آن دانش‌آموز مورد نظر، مبحث کلاس گذشته را یاد نگرفته و برای کلاس جدید آمادگی ندارد. این ساده‌ترین چالشی است که معلم با بچه‌هایی که آن مبحث را ندیده‌اند و نمره آن را نگرفته‌اند روبرو می‌شود؛ چون دانش‌آموز کلاس آفلاین را به عنوان تکلیف می‌دیده است و در اصل باعث شده مبحث را نبیند و یاد نگردد. به این خاطر معلم ناچار است، آموزشی را که به صورت غیر حضوری داشته، بخش‌هایی‌اش را به شکل حضوری هم تکرار کند. این چالشی است که با آن روبرو می‌شویم و به فرهنگ‌سازی یا ارتقاء فرهنگی دانش‌آموز بازمی‌گردد. در واقع این موضوع، مشکل اصلی دانش‌آموزان است. اما چالشی که با اولیا داریم این است که اصلاً از این فضای جدید آموزش خبر ندارند و ما به عنوان مدرسه باید از مسیر جدید آنها را آگاه کنیم. تلاش‌هایی هم در این مسیر کرده‌ایم اما خیلی موفق نبوده‌ایم. حداقل در مدرسه خودمان چنین است. صحبت‌هایی با اولیا کرده‌ایم اما گویا باید به اصطلاح با رسانه فرآیند تری به اولیا اطلاع داد! حتی به موشن گرافی و ویدئو فکر کردیم.

■ اولیا چقدر و تا چه میزان این تفاوت را در یافته‌اند؟ با فضای جدیدی که امسال آغاز به آموزش کرده‌ایم، باید بدانند که آموزش فرزندشان با آموزش‌های گذشته فرق می‌کند. یکی از فرزندان‌شان در گذشته، طی ساعات طولانی در مدرسه آموزش می‌دید، اما اکنون یکی دیگر از فرزندان‌شان به صورت

ادامه در صفحه بعد

”

بر اساس انتظارات جدیدی که وجود دارد ما باید آموزش را به صورت ترکیبی پیش ببریم. به گمانم دانش‌آموز نسل امروز و اولیاء دیروز از معلم و مدرسه انتظار مسیر یادگیری جدید را دارند. دیگر شیوه قدیم را که در گذشته معلم پای تخته‌ی کلاس درس می‌داد، از ما نمی‌پذیرند

کردیم که با معلم‌ها تماس بگیریم و می‌گفتیم تا کجا آن آموزش‌ها را دنبال کرده‌اند و ملکه ذهنشان شده و اگر پرسشی هم دارند، مطرح کنند. معلمان در این حیطه و عرصه با دانش‌آموزان کمی متفاوت‌اند. گزارشی را آماده کردیم از معلمانی که در این سه ماه مسیر آفلاین ساختند. از آنها می‌پرسیدیم که مثلاً از چه مازول‌هایی استفاده کرده‌اند و چقدر وقت صرف کرده‌اند و بیشترین درصدی که از مازول‌ها استفاده شده، چه قدر است. بیشتر ویدئو یا بیشتر تکلیف بوده است. خواستیم از معلمانی که در گروه‌های آموزشی مانند گروه ریاضی، گروه ادبیات یا گروه‌های دیگر حضور داشتند، فعالیت‌های آفلاینشان را توضیح بدهند و تحلیل کردیم که آیا فعالیت‌هایشان نسبت به آنهایی که افراد دیگر به آنها کار کردن با ابزار را آموخته‌اند، فعالیت بهتری داشته‌اند یا خیر. این تحلیل را به مدرسه ارسال کردیم. این مسیری بوده که ما در مدرسه‌هایمان برای آموزش ترکیبی طی کردیم. به گمانم نسبت به اهمیتی که برای مجتمع داشت و دارد، سعی کردیم چیزی به اصطلاح کم نگذاریم. به فرض در مدرسه خودمان، مدیر مدرسه، مرا مسئول مستقیم آموزش ترکیبی قرار داد.

■ در کنار همه این مشکلات و راه‌هایی که طی کردید، قطعاً مسیرتان چالش‌هایی داشته. چه برای دانش‌آموز، معلم و چه برای والدین هم این چالش وجود داشته است. شما سعی کردید برای معلمان با آموزش‌هایی که ارائه کردید، این چالش‌ها را به حداقل برسانید. فضایی برای ایشان مهیا کردید تا ثابت شود که مجتمع مفید یا این شعبه از مفید، در این زمینه پیشرو بوده است. اما در این مسیری که تا به امروز طی کرده‌اید، در آموزش ترکیبی چه معیایی را دیدید و در چه مواردی که برای شما چالش به شمار می‌رفته، احساس کردید موفق نبوده‌اید؟ نقائص آموزش ترکیبی تا به امروز چه بود؟ اگر اجازه دهید، دسته بندی کنیم. دانش‌آموزان به عنوان اصلی‌ترین ذینفعان در چالش‌های آموزش ترکیبی بودند. در گام نخست، بیشترین چالشی که با دانش‌آموزان داشتیم که البته در همه سطوح معلمان و والدین این چالش وجود داشت و دارد درک فرق آموزش ترکیبی با آموزشی است که در گذشته داشتیم و آن را تجربه کردیم. همه صحبت‌هایم درباره یک فرهنگ جدید در آموزش است. این فرهنگ با فرهنگ گذشته تفاوت دارد. فرهنگ هم نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. اگر فرهنگ سازی نکنیم یا صبر نداشته باشیم، برای ایجاد فرهنگ سازی همیشه احساس می‌کنیم چقدر برنامه به درد نخوری را ارائه داده‌ایم. این امر باعث می‌شود که با خود بگوییم فرهنگ جدید چقدر منفی است و چالش دارد. در حالی که لازمه طی کردن این مسیر، صبر است. باید صبور باشیم تا فرهنگ سازی کنیم. اگر بخوایم چالش با دانش‌آموزان را بازگو کنیم، دانش‌آموزان فرهنگ آموزش ترکیبی را ندارند؛ مثلاً اگر ساعتی را برای آموزش آفلاین در نظر گرفته‌ایم، به حضور پشتیبانی معلم کمک کنیم که در آن ساعت آموزش حضور داشته باشند. البته در آموزش ترکیبی، در فضای آفلاین نباید دانش‌آموز بنده‌ی زمان باشد. دانش‌آموز باید این اختیار را داشته باشد که بتواند در خانه نتیجه‌گیری و در فعالیتش پیشرفت کند. اما فضای پشتیبانی معلم به این معنی است که معلم در کنار کلاس باشد و دانش‌آموز بتواند از آن در صورت لزوم نهایت بهره را ببرد. برخی از دانش‌آموزان هنوز این فضا را درک نکرده‌اند. در کلاس قرار می‌گیرند و معلم هم حضور دارد اما از این امکان به درستی استفاده نمی‌کنند. درک این را ندارند که باید این مسیر یا برنامه را که معلم تهیه کرده و ارائه داده، ببینند و تا معلم حضور دارد اشکال‌هایشان را برطرف کنند. در کلاس‌هایی دیده‌ام که بچه‌ها شروع به گپ زدن کرده‌اند و به معلم گفته‌اند که بعداً فعالیت آموزشی را خودمان انجام می‌دهیم و می‌گویند مگر کلاس آفلاین زوری است که الان انجام دهیم! این فرهنگ پشتیبانی معلم هنوز برای بچه‌ها به طور صحیح جا نیفتاده است. معتقدم باید روی این موضوع کار کرد. به عنوان برنامه‌های بعدی، فرهنگ سازی برای بچه‌ها خودش گام بزرگ و مهمی است. در ادامه، فرهنگ‌سازی‌ای که باید انجام دهیم این است که بچه‌ها آموزش آفلاین را به عنوان تکلیف نگاه می‌کنند. از بیرون اگر یک نفر به موضوع نظر بیفکند، شاید گمان کند که صرفاً یک تکلیف و ممکن است شما بگویید تکلیف است و بچه‌ها باید به خانه بروند و آن را انجام دهند. اما فرق اصلی آن با تکلیف این است که اگر تکلیف انجام نشود، معلم نگران مسیر یادگیری می‌شود و به دانش‌آموز می‌گوید اگر تکلیف



ادامه از صفحه قبل

آفلاین و آنلاین درس می‌خواند. هرگز با فضای جدید آشنا نیستند و برایشان فضای کاملاً غریب و دور از انتظاری است. وظیفه ما به عنوان دست‌اندرکاران مدارس آگاه کردن آنها با این روش جدید است. البته ما قصد داشتیم برای مدرسه‌مان این کار را انجام دهیم و با مجتمع هم همگام شدیم اما هنوز به نتیجه قطعی و درست نرسیدیم. البته اگر اولیا آگاه شوند، با ما همراه می‌شوند. گاهی که با اولیا هم کلام می‌شویم، درمی‌یابیم که آنها با این فضای جدید آموزشی به کل غریبه‌اند! اما به هر حال با همه این مشکلات حداقل مدرسه ما چالش خاصی با اولیا نداشته است. اگر زمانی چالشی وجود داشته با گفت‌گو توانسته‌ایم آن را مرتفع کنیم. تجربه هم‌افزایی مدیر با اولیا و گفت‌گوی اولیا و معلم‌ها هم به ما در این مسیر کمک بسزایی کرده و موثر بوده است.

مدت شاید معلمی، دچار این نوع دغدغه و احساس نبود امنیت شغلی شوند. البته اکنون این مشکل را نداریم و در طولانی مدت آن را رازیابی خواهیم کرد.

■ اختلاف سلاقی، اختلاف سنی و تجربه زیسته
معلمان در این بین چقدر با یکدیگر تفاوت دارد؟

■ معلمان در بحث IT امروز چقدر مجهزند و توانایی بالفعل دارند؟
چالش بعدی توانمندی‌های معلم است. معلم‌هایی که در تدریس ساده هم با آنها دچار مشکل ایم و نیاز به کمک دارند، اما در عین حال همین معلم با قابلیت‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌های خاص، در درس تخصصی‌اش به هر حال معلم توانمندی است و بچه‌ها او را دوست دارند، اما در فناوری و توانمندی‌های IT ضعیف است و انرژی زیادی از مجموعه می‌گیرد. مدرسه باید گروهی داشته باشد تا بتواند به این معلم‌ها از هر حیث رسیدگی کند. احتمالاً آن گروه که به وضع و حال معلمان رسیدگی می‌کنند، خودشان هم معلم‌اند. ما در مدرسه گروه IT نداریم، اما معلم‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند. این خودش انرژی زیادی می‌برد که گاهی اوقات ممکن است طاقت فرسا شود. به طور مثال می‌بینیم در طول یک ماه جمعی از معلم‌ها قرار دادن ویدئو یا نمره دادن به بچه‌ها را در سامانه اشتباه انجام داده‌اند و این اشتباه را با یک ویرایش نمی‌شود اصلاح کرد. چند نفر باید به اصطلاح بکوبند و از اول بسازند تا این اشتباه درست شود. درک معلمان از آموزش ترکیبی با تمام تلاش‌هایی که کرده‌ایم متفاوت است؛ معلم‌هایی داریم مدت زمانی که می‌خواهند برای تدریس صرف کنند، درست به اندازه درکشان از مقوله تدریس در فضایی دیگر متفاوت است. معلمی ۲۰ دقیقه ویدئو می‌گیرد اما بچه‌ها باید دو ساعت آن را نگاه کنند تا آن موضوع را درک کنند. اما معلمی هم داریم که از صبح تا بعد از ظهر جمعه برنامه‌ریزی تدریس هفته آینده‌اش را انجام می‌دهد و مسیرش را به نحو احسن طراحی کرده است. درک معلمان مختلف نسبت به فرهنگ آموزش ترکیبی و نسبت به وقتی که صرف می‌کنند متفاوت است. به همین دلیل مدرسه در این مسیر تلاش می‌کند که از لحاظ کیفی به آموزش آنها بها بدهد. البته دست‌اندرکاران مدرسه هم سعی کرده‌اند پاداش دهند. من به عنوان مسئول باید به مدرسه اطلاع دهم کدام معلم کار کیفی مطلوبی انجام داده و کدام معلم انجام نداده و این مهم طبعاً بر آموزش بچه‌ها تأثیر می‌گذارد. به هر حال باید به معلم‌ها آموزش دهیم و این کیفیت را از آنها بخواهیم. اما شرایط مالی و اقتصادی متفاوتی داریم؛ مثلاً اگر معلمی می‌گوید من بیشتر از نیم ساعت نمی‌توانم برای ویدئو زمان بگذارم، باید بتوانیم به او کمک کنیم و نیرو در اختیارش قرار دهیم. این چالش‌ها به صورت کلی به ذهنم می‌آید که مدرسه ما با آموزش ترکیبی درگیر است.

■ به هر حال هر تغییر سبک زندگی چالش‌هایی به همراه دارد و فعلاً در سطح گفتمان آن را بررسی می‌کنیم. با توجه به تمام مواردی که تا اینجا گفتید، به نظر تان در دوران پسا کرونا شیوه آموزش ترکیبی می‌تواند ادامه داشته باشد. خوب است که ادامه داشته باشد یا نه؟

چالش بعدی آموزش جدید با معلمان است. معلم‌ها با یکدیگر نه تنها از لحاظ سنی و توانمندی‌های فردی‌شان متفاوت‌اند، حتی سبک زندگی‌های متفاوتی هم دارند. مثلاً معلمی داریم که نگران وضعیت کاری‌اش شده است. خودش یک هنر است که مدرسه مفید یا دیگر مدارس، بتوانند به معلمان‌شان امنیت روانی به لحاظ وضعیت کاری‌شان بدهند؛ به طور مثال به معلم می‌گوییم شما در گذشته چهار زنگ کلاس داشتید و کامل آن را حضوری برگزار می‌کردید، اما اکنون دو زنگ را سر کلاس می‌روید و آن دو زنگ باقی مانده را با وضعیت جدید پیش ببرید. در این مسیر جدید شاید فکر کنند که دو زنگش را از دست داده یا به این فکر می‌افتند که برای دو زنگ بعدی برنامه دیگری داشته باشند و شاید سال بعد بگویند فقط دو زنگ بیشتر ندارید! کاهش ساعات تدریس معلمان چالشی است که شاید برای بعضی‌ها از آنها دغدغه ایجاد کرده باشد. البته من شاهد بوده‌ام که مدیر و مسئولان مجتمع این دغدغه را از دوش معلم برداشته‌اند اما در طولانی

”

کاهش ساعات تدریس معلمان چالشی است که شاید برای بعضی‌ها از آنها دغدغه ایجاد کرده باشد. البته من شاهد بوده‌ام که مدیر و مسئولان مجتمع این دغدغه را از دوش معلم برداشته‌اند اما در طولانی مدت شاید معلمی، دچار این نوع دغدغه و احساس نبود امنیت شغلی شوند

برای آموزش با شهریه‌های نصف گذاشته‌اند؛ یعنی گفته‌اند با همان کادر و نحوه آموزش گذشته تدریس می‌کنیم و لزومی ندارد دانش آموز در مدرسه حضور داشته باشد. آنها می‌گویند ما سلسله‌ای از فعالیت‌ها را نداریم اما از پرسنلی در مدرسه با شهریه یک سوم استفاده می‌کنند!

■ تأثیری که این شیوه گذاشته در واقع هزینه‌ها را کاهش داده است؟
طبیعتاً بله.

■ این اتفاق باعث شده که بستر فضای مجازی به صورت آفلاین و آنلاین هزینه‌ها شهریه‌ها را کم کند؟

البته هزینه شهریه به معیارهای متعددی بستگی دارد و شاید وارد بحث‌هایی شویم که اطلاعات کم باشد. شهریه مدرسه طبق یک روال در جامعه مانند دستمزدها باید افزایش پیدا کند. اما اگر بخواهیم آموزش مان را بر مبنای همان آموزش حضوری ادامه دهیم، هزینه‌های به مراتب بیشتری را تا زمانی که از آموزش‌های ترکیبی استفاده کنیم، باید متحمل شویم. اما اگر از آموزش‌های ترکیبی استفاده کنیم دانش آموز و اولیا با هزینه‌های کمتری می‌توانند از آموزش‌ها بهره ببرند. طبیعتاً مدرسه هم به دلیل اینکه زمان‌هایی از آموزش را غیر حضوری کرده، هزینه کمتری هم باید بپردازد. یکی از آن دلایل، کمتر شدن هزینه آب و برق است که واضح به نظر می‌رسد. البته در کشور ما به دلیل تورم، شهریه‌ها مدام در حال افزایش است. اما صحبت شما هم درست است. اگر در حالت یکسان، آموزش به صورت حضوری و غیر حضوری باشد و به صورت ترکیبی ادامه یابد، نسبت رشد شهریه هم کمتر است. این امر در آینده اجتناب ناپذیر است. مجموعه‌هایی که متوجه این موضوع اقتصادی نباشند، بخشی از مشتریانشان را از دست می‌دهند. باید اشاره کنم که در مجتمع خودمان، بچه‌هایی کوشا و برخاسته از خانواده‌های مذهبی وجود دارند، اما شاید توانمندی این را که بتوانند در مدرسه‌ای مانند مفید ادامه تحصیل دهند ندارند.

از این پس باید آینده را این گونه ببینم

ادامه در صفحه بعد

”

معلمی ۲۰ دقیقه ویدئو می‌گیرد اما بچه‌ها باید دو ساعت آن را نگاه کنند تا آن موضوع را درک کنند. اما معلمی هم داریم که از صبح تا بعد از ظهر جمعه برنامه‌ریزی تدریس هفته آینده‌اش را انجام می‌دهد و مسیرش را به نحو احسن طراحی کرده است



پرسش خوبی است. من دوباره به برنامه فرهنگی و تغییری که اتفاق افتاده است برمی‌گردم. این تغییر را همگی پذیرفته‌ایم. دانش آموز و اولیایی که با آنها سرو کار داریم، دانش آموزان و اولیای گذشته نیستند و بر همین مبنا هم انتظارات جدیدی از ما دارند. بر اساس انتظارات جدیدی که وجود دارد ما باید آموزش را به صورت ترکیبی پیش ببریم.

به گمانم دانش آموز نسل امروز و اولیاء دیروز از معلم و مدرسه انتظار مسیر یادگیری جدید را دارند. دیگر شیوه قدیم را که در گذشته معلم پای تخته‌ی کلاس درس می‌داد، از ما نمی‌پذیرند. مسیر آموزش متفاوت شده است. دانش آموز و ولی او انتظارشان هم متفاوت است؛ به طور مثال اکنون دیگر این وضعیت قابل قبول نیست که دانش آموز اگر یک روز در کلاس نباشد فرضاً به پزشک مراجعه کرده، به او بگوییم شما در کلاس حضور نداشتید و درس را از دست داده‌اید. دست کم و طبعاً در روش جدید، دیگر این موضوع را از ما نمی‌پذیرند.

■ لذت تعطیل شدن مدارس گرفته شده. در گذشته زمانی که ما می‌خواستیم به مدرسه برویم اگر صبح بیدار می‌شدیم و می‌دیدیم برف آمده و مدرسه تعطیل است ذوق می‌کردیم اما اکنون با فضای آموزشی جدید تعطیلی دیگر معنایی ندارد.

بله، درست است. عقب افتادن از درس هم قابل قبول نیست. دست کم اکنون اگر سر کلاس نبودند، می‌توانیم بگوییم برنامه درسی ضبط شده و در دسترس است و باید آن را نگاه کنند. بالاخره مسیر یادگیری را باید طی کنند. حتی اگر می‌خواهند سه روز هم غایب باشند. اگر همان طور که شما گفتید تعطیلی‌ای مانند برف یا آلودگی هوا پیش آمد، یک پیامک در گروه می‌دهیم که امروز کلاس به صورت آنلاین برگزار می‌شود و بستر فراهم است و معلمان هم آمادگی دارند. در نسل‌های جدید، مانند گذشته، آموزش سنتی قابل قبول نیست. در حال حاضر دانش آموز اگر از خواب بیدار شود و ببیند که سرش درد می‌کند یا با دوستش می‌خواهد فیلم ببیند، این انتظار را دارد که بگوید من در ساعات غیررسمی می‌توانم درس را فرا بگیرم. حالا صحبت بدآموزی نداشته باشد تا دانش آموز به هر بهانه‌ای درس و مشق را تعطیل کند. اما به این دلیل به گمانم این نوع آموزش جدید را در قرن ۲۱ به شکل پررنگ‌تر خواهیم داشت. اگر دانش آموز فقط به دلیل اینکه آموزش در مدرسه انجام می‌گیرد، به مدرسه متصل باشد و هیچ فضای غیر رسمی برای آموزش پیش رویش نبیند، به گمانم تدریس خوب پیش نخواهد رفت. این نوع از آموزش جدید در دوران پسا کرونا هم با ما خواهد بود، اما شاید نکاتی وجود داشته باشد که از حوصله بحث خارج باشد. یکی از نکات هم بحث اقتصادی است. به گمانم فضایی که در آینده از لحاظ اقتصادی حاکم می‌شود، اقتصاد بر مدارس و اقتصاد بر مردم است. حال در کشور ما به صورت خاص تر اتفاق می‌افتد. شاید دیگر به صرفه نباشد که ما بخواهیم هزینه ساعات متعدد حضور در مدرسه را بپردازیم. بعضی از مدارس وجود دارند اما نامی از آنها نمی‌برم. آنها حالت‌های غیر حضوری صد در صد



ادامه از صفحه قبل

و برایش برنامه‌ریزی دقیق و همه‌سویه نگر داشته باشیم. در پسا کرونا با یک چالش کوچک روبه‌رو می‌شویم. معلم‌ها در دوران کرونا به فضای جدید عادت کرده‌اند اما اگر پس از کرونا زمانی که ببینند آموزش حضوری می‌شود، احتمالاً نزد خودشان، چنین بیندیشند که دیگر نیازی به سامانه آموزشی ندارند. شاید دیگر احساس نیاز نکنند که طرح درس را در سامانه تکمیل کنند و به خودشان می‌گویند تدریس درس به شکل حضوری ادامه می‌یابد. به همین دلیل نباید آموزش ترکیبی را رها کنیم.



نباید آموزش ترکیبی را رها کنیم. نباید چنین تصویری داشت که به هر روی آموزش و پرورش اجازه داد کلاس‌ها حضوری برگزار شود و در این بین سامانه‌ای هم داریم که معلم‌ها طرح درس‌شان را در آن می‌دهند. اگر این گونه با موضوع مواجه شویم، به خطا رفته‌ایم. باید آموزش ترکیبی به هر حال وجود داشته باشد

نباید چنین تصویری داشت که به هر روی آموزش و پرورش اجازه داد کلاس‌ها حضوری برگزار شود و در این بین سامانه‌ای هم داریم که معلم‌ها طرح درس‌شان را در آن می‌دهند. اگر این گونه با موضوع مواجه شویم، به خطا رفته‌ایم. باید آموزش ترکیبی به هر حال وجود داشته باشد و از سامانه جدا نشوند. مثلاً معلم بگوید سه زنگ ریاضی دارم و یک زنگ هم در سامانه است و به بچه‌ها بگوید باید بروید در سامانه آن آموزش را ببینید. معلم نباید از سامانه جدا شود. اگر دست‌اندرکاران مدرسه‌ای اشراف کامل روی این موضوع نداشته باشند و از حضوری شدن مدارس استقبال شود، گامی به عقب در زمینه آموزش برداشته‌ایم. به گمانم فراغ از شیوع کرونا، سبک زندگی و آموزش‌ها و دهکده فناوری اطلاعات و فضای آموزش‌ها بر مبنای پلتفرم‌های جدید بنا نهاده شده است؛ مانند پلتفرم گست (پلتفرم آموزش آنلاین) که در نمایشگاه اخیر مشاهده کردم. این نشان می‌دهد که لاجرم باید از آن کلاس صرفاً حضوری دوری گزینیم. اگر این کار را انجام ندهیم احساس می‌کنیم که فاصله‌ای با مجتمع‌های برتر دنیا داریم و این اتفاق خوبی نیست.

■ آیا تا امروز مجتمع مفید در راستای آموزش ترکیبی برای آموزش‌های فوق برنامه‌ای که در واقع حالا کم و بیش در دستور کار مدارس مختلف، به خصوص مجتمع مفید بوده، فکری کرده است. مثلاً در دوره قبل سازه‌های ماکارونی و کاراته در برنامه بود و یا اکنون در بعضی از شعبه‌های مفید بخش دوبله و تدوین وجود دارد. آیا در آموزش ترکیبی فکری به حال این برنامه‌ها هم شده است. می‌شود در بستر جدید آموزش برایشان اقدام کرد؟
 برای کلاس‌های فوق برنامه می‌توانستیم بستری فراهم کنیم. در تابستان سال ۱۳۹۹ اولین زمانی بود که بچه‌ها باید از سامانه استفاده می‌کردند. زیرا مجتمع سامانه را تازه خریداری کرده بود. با همه‌چیز و خم

برگزار کردیم. در زمینه فوق برنامه هیچ وقت کوتاهی نکردیم و کلاس‌ها را برگزار کردیم، حتی با هزینه کمتر و مقرون به صرفه‌تر برای اولیاء دانش‌آموزان. بعضی از فوق برنامه‌ها اگر مانند کلاس‌های دیگر تئوری بود راحت‌تر برگزار می‌شد؛ مانند کلاس‌های فوق برنامه‌ی پژوهش فیزیک و پژوهش نانو. اما مثلاً برای پژوهش نانو باید بچه‌ها یک جلسه برای آزمایش‌ها می‌آمدند و به آزمایشگاه می‌رفتند و فعالیت‌هایشان را انجام می‌دادند و بقیه تدریس به صورت مجازی شکل می‌گرفت. طبعاً در فضای آموزشی آنلاین و ترکیبی، چون معلمان مان خارج از مدرسه و کادر اصلی بودند از ما در این فضای فوق برنامه دور بودند اما مجموعاً با تمام موانع موجود، در فضای آنلاین و حضوری از فوق برنامه‌ها جا نماندیم. کلاس‌های هنری مان به شکل آنلاین و حضوری برگزار می‌شود. حتی سال گذشته هم که آموزش‌ها کلاً به صورت آنلاین بود، معلم‌ها ویدیو آماده می‌کردند. معلمان، کلاس‌های تجسمی و مجسمه‌سازی را کامل یاد دادند. حتی زمانی که به کلاس طراحی بچه‌ها می‌رفتم می‌گفتند چقدر پول این معلم حلال است، چون تدریس آنلاین کلاس طراحی، کار به مراتب سختی است. مثلاً باید بچه‌ها خطی را می‌کشیدند، معلم از پشت وبکم تک تک این خط‌ها را می‌دید که چگونه آن را رسم می‌کنند. شاید بتوانم بگویم سخت‌ترین کلاس آنلاینی که می‌رفتم و مشاهده می‌کردم کلاس طراحی بود. اما امسال توانستند آن را نیمه حضوری برگزار کنند، گرچه باز هم چالش‌هایی دارد. در پایان بگویم که در کلاس‌های فوق برنامه توانستیم مسیر را به درستی پیش ببریم. اولیاء و بچه‌ها هم از کلاس‌های فوق برنامه استقبال کردند. سمینارهای علمی را حتی بهتر از گذشته ادامه دادیم. می‌توانم بگویم فضای مجازی به ما در این مورد کمک کرد. در گذشته برای سمینارهای علمی جمعیتی را در نمازخانه می‌بردیم و باید آنها را کنترل می‌کردیم، اما اکنون برگزاری اش راحت‌تر شده است و هر یک از بچه‌ها که بخواهند می‌توانند با هر وسیله‌ای که دارند مانند گوشی همراه لمسی یا لپ‌تاپ در این کلاس شرکت کنند. نمی‌توانم این را بگویم که کلاس‌های فوق برنامه نسبت به سال‌های پیش کمتر شده است. شاید بتوان گفت به همان اندازه سال‌های گذشته است.

”

در زمینه فوق برنامه هیچ وقت کوتاهی نکردیم و کلاس‌ها را برگزار کردیم، حتی با هزینه کمتر و مقرون به صرفه‌تر برای اولیاء دانش‌آموزان. بعضی از فوق برنامه‌ها اگر مانند کلاس‌های دیگر تئوری بود راحت‌تر برگزار می‌شد؛ مانند کلاس‌های فوق برنامه‌ی پژوهش فیزیک و پژوهش نانو



و اتفاقاتی که افتاد برای این کلاس‌هایی که نام بردید هم چالش‌هایی داشتیم. اما با همه‌ی صحبت‌هایی که راجع به معلم‌ها گفتم، این را هم بگویم که معلم‌ها در بعضی از زمان‌ها خودشان را نشان داده‌اند و توانایی‌هایشان را به اثبات رسانده‌اند. همواره برای فوق برنامه کلاس هلال احمر داشتیم. آن فردی که به بچه‌ها آموزش می‌داد، خودش عضو جمعیت هلال احمر است و اصلاً معلم نیست اما برای بچه‌های ما می‌آمد و دوره کلاس را برگزار می‌کرد. با او تماس گرفتیم و گفتیم آیا می‌توانیم این کلاس را به شکل آنلاین برگزار کنیم. او گفت به صورت آزمایشی یک جلسه برگزار می‌کنم تا ببینم می‌توانم کلاس را آنلاین برگزار کنم یا نه! اما آن قدر توانمند بود که همه وسایلیش را جلو دوربین آورد و آموزش داد و آموزش‌اش نشان می‌داد که همه بچه‌ها به خوبی یاد می‌گیرند. اما بعضی از کلاس‌ها مانند ورزش را اوایل نداشتیم. اما متوجه شدیم نیاز به این نوع کلاس وجود دارد و باید آن را به نحوی برگزار کنیم، زیرا یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها بود چون بچه‌ها در خانه بی‌تحرک بودند. به این دلیل کلاس ورزش آنلاین را اجرا کردیم. تمام وسایل اعم از تشک و غیره را هم آماده کردیم و بچه‌ها هم به طبع این وسیله‌ها را در خانه مهیا می‌کردند. معلم جلو دوربین به آنها نرمش می‌داد و آنها هم انجام می‌دادند. شاید بتوان گفت که در ورزش تخصصی موفق نبودیم و نتوانستیم آن را در برنامه بچه‌ها بگنجانیم. مثلاً برای آموزش فوتبال و والیبال این اتفاق نیفتاد. اما از معلمان خواستیم که بسته مناسب آموزشی تهیه کنند؛ مثلاً اگر می‌خواهند ضربه ایستایی را آموزش دهند با یک ویدئو آن را آموزش دهند و در آن نمونه‌ها نشان دهند و بچه‌ها آن را تمرین کنند و از تمرینشان فیلم بگیرند و برای معلم ورزش بفرستند. در زمینه ورزش موفق نبودیم اما فکرهایی برایش کردیم تا بتوانیم آن را بهتر کنیم. این اقدام به توانمندی معلم‌ها نیز بازمی‌گردد. اما در مجموع همه‌ی کلاس‌های فوق برنامه را اجرا کردیم. در هفته‌ی اخیر کلاس‌های فوق برنامه سال تحصیلی جدید شروع شده است. در هیچ زمینه‌ای این گونه فکر نکرده‌ایم که بگویم چون آنلاین و غیر حضوری است آن را نمی‌توانیم برگزار کنیم. اما در حال حاضر در تابستان اخیر در حیاط مدرسه کلاس‌های ورزش را

انتقال تجربه مهم‌ترین موضوع است

محمد رضا محمد هاشمی، راهبر آموزشی دبیرستان مفید قیطریه

به طور جدی در مدارس مفید عملیاتی شده است. نکته این است که این فعالیت‌ها چه مزایایی می‌تواند در فرایند آموزش داشته باشد. اولویتی که آموزش ترکیبی، به ما ارجاع می‌دهد، تسلط و استفاده از همه توانایی‌ها و در واقع همه تجربه‌های یادگیری بچه‌هاست. بعضی از بچه‌ها ممکن است که در کلاس درس، نتوانند مطلب را به خوبی متوجه شوند. ممکن است دانش آموز من قدری کم‌رو باشد و نتواند دو سه بار از من دبیر، مطلب مورد نظر خود را بپرسد. آموزش ترکیبی این امکان را می‌دهد که دانش آموز به خانه برود و سر فرصت با آرامش خاطر، یک‌بار دیگر فعالیتی را که معلم برایش آماده کرده، از آغاز تا پایان ببیند و مرور کند. موضوع بعدی این است که در سال‌های ابتدایی آموزش ترکیبی، فشار کاری دبیران افزایش می‌یابد، ولی به مرور زمان، محتواهای تولید شده، ابزار مناسبی در اختیار دبیران خواهند بود و باعث کاهش فشار کاری دبیران می‌شود. در آموزش ترکیبی، بسته به توانایی و تسلط دانش‌آموزان به مطالب مختلف، سرعت یادگیری قابل تنظیم یا ممکن است بر حسب نیاز دانش‌آموز از محتواهای مختلف آماده شده، استفاده بهینه کرد. آموزش ترکیبی قدری فضای یادگیری را با توجه به وضعیت همه‌گیری کرونا، فناوری محور کرده که از نگاه من فرصت و اتفاق خوبی است. من این را به عینه می‌بینم، چون خودم دانش‌آموز ابتدایی دارم. پس می‌توان از مزایایی که فناوری برای آموزش ترکیبی دارد، نهایت استفاده را ببریم. برای مثال فعالیت‌هایی که شبیه بازی طراحی می‌شود بسیار برای دانش‌آموزان جذاب و باعث تسهیل یادگیری می‌شود.

محمد رضا محمد هاشمی، راهبر آموزشی دبیرستان دوره دوم مفید قیطریه است. تجربه‌های او یا بهتر بگوییم آنچه او از انتقال تجربه برای تولید محتوای آموزش ترکیبی در سال جدید یاد می‌کند، نه تنها جای امیدواری دارد، بلکه نوید بخش افقی روشن پیش روی فضای آموزشی مفید است. او می‌گوید: «فعالیت سمیم را تبدیل به فعالیت صمیمی کرده‌ایم.» با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

■ شکل برگزاری کلاس درس و فعالیت آموزشی تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا تغییر کرد و با استفاده از فضای مجازی، شیوه آموزش ترکیبی مورد استفاده قرار گرفت. استفاده از شیوه آموزش ترکیبی چه مزایایی می‌تواند بر فعالیت‌های آموزشی داشته باشد؟
ابتدا باید بپذیریم، سال نخستی است که آموزش ترکیبی



مختصر انجام دهد.

■ در کنار مزایای آموزش ترکیبی، این روش ممکن است چه معایبی برای فعالیت آموزشی داشته باشد؟ مهم‌ترین مسأله از دید من، زمان‌گیر بودن ساخت، آماده‌سازی و تولید محتوای آموزش ترکیبی (مانند فیلم، پاورپوینت، سنجش و سایر محتوای چند رسانه‌ای) است. دبیران برای آماده‌سازی محتوای باکیفیت و دقیق در یک موضوع زمان بسیار زیادی را می‌بایست صرف کنند؛ ممکن است یک تولید محتوای مثلاً ۳۵ یا ۴۵ دقیقه‌ای، قریب به هفت یا هشت ساعت از دبیر وقت بگیرد. دبیر باید این تولید محتوا را آماده و بارگذاری کند و سپس خروجی‌ها را بررسی و بازخورد مناسب را به دانش‌آموزان ارائه دهد. من این را جزو معایبی عرصه برای دبیران برمی‌شمرم. نکته بعدی این است که توانایی‌های هر کلاس و هر گروه از بچه‌ها با یکدیگر متفاوت است. برای بچه‌های با توانایی‌های متفاوت قطعاً اگر آموزش ترکیبی‌ای در نظر می‌گیریم، باید محتوایی متنوع آماده کنیم. باید برای این موضوع برنامه‌ای داشته باشیم تا هر یک از بچه‌ها در هر فضا و مرحله‌ای از آموزش که قرار دارند، محتوای آموزشی مجزا و منحصر به فردی داشته باشند. این همان شخصی‌سازی آموزش است و لزوماً باید اشاره کنم که این طرح درس‌ها شاید سال آینده به دردمان نخورد و برای یک مخاطب خاص تهیه شده باشد. ممکن است نیاز به اصلاحات فراوان و زمانبری داشته باشیم. نکته بعدی اینکه این تولید محتوا در زمان خاصی به کار می‌آید. نمی‌توانیم دقیقاً پیش‌بینی کنیم که اکنون یا هفته بعد بنا بر روال کلاس درس، من دبیر کجای کلاس قرار می‌گیرم تا برای آنها یک تولید محتوای جدید و مجزا تهیه کنم. این موضوعی است که همین امسال هم با آن روبه‌رو بودیم. واقعاً چنین پیش‌بینی‌هایی سخت است و باید بیندیشیم و همه جوانب را در نظر بگیریم تا پیش‌بینی درستی انجام دهیم. البته می‌توان از ابتدای سال،

ادامه در صفحه بعد

■ مدارس مفید پیش از شیوع ویروس کرونا آموزش ترکیبی را در دستور کار خود داشته‌اند؟ پیش از شیوع ویروس کرونا، در بعضی از دروس آموزش ترکیبی در مباحث خاصی استفاده می‌شد؛ برای مثال در دروس هندسه و ریاضی و در درس ادبیات به‌عنوان یک درس عمومی این مهم انجام می‌شد. اما کرونا کمک کرد که آموزش ترکیبی قدری عمومی‌تر شود و در اکثر دروس جایگاه خود را پیدا کند و رنگ و لعاب بهتری بیابد.

■ آیا مزایای آموزش ترکیبی برای ذینفعان آموزش، یعنی دانش‌آموزان، معلمان و حتی والدین وجود دارد؟

قطعاً برای معلمان وجود دارد. درس خودم جزو درس‌هایی است که با آموزش ترکیبی به شکل جدی پیش می‌رود و به شکل مفصل روی آن کار می‌کنیم و با توجه به تجربیاتم، سعی دارم به جایی برسم تا ارزیابی کنم که برای سال آینده چه کار می‌توانم انجام دهم تا در ادامه راه، شیوه و کیفیت کار بهتر شود. آموزش ترکیبی در تدریس به دبیر کمک کرده و نیاز حضور دبیران را در کلاس درس کمتر می‌کند و می‌تواند از فعالیت‌های تولید شده، جایگزین کار کلاس خود کند. یقیناً مزایایی هم برای دانش‌آموزان دارد. برای دانش‌آموزی ممکن است اتفاق و مشکلی پیش آمده باشد و آن ساعت نتواند در کلاس درس حضور یابد. این اتفاق در حالت عادی، برای دانش‌آموز چیزی جز محروم ماندن از آن ساعت تدریس و فضای آموزشی در بر ندارد. اما این مشکل در آموزش ترکیبی تقریباً در حال حل شدن است و این دانش‌آموز می‌تواند مطلب آن جلسه را در فعالیت ترکیبی یاد بگیرد. نکته بعدی که برای دانش‌آموزان مهم است، صرفه‌جویی در زمان است. این موضوع در آموزش ترکیبی بسیار حایز اهمیت است. دانش‌آموز مطالبی را بلد است و تندتر از آن عبور می‌کند و مطالبی از درس را هم بلد نیست و می‌تواند از ابتدا ببیند یا گوش کند و فرایند آموزش را برای خودش تکمیل کند. این فرایند در مجموع به دانش‌آموزان کمک می‌کند. درباره والدین باید بگویم که تصورم این است که آنها می‌توانند به اجرای دقیق آموزش در منزل کمک کنند.

ممکن است والدین تسلط کافی به موضوع نداشته باشند اما به اعتقاد من دست کم شاهد روند و حرکت آموزشی هستند. به گمانم این موضوع برای والدین مؤثر است. تأثیر دیگری که آموزش ترکیبی بر خانواده‌ها می‌گذارد، این است که ارتباط بین مدرسه (معلم)، دانش‌آموز و والدین خیلی بهتر شکل می‌گیرد که این مثلث اتفاق درخشان و فرخنده‌ای است. بخشی از آموزش طبعاً در مدرسه و بخش دیگر آن وارد منزل می‌شود و خود به خود آرامشی را به وجود می‌آورد. آموزش ترکیبی کمک می‌کند که فضای خانه آرام‌تر باشد و بار روانی خانواده‌ها با این مشاهده به مراتب کمتر شود. البته ممکن است برخی از والدین بگویند زنگ‌ها را کم کرده‌اید یا چرا ساعات درس کم شده است. باید بتوانیم این مهم را در خانواده‌ها تبیین کنیم که محتواهای آموزشی کم نشده، بلکه آموزش پیشرفت کرده و به شکل و با فرایند بهتر در حال ادامه پیشرفت است.

■ افزایش کنترل یادگیری توسط یادگیرنده و تقویت دانش‌آموز محوری به جای معلم محوری، چقدر با استفاده از روش آموزش ترکیبی محقق می‌شود؟

به گمان من ما در شروع این فرایند قرار داریم و هنوز هم ممکن است این پرسش برای ما معلمان شکل بگیرد که دانش‌آموزم یادگیری خود را چگونه بررسی و کنترل کند. دانش‌آموز همواره این دغدغه را دارد که اگر بخشی از کلاس یا تمام آن را از دست داد، چگونه بر آن محتوا مسلط شود. این بررسی است که ما هنوز طی برگزاری جلسات از همکارانمان می‌پرسیم و سعی داریم آن را به شکل معقول و منطقی حل کنیم. می‌خواهیم این کنترل و بررسی به شکلی مؤثرتری انجام شود. البته در کنترل یادگیری، ما ابزارهایی در «سمیم» داریم که به کمک آنها دانش‌آموز می‌تواند پیشرفت و یادگیری خود را بسنجد. امکان نوار ابزار پیشرفت، خودسنجی‌ها (پنل آزمون) و H5Pها. سپس معلم باید این فعالیت‌ها را رصد کند و در کلاس درس آن را حل کند تا یادگیری به بهترین نحو ممکن در فضای آموزش ترکیبی شکل گیرد. مثلاً برای کنترل و بررسی یادگیری، معلم می‌تواند ارزشیابی



آنها استفاده می‌شود. در واقع به نظرم هزینه می‌کنیم تا در آینده نزدیک نهایت و حداکثر سود را برای خودمان از حیث آموزشی ببریم.

بخش خاصی از مطالب درسی را برای فعالیت ترکیبی کنار گذاشت.

ادامه از صفحه قبل

■ ارزیابی شما از نگرانی معلمان بابت دریافتی و حقوق متناسب با وقت بیشتری که صرف می‌کنند، چیست؟

من هم در آموزش ترکیبی تولید محتواهایی ساختم و البته زحمات و فعالیت‌هایی که دبیران در آموزش ترکیبی داشته‌اند، ستودنی و قابل احترام است. اما نیاز است که برای زمانی که صرف انجام این کار می‌شود پرداخت مجزایی در نظر گرفته شود که تا حدی این موضوع امسال در حال اجراست و تصور می‌کنم در سال آینده، دقیق و روشن‌تر خواهد شد.

■ از نحوه تولید محتوای مدرسه مفید قیطره چه قدر راضی هستید؟

در مجموعه مفید قیطره، برخی درس‌ها، تولید محتوایی شکل دارند. من تمام قد در مقابل تلاش دبیران می‌ایستم و به تک‌تک دست‌اندرکاران مجموعه مفید قیطره احترام می‌گذارم. اما دوست دارم تولید محتوایی که دبیرانمان انجام می‌دهند، دیده شود.

در برخی درس‌ها مانند هندسه، ریاضی و فیزیک کارهای مثبتی انجام گرفته است. به نظر من ادبیات - با توجه به اینکه درس کنکوری هم نیست، و زمزمه حذفش به گوش می‌رسد - تولید محتوایی که در این درس هم دبیران آماده کرده‌اند، باعث ارتباط دو سویه مثرتر میان دانش‌آموزان و دبیران شده است.

■ انتقال تجربه برای تولید محتوا در مدرسه مفید قیطره چگونه است؟

در مفید قیطره به کمک سمیم و سایر ابزارها تجربیات مان را به خوبی به یکدیگر منتقل می‌کنیم. دبیران طی جلسه‌هایی با هم، تولید محتواهایی را که در زمینه‌های مختلف انجام داده‌اند به یکدیگر نشان می‌دهند. در هر درسی این اتفاق افتاده و دبیران مختلف به این می‌اندیشند که می‌توانند تولید محتوای مناسبی آماده کنند تا به بهترین شکل به کمک بچه‌ها بیاید. در سمیم مدرسه خودمان، بخشی ایجاد کرده‌ایم به نام تجربیات سمیمی. هر یک از دبیران محتواهای منتخب خود را در این فضا قرار می‌دهند و سایر دبیران با دیدن آنها برای درس خودشان ایده می‌گیرند و فعالیت جدیدی می‌سازند و تجربیات سمیمی را به تجربیات صمیمی تبدیل کرده‌ایم. مدرسه ما دارای گروه و پرسنل جوانی است و این جوان بودن به ما کمک کرده تا در فراگیری فناوری و تکنولوژی جدید ورود پیدا کنیم و با تکنولوژی همگام شویم. در واقع این انتقال تجربه به رشد مجموعه مفید قیطره کمک بسزایی کرده است. مجموعه این اتفاقات مبارک، باعث شده خودمان را با این وضعیت وفق دهیم. نمی‌گویم در حد عالی اما در سال نخست، کارهای قابل قبولی انجام شده است و می‌توانیم امیدوار باشیم با تجربه امسال کارهای بهتر و در خود تحسین بیشتری برای رشد شاگردان در سال آینده انجام دهیم.

■ به نظر شما تجربه استفاده از شیوه آموزش ترکیبی باید در دوران پسا کرونا هم تداوم داشته باشد؟ بسیار علاقمند آموزش ترکیبی در همه مدارس مفید و از جمله مدرسه قیطره ادامه داشته باشد تا بتوانیم پس از چند سال بانک تولید محتوای باارزش و تراز اولی داشته باشیم و برای هر دسته و گروه از بچه‌ها در راستای توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان از آنها بهره ببریم. با توجه به مزایای آموزش ترکیبی باید در این موضوع بسیار توانمند شویم.

■ آموزش ترکیبی هزینه دارد؟

قطعاً هزینه دارد. اینکه ما برنامه‌های جدیدی برای بچه‌هایمان انجام می‌دهیم، هزینه‌بر است. اگر مطلع باشید در سطح متوسطه دوم، دو گروه همزمان برای ساخت آموزش ترکیبی و تولید محتوا فعالیت می‌کنند. دروس ریاضی و فیزیک هم، تولید محتواهایی دارند و در جلسه‌هایی این محتواها را به یکدیگر نشان می‌دهند. این محتویات تأیید گروه ریاضی و فیزیک را کسب می‌کنند و هزینه‌ای هم برای این تولیدات پرداخت می‌شود. در نهایت در مدارس و در مقاطع مختلف و بزنگاه‌هایی که دبیر تشخیص می‌دهد، از

”

در مجموعه مفید قیطره، برخی درس‌ها، تولید محتوایی شکل دارند. من تمام قد در مقابل تلاش دبیران می‌ایستم و به تک‌تک دست‌اندرکاران مجموعه مفید قیطره احترام می‌گذارم. اما دوست دارم تولید محتوایی که دبیرانمان انجام می‌دهند، دیده شود.

● برگزاری هفته بزرگداشت شهدای مفید در دبیرستان مفید قیطره



هفته بزرگداشت شهدای مفید از ۱۴ الی ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ در دبیرستان مفید قیطره برگزار شد.

در این مراسم که به صورت حضوری برگزار و به صورت مجازی نیز از سامانه آموزشی مدرسه و همچنین آپارات پخش شد، هر شب میهمانان و سخنرانان در خصوص شهدای مفید و فرهنگ جهاد و شهادت در ایام دفاع مقدس مطالبی را عنوان کردند.

مسئول تربیت دینی دبیرستان دوره دوم مفید قیطره در این خصوص گفت: پس از اینکه در سال های ابتدایی تأسیس مفید قیطره دانش آموزان و معلمان در مراسم هفته شهدا که در دبیرستان مفید یادگار برگزار می شود شرکت می کردند، به طور مستقل مفید قیطره مراسم گرامیداشت را در دستور کار خود قرار داد و اجرا کرد. سید محمد کلانتریان با بیان اینکه به لطف خداوند و شهدا هر سال یک هفته مراسم گرامیداشت شهدا برگزار می شود افزود: در مراسم گرامیداشت هفته شهدا در مفید قیطره سعی بر این بوده است که مسائل معرفتی در کنار نقل یاد و خاطره مدنظر قرار گیرد، هر چند خود برگزاری هفته شهدا هفته معنویت و اخلاق است.



وی اظهار داشت: توجه و تمرکز بر این بوده است که یاد و خاطره شهدا در بستر افق معرفتی رقم بخورد و سال های گذشته عناوینی مانند معنای زندگی، من کیستم، خودشناسی و هفت شهر عشق برای این مراسم انتخاب و امسال نیز مراسم با عنوان سکوت برگزار شد.

کلانتریان تأکید کرد: مراسم هفته شهدا گرمای خاصی دارد و شاید بتوان گفت که هفته شهدا و سفرهای جهادی از پرکارترین فرایندهای تربیتی مدرسه محسوب می شوند.

به گفته وی، این مراسم باعث تلنگر و افزایش معرفت و معنویت به اندازه های مختلف برای مخاطبان می شود و معنویت بیشتر دانش آموزان و معلمان و خانواده مفید را به همراه خواهد داشت.



● هفدهمین دوره جشنواره شیخ بهایی / دبیرستان دوره دوم مفید

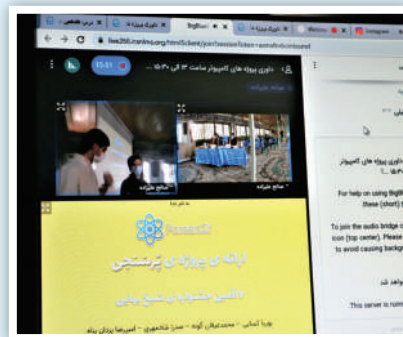
بیوتکنولوژی، شیمی و نانو، ادبی، بیوشیمی، گرافیک و انیمیشن و معماری با هم به رقابت پرداختند و در هر بخش توسط ۲ داور ارزیابی شد. در بخش نمایشگاه نیز، ۲۵ پروژه، دستاوردهای خود را به نمایش گذاشتند. علاوه بر نمایشگاه و داوری ارائه‌ها، همایش ثبت اختراع و مسابقات مختلف نیز برگزار شد. مراسم اختتامیه، پایان بخش این جشنواره بود که با قدردانی از برگزیدگان بخش‌های مختلف و اهدای جوایز به پژوهشگران برتر برگزار شد.

هفدهمین دوره جشنواره شیخ بهایی در دبیرستان دوره دوم مفید (یادگار امام) ۲۸ و ۲۹ مهرماه برگزار شد. در این دوره که با هدف ارائه ثمره یک سال تلاش پژوهشی دانش‌آموزان پایه یازدهم برپا شد، ۳۵ پروژه در بخش آرایه‌های پژوهشی در هفت حوزه کامپیوتر،

غرفه‌ها



داوری‌ها



اختتامیه



● برپایی کارگاه «تمرین فلسفی»

کرده است. این کارگاه نیز در ادامه جلسه وی در تابستان سال جاری در مدرسه مفید قلهک برگزار شد. وی مؤلف چندین کتاب پژوهشی و علمی در زمینه تمرینات فلسفی با کودکان و بزرگسالان و نیز برگزارکننده ده‌ها جلسه کارگاهی در بیش از بیست کشور در سراسر جهان است. در مدرسه مفید قلهک، پرداختن به موضوع فلسفه برای کودکان از ۸ سال قبل آغاز و در برنامه هفتگی دانش‌آموزان گنجانده شده است. فلسفه برای کودکان با بهره‌گیری از کتاب‌های «متیو لیپمن» که از پیشروان این عرصه محسوب می‌شود، سعی در مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در حوزه‌های تفکر و اندیشه‌ورزی داشته است. با حضور آقایان دکتر کریمی از اعضای هیأت علمی مرکز پژوهش علوم انسانی و دکتر ناجی، مباحث فلسفه برای کودکان در مدارس مفید سیر خوبی داشته و دبیرانی نیز با حضور در دوره‌های مرکز آموزش مجتمع آموزشی مفید و سایر مؤسسات، آموزش‌های تخصصی در این حوزه را فراگرفته‌اند.

کارگاه «تمرین فلسفی» با حضور خانم «ایزابیل میلون» پایه‌گذار و مدیر «مؤسسه تمرینات فلسفی پاریس» در مدرسه متوسطه دوره اول مفید قلهک برگزار شد. در این کارگاه که دوشنبه ۱۳ دی و با حضور ۳۰ تن از اعضای گروه تفکر مدارس متوسطه اول مفید و همچنین دبیران تفکر از مدارس دیگر برگزار شد، موضوع پیش فرض از ابزارهای اصلی تفکر و فلسفه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ایزابیل میلون از فعالان حوزه تفکر و اندیشه‌ورزی در سطح بین‌المللی است که بارها به ایران سفر کرده و دوره‌های متعددی را در نقاط مختلف کشورمان برگزار



● حضور دبستان پسرانه مفید منطقه ۳ در نشست تجربه‌گویی



نشست سوم تجربه‌گویی مراکز پیش‌دبستانی در مؤسسه مطالعاتی متن با حضور پیش‌دبستانی پسرانه مفید منطقه ۳ برگزار شد.

در این نشست که به صورت مجازی برگزار شد، موضوع تعامل خانه و مدرسه، مشارکت والدین و شکل‌گیری مفهوم خانواده مفید مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تجربه پیش‌دبستانی مفید منطقه ۳ در موضوعات دانش‌افزایی اولیاء، طرح ولی مربی، جلسات گفت‌وگوی فردی، نظرسنجی‌ها، انجمن اولیا و مربیان، شیوه‌های ارتباطی والدین و مدرسه و مدل تعامل خانه و مدرسه از بخش‌های ارائه شده توسط مدیر، معلمان و اولیاء دانش‌آموزان در این نشست بود.

● برگزاری برنامه "هر نهال یک انسان" در دبیرستان دوره اول قیطریه



به مناسبت روز درختکاری و هفته نیکوکاری و با هدف ترویج فرهنگ درختکاری و دوستی با محیط زیست در بین دانش‌آموزان برنامه‌ای با عنوان هر نهال یک انسان در دبیرستان دوره اول مفید قیطریه برگزار شد. در این برنامه که در روز ۱۴ اسفند و با همکاری گروه مطالعات اجتماعی مدرسه و معاونت اجتماعی شهرداری منطقه یک برگزار شد،

آقای محمد تاجران به عنوان جهانگرد و فعال محیط زیست حضور یافت. تاجران از تجربیات خود در حوزه محیط زیست با بچه‌ها سخن گفت و سپس جناب آقای احمدی معلم راهنمای پایه هفتم درباره هفته نیکوکاری و بازارچه خیریه سال‌های گذشته با بچه‌ها گفتگو کرد. در پایان این برنامه با کمک تعدادی از دانش‌آموزان، تعدادی نهال در بن بست مفید و فضای سبز جلوی مدرسه کاشته شد.

● قدردانی از خیران مدرسه متوسطه دوره اول یادگار امام



مدیر مدرسه صبح رویش که کودکان کار در آن مشغول به تحصیل هستند، از کمک خیران مدرسه متوسطه دوره اول مفید یادگار امام به دانش آموزان این مدرسه، تشکر و قدردانی کرد. متوسطه دوره اول مفید یادگار امام از سال ۱۳۹۹ مدرسه صبح رویش را در محله شوش تهران به عنوان مدرسه خواهرخوانده انتخاب کرد که در این مدت طبق هماهنگی با مسئول آن و برحسب نیازهای آنها کمک‌هایی انجام شده است. امسال نیز همزمان با ایام شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، توسط کمیسیون نועدوستی شورای دانش آموزی پایه هفتم، غرفه‌ای در مدرسه برپا شد و مبلغ ۶۰۰ هزار تومان کمک نقدی و مقداری البسه و کفش برای کودکان کار مشغول به تحصیل در مدرسه صبح رویش، جمع‌آوری و در اختیار آنها قرار گرفت. انجام فعالیت‌های خیریه توسط دانش آموزان مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان و برگزاری اردوهای جهادی، از گذشته در مدارس مفید مرسوم بوده و همواره دانش آموزان مدارس مفید در امور خیر پیشقدم بوده‌اند.

● کسب مدال طلای پانزدهمین دوره مسابقه PYPT2022



اعضای گروه دانش آموزان دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام (ره) موفق به کسب مقام اول و مدال طلای پانزدهمی ندره مسابقه فیزیکدانان جوان ایران PYPT 2022 شدند. کسب این موفقیت را به رامین عبدالله زاده، فرهان صادق‌وندی، علی نوربخش، امیرحسین حاجی زاده، علیرضا ولی زاده و محمدامین عزیزی، اعضای گروه دانش آموزان و همچنین آقایان سهیلی و نیکسا تبریک عرض می‌کنیم.

● آزمون ورودی دبیرستان های متوسطه دوم، اریبهشت ماه ۱۴۰۱



آزمون ورودی دبیرستان های متوسطه دوم مجتمع آموزشی مفید به صورت همزمان و حضوری با رعایت کامل شیوه نامه های بهداشتی برگزار می شود. مجتمع آموزشی مفید در مقطع متوسطه دوم شامل سه دبیرستان پسرانه در مناطق ۱ و ۲ تهران است. مفید از خانواده های گرامی تقاضا دارد پیش از ثبت نام به مکان مدارس و رشته های تحصیلی بچه ها توجه فرمایند. آزمون ورودی در رشته ریاضی و تجربی از درس های ریاضی، علوم، ادبیات و زبان انگلیسی برگزار می شود. آزمون ورودی تمام رشته ها و مدارس به صورت همزمان، صبح پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ رأس ساعت ۹ صبح برگزار خواهد شد. زمان کل آزمون ۱۵۰ دقیقه است. هماهنگی ها و اطلاعات لازم برای شرکت داوطلبان در آزمون متعاقباً از طرف مدارس، در اختیار داوطلبان قرار خواهد گرفت. نتایج اولیه آزمون، عصر شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ از طریق پورتال مجتمع آموزشی مفید به نشانی www.mofidsch.ir اعلام می شود. همچنین پذیرش دانش آموزان در پایه دهم در دو مرحله آزمون علمی و معارفه حضوری (بعد از پذیرش در آزمون علمی) انجام خواهد شد. روال و زمان مراحل بعدی گزینش از طریق مدارس به اطلاع پذیرفته شدگان مرحله اول خواهد رسید. داوطلبان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر درباره مدارس و شرایط تحصیلی شان به وبسایت مدارس مراجعه کنند.

● کسب رتبه اول جشنواره بین المللی فیلم رشد



محمدسرای داریان و محمدرضا زندمقدم، دانش آموزان پایه یازدهم ریاضی دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام موفق به کسب دیپلم افتخار و جایزه رتبه اول در بخش پویانمایی پنجاه و یکمین جشنواره بین المللی فیلم رشد شدند. دیپلم افتخار و جایزه رتبه اول این جشنواره به دلیل انتخاب تکنیک و اجرای خوب و فضا سازی در اثر ارائه شده با عنوان شابلون بوده است. همچنین این اثر، در جشنواره دانش آموزی همتا (گرایش تولید فیلم و انیمیشن و بازی سازی) مقام دوم در محور کامپیوتر و تولید محتوای دیجیتال را کسب کرده و در جشنواره فیلم کوتاه مدرسه نیز به عنوان یکی از برگزیدگان بخش انیمیشن انتخاب شده است.

● پژوهش دانش آموزان مفید در مسابقات کشوری و استانی برگزیده شد



پژوهش دو نفر از دانش آموزان دبیرستان دوره دوم یادگار امام با موضوع "بیواتانول جایگزین سوخت‌های فسیلی" موفق به کسب رتبه دوم کشوری، رتبه اول استانی و رتبه اول منطقه ۲ شهر تهران از مسابقات پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی شده است. در این پژوهش که توسط پارسا کاربند و آرمین رادفر، دانش‌آموزان پایه یازدهم تجربی و با کمک و حمایت استادانشان آقایان شمسی و شوکتی انجام شده، تولید بیواتانول به دو روش سلولز (پسماند میوه) و ساکارز، مخمر (شکر) مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. همچنین مقاله پارسا کاربند با عنوان "بیواتانول و تأثیر آن بر جهان" در پنجمین کنگره بین‌المللی زیست پزشکی (ICB2021) پذیرفته و ارائه شده است. این کنگره آبان ماه سال جاری و به صورت مجازی با همکاری دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه کوفه عراق، دانشگاه Avicenna مجارستان و دیگر نهادهای بین‌المللی برگزار شد.

● مدال طلای المپیاد سواد رسانه‌ای در استان سجادرشیدی

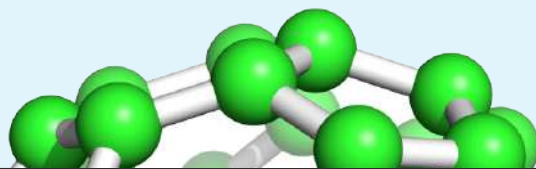


المپیاد سواد رسانه‌ای از سال ۱۳۹۶ با حمایت سازمان صداوسیما و با مجوز سازمان ملی استعدادهای درخشان برگزار می‌شود. امسال حدود ۱۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان در مرحله اول این رویداد علمی از ۳۱ استان کشور شرکت کرده و ۳۰۰ تن از آنان به مرحله دوم راه یافتند. نفرات برتر مرحله دوم از ۱۱ استان کشور با رقابت در مرحله سوم این المپیاد، به مدال‌های طلا، نقره و برنز دست یافتند. دارندگان مدال طلای المپیاد رسانه با عضویت در تیم ملی ایران در المپیاد بین‌المللی سواد رسانه سال ۲۰۲۲ (IMLO) شرکت کرده و در باشگاه هنر و رسانه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز بورسیه و عضو می‌شوند.

● کسب رتبه دوم مسابقات کشوری نانوفناوری



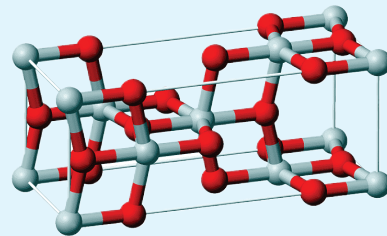
دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم مفید یادگار امام موفق به کسب رتبه دوم در دومین دوره مسابقات کشوری نانوفناوری پژوهش‌سراهای دانش‌آموزان شدند. امیرمهدی مهری اردستانی، نیما جواهرپور و متین مرادی شبلو، با هدایت استادانشان آقایان زارع، شوکتی و خدارحمی به این مهم دست یافتند.



● پذیرفته شدن پروژه دانش آموز مفید در کنفرانس بین المللی مواد فوق ریزدانه



پروژه بردیا یعقوبی، پژوهشگر پایه دوازدهم دبیرستان دوره دوم مفید یادگار امام در هشتمین کنفرانس بین المللی دوسالانه موادفوق ریزدانه و نانوساختار دانشگاه تهران (UFGNSM2021) پذیرفته و ارائه شد. این پروژه در رشته پژوهشی شیمی و نانو و با عنوان: سنتز لایه نازک TiO_2 شفاف با خواص تقویت شده خودتمیز شونده آنتی استاتیک با استفاده بر روی لایه شیشه‌ای، با هدایت و نظارت آقایان زارع و شوکتی استادان بردیا یعقوبی در این کنفرانس ارائه شد. لازم به ذکر است این کنفرانس ۱۵ و ۱۶ آبان ۱۴۰۰ توسط دانشگاه تهران با همکاری دانشگاه ترنتو ایتالیا به صورت مجازی برگزار شد.



● بازدید چند تن از شیعیان پاکستان از دبیرستان دوره اول مفید یادگار امام



چند تن از شیعیان کراچی پاکستان برای تأسیس مدرسه فاطمیان در آن کشور، از دبیرستان دوره اول مفید یادگار امام بازدید کردند. این گروه چهار نفره که از فارغ التحصیلان یا دانشجویان مقطع دکتری در جامعه المصطفی هستند، پس از دیدار و گفت‌وگو با آقای سید رضا میرقاسمی، مدیر مدرسه و بحث و گفت‌وگو پیرامون پیرامون سیاست‌های آموزشی و تربیتی مفید، از امکانات سخت‌افزاری مدرسه بازدید و با نحوه فعالیت این مرکز آموزشی آشنا شدند.



● بازارچه اینترنتی محصولات و خدمات ساخت دانش آموزان مفیدمزداران



دانش آموزان پایه ششم دبستان مفید مزداران، محصولات و خدمات ساخت خودشان را برای فروش در یک بازارچه اینترنتی قرار دادند. این بازارچه از ۱۰ تا ۱۳ اسفند با امکان خرید به صورت آنلاین، در دسترس علاقه‌مندان بود و پس از پایان زمان بازدید، دانش آموزان محصولات خریداری شده را به تعداد درخواست شده تکثیر و در محل دبستان به خریداران تحویل دادند. لازم به ذکر است دانش آموزان، درصدی از سودشان را هم به امور خیریه اختصاص دادند.

● کارگاه دانش افزایی ویژه دبیران و کارکنان مجتمع

کارگاه دانش افزایی ویژه دبیران و کارکنان مجتمع با محوریت کتاب تفاوت مدیر عالی در دبیرستان دوره اول یادگار امام برگزار شد. در این کارگاه دو ساعته که با حضور ۲۵ تن از دبیران و کارکنان مجتمع برگزار شد، شرکت کنندگان با ارائه آقای سیدرضا میرقاسمی، مدیر دبیرستان دوره اول یادگار امام، با سرفصل‌های اصلی کتاب «تفاوت مدیر عالی» آشنا شدند و در مورد موضوعات مطرح شده در این کتاب به بحث و تبادل نظر پرداختند.





نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران قادرند تا در زمینه‌های زیر خدمات فردی و گروهی (کارگاه و سخنرانی) ارائه دهند.

کودک

رویکرد ما برای شروع کار با کودکان، با ارزیابی کامل از رشد و عملکرد آنها آغاز می‌شود، زیرا ما دنبال درک مشکل ارائه شده و همچنین مسائل اساسی هستیم. تمام جنبه‌های زندگی و تجربه کودک را ارزیابی می‌کنیم تا مرحله رشد فعلی و نقاط قوت او را به بهترین شکل درک کنیم و در عین حال به دنبال شناسایی مواردی هستیم که نیاز به توجه، اصلاح یا بهبود دارند. پس از تشخیص، یک جلسه بازخورد پیگیری برای ارائه یافته‌ها و توصیه‌های دقیق قبل از تعامل با کودک یا خانواده برگزار می‌شود. هنگامی که خدمات در حال انجام است، ممکن است با همکاری والدین، به صورت مداوم ادامه دهیم تا فرایند خود را به بهترین نحو اطلاع دهیم و مناسب‌ترین استراتژی‌ها و منابع مفید را در حین حرکت به جلو شناسایی کنیم. ما علاوه بر این در کمک به کودکانی که مشکلاتی مانند اضطراب بیش از حد و مشکلاتی مانند خشم را تجربه می‌کنند، تخصص داریم و با آنها بازی می‌کنیم تا به اهمیت شناسایی شرایط یا عوامل بازدارنده که مانع پیشرفت می‌شوند، پی ببرند.

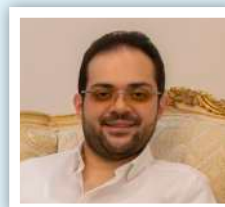
نوجوان

نوجوانی دوره رشد منحصربه‌فردی است که با رشد روشن فکر، کاوش هویت، هدایت گروه‌های اجتماعی و افزایش استقلال مشخص می‌شود. مبارزات در این دوره غالباً چالش برانگیز و کاملاً طبیعی و البته سزاوار یک نگاه دقیق است. نوجوانانی که مسأله دارند، با ابزارهای مختلفی برای تسلط بر این وظایف رشدی حمایت می‌شوند. رویکرد ما نسبت به مسائل رایج نوجوانان، از جمله تغییرات هورمونی، مشکلات یادگیری، پویایی خانواده، تصویر بدن، و عزت نفس حساس است. روان‌شناسان ماسعی می‌کنند



امیرحسین دولو

مدیر داخلی مرکز مشاوره و خدمات روانشناسی ندای مفید



مابه کیفیت

زندگی می‌اندیشیم

و به دانش آموزان و

والدین شان کمک

می‌کنیم تا در فراز و

نشیب‌های زندگی

حرکت کنند؛ چه حرکت‌هایی که دست‌اندازهای

کوچک دارد و چه مسیرهایی با موانع سخت و

دشوار. مجتمع آموزشی مفید در پاسخ به

درخواست‌ها و نیازهای اولیای مدارس اقدام به

تأسیس مرکز مشاوره و روان‌شناسی ندای مفید

کرده است. تیم مجرب این مرکز، زیر نظر سازمان



در رابطه شما را شناسایی می‌کند و بینش و ابزارهایی را برای تأثیر مثبت بر رابطه یا قطع آن رابطه ارائه می‌دهد.

زوج درمانی

زوج درمانی کمک می‌کند تا برای درک و حل تعارضات و بهبود روابط زوج‌ها درست عمل شود. همچنین ابزارهایی را برای برقراری ارتباط بهتر، گفت‌وگو درباره اختلافات، حل مشکل مؤثرتر و حتی اختلاف نظرها به شیوه‌ای سازنده‌تر و سالم‌تر فراهم می‌شود. مشکلات رایج ممکن است در طیف وسیعی از سناریوهای ارائه شده شناسایی شوند. ممکن است شریک زندگی شما از سر کار به خانه بیاید و زمان قابل توجهی را با تلفن همراه بگذرانند. شاید متوجه شده باشید که هفته‌ها «مکالمه واقعی» نداشته‌اید یا دیگر به سختی ارتباط برقرار کرده‌اید. اغلب اوقات مشاجره‌های مکرر و شدید بر سر مسائل مالی دارید. یا صمیمیت از بین رفته است. اینها همه نشانه‌های جدی هستند که زمان آن فرا رسیده تا با کسی صحبت کنید که می‌تواند کمک‌تان کند. این نقش یک زوج درمانگر و نخستین گام برای دریافت راهنمایی‌هایی است که برای نجات و بازسازی رابطه‌تان نیاز دارید.

نوجوانان را به مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد اهداف و تعیین جهت دعوت کنند. همچنین از طریق آن نوجوانان می‌توانند مهارت‌های جدیدی را که بازتاب‌دهنده یک هویت مستقل است، تمرین کنند، زیرا یاد می‌گیرند مسئولیت اعمال، تصمیم‌ها و نتایج خود را برعهده بگیرند. این در حالی است که برخی از کودکان و نوجوانان در مراحل مختلف رشد خود دچار مشکل و برخی در یادگیری با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. با این حال، در صورت تداوم این وضعیت، شناسایی مشکلات یا ضعف‌هایی که زمینه‌ساز مشکلات فرزند شما هستند و موفقیت تحصیلی و اجتماعی او را تضعیف می‌کنند، ممکن است مفید باشد. علائمی که ممکن است نشان دهد کودک یا نوجوان نیاز به توجه یا کمک بیشتری دارد؛ ناامیدی مربوط به کار مدرسه در کلاس درس یا با تکالیف، موفق نبودن در عرصه‌ی تحصیلی یا مشارکت نداشتن یا نبود انگیزه، مقاومت مدرسه، رفتار اجتنابی (ممکن است معده درد یا سردرد را بیان کند)، یا تنفر ظاهری از مدرسه، مشکلات اجتماعی یا عاطفی مداوم و مسائلی از این دست. اگر فرزند شما هر یک از این مشکلات را تجربه می‌کند، یک ارزیابی روانی-تربیتی می‌تواند اطلاعات مهمی را شناسایی تا به شما در درک نیازهای فرزندتان و ارائه کمک در خانه و مدرسه کمک کند.

خانواده و فرزندپروری

مهارت‌های فرزندپروری مؤثر را می‌توان به سرعت آموخت و اجرا کرد. صرف‌نظر از برخی راه‌حل‌ها و روش‌هایی که مشاوران و روان‌شناسان ما روی آن کار می‌کنند عبارتند از: روش‌های فرزندپروری، استراتژی‌هایی برای بهبود ارتباطات و روابط والدین و فرزند، درک مسائل اساسی مهم با توجه به رشد کودک، تعیین حد مؤثر و انضباط کودک و راه‌حل‌های مؤثر برای برطرف کردن درگیری خواهر و برادر.

پیش از ازدواج

جلسات، کارگاه‌ها و آزمون‌های مشاوره قبل از نامزدی و ازدواج مرکز ما، نقاط قوت و چالش‌های موجود



@Mofidpsy



مرکز مشاوره و روانشناسی ندای مفید ۰۹۹۲۴۲۲۰۷۶۷

نشانی: خیابان ستارخان، خیابان شادمهر (شادمان)، خیابان شهید ذوالفقاری، بلوار شهید سیادت، جنب پاساژ مفید، پلاک ۳۹



بزرگداشت مدیران سه دهه دبیرستان مفید قیطریه

ار دبیلی یاد کرد. تفاوت مرجعیت ایشان با دیگران این بود که از ابتدا دنبال تأسیس موسسات آموزشی بودند. آن نیت خالص اتفاق افتاد و همکاران با تمام وجود در مفید کار کردند. در مفید محیطی گرم و صمیمی داریم. البته هر محیط آموزشی نقایصی دارند که باید آنها را برطرف کرد.»

صدرالدین ناظم نیز گفت: «در مدرسه مفید من در واقع مدیر نبودم. مدیر دبیرستان به نوعی کسان دیگر بودند و من در برنامه آنها دخالت نمی کردم. اگر به همان زمان بازگردم، اتفاقات احتمالاً همان گونه رقم خواهد خورد. من از ابتدا به این مهم باور داشتم که گروه دبیرستان گروهی الهی است.»

علیرضا باقری نیز در این مراسم گفت: «مدرسه مفید که در تهران در دهه ۷۰ مدیریت می کردم و پس از بازگشت از سفر کیش به آنجا آمدم، بسیار آباد بود و مدیریتش با هیچ مشکل و مساله ای روبه رو نبود. من در طول همه سال های فعالیتیم در مجموعه مفید به معنای واقعی کلمه حظ بردم و از مجموعه فعالیت هایم لذت برده ام.»

وی گفت: «طی ۳۲ سالی که در آموزش و پرورش کار می کنم، همواره با شادی و نشاط وارد مدرسه شده ام و در هر مدرسه ای که حضور داشته ام، از کارم لذت برده ام. از کنار همکاران بودن حتی در جزیره کیش، نهایت بهره را برده ام. در تهران هم با وجود همه سختی ها، از کنار همکاران بودن، لذت می بردیم. همه کسانی که در مفید با آنها آشنا شده ام، پتانسیل های مختلف داشتند.»

علیرضا باقری ادامه داد: «مدرسه زندگی که شعار مدرسه مفید است، ابتدا باید متعلق به همکاران باشد. اگر چنین شد متعلق به بچه ها هم خواهد بود. اگر معلمان و همکاران آرامش داشته باشند و از کنار یکدیگر بودن لذت ببرند و همواره یادگیرنده باشند، شعار مدرسه زندگی محقق خواهد شد. تلخ ترین

بزرگداشت مدیران سه دهه دبیرستان مفید قیطریه با حضور جناب آقای دکتر دانش ریاست مجتمع آموزشی مفید و در دورهمی خانوادگی همکاران دبیرستان دوره دوم مفید قیطریه به مناسبت شب یلدا برگزار شد.

دکتر فخرالدین دانش نیز در این مراسم گفت: «باید از همه عزیزان که در مدرسه مفید قبول زحمت کردند، نهایت تشکر را کنم. خدا را شاکرم که چنین عزیزی را در کنار خودم دیده ام. همدلی ای که در مفید وجود داشت، هیچ جا ندیدم. اغلب قریب به اتفاق همکاران نسبت به مجموعه مفید تعصب داشته و دارند.»

وی تأکید کرد: «دغدغه مدیران این است که همکاران نسبت به مفید تعلق خاطر داشته باشند. کمتر جایی را می توان یافت که این خصوصیات را مجموع داشته باشد. در مفید کسانی که از مدرسه رفته اند، هنوز با این مجموعه در ارتباط اند. در نیت تأسیس این مدرسه باید از آیت الله موسوی



گزینش و انتخاب همکاران است. جا دارد امروز و در اینجا از همه کسانی که با من همکار بودند و به ویژه آقای دانش که به من اعتماد کردند، تشکر کنم.» صدرالدین ناظم نیز در ادامه گفت: «حمیدرضا زرین، شخصیتی، باهوش، خلاق و متفکر است. چالش های فکری و اصلاحی به دست آقای زرین انجام گرفت. هر چه آرزو داشتم به دست ایشان انجام شد. باید اذعان کنم از این گونه مدیران نبودم که کارهایم صد درصد درست باشد. بنابراین سعی داشته ام امثال آقای زرین در مجموعه مفید کار خودشان را انجام دهند.» در این برنامه، خدمات آقایان صدرالدین ناظم، حمیدرضا زرین و علیرضا باقری، در جایگاه مدیریت دبیرستان دوره دوم مفید قیطره در سه دهه گذشته مورد قدرانی قرار گرفت.

زمان در مدرسه مفید زمانی بود که همکاران یا بچه ها از من جدا می شدند.» حمیدرضا زرین نیز در این نشست گفت: «وقتی کسانی کارشان را از خود بدانند، کار را به نحو احسن انجام می دهند. حتی در تصمیمات مالی هم چنین است. اگر کسی کارش را بداند و با دوستانش ارتباط خوبی داشته باشد، از مظاهر دیگر قدرت رسمی هم می تواند بهره ببرد.» وی توضیح داد: «وقتی وارد مدرسه مفید شدم، بزرگانی در مفید بودند که فکر می کردم اعتبار مدرسه به وجود آنهاست. خلاقیت، اعتماد به نفس و ریسک پذیری، ظرفیت هایی است که مدیریت مدرسه لاجرم باید داشته باشد. در عین حال گروه اداره کننده مدرسه باید گروهی مجرب باشند. البته هر مدیری توانایی های خاص خودش را دارد. آقای باقری جزو مدیران تحول گرا محسوب می شدند.» زرین افزود: «مهم ترین عامل موفقیت یک مدرسه وجود همکاران است. نمی توانید در کارتان موفق باشید اما با همکارانتان همگام نباشد. منظورم از همکاران، در یک کلمه، همدلی و همراهی آنهاست که مهم ترین عامل موفقیت به شمار می رود. مهم ترین عامل موفقیت من، وجود همکاران مختلف با انگیزه ها و توانایی های مختلف در کنارم بود. رمز موفقیت مدارس مدیرانشان نیستند، بلکه هنر آنها در



مدارس مفید

دوره اول متوسطه

www.mofidsch.ir

https://t.me/mofid_sch
www.instagram.com/mofid.official

مفید دخترانه

📍 خیابان شریعتی، پایین تر از حسینیه ارشاد
نشانی جدید: خیابان دولت، بلوار کاوه، خیابان اخلاقی شرقی

مفید قیطریه (پسرانه)

📍 اتوبان صدر، بلوار کاوه شمالی

مفید یادگار (پسرانه)

📍 اتوبان یادگار، نرسیده به تقاطع آزادی

مفید قلهک (پسرانه)

📍 خیابان شریعتی، بالاتر از ایستگاه مترو قلهک

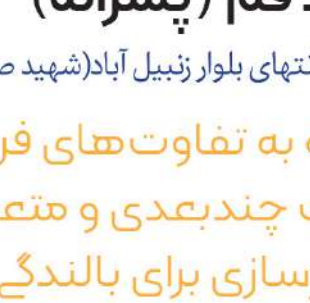
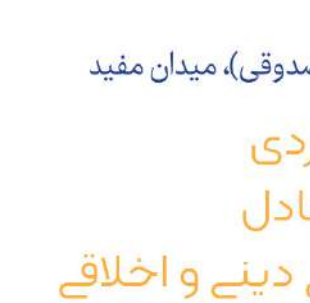
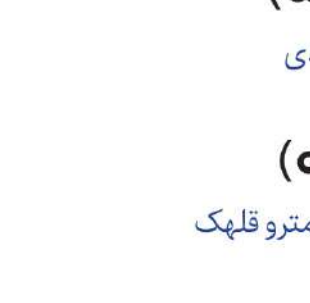
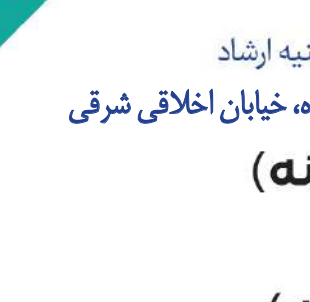
مفید قم (پسرانه)

📍 قم، انتهای بلوار زنبیل آباد (شهید صدوقی)، میدان مفید

توجه به تفاوت‌های فردی
تربیت چندبعدی و متعادل
بسترسازی برای بالندگی دینی و اخلاقی

تقویت انگیزه درونی
کار عمیق علمه
نشاط و شادابی

مفید مدرسه زنجی





دبستان‌های مفید در یک نگاه

مفید مدرسه زندگی

بیاور داریم :

- انسان ذاتا یادگیرنده است و تمایل به یادگیری دارد؛ یادگیری برای او یک فرآیند ضروری، فطری، مستمر و مادام‌العمر است.
- انگیزه‌های درونی زیربنای یادگیری معنادار و عامل تکامل انسان است.
- یادگیری از جنس انتقال دانش نیست؛ بلکه یک فرآیند ساخت معنا توسط یادگیرنده است. بنابراین یادگیرنده در یادگیری نقش فعال دارد و مسئول یادگیری خودش است.
- هر یادگیرنده یکتا و با دیگران متفاوت است؛ یادگیرندگان به روش‌های مختلف و با سرعت‌های متفاوتی یاد می‌گیرند.

دبستان منطقه دو (پسرانه)

مرزداران، خیابان ابوالفضل

۴۴۲۵۹۲۱۵

دبستان منطقه سه (پسرانه)

خیابان شریعتی، بالاتر از ایستگاه مترو قلهک

۲۲۶۴۸۶۶۰

دبستان منطقه سه (دخترانه)

خیابان شریعتی، خیابان یخچال

۲۲۶۰۵۴۷۰

دبستان قم (پسرانه)

قم، ضلع شمالی دانشگاه مفید

۳۲۹۱۱۰۸۰





.....مدارس مفید

متوسطه دوره دوم (دبیرستان)



دبیرستان پسرانه مفید (یادگار امام)

رشته های ریاضی و تجربی

مسیر دسترسی ۱: خیابان آزادی، خیابان حبیب الله، بلوار شهید تیموری (به سمت یادگار)، نبش کوچه شهید عموزاده

مسیر دسترسی ۲: بزرگراه یادگار امام (ره) جنوب، بلوار شهید تیموری، نبش کوچه شهید عموزاده
تلفن ۰۲۱ - ۶۶۰۰۵۰۰۱



دبیرستان پسرانه مفید (قیطریه)

رشته های ریاضی و تجربی

آدرس: بزرگراه صدر، بلوار کاوه شمالی، روشنایی غربی، بن بست مفید، دبیرستان دوره دوم پسرانه مفید (قیطریه)

تلفن ۰۲۱ - ۲۲۲۰۸۵۳۰



دبیرستان پسرانه مفید (نیایش)

رشته های انسانی و ریاضی

آدرس: شهرک قدس (غرب)، بلوار شهید دادمان، بلوار درختی، خیابان شهید حافظی (ارغوان غربی)، کوچه پرتو

تلفن ۰۲۱ - ۲۲۰۶۵۰۸۷



دبیرستان دخترانه مفید

رشته های ریاضی و تجربی و انسانی

آدرس: خیابان دولت، خیابان مفاخری، پلاک ۱۴
تلفن ۰۲۱ - ۲۶۶۱۰۳۹۴



آدرس جدید: خیابان دولت، بلوار کاوه، خیابان اخلاقی شرقی خیابان جهانتاب، ابتدای هنگامه شرقی

دبیرستان پسرانه مفید (قم)

رشته های ریاضی و تجربی و انسانی

آدرس: میدان شیخ مفید، جنب درب اصلی دانشگاه مفید، متوسطه دوره دوم مفید
تلفن ۰۲۵ - ۳۲۹۱۶۲۰۰ و ۰۲۵ - ۳۲۹۱۶۲۰۵



www.mofidsch.ir
https://t.me/mofid_sch
www.instagram.com/mofid.official

رتبه‌های برتر کنکور سراسری ۱۴۰۰ در رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم انسانی



امیر حسین نجاری
مهندسی عمران - خواجه نصیر



امیر مهدی عباسی
حقوق - علوم تحقیقات



امیر حسین شقاقی
فلسفه - علامه طباطبایی



علیرضا کیا
مهندسی صنایع - خواجه نصیر



محمد حسین موسوی
جامعه شناسی - علامه طباطبایی



امیر علی مسعودی
حقوق - تهران غرب



امیر رضا جوانمردی
مهندسی معدن - امیر کبیر



کسری شمدانی
زبان شناسی - اصفهان



میلاد تقی زاده
مهندسی مکانیک - خوارزمی



محمد علی میقانی
مهندسی مکانیک - امیر کبیر



مهراد نظیری
حقوق - علم و فرهنگ



محمد مهدی محمدی
مهندسی برق - خواجه نصیر



امیر حسین شاه پری
جامعه شناسی - علامه طباطبایی



محمد امین صلاحی
حقوق - علامه طباطبایی



محمد رضا بهرامی
مدیریت بازرگانی - دانشگاه تهران



متین حسینی
معماری داخلی - دانشگاه هنر



علی امیری راد
مهندسی برق - امیر کبیر



علیرضا شعبانی
مهندسی مکانیک - خوارزمی



اروافصل حاجی حسن
مدیریت صنعتی - علم و فرهنگ



سید محمد موسوی
روانشناسی - علوم تحقیقات



محمد مهدی صالحی
مهندسی برق - شهید بهشتی



دیپارتمان مفید نیایش



محمد صدرا ولازاده
علوم سیاسی - دانشگاه تهران

رتبه‌های برتر کنکورهای گذشته



علوم انسانی و ریاضی و فیزیک و هنر

۱۱ سراسری ۸۶ روح... اصغری مدیریت دانشگاه تهران	۱۰ سراسری ۹۲ سیدحمید میری مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف	۶ سراسری ۹۱ سیدمحمد علی حسینی روانشناسی دانشگاه تهران	۵ سراسری ۹۲ امیرحسین ملک مدنی حقوق دانشگاه شهید بهشتی	۴ سراسری ۹۰ امیرمحمد حاج نجفی حقوق دانشگاه تهران	۳ سراسری ۹۳ امید شمس الهی حقوق دانشگاه تهران				
۹۶ سراسری ۹۴ محمد صالح سپهری	۹۵ سراسری ۹۷ کسری حاجیان	۸۷ سراسری ۹۴ محمد مبین ارجمندفر	۷۸ سراسری ۹۵ سیدکسری بنی کریمی	۷۶ سراسری ۹۴ محمد امین مولودی	۶۷ سراسری ۹۸ محمد یاسین پوینده	۵۵ سراسری ۹۴ محمد حراست	۵۳ سراسری ۹۴ امیررضا مظفری	۵۳ سراسری ۹۵ رضا شاهرخی	۴۸ سراسری ۹۸ محمد صدرا افشاری

مفید مدرسه اردبیل

نفرات برتر کنکور ۱۴۰۰

امیرحسین شاه‌پری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی	محمد امین صلاحی حقوق دانشگاه علامه طباطبائی	محمد رضا بهرامی مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران	محمد صدرا والازاده علوم سیاسی دانشگاه تهران
امیرمهدی عباسی حقوق دانشگاه علوم و تحقیقات	امیرحسین شقاقی فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی	سیدمحمدحسین موسوی جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی	مهداد نظیری حقوق دانشگاه علم و فرهنگ
امیرعلی مسعودی حقوق دانشگاه تهران غرب	کسری شمعدانی زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان	ابوالفضل حاجی حسن مدیریت صنعتی دانشگاه علم و فرهنگ	سیدمحمد موسوی روانشناسی دانشگاه علوم و تحقیقات
محمد مهدی محمدی مهندسی برق دانشگاه خواجه نصیر	امیرحسین نجاری مهندسی عمران دانشگاه خواجه نصیر	علیرضا کیا مهندسی صنایع دانشگاه خواجه نصیر	محمد مهدی محمدی مهندسی برق دانشگاه خواجه نصیر
محمد علی میقاتی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر	متین حسینی معماری داخلی دانشگاه هنر	علی امیری راد مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر	علیرضا شعبانی مهندسی مکانیک دانشگاه خوارزمی
		امیررضا جوانمردی مهندسی معدن دانشگاه صنعتی امیرکبیر	میلاد تقی زاده مهندسی مکانیک دانشگاه خوارزمی

دبیرستان

مدال‌های المپیاد

ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

۰۹۱۰ ۴۵۵ ۲۰ ۳۰

mofidsch.ir/h3

@mofid3highschool

@highschoolmofid3

۱ سال ۱۴۰۰ سجاد رشیدی المپیاد سواد رسانه‌ای	۲ سال ۱۳۹۷ علی جمشیدی المپیاد ادبی	۱ سال ۱۳۹۶ حسام‌الدین قهاری المپیاد ادبی	۱ سال ۱۳۹۳ کی‌ارش صالحی المپیاد ادبی	۱ سال ۱۳۹۲ محمد جواد عسکری المپیاد ادبی
--	---	---	---	--



زیادت
هم نشینی با صاحب نظران علوم انسانی

هدات
آشنایی با رشته های دانشگاهی

شهر نوردی
پژوهش در بستر شهر نوردی

سقراط
برگزاری جشنواره علمی پژوهشی

انسانی

فرصت
نشریه دانش آموزی مفید ۳



دوره مهارت آموزی "تعالی"
برگزاری کلاس ها و کارگاه های مهارت های رفتاری (فن بیان، مدیریت، خلاقیت، سواد مالی و...) و مهارت های هنری (سواد رسانه، فیلم سازی، گرافیک، عکاسی و...)

ان مفید ۳

جشنواره های هنری
"فیلم کوتاه باران"
و "شعر و داستان همیشه بهار"
محلی برای بروز استعداد های هنری دانش آموزان

ریاضی

قرار
دوره علمی بچه های ریاضی



برگزیده پذیرفته شدگان کنکور ۱۴۰۰ دیرستان مفید قیطریه



مهدی صاحب الزمانی
کامپیوتر - امیرکبیر



محمد جلیوند
صنایع - امیرکبیر



محمد حسین افقهی
صنایع - امیرکبیر



فرید محمدزاده
صنایع - امیرکبیر



حسین سعادت
پزشکی آزاد واحد تهران پزشکی



سید یزدان سیدبابایی
برق - علم و صنعت



سید علیرضا متقی
علوم کامپیوتر - بهشتی



علی پارسا گلپورور
مکانیک - بهشتی



امیرحسین حسن زاده
کامپیوتر - بهشتی



عمید اثنی عشری
مکانیک - بهشتی



معین یاصفا
معدن - تهران



مهدیار مظفری
عمران - تهران



امیرعلی معماری
عمران - علم و فرهنگ



ارسلان فخرایی
معماری داخلی - علم و فرهنگ



مهدی سید شبستری
معماری داخلی - علم و فرهنگ



محمدحسین ملکی فر
کامپیوتر - علم و فرهنگ



سید ایمان صدق
کامپیوتر - علم و فرهنگ



سید محمدایمان عشاقی
آمار - علم و فرهنگ



محمد امین داودی
معدن - صنعتی اصفهان



سپهر سادات میرانی
عمران - صنعتی قم



کسری محوی
کامپیوتر - سهند تبریز



محمد مهدی حسابی
شهرسازی - یزد



امیررضا صابریان
عمران - سمنان



محمد صدرا سرپرنده
کامپیوتر - شیراز



محمد امیر اللهی
زیست شناسی سلولی مولکولی
دانشگاه مازندران



محمد رضا رعیتی
علوم آزمایشگاهی
علوم پزشکی خمین



آریا مهدوی ایزدی
زیست شناسی سلولی مولکولی
دانشگاه سمنان

مفید مدرسه زندگی



آرمین پهرانچی
ریاضیات و کاربردها - شریف



علی سینا فخرایی
صنایع - شریف



محمد امین نمازی فرد
عمران - شریف



محمد مهدیار کاظم ستوده
عمران - شریف



ماهان مشیری
شیمی کاربردی - شریف



مبین آزادانی
کامپیوتر - علم و صنعت



علی ولی زاده
صنایع - علم و صنعت



سید امیرحسین میریان
عمران - علم و صنعت



سید امیربوذر جمهری
صنایع - علم و صنعت



مهیار قنبرزاده
عمران - علم و صنعت



برسام ایاز پور
مکانیک - خواجه نصیر



سید ایمان میرعارفیان
عمران - شاهد



امیرعباس عمویور کلیمشی
صنایع - علم و فرهنگ



امیر محمد تافتی
علوم کامپیوتر - شاهد



محمدپارسا اسگری سرشگ
عمران - علم و فرهنگ



سیحان شایگان فرد
ایمنی - علم و فرهنگ



فرید رحمانیان
مکانیک - علم و فرهنگ



محمد سام عباسی راد
کامپیوتر - صدر المتالهین



بهداد پور جعفری
صنایع - صدر المتالهین



سید محمد دانیال ملواتیان
معدن - صنعتی اصفهان



رادین صفدری
شهرسازی - معماری و هنریارس



میلاد عطایی
مهندسی شیمی - تفرش



امیرعلی علی اکبری
صنایع - ارشاد



محمد رضا محمد حسینی
تکنولوژی پرورشاسی
علوم پزشکی زنجان



سید محمد رضا اچسانی
زیست شناسی سلولی مولکولی
خوارزمی

برگزیده پذیرفته شدگان کنکور ۱۴۰۰ دیرستان مفید یادگار امام



امیرحسین زارعیان
مکانیک - دانشگاه تهران



امیرحسین اسماعیلی
مکانیک - دانشگاه تهران



سیدحمیدرضا میرطاهری
صنایع - دانشگاه تهران



علی مومنی
مهندسی برق - دانشگاه تهران



امیرحسام جعفری راد
برق - دانشگاه تهران



محمد امین حیدری
هوافضا - دانشگاه شریف



محمد مهدی افصح
صنایع - دانشگاه امیرکبیر



مهدیار غلامی
صنایع - دانشگاه امیرکبیر



پارسا نصیری
صنایع - دانشگاه امیرکبیر



ارشاد سبحانی
کامپیوتر - دانشگاه امیرکبیر



زهیر بحر العلومی
شهرسازی - دانشگاه تهران



علیرضا باباکزاده
نمدیریت مالی - دانشگاه تهران



نوید نقی زاده
برق - علم و صنعت



عباس جنابی قویم
برق - علم و صنعت



امیرحسام باقری طورانی
برق - علم و صنعت



آرمان زرکلام
کامپیوتر - علم و صنعت



محمد مهدی اقدسی
کامپیوتر - علم و صنعت



امید علیزاده مقدم
ساخت و تولید - دانشگاه امیرکبیر



محمد مهدی بزرگی
مکانیک - خواجه نصیر



محمد هادی هادم
برق - خواجه نصیر



دانیال فاضل پور
کامپیوتر - خواجه نصیر



مهراب بهلولی
کامپیوتر - خواجه نصیر



محمد احمدی تژاد
مواد - علم و صنعت



امیرعلی صالح کیا
مواد - علم و صنعت



عرفان قرچیان
صنایع - خوارزمی



محمد رسول زند
مهندسی پزشکی - شاهد



پرهام صفاری
کامپیوتر - فردوسی مشهد



پرهام صفاری
روانشناسی - دانشگاه بهشتی



فرزین غفوری
کامپیوتر - دانشگاه بهشتی



میعاد نوری
نقشه برداری - خواجه نصیر



آرشا نیک سا
دانشگاه شریف - ریاضیات



هادی مهدوی صفت
دانشگاه شریف - مهندسی شیمی



محمد علی حسینی
دانشگاه شریف - مکانیک



مرتضی ره پیگ
دانشگاه شریف - مکانیک



محمدحسین فتوحی
دندانپزشکی - دانشگاه بهشتی



امیررضا ایقانی
پرستاری - دانشگاه تهران



مهدی رزاقی
دانشگاه تهران - نقشه برداری



ایمان حبیبی
دانشگاه تهران - عمران



نیما ظریفی
دانشگاه تهران - عمران



امیرحسین انصاری
دانشگاه تهران - مکانیک



آرمان رضوانی
دندانپزشکی - دانشگاه البرز



مهرید خاتم نیا
دانشگاه ایران - پزشکی



نوید برومند
دانشگاه امیرکبیر - مهندسی شیمی



فرید یعقوبی
دانشگاه امیرکبیر - مواد



محمدحسین لاهی
دانشگاه امیرکبیر - مکانیک



شایان باغی
دانشگاه امیرکبیر - صنایع



محمدامین ارغنده پور
پزشکی - دانشگاه قزوین



محمدعلی فروزان
دانشگاه قزوین - پزشکی



محمدرضا فراهانی
عمران - علم و صنعت



احسان نظری
صنایع - علم و صنعت



محمدحسین عالیپور
صنایع - علم و صنعت



بهرادیرامی
صنایع - علم و صنعت



فرزان صلح جو
پزشکی - دانشگاه آزاد قم



مهیار ستایش فر
دندانپزشکی - دانشگاه تهران



عرفان معنوی
عمران - خواجه نصیر



محمداحسان منصوری
عمران - خواجه نصیر



امیرحسین عالی خانی
مکانیک - خواجه نصیر



محمد جواد گلی
مکانیک - خواجه نصیر



سیدامیر محمد خاتمی
پزشکی - دانشگاه آزادشاهرود



صالح علیزاده
فیزیوتراپی - دانشگاه تهران



محمدحسین قاسمی
دندانپزشکی - دانشگاه تهران



مهدیار طالب
پرستاری - دانشگاه بهشتی



یونس حاجی بابایی
پزشکی - دانشگاه البرز



دبیرستان دخترانه مفید

دوره دوم



ارزش های
اصیل ما

خود
ساختگی

خود
انگیزگی

خود
کنترلی

خود
الهام بخشی

خود
یادگیری

دبیرستان دخترانه مفید، مدرسه ای است با رویکرد مدرسه زندگی، بستر رشدی را فراهم ساخته است تا در دوران کلیدی رشد، دوران نوجوانی، ساحت های وجودی انسان به نسبتی متعادل در کنار هم بالنده شوند. ارزشهایی که برای آن ها ایستاده ایم دخترانمان را برای زیست در یک بازی زندگی، قدرتمندانه حمایت می کند. با رویکردی ارزش آفرین گام به گام همراه با تیم راهبری و دبیرانی که زیستی مبتنی بر این ارزشها دارند، تسهیلگرانه کنارشان ایستاده ایم و همگی در کنار هم رشد و بالندگی را تجربه می کنیم.



۲۶۶۱۰۳۹۴



خیابان پاسداران، بهارستان یکم، پلاک ۲۲



Girls_mofid_highschool



mofidsch.ir



مدارس مفید پیشرو در آموزش تراکریبی



مفید، مدرسه زندگی



زمستان ۱۴۰۰